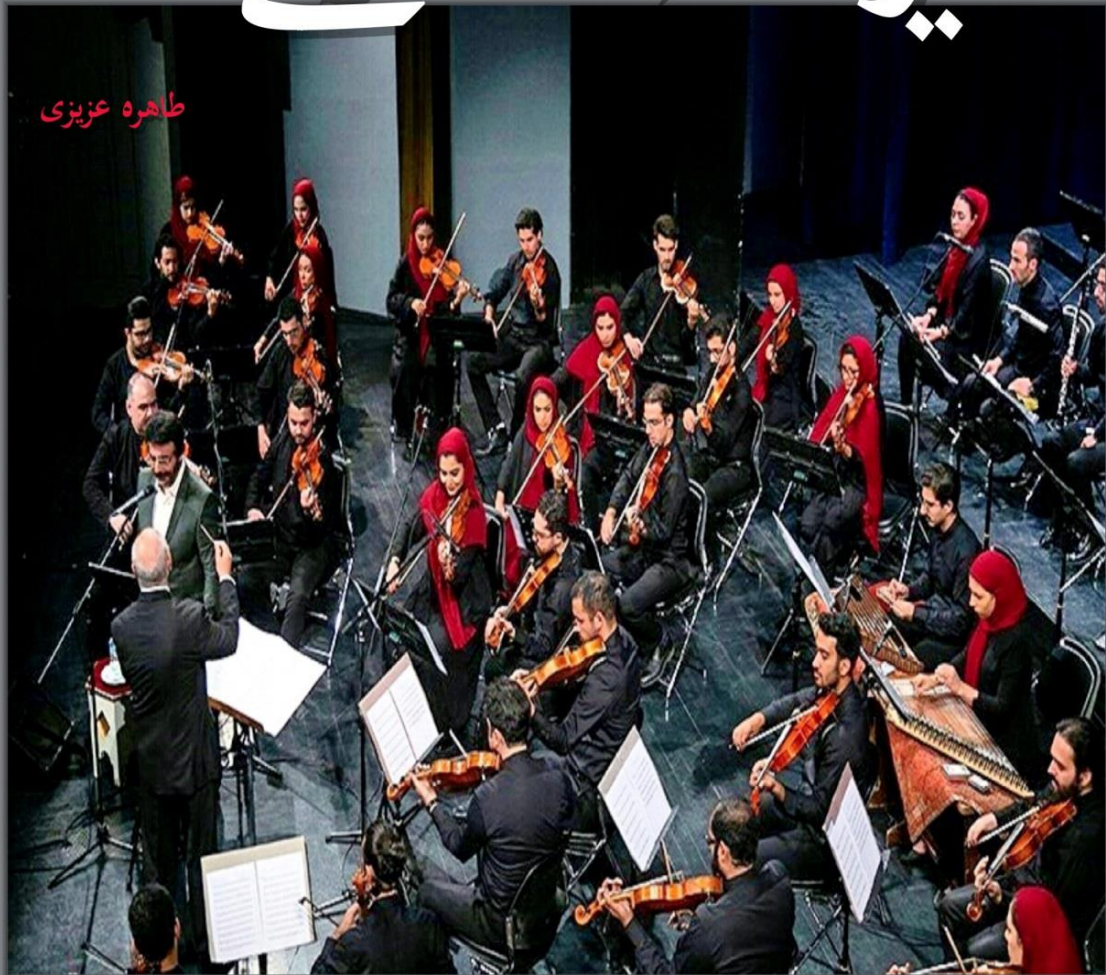


دیسکوگرافی و حقوق بشر

علیرضا افتخاری



علیرضا افتخاری

دیسکوگرافی و حقوق بشر

طاهره عزیزی*

* مولف کتاب "نقش موسیقی در ترویج و حمایت از حقوق بشر"

من آن شبان عاشقم، هوهوی من هی های من

نخستین بار در تابستان میان سوّم-چهارم دبستان به واسطه آلبوم "گل میخک" با صدای پُر قدرت و پُر احساس آقای افتخاری آشنا شدم. این کاست هدیه ای بود از سوی دخترِ پسر عمویم به یکی از خواهرانم، که من آن را از ضبط صوت پس از اذان، و موج موسیقی عربی (نافله!) گوش می دادم. بیشتر ترانه هایش را از بر کردم. این مساله دلیل کاهش گوش دادن به موسیقی عربی (و گویش های ساختگی آن) در آن زمان برای من بود.^۱

با اینکه اجباری در بُردن چهار-چنج بُز و بُزغاله به چَرا برای من نبود، اما این باعث می شد با صدای بلند آواز بخوانم. بزها سر به راه بودند، خودشان گاهی با پوزه و گاهی با شاخ دَرَب را باز می کردند. مسیر رفت و برگشت را هم بلد بودند و دردسری نداشت.^۲ بنابراین من بیشتر ترانه های این آلبوم (که برخی بازخوانی شده بودند) را با صدای بلند می خواندم. اما به این آلبوم و گوش دادن به تک آهنگ هایی در گوشه و کنار تا زمان دانشجویی به شکل موقت پایان یافت. با ورود به دانشگاه چند ماه یک بار یک آلبوم کاست را می گرفتم و گوش می دادم. تا پایان دوره شُمار آنها به ۳۶ کاست رسید. سایر ترانه ها را به شکل غیر قانونی گوش داده ام. به پاس احساس پاک و پیشبرد موسیقی آرام و متین ایران، این دیسکوگرافی را با کوتاه گفتمانی درباره ی "حقوق بشر" گرد آوردم. طبیعی است که ممکن است اشتباهاتی داشته باشد، من نه تسلطی کامل به آثار ایشان دارم و نه موسیقی دان هستم.

^۱. تا مدّت ها گمان می بردم که ام کلثوم مرد است. با همه احترام، آوازه، احساس و قدرت صدایش من هم سنگ های ایرانی او را برتر از ایشان می دانم. ظرافت صدا در عین قدرت شگفت آور است.

^۲. انسان حتّی درباره ی حیوانات هم نژاد پرست و بد گو است، و بر هر حیوان صفتی می نهد. در دوست داشتن و عدالت بر آنها نیز معمولاً انصافی ندارد.



حقوق بشر و آقای افتخاری

"اگر من صدای افتخاری را داشتم، دنیا را فتح می کردم." اگر چه این گفته از زبان زنده یاد محمد رضا شجریان منبع دُرست و اُستواری ندارد، اما ملاک توانایی ایشان نیست. اگر چه دیدگاه بزرگان هر هنر و علمی درباره ی دیگران ارزشمند است، اما در همین مَرز می ماند. جست و جوی اعتبار از زبان دیگران، هر چند بزرگ و شریف یک ابتذال و از هم گسیختی شخصیت است.

علیرضا افتخاری مهباری زاده ی ۱۳۳۵ شمسی در اصفهان است. به گفته ی خودش از شاگردان کلاس جلال تاج اصفهانی (به نظر بیشتر از روی احترام و اِرادت به اخلاق و مرام نیک ایشان است)، و استاد آواز مکتب اصفهان است. او برنده ی جایزه ی اول آواز در دومین آزمون باربد (۱۳۵۶ش) به داوری اساتید موسیقی استاد علی تجویدی، استاد علی اکبر شهنازی، دکتر مهدی فروغ، دکتر مهدی برکشلی، دکتر داریوش صفوت است. افتخاری با کارنامه ی بلند و خوب، زمان را برای برخی متوقف کرد. آلبوم های پُر شمار و تک آهنگ های بیشتر مناسبی از اوج، توانایی حنجره و انعطاف صدای او نکاسته است. در واقع این وجهه ی تمایز او است. آثار پُر شمار در موسیقی ردیفی، موسیقی برنامه ی گل ها، نغمه های محلی، ترانه های عامیانه، ترانه های کوچه بازاری، مرثیاتی مذهبی و حتی بازخوانی آثار مشهور موسیقیدانان جاودان (پیش از سال های ۱۳۵۷ش) که اختصاصاً برای صدای بانوان خواننده ساخته شده بود، گواه این ویژگی صدای اوست.

به باور من آقای افتخاری، در جایگاه خودش به عنوان موسیقیدان، تا حدی حقوق بشر را رعایت کرده است. **تا هنگامی که مسأله ای را جار نزنید، فهم آن برای بسیاری می شود.** به هر حال پیشینه فعالیت حرفه ای او این ادعا را تا حدی تأیید می کند. بازخوانی ترانه های بانوان همیشه جاودان موسیقی ایران، به نوعی حمایت (هر تن در توان و جایگاه خود) از آنها بوده است. انتخاب اشعار از برخی شاعران که گاهی مورد کم لطفی قرار می گرفتند همچون: امام محمد غزالی، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج و دیگران نشان بی اعتنایی ایشان به سخنان ناپاک است. همکاری با نوازندگان به نام کورد همچون: مجتبی میرزاده، حسین یوسف زمانی و دیگران، همچنین ترانه های زابلی و اقوام مختلف نشان از نبود تعصب در اندیشه ی او دارد. پس از ماجرای بی مورد (به نام سیاست) که برای او پیش آمد؛ با مرور تک آهنگ ها، متوجه درک و آگاهی ایشان به مسائل اجتماعی فراتر از اندیشه موسیقایی محض می شویم. بسیاری به شکل مستقیم و غیر آن از او گلایه و انتقاد کردند، اما او نگفت چرا دیگران به له گروه دیگر ترانه می خوانند و همانند آن. او از کسی بدگویی یا انتقاد نکرد. فهم این مسایل (بی پاسخ و ساده بودن) هنوز هم برای بسیاری دشوار است. اگر چه باورهای برخی ملل به شکل دیمی رشد کرده است، به هر حال به نظر نمی رسد چندان درباره ایشان که به باور من یکی از بزرگترین خواننده های تاریخ جهان است، حقوق بشر (فراتر از اخلاق) رعایت شده باشد.^۳

^۳. (میان همه خوانندگان کورد، پارس، عرب و انگلیسی زبان- تنها بخشی از شخصیت پروانه امیر افشاری- بانو حمیرا را دوست دارم).

نام آلبوم ها^۴

(چند آلبوم نخست بنا به علاقه ی شخصی است.)

- ۱- گل میخک..... ۱
- ۲- یاد استاد..... ۱۰
- ۳- نوای اساتید..... ۲۰
- ۴- هنگامه..... ۲۹
- ۵- قلندروار..... ۴۱
- ۶- شب کوچه ها..... ۵۲
- ۷- خنده بارون..... ۶۱
- ۸- تو می آیی..... ۷۱
- ۹- امان از جدایی..... ۸۱
- ۱۰- سرمستان..... ۹۱
- ۱۱- پاییز..... ۱۰۰
- ۱۲- صدایم کن..... ۱۱۰
- ۱۳- شبان عاشق..... ۱۲۱
- ۱۴- شکوه عشق..... ۱۲۹
- ۱۵- صیاد..... ۱۳۹

^۴. به باور من آلبوم "ماه پنهان" از آقای افتخاری نیست. بلکه در آن حضوری افتخاری دارند.

- ۱۶- نیلوفرانه یک ۱۴۹
- ۱۷- نیلوفرانه دو ۱۵۹
- ۱۸- تازه به تازه ۱۶۸
- ۱۹- بُردی از یادم ۱۷۹
- ۲۰- خاطرات جوانی ۱۸۸
- ۲۱- خوش آمدی ۱۹۹
- ۲۲- سفر ۲۰۸
- ۲۳- سرو سیمین ۲۱۸
- ۲۴- کاروان ۲۲۸
- ۲۵- پادشاه فصل ها ۲۳۶
- ۲۶- همسایه ۲۴۷
- ۲۷- عشق گُمشده ۲۵۷
- ۲۸- نسیم ۲۶۷
- ۲۹- مهمان تو ۲۸۶
- ۳۰- تنها تو می مانی ۲۹۷
- ۳۱- باباطاهر ۳۰۷
- ۳۲- آتش دل ۳۱۸
- ۳۳- افسانه ۳۲۳
- ۳۴- گرفتار ۳۳۲

- ۳۵- به دنبال دل ۱ ۳۴۶
- ۳۶- شور عشق ۳۵۵
- ۳۷- هوای تو ۳۶۴
- ۳۸- مقام صبر ۳۷۴
- ۳۹- عطر سوسن ۳۸۵
- ۴۰- قصه ی شمع ۳۹۷
- ۴۱- غم زمانه (عاشق زمانه) ۴۰۶
- ۴۲- مستانه ۴۱۶
- ۴۳- مهرورزان ۴۲۴
- ۴۴- ناز نگاه ۴۲۹
- ۴۵- جام مصفا ۴۳۸
- ۴۶- خروش بحر ۴۴۷
- ۴۷- راز گُل ۴۵۴
- ۴۸- شب عاشقان ۴۶۱
- ۴۹- غریبستان ۴۷۱
- ۵۰- زیباترین ۴۷۸
- ۵۱- راز و نیاز ۴۸۶
- ۵۲- راز گُشا ۴۹۶
- ۵۳- همتای آفتاب ۵۰۶

۵۴- گل هزار بهار..... ۵۰۷

۵۵- عطر مهر..... ۵۱۵

۵۶- ماه خراسان..... ۵۲۳

۵۷- عاشقا سلام، عاشقا درود..... ۵۳۳

۵۸- دریغا..... ۵۴۱

تک آهنگ ها

- ۱- دیده نهان ۵۴۶
- ۲- به رقص آ ۵۴۷
- ۳- سلسه موی دوست ۵۴۸
- ۴- شور عشق ۵۴۹
- ۵- باغ ارغوان ۵۵۰
- ۶- گنبدهای سبز و آبی ۵۵۱
- ۷- رندانه ۵۵۲
- ۸- کاروان عشق ۵۵۳
- ۹- سفر دوست ۵۵۴
- ۱۰- شکوه پرواز ۵۵۶
- ۱۱- خورشیدهای روشن ۵۵۷
- ۱۲- زاینده رود من کو ۵۵۸
- ۱۳- جانماز ۵۵۹
- ۱۴- کبوتر خسته ۵۶۰
- ۱۵- صاعقه ی سبز ۵۶۱
- ۱۶- در اصفهان بمانید ۵۶۲
- ۱۷- دیار ماندگار ۵۶۳

- ۱۸- مدافعان حرم..... ۵۶۴
- ۱۹- غرق باران..... ۵۶۵
- ۲۰- دلتنگ باران..... ۵۶۶
- ۲۱- شهر تازه..... ۵۶۷
- ۲۲- گل باران..... ۵۶۸
- ۲۳- رهایی..... ۵۶۹
- ۲۴- به یاد مریم..... ۵۷۰
- ۲۵- کولبر..... ۵۷۱
- ۲۶- سلام..... ۵۷۲
- ۲۷- حریم..... ۵۷۳
- ۲۸- همت آهو..... ۵۷۴
- ۲۹- پابوس..... ۵۷۵
- ۳۰- مرد میدان..... ۵۷۶
- ۳۱- چشم و چراغ..... ۵۷۷
- ۳۲- مهربانی مولوی..... ۵۷۸
- ۳۳- زیارت..... ۵۷۹
- ۳۴- هفت گنبد..... ۵۸۰
- ۳۵- روح جوانمردی..... ۵۸۱

پروفایل:

نام آلبوم: گل میخک

سال انتشار: ۵ تیرماه ۱۳۷۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴/۳۲۰۶ ت

کد کتابخانه ملی: ۷۸۰ و

حق کپی رایت^۵: موسسه فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۴۵ دقیقه و ۳۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱. درد آشنا ۲. چشم شهلا ۳. تو بخوان ۴. بخت و نصیب ۵. گل میخک ۶. نامه رسان ۷. کو محبت ۸. لاله صحرایی

شاعر: علی اکبر کنی پور - نواب صفا - عبدالله الفت - رحیم معینی کرمانشاهی - مهدخت مخبر - کریم فکور

آهنگساز: جواد لشگری

نوازندگان: -

تنظیم: مهرداد پازوکی

ضبط: -

گاه نگاری:

^۵. طبیعی است که این حق امروزه معنا و کاربرد پیشین را ندارد.

۱- درد آشنا^۶ - شعر از نواب صفا ۰۶:۴۱

ای بیدلان اهل دلی درد آشنا می خواهم
من عاشقم من عاشقم درد و بالا می خواهم
ای بیدلان اهل دلی درد آشنا می خواهم
او جان شیرین مرا با صد ادا می خواهد
لبخند شیرینی از آن شیرین ادا می خواهد
تو بلای دل مایی چه بلایی چه بلایی
با که گویم که تو را می خواهم
با که گویم که تو را می خواهم
او جان شیرین مرا با صد ادا می خواهد
لبخند شیرینی از آن شیرین ادا می خواهد
ز دلم خبر ندارد آه من اثر ندارد
شمع شام تار من کو؟ جلوه بهار من کو
تو بلای دل مایی چه بلایی چه بلایی
با که گویم که تو را می خواهم؟
با که گویم که تو را می خواهم؟
من عاشقم من عاشقم درد و بالا می خواهم
ای بیدلان اهل دلی درد آشنا می خواهم
او جان شیرین مرا با صد ادا می خواهد
لبخند شیرینی از آن شیرین ادا می خواهد
تو بلای دل مایی چه بلایی چه بلایی
با که گویم که تو را می خواهم؟

^۶. باز خوانی و بازنوازی ترانه ای با صدای بهار غلامحسینی با نام هنری بانو الهه.

۲- چشم شهلا- علی اکبر کنی پور ۵:۵۰

قد و بالای تو را سرو دلارام نداره
بی تو رسوا دل من زار و شیدا دل من
این دل غافل من دشته جنونه به خدا
دریای خونه به خدا وای وای وای
به بوی گل رویت همان سنبیل رویت
من و مرغ شباهنگ دو دیوانه به کویت
من و مرغ شباهنگ دو دیوانه به کویت
به سر سبزه چمن بوسه به پایه تو زده
بوسه بر پای تو و ناز و ادای تو زده
چه شود اگر قدم به کلبه ما نهی
به چشم ما پا نهی وای وای وای
به بوی گل رویت همان سنبیل رویت
من و مرغ شباهنگ دو دیوانه به کویت
من و مرغ شباهنگ دو دیوانه به کویت

۳- تو بخوان^۷ - معینی کرمانشاهی ۰۴:۳۴

هرگز نمیشد باورم این برف پیری بر سرم
سنگین نشیند چونین من بودم و دل بود و می
آواز من آوای می هر گوشه می زد طنین
اکنون منم حیران ز عمر رفته سرگردان
ای خدای من

با این تن خسته هزاراناله بنشسته در صدای من

ای عشق نافرجام من رفتی کجا
ای آرزوی خام من رفتی کجا
آن دوره آشفتگی های تو کو
ایعمر ناآرام من رفتی کجا
تو بخوان شب همه شب برایم ای مرغ سحر
که دل خسته من درآمد از سینه به در
تو سبکبالی و من اسیر بشکسته پرم
تو پر از شوری و من ز عالمی خسته تنم
تو بخوان تو بمان به گوش اهل جهان
که خبر شود از شتاب این کاروان

^۷. ترانه ای با صدای بانو خدیجه اشرف السادات مرتضایی (با نام هنری بانو مرضیه).

۴- بخت و نصیب^۸ - عبدالله الفت ۰۴:۳۴

تو دیدی از نگاهم غریبی بی پناهم
چونین کردی اسیرم نترسیدی ز آهم
تو آنجا من اینجا چه بختی شد نصیبم
چه خواهد غم تو ز قلب بی شکیم
ز عشق دل فروزت، فروزت
چو شمع شب بسوزم بسوزم
ز قطره های باران ز شبیم بهاران
گل به چمن گشاید ز اشک عاشقانه
ز گریه شبانه این دل من گشاید
چون شانگاه شود چراغی بسوزد به خانه من
ای خدا از وفا کز چرا نگیرد نشانه من
تو ندانی غمو سوز نهانم خدا داند
ز چه آتش زدی به آشیانم خدا داند
ز قطره های باران ز شبیم بهاران
گل به چمن گشاید ز اشک عاشقانه
ز گریه شبانه این دل من گشاید
تو دیدی از نگاهم غریبی بی پناهم
چونین کردی اسیرم نترسیدی ز آهم
تو آنجا من اینجا چه بختی شد نصیبم
چه خواهد غم تو ز قلب بی شکیم

^۸. باز خوانی ترانه ای با صدای بانو مرضیه.

۵- گل میخک- کریم فکور ۱۳۰۶:۰۱

یک گل میخک یک گل میخک کز اون یار افسونگر

هدیه گرفتم هدیه گرفتم با لبخندی جان پرور

دیدم دارد عزم رفتن گفتم کو مرا مجال سخن؟

کی آیی دگر به دیدن من؟

گفتا آیم بار دیگر آن دم کاین گل گردد پرپر

روی تو به آرم خندان با تو شود هم پیمان

تو دلم را شکستی و رفتی

گل میخک ز دست من افتاد

دو سه روزی نشاندمش در بر

شده بودم به وعده ای دلشاد

دیده من پر گهر شد از جفای تو وای

گل شد پژمرده دلدارم نیامد

دل شد افسرده غمخوارم نیامد

شد این دل پر خون از جور گردون

وز دوری او دل گشته مجنون

۶- نامه رسان^۹ - کریم فکور ۵:۴۵

کز ندارد از زار نهان من و تو
تا بود باد صبا نامه رسان من و تو
گر چه شد سوز دل آرام جان من و تو
می زند شعله ها بر آشیانه من و تو
صحبت عشق و محبت شب و روز
باشد من و تو ورد زبان من و تو
زندگی آخر شود در سایه بخت جوان من و تو
یک دو از آن من و تو
من به کنج قفسی جویمت هر نفسی
جانم برسد بر لب اگر تو به دادم نرسی
کی به غیر تو باشدم کسی گر نهد بلا دیده ام بسی
به جهان تو را می خواهم من ز تو هم وفا می خواهم
آید پیک سحر بر من از تو خبر تا رسد از راه
نامه رسانی نام تو باشد ورد زبانم

^۹. باز خوانی ترانه ای از بانو الهه.

۷- کو محبت- مهدخت مخبر ۰۶:۱۹

دل من چرا می خوای منو اسیر وفا ببینی
غنچه وفا نمونده که تو بری اونو بچینی
دل من مگه آزار داری دیگه با وفا چی کار داری
آخه کو عشق کو محبت
باز می خوای منو تو خوار کنی
روزگار منو تار کنی بمونم با درد و حسرت
از دست بی مهری جور آدما
دیگه به لب اومده جونم به خدا
کاش بشه توبه کنم عشق و از دل برونم
نمی دونم باز دل من چی خیال داره
نکنه باز هوای عشق محال داره
طاووس را بدیدم می کند پر خویش
گفتم مکن که پر تو با زیب و با فر است
بگریست بگریست زار زار
مرا گفت که ای حکیم
آگه نیی، آگه نیی که دشمن جان من
این پر است
یه روز می شه ای دل که تو تنها بمونی
تو تنها با غم دنیا بمونی
بیا تموم کن این حکایت افسانه
چقدر غصه چقدر بسه حکایت

۸- لاله صحرایی- معینی کرمانشاهی ۰۵:۳۰

ساقی، مرا به یک ساغر چو می به جوش آور

به بزم هستی ز شور مستی مرا چو می امشب

تو در خروش آور

ای لاله صحرایی نشکفته چرایی

گلخانه پر از گل شد ای لاله کجایی؟

تو آن مشعل سوزان این محفل نورانی

ما می زدگان از دل و جان تا به جهان هستیم

پیمانه به دستیم با اهل وفا صدق و صفا ما به خدا هرگز

پیمان نشکستیم

گر دامنت ای یار در دست من آید

عمری به ترانه گل در سخن آید

ما می زدگان از دل و جان تا به جهان هستیم

پیمانه به دستیم با اهل وفا صدق و صفا ما به خدا هرگز

پیمان نشکستیم

از من تو چه خواهی گاهی به نگاهی دیدار تو خواهم

من راه تو پویم من وصف تو جویم عشق تو گواهم

پروفایل:

نام آلبوم: یاد استاد^{۱۰} (بازخوانی و بازنوازی)

سال انتشار: بهار ۱۳۷۷

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک یا سنتی ایرانی (چهار گاه- اصفهان- شور- سه گاه)

شماره مجوز: ۳/۲۳۵۰ ت

کد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: انتشار نخست شرکت فرهنگی-هنری فارس نوا (صدای شیراز)- باز نشر: ایران گام

مدت زمان: ۵۵ دقیقه و ۵۵ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- سفر کرده (قسمت نخست) ۲- بازگشته (قسمت دم سفر کرده) ۳- آتش کاروان ۵- پیغام من ۶- کودکی ۷- تنها منشین ۷- می گذرم ۸- آشفته حالی

آهنگساز: استاد علی تجویدی^{۱۱}

نوازندگان:

ویلن: ارسلان کامکار، رسول بهبهانی، مازیار ظهیرالدینی، نیما ظاهری

ویولا: عمادرضا نکویی

ویلنسل: کریم قربانی

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

فلوت: ناصر رحیمی

ابوا: فرشید حفظی فر

تار: شهریار فریوسفی

عود: حسین بهروزی‌نیا

^{۱۰}. به گفته افتخاری حسن کسایی برای پاسداشت و گرامی داشتن علی تجویدی نام این آلبوم را یاد استاد بگذارند.

^{۱۱}. در انتشار نخست این آلبوم دستخط و امضای علی تجویدی مبنی بر رضایت از خوانش علیرضا افتخاری بر روی جلد منتشر شد.

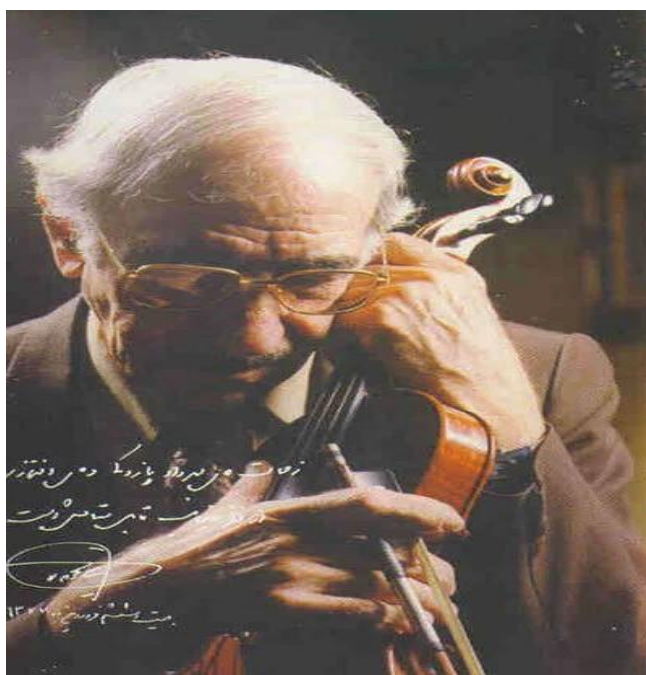
سنتور: مجید اخشابی
تنبک: کامبیز گنجه‌ای
به کوشش فریدون شهبازیان

تنظیم: مهرداد پازوکی^{۱۲}

ضبط: استودیو بل^{۱۳}

تهیه کننده: صدرالدین حسین خانی

گاه نگاری: افسانه... تازه به تازه



دست نوشته و امضای استاد علی تجویدی در تایید جناب پازوکی و افتخاری.

^{۱۲}. تنظیم این اثر بر عهده مهرداد پازوکی بود. در چاپ‌های دوم و بعدی نام مهرداد پازوکی از روی جلد آلبوم حذف شد. همچنین در مرداد سال ۷۹ شکوه‌ای با قلم علیرضا افتخاری بر روی جلد آلبوم نشست. (ویکیپدیا)

^{۱۳}. آقای افتخاری شبی که از اصفهان رسید، گفت که کار را ضبط کنیم. در استودیو اما صدابردارها بر سر وقت استودیو کمی بازی درآوردند و گفتند برای امشب دیگر وقت نیست؛ که همین آقای افتخاری را عصبانی کرد. البته احساس من این است که چون استودیو بل تحت اداره آقای محمدعلی چاووشی (مدیر نشر مشکات) بود و در همان ایام نیز آقای چاووشی می‌خواست آلبومی را با آقای افتخاری تولید کند، تأکید می‌کنم احساسم بر این بود که شاید به‌عمد شیطنتهایی می‌شد تا آقای افتخاری عصبانی شود و ضبط «یاد استاد» را مدتی رها کند، تا در آن صورت، آن آلبوم دیگر زودتر از آلبوم ما منتشر و وارد بازار شود. این بود که با آقای منوچهر ریاحی صحبت کردم و به هر ترتیب، آن شب یک قطعه را که همان «سفرکرده» بود، با صدای آقای افتخاری ضبط کردیم. فردای آن روز هم آقای افتخاری هفت قطعه را خواند؛ که این کار بی‌نظیر است که یک خواننده در یک روز هفت قطعه را بخواند و ضبط کند؛ و البته همه قطعه‌ها را هم عالی و بی‌نقص اجرا کرده است. حتی تصنیف «سفرکرده» را هم که شب قبل ضبط کرده بودیم، دوباره خواند. فردایش هم تصنیف «آشفته حالی» را خواند که البته آن را با اینکه روز قبل خوانده بود، خواست دوباره بخواند، اما پس از ضبط، در نهایت گفت که همان اجرای اولم که آن را تم خوانده‌ام، احساس بهتری دارد و همان هم نهایی شد. شاید تکلمه‌ی جالب بر روی پروفایل کاست به همین دلیل باشد. ما چیزی ندیدیم، گذشتیم و رفتیم... همین...

کجا سفر رفتی، که بی خبر رفتی
اشکم را چرا ندیدی، از من دل چرا بریدی
پا از من چرا کشیدی که پیش چشمم ره دگر رفتی
بیا به بالینم که جان مسکینم تاب غم دگر ندارد جز بر تو نظر ندارد
جان بی تو ثمر ندارد مگر چه کردم که بی خبر رفتی
چه قصه ها که از وفا گفתי با من
تو بی محبتی کنون جانو یا من
تو چونان شرر به خدا خبر ز خدا نداری
رود آتش از سر آن سرا که تو پاگذاری
سوز دلم را تو ندانی آتش جانم نشانی
با غمت در آمیزم از بلا نپرهیزم
پیش از آن برم بنشین که از میانه برخیزم
رو به تو کردم به خدا خو به تو کردم که هم آواز تو باشم
دل به تو بستم به امیدت بنشستم که غزل ساز تو باشم
چه شود اگر نفس سحر خبری ز تو آرد
به کس دگر نکنم نظر که دلم نگذارد
رفتی و صبر و قرار مرا بردی بردی
طاقت این دل زار مرا بردی بردی
با غمت در آمیزم از بلا نپرهیزم
پیش از آن برم بنشین که از میانه برخیزم
رو به تو کردم به خدا خو به تو کردم که هم آواز تو باشم
دل به تو بستم به امیدت بنشستم که غزل ساز تو باشم
چه شود اگر نفس سحر خبری ز تو آرد
به کس دگر نکنم نظر که دلم نگذارد
رفتی و صبر و قرار مرا بردی بردی
طاقت این دل زار مرا بردی بردی

^{۱۴}. باخوانی ترانه عصمت باقر پور بابلی با نام هنری دلکش.

۲- بازگشته (قسمت دم سفر کرده)^{۱۵} اصفهان- معینی کرمانشاهی ۰۷:۳۸

امید جانم ز سفر باز آمد شکر دهانم ز سفر باز آمد
عزیز آن که بی خبر به ناگهان رود سفر
چو ندارد می در دلبندی به لبش ننشیند لبخندی
چو غنچه سپیده دم شکفته شد لبم ز هم
چو شنیدم یارم باز آمد ز سفر غمخوارم باز آمد
همچونان که عاقبت پس از همه شب بدمت سحر
ناگهان نگار من چونان مه نو آمد از سفر
من هم پس از آن دوری بعد از غم مهجوری
یک شاخه گل بردم به برش
یک شاخه گل بردم به برش
دیدم که نگار من سر خوش
ز کنار من بگذشت و ببر یار دگرش
وای از آن گلی که دست من بود
خמוש و یک جهان سخن بود
گل که شهره شد به بی وفایی
ز دیدن چونین جدایی ز غصه پاره پیراهن بود

^{۱۵}. باز خوانی ترانه ای از بانو دلکش.

۳- آتش کاروان^{۱۶} - دستگاه شور- بیژن ترقی ۰۸:۰۲

آتشی ز کاروان جدا مانده این نشان ز کاروان به جا مانده
یک جهان شرار تنها مانده در میان صحرا
به درد خود سوزد به سوز خود سازد
سوزد از جفای دوران فتنه و بلای طوفان
فناى او خواهد به سوى او تازد
من هم ای یاران تنها ماندم آتشی بودم برجا ماندم
با این گرمی جان در ره مانده حیران
این غم خود به کجا ببرم؟
با این جان لرزان با این پای لغزان
ره به کجا ز بلا ببرم؟
می سوزم گرچه بی پروایی
می لرزم بر خود از این تنهایی
من هم ای یاران تنها ماندم آتشی بودم برجا ماندم
آتشی خو هستی سوزم شعله جانی بزم افروزم
بی پناهی محفل آرا بی نصیبی تیره روزم
کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی؟ ره ز که پرسى؟ چه کنی؟ چون باشی
در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی
من هم ای یاران تنها ماندم آتشی بودم برجا ماندم

^{۱۶}. باز خوانی ترانه ای از زنده یاد دلکش.

۴- پیغام من^{۱۷} - چهار گاه-بیژن ترقی ۰۴:۵۹

کو یاری تا به دیارم برساند پیغامم را به نگارم برساند
کو غمخواری که کنارم بنشیند دلدارم را به کنارم برساند
من هم جدا شدم ز آشیانه من هم دلم شکسته ای زمانه
من هم به ناله های عاشقانه در این زمانه گشته ام فسانه
بی خبرم ز جای بی نشان من رسیده جان به جان تو
هجر تو شد نصیب من در این میانه
چه شود که از تو رسد بشکسته به بی خبری
چه شود گل فکند به بد آب و گلی نظری
چو نسیم سحر ز برم بگذر بگذر که مگر
گلی از گل من به دمت چو روم ز نظر

^{۱۷}. باز خوانی ترانه ای از زنده یاد دلکش.

۵- کودکی- دستگاه های اصفهان، شور و سه گاه- معینی ۰۶:۰۴

یادم آمد
شوق روزگار کودکی
مستی بهار کودکی
یادم آمد
آن همه صفای دل که بود
خفته در کنار کودکی
رنگ گل جمال دیگر در چمن داشت
آسمان جلال دیگر پیش من داشت
شور و حال کودکی برنگردد دریغا
قیل و قال کودکی، برنگردد دریغا
به چشم من همه رنگی فریبا بود
دل دور از حسد من شکوبا بود
نه مرا سوز سینه بود
نه دلم جای کینه بود
شور و حال کودکی برنگردد دریغا
قیل و قال کودکی برنگردد دریغا
روز و شب دعای من
بوده با خدای من
کز کرم کند حاجتم روا
آنچه مانده از عمر من به جا
گیرد و پس دهد به من دمی
مستی کودکانه مرا
شور و حال کودکی برنگردد دریغا
قیل و قال کودکی برنگردد دریغا

۶- تنها منشین^{۱۸} - اصفهان - معینی ۰۷:۳۱

آمد آمد
با دلجویی
گفتا با من
تنها منشین
برخیز و ببین
گل‌های خندان صحرائی را
از صحرا دریاب این زیبایی را
با گوشه گرفتن
درمان نشود غم
برخیز و به پا کن
شوری تو به عالم
تو که عزلت گزیده ای
غم دنیا کشیده ای
ز طبیعت چه دیده ای تو
تو که غمگین نشسته ای
ز جهان دل گسسته ای
به چه مقصد رسیده ای تو
زین همه طراوت از چه رو نهان کنی
شکوه تا به کی ز جور این و آن کنی
دل غمین به گوشه ای چرا نشسته ای
جان من مگر تو عمر جاودان کنی
تا کی تو چنین باشی
عمری دل غمین باشی
گل گشت چمن بهتر
یا گوشه نشین باشی
تا کی باید باشی افسرده در بند دنیا
خندان رو شو چون گل
تا بینی لبخند دنیا

^{۱۸}. بازخوانی ترانه عصمت باقر پور بابلی با نام هنری دلکش.

۷- می گذرم میگذرم^{۱۹} - دستگاه شور- بیژن ترقی ۰۷:۳۸

میگذرم میگذرم ز برای تو از جان میگذرم، ز دیار تو گریان میگذرم
اشک و آهم زادِ راهم میروم و دست دعا بر آسمان دارم
دور از یاران افتان خیزان می روم و دام بلا به پای جان دارم
من و سوز عشق و خانه بدوشی
من و شام هجر و کنج خموشی
ره بی پایانی دارم من، سر بی سامانی دارم من
ره بی پایانی دارم من، سر بی سامانی دارم من
من از شهر تو چون نالان می گذرم
تنها سایه ی من باشد همفسرم
این عشق تو مرا بِنِگر تا کجا شانده
دست از دلم بدار که دگر طاقتم نمانده
دل سنگت کجا درد مرا می داند
غم و رنج مرا تنها خدا میداند خدا میداند

^{۱۹}. باز خوانی ترانه ای از زنده یاد دلکش.

۸- آشفته حالی^{۲۰} - دستگاه شور - بیژن ترقی ۵:۱۳

این همه آشفته حالی این همه نازک خیالی
ای به دوش افکنده گیسو از تو دارم از تو دارم
این غرور و عشق و مستی خنده بر غوغای هستی
ای سیه چشمه سیه مو از تو دارم از تو دارم
این تو بودی کز ازل خواندی به من درس وفا را
این تو بودی کآشنا کردی به عشق این مبتلا را
من که این حاشا نکردم از غمت پروا نکردم
دین من دنیای من از عشق جاویدان تو رونق گرفته
سوز من سودای من از نور بی پایان تو رونق گرفته
من خود آتشی که مرا داده رنگ فنا میشناسم
من خود شیوه نگه چشم مست تو را میشناسم
دیگر ای برگشته مژگان از نگاهم رو مگردان
دین من دنیای من از عشق جاویدان تو رونق گرفته
سوز من سودای من از نور بی پایان تو رونق گرفته
این همه آشفته حالی این همه نازک خیالی
ای به دوش افکنده گیسو از تو دارم از تو دارم
این غرور و عشق و مستی خنده بر غوغای هستی
ای سیه چشمه سیه مو از تو دارم از تو دارم

^{۲۰}. باز خوانی ترانه ی شکیلا محسنی صداقت.

پروفایل:

نام آلبوم: نوای اساتید^{۲۱} (بازخوانی و بازنوازی آثار آهنگسازان فضل‌الله توکل، اسدالله ملک، اکبر محسنی و جهانبخش پازوکی می‌باشد).^{۲۲}

سال انتشار: تیر ماه ۱۳۸۷

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک و پاپ

شماره مجوز: ۵۶۶۵

کد کتابخانه ملی: ۱۰۸۳۰

حق کپی رایت: آوای نوین اصفهان و سونی

مدت زمان: ۴۳ دقیقه و ۰۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- عاشق شدن ۲- بزم کسان ۳- شب فروردین ۴- رفیق ۵- دو یار قدیمی ۶- گندم طلایی ۷- بزم کسان (پاپ)^{۲۳} ۸- به یاد استاد تاج

آهنگسازان: فضل‌الله توکل، اسدالله ملک، اکبر محسنی و جهانبخش پازوکی

نوازندگان:

ویلون: ارسلان کامکار، عماد نکویی، پیام طونی، علی جعفری پویان، سینا جهان آبادی، امیر پورخلجی

ویولن سلو: فرشید فرهمند

ویولا: مازیار ظهیرالدینی و میثم مروستی

کمانچه: مجتبی میرزاده

ویلونسل: کریم قربانی

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

^{۲۱}. علیرضا افتخاری این آلبوم را به همسر و سه دخترش تقدیم کرده است.

^{۲۲}. این آلبوم از سه ترانه ی جدید (رفیق، به یاد جلال‌الدین تاج و گندم طلایی) و چهار ترانه ی قدیمی (عاشق شدن، بزم کسان، شب فروردین و دو یار قدیمی) تشکیل شده است. با حال و هوای دیروز امروز.

^{۲۳}. این ترانه با دو سبک خوانده شده که سبک پاپ آن بسیار زیباست.

تار: شهریار فریوسفی

سه تار: بهزاد خدارحمی

پیانو: بهنام خدارحمی

سنتور: فضل اله توکل، مجید اخشابی، امید مصطفی پور، محمدرضا تقوی

گیتار: امیر جاویدان، فیروز ویسانلو، امیر پورخلجی

تنبک: محمود فرهمند / کامبیز گنجه‌ای

نی: پاشا هنجنی

دف: رضا مهینی

ساکسیفون: هومن نامداری

کلارینت: هوتن غضنفری

درامز: فرزاد قیصری پور

سازهای کوبه ای: مرتضی عابدی

تنظیم: بهنام خدا رحمی

ضبط: استودیو پاپ

گاه نگاری: خروش بحر... عاشقا سلام، عاشقا درود

صدا بردار: ناصر فرهودی

تهیه کننده پروژه: اکبر قلی زاده

طراح: نادر خطیبی

۱- عاشق شدن^{۲۴} - جهانبخش پازوکی ۵:۱۳۰

دیگه عاشق شدن ناز کشیدن فایده نداره نداره
دیگه دنبال آهو دویدن فایده نداره نداره
چرا این در و اون در میزنی ای دل غافل
دیگه دل بستن و دل بریدن فایده نداره
وقتی ای دل به گیسوی پریشون می رسی خودتو نگه دار
وقتی ای دل به چشمون غزل خون می رسی خودتو نگه دار ، خودتو نگه دار
دیگه عاشق شدن ناز کشیدن فایده نداره نداره
دیگه دنبال آهو دویدن فایده نداره نداره
ای دل دیگه بال و پر نداری
داری پیر میشی و خبر نداری
ای دل دیگه بال و پر نداری
داری پیر میشی و خبر نداری
وقتی ای دل به گیسوی پریشون می رسی خودتو نگه دار
وقتی ای دل به چشمون غزل خون می رسی خودتو نگه دار ، خودتو نگه دار
دیگه عاشق شدن ناز کشیدن فایده نداره نداره
دیگه دنبال آهو دویدن فایده نداره نداره
دیگه عاشق شدن ناز کشیدن فایده نداره نداره
دیگه دنبال آهو دویدن فایده نداره نداره

^{۲۴}. بازخوانی ترانه ای از کوروس سرهنگ زاده.

۲- بزم کسان^{۲۵} - جهانبخش پازوکی ۰۶:۰۷

تو ای شمع بزم کسان / هم آواز بوالهوسان
قصه مگو تو دگر ز وفا / شکستی چون بال مرا
نپرسیدی حال مرا / وه که چه غافلی از دل ما
مجنون ز بلای دلم / گردون ز رضای دلم
دریا ز صفای دلم / عمری ز نوای دلم
حیران شده‌اند / چشمم ز وفای دلم
گرید ز برای دلم / جمعی ز حکایت دل
هر شب به هوای دلم / گریان شده‌اند
گفتم دستم گیری به وفا / هر دم بینی افتاده‌ام از پا
تا افتادم در راه غمت / گشتم ای مه پامال تمنا
کی غم داری / تو که فارغ از غم من
همه شب خفتی / کی از یاری
به تسلاي دل من / سخنی گفתי
گفتم دستم گیری به وفا / هر دم بینی افتاده‌ام از پا
تا افتادم در راه غمت / گشتم ای مه پامال تمنا
یک شب چو من نبردی سری به سینه / تا از صبا گشایی دری به سینه
سینه بود به خدا / خانه عشق و صفا

^{۲۵}. ترانه ای از بانو دلکش. (حکایت دل)

۳- صبح (شب) فروردین- اکبر آزاد ۰۴:۳۳

چشم آهوی ختن دارد
او قصد جان من دارد
از کنارم آن مسافر چو رویا گذشت
زیر باران مانده ام پس چرا بر نگشت ؟
یادی از آن شب فرودین
بودی مهمانم آن نازنین
قصه گفתי برایم ز ماچین و چین
پری چشمه از خوابم چرا رفت ؟
که بود واز کجا بود و کجا رفت ؟
شبی در آینه نشکفته خندید
دوباره گم شد و در قصه ها رفت
آینه بی تو بر سر زد
شاپرک سوخت و پر پر زد
بی تو هرشب بعض باران در دل دارم
بی چراغم چونکه به شبنم دل دادم
ای مسافر من تو را چشم در راهم
زیر باران دل بسوزد از آهم
دل بسوزد از آهم
دل بسوزد از آهم

۴- رفیق- مهدی خادمیان ۰۵:۰۹

برای گفتن درد همیشه هم زبون هست
توی دلای مردم از عاطفه نشون هست
شنیده بودم اینجا رفیق تا پای جون هست
دیدم ای داد بیداد هر آنچه گفته بودن خیال و خواب خامی
محبت شد بیابان رفاقت شد سرابی
رفاقت شد سرابی
اومدیم و تفاوت ها رو دیدم
در این جا تلخ و شیرین و رو چشیدیم
به شهر بی ترحم دل نبستیم
به سوگ خانه در غربت نشستیم
گفته بودن تو این شهر دلای مهربون هست
گفته بودن تو این شهر دلای مهربون هست
برای گفتن درد همیشه هم زبون هست
شنیده بودم اینجا رفیق تا پای جون هست
رفیق تا پای جون هست
رفیق تا پای جون هست
دیدم ای داد بیداد هر آنچه گفته بودن خیال و خواب خامی
محبت شد بیابان رفاقت شد سرابی
رفاقت شد سرابی
رفاقت شد سرابی
اومدیم و تفاوت ها رو دیدیم در این جا تلخ و شیرین و رو چشیدیم
به شهر بی ترحم دل نبستیم
به سوگ خانه در غزبت نشستیم

۵- دو یار قدیمی- مسعود فردمنش ۰۴:۴۷

دو یار قدیمی دو هم هم زبانیم
دو دلداده ی پاک این زمانیم
تو محرم دل تو راز منی
تو با خبر از نیاز منی
بهتر از تو دگر هم نشینی ندارم
جز تو هم صحبت نازنینی ندارم
حرف دلم را تنها تو دانی
دل می بری با شیرین زبانی
به مهرت اسیرم دل از تو نگیرم
تویی ساز شیرین زبان من
تویی مرغک نغمه خوان من
ز عشقت مستم
به پایت نشستم
تویی هستی و تار و پود من
تویی ذره های وجود من
چه شبها که با من نواها سرودی
به رویم ز شادی چه درها گشودی
به سازت سپردم زمن دل ربودی
چه دیوانه بودم چه دیوانه بودی
تویی سازشیرین زبان من
تویی مرغک نغمه خوان من
خواهم که عمری را گوشه ای نشینم
از باغ رویاها با تو گل بچینم
صد خاطره دارم با تو از جوانی
گم کرده ای دارم گر تو را نبینم
تویی ساز شیرین زبان من
تویی مرغک نغمه خوان من
تویی ساز شیرین زبان من
تویی مرغک نغمه خوان من
تویی ساز شیرین زبان من

۶- گندم طلایی - اکبر آزاد ۵۳:۰۵

اگه چشمه اگه رودیم
فکر دریای کبودیم
چرا بینمون سرابه؟
باورش محاله اما
قصه جدایی ما
قصه ماهی و آبه
تو گل سرخی و من ساقه پیچک
یا ترنمی واسه خواب عروسک
مگه میشه که تو باشی و نباشی
توی غمناکی آواز چکاوک؟
تو که سرنوشتمو رقم زدی
چرا لحظه هامو رنگ غم زدی؟
تو رو از تو مینویسم که تویی
مشق بد بودنمو قلم زدی

تو منو رقم زدی
اگه چشمه اگه رودیم
فکر دریای کبودیم
چرا بینمون سرابه؟
چرا بینمون سرابه؟
باورش محاله اما
قصه جدایی ما
قصه ماهی و آبه
گندم طلایی و عطر ستاره
که نشون از بی نشونی تو داره
دست تو نوازش نسیم و برگه
فکر یاسه تو شب سرد تگرگه
اگه دستای من از دست تو دوره
کار دل نیست کار غفلت و غروره
میشه هر چی عاشقه با تو صدا کرد
برای پرنده ها پنجره وا کرد

۷- به یاد استاد تاج- مشفق کاشانی ۰۴:۵۸

روزی آن حنجره آوازی داشت
به افق پنجره بازی داشت
قفس سینه اگر میشد باز
مرغ این غمکده پروازی داشت
شب همه شب به نوا سر میکرد
روز با زمزمه آوازی داشت
دم که میزد ز میستان میزد
نای و نی در گره رازی داشت
غصه با جام جهان بین میگفت
قصه با مست سراندازی داشت
تاج اکنون شده خاموش
ای کاش این سرانجام سرآغازی داشت
گر تو خواهی که بجویی دلم
گر تو خواهی که بجویی دلم
امروز بجوی ، دلم آخ...
ورنه بسیار بجویی و
ورنه بسیار بجویی و نیایی باز هم
روزی آن حنجره آوازی داشت
به افق پنجره بازی داشت
قفس سینه اگر میشد باز
مرغ این غمکده پروازی داشت

پروفایل:

نام آلبوم: هنگامه^{۲۶}

سال انتشار: ۱۳۷۷

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۲۵۳۳ ج

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری ساربانگ

مدّت زمان:

تعداد قطعات: ۱۱ قطعه

۱- آرزو- ۲- دل شیدا ۳- شاهنگ ۴- شبانه ۵- خانه بر دوش ۸- قطعه بی کلام هنگامه ۹- ترانه پشت و پناه ۱۰- ساز و آواز
۱۱- ترانه ی نسیم آشنایی

شعر: ساعد باقری- دوبیتی های باباطاهر- فریدون مشیری

آهنگساز: حسن میرزاخانی- به کوشش فریدون شهبازیان

نوازندگان:

سنتور: حسن میرزاخانی

تار و تارباس: آیدین علیا نسب

کمانچه: سینا جهان آبادی

تنبک: رضا میرزاخانی

نی: بهروز الوندی پور

^{۲۶}. آقای افتخاری این آلبوم را به مادرش تقدیم کرد.

دف- دایره - دهل: مسعود حبیبی

تنظیم: حسن میرزاخانی بر اساس ملودی های قدیم

ضبط: استودیو پژواک

مدیریت: حسن عسگری- مهدی اردستانی

گاه نگاری:

۱- آرزو- ۵:۵۱

ای هوای دیدنت سوز آه من
گوشه ابروی تو قبله گاه من
کشته این حسرتم کز چه روای گل
چهره پنهان می کنی از نگاه من
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را
من که صد نی حرف دل در گلو دارم
با خیالت روز و شب گفتگو دارم
کی شود تا من نهم سر به دامانت
از ازل این لحظه را آرزو دارم
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را
ای هوای دیدنت سوز آه من
گوشه ابروی تو قبله گاه من
کشته این حسرتم کز چه روای گل
چهره پنهان می کنی از نگاه من
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را

۲- دل شیدا- ۰۶:۳۰

ای وای من ای وای من
زد این دل شیدای من
آتش به سر تا پای من
خاکسترم کردی چه آوردی تو ای دل بر سرم
دیگر چه آوازی چه پروازی که بی بال و پر
ای فارغ از حال من چون یاد آورم
رو گرداندنِ تو را
ترسم سوز درد من آه سرد من
گیرد دامن تو را
کردی جفا دیگر مکن
چشم عاشق را تر مکن
ای چشم من گریان مباش
این گونه اشک افشان مباش
حیران و سرگردان مباش
در گردش گیتی رسد روزی به پایان هر غمی
دست نگار ما داغ دل را گذارد مرهمی
دست غارت از چه رو آه ای لاله رو
بر جانم گشوده‌ای
از تو چه شد حاصلم همین کز دلم قرارم ربوده‌ای
کردی جفا دیگر مکن
چشم عاشق را تر مکن

۳- شباهنگ - ۵:۱۲

هنگام شب آمد
دل در طلب آمد
جانم به لب آمد
که غم تو به سر نشود
وای از شب هجران
من سر به گریبان
چون شام غریبان
چه شبی که سحر نشود
شب و پرده ی راز
دل و این سوز و گداز
من غرق نیاز
تو و آنهمه ناز
شمع عمرم به سحر نرسد
گر سوز دلم به ثمر نرسد
من مرغ شباهنگ توام
ای گل به خدا. . .
دلتنگ توام
در چنگ توام
رام توام
من . . .
که اسیر خیال توام
تشنه ی جام وصال توام
ای آشنا به دردم
من از تو برنگردم
به تو جز وفا چه کردم !
من مرغ شباهنگ توام
ای گل به خدا. . .
دلتنگ توام
در چنگ توام
رام توام.

شب که از ساز دلم ناله برخیزد
نغمه ها در جان من شعله میریزد
سر به دیوار غمت میگذارد دل
اختران را تا سحر میشمارد دل
یک ستاره میشود روشن و خاموش
همچو من گویا کشد بار غم بر دوش

تا سحر

در سفر

از دل شبها

یکه و تنها

اختر من گه نهان گه شود پیدا
عاقبت گیرد شبی این سفر پایان
اختر عمرم شود از نظر پنهان

تا سحر

در سفر

از دل شبها

یکه و تنها

اختر عمر من است این فلک پیما

۵- خانه بر دوش - ۵:۱۴

آه ای صبا چون تو مدهوشم من
خود فراموشم من، خانه بر دوشم من
خانه بر دوش
من در پیش کو به کو افتادم، دل به عشقش دادم
حلقه در گوشم من
حلقه در گوش
گر در کویش برسی برسان
این پیام مرا
بی چراغ رویت
من ندارم دیگر
تاب این شبهای سرد و خاموش
هرگز هرگز باور نکنم
عهد و پیمان ما شد فراموش
ای جان من غرق سودای تو
بی تماشای تو
دل ندارد ذوق گفتگویی
بی جلوه ات آرزو بی حاصل
بی تو در باغ دل
خود نروید سرو آرزویی
شب ها مرغ لب بسته منم ، دل شکسته منم
تا سحر بیدارم، سر به زانو دارم
برنخیزد از من های و هوئی
بی تو سیر گل را چه کنم
گل ندارد بی تو رنگ بویی

۶- ترانه پشت و پناه- ۰۴:۵۸

مستم اگر من ، مست نگاهت
جز می عشقت باده نخواهم
ای همه جا لطف تو پشت و پناهم
در بگشا دلبرا خسته راهم
در بر خویشم نشان که بی قرارم...
تاب فراق تو را دگر ندارم...
گنج من است ای دوست
چشم گهر بارم
دستم اگر خالی (خدا)
دیده پر دارم
به دشت شب ز اشکم ستاره می کارم...
شبی که از تو خبر گرفتم
به آسمان تو پر گرفتم
از آتش نگاهت شرر گرفتم
به دیدن تو جان دگر گرفتم
من از نسیم نفست ثمر گرفتم

۷- سازو آواز- فریدون مشیری ۰۸:۴۳

وفادار تو بودم تا نفس بود
دریغا همنشینت خار و خس بود
دلم را باز گردان، باز گردان
همین جان سوختن بس بود، بس بود
درون سینه آهی سرد دارم
رخی پژمرده، رنگی زرد دارم
ندانم عاشقم، مستم، چه هستم
همی دانم دلی پر درد دارم.
کسی مانند من تنها نماند
به راه زندگانی وا نماند
خدا را در قفای کاروانها
غریبی در بیابان جا نماند
لب خشکم ببین چشم ترم را
بیا از باده پر کن ساغر مرا
دلم در تنگنای این قفس مرد
رسید آندم که بگشایی پر مرا

۸- نازنین - ۰۴:۵۵

گفتم: مگر ای نازنین قصد جان داری؟
بار غم از دوشم چرا بر نمی داری؟
گفتا: کجا عاشق دگر بیم جان دارد؟
کی شکوه ای از بار غم بر زبان آرد؟
بعد از این دلبرا ما را نشان کن
یک به یک تیر غم بر دل روان کن
من به درد عشق تو خو کرده ام
یارا درمان نمی خواهم
عشق تو کرده بیابان پرورم
جانا بستان نمی خواهم
شبگرد صحرای جنون، مست و شیدا، من
جز سایه من کس نشد همسفر با من
هر جا که نامت می برم، ناله می روید
هر دم که آهی می کشم لاله می روید
بعد از این دلبرا ما را نشان کن...

۹- ساز و آواز ۲- ۰۷:۳۶

به دریای غمت دل غوطه ور بی
مرا داغ فراق بر جگر بی
دو چشمم قطره های اشک خونین
تو گویی لاله باغ نظر بی
ز بس مهر رخت عالم فروزه
جهان را دل مهرت سینه سوزه
فلک را شیوه دائم اینچنین
که هر جا چشم امیدی بدوزه
دل از دست غمت زیر و زبر بی
دو چشمو نم پر از خون جگر بی
هر آن یار عزیزش نازور بی
دلش پر غصه چانش پر شرر بی
جدا از رویت ای ماه دل افروز
نه روز از شو شناسم نه شو از روز
وصالت گر مرا گردد میسر (ای دوست)
بود هر روز مو چون عید نوروز
بیا جانا که جانانم تویی تو
بیا یارا که سلطانم تویی تو
تو خود دونی که غیر از تو ندارم
بیا جانا که ایمانم تویی تو

۱۰- ترانه ی نسیم آشنایی - ۰۴:۱۱

شب تار جدایی هوای گریه دارم
به کجا امشب ای دل ازین غم سر گذارم
به گلستان وزیده نسیم آشنایی
دلم از غم گرفته بهار من کجایی؟
شب و روز آتش غم کشد از دل زبانه
من و آه سحرگاه، من و اشک شبانه
چه شد آرام جانم نمی گیرد سراغم؟
که ز برق نگاهش برافوزد چراغم
دگر این ناله ها را کسی باور ندارد
چه شد ای دل دعایت اثر دیگر ندارد
شب تار جدایی هوای گریه دارم

پروفايل:

نام آلبوم: قلندروار

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی

شماره مجوز: -

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: مرکز موسیقی حوزه هنری^{۲۷}

مدت زمان: ۴۵ دقیقه و ۵۳ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه^{۲۸}

۱- قلندروار ۲- آینه دل ۳- پای پیاده ۴- سلسه مو ۵- مشرق مطلق ۶- بوی زنجیر ۷- انعکاس سبز ۸- تب و جنون

آهنگساز: عماد توحیدی^{۲۹}

نوازندگان:^{۳۰}

^{۲۷} این آلبوم از پر فروش ترین آلبوم های تاریخ موسیقی ایران می باشد که فروش آن در ایران بیش از ۱ میلیون و پانصد هزار نسخه تخمین زده می شود و این آلبوم در خارج از کشور نیز فروش بسیار خوبی داشته است. فروش این آلبوم ضمن اینکه کپی برداری ها و انتشارهای غیرقانونی چه در ایران و کشورهای دیگر حدود ۵/۱ میلیون نسخه است، که این آمار فقط تا حدود ۱ ماه بعد از انتشار آلبوم می باشد.

رکورد انتشار غیرقانونی و کپی آلبوم موسیقی مربوط به این آلبوم می باشد.

^{۲۸} چند جلسه برای نقد این آلبوم اختصاص داده شده بود که یکی از آن ها در تالار فرهنگسرای دانشجو تهران در ۲۶ آذر سال ۱۳۸۶ بود. چهره های زیادی از اهالی شعر و موسیقی در این نشست حضور داشتند که از آن میان می توان به نام هایی چون مصطفی کمال پورتراب، خسرو عامری فر (خواننده)، هنگامه اخوان (خواننده)، بامداد جویباری (شاعر)، مهدخت مخبر (ترانه سرا) اشاره کرد.

^{۲۹} پس از اجرای مشترک در ترکیه، از سوی شهردار قونیه و مقامات دولتی از آقای عماد توحیدی تقدیر شد.

«Magiran | روزنامه ایران: تقدیر شهردار قونیه از آهنگساز قلندروار». ۲۹ آذر ۱۳۸۶. دریافت شده در ۲۰۲۰-۰۶-۰۴.

^{۳۰} در این آلبوم بیش از ۶۵ ساز کوبه ای استفاده شده است و هیچ گونه ساز زهی و... در آلبوم به کار نبرده است. لحن خواندن علیرضا افتخاری در این آلبوم با بقیه آلبوم هایی که منتشر کرده است کاملاً تفاوت داشته است، افتخاری در این اثر سعی کرد با بهره گیری از موسیقی مناطقی چون جنوب (شروه خوانی) و صدای متفاوت و البته حماسی، ظرفیت تازه ای از خود را بروز و ظهور دهد. در این آلبوم چند خواننده بوسنیایی (بکتاش علوی)، هندی (شریف غزل) و ایرانی این کار را همخوانی کرده اند.

عماد توحیدی: دف

بابک شهرکی: نقاره، تیمپانی، تومبا، تمپو

فؤاد توحیدی: دمام، تاس، درک، چوغرو، غوغا

وداد توحیدی: جوغ، دپ، دهل، مثلث، زنجیر پایه

بهنام شهرکی: دو طبله، داریو کا، کوزک، سه تاسه

جواد عیسی پور: نقاره کرمانی، کسر، چوسر، جیرجیرا

حامد شکیب خان: تبلا، دلکی، دهلک نال، تک تکو

محمد میر کریمی: دسرکوتن، دهلک، کترا، دره

حسن شعبانی: طبل سرنواز، سنجک، کاسوره، چورگیر

امین رضانی: پی‌په، دقک، توسلیک، دم‌پی

آزاده نوروزی: ماراکاس، خلخال، طبل، شرینگ

بنفشه نورانی: جلجل، ناقوس لوله‌ای، چوبک، چلک

علی ولی: طلبک، تاویل، قاشقک

داوود علی: جوهره، مرواس، ناقوس

سهراب فرح منش: جینگ، ترکی، کرب، بشقابک

علیرضا عزلتی: تالام، جاریگ، کوزه

شهرام رضایی: دایره، سنج، زنگ، زنگ باستانی

مهرداد فاضلی: تمبورین، انبرک، قوشانقرا

آئین شاهرودی: طلبک آفریقایی، جهله، سنج انگشتی

همخوان‌ها: بکتاش علوی، شریف غزل، آساره آستارکی، بابک شهرکی، وداد توحیدی، علی زارع، فضل‌الله شهرکی، محمدرضا

کاظمی فر و شانی سوندار

تنظیم: بابک شهرکی

ضبط: -

گاه نگاری: راز گشا .. خروش بحر

اجرای پرفرمنس: ۱۳۹۴ تالار وحدت از قطعه مشرق مطلق

تهیه کننده: بابک شهرکی

توحیدی سعی کرده‌است در این اثر با استفاده از ریتم‌های موسیقی‌های نواحی ایران، آفریقا، آمریکای جنوبی، حوزه بالکان و شبه قاره هند و استفاده از خواننده و گروه همسرایان به عنوان خط ملودیک اثر به نوعی موسیقی فرامنطقه‌ای نزدیک شود که در آن هدف اصلی استفاده از ظرفیت‌های انواع موسیقی مناطق مختلف در جهت بیان و مقصود آهنگساز است. (ویکی‌دیا)

مدیر تولید: رضا مهدی

ضبط: بهنام شهرکی

خوشنویسی: سعید نقاشیان

نظارت و مسترینگ دیجیتال: بابک شهرکی

عکس: آئین شاهرودی

طرح جلد: فخریه خادم العلم^{۳۱}

^{۳۱}. در جلد پشت آلبوم از فرزاد ادیبی، مریم مقدس و سمیه جعفری تشکر شده است.

۱- قلندروار- شعر ارفع کرمانی ۰۷:۳۵

امشب به کویت آمدم دانم که در وا میکنی
رحمی به این خونین دل رسوای رسوا میکنی
پیدای من باشد اگر در هر زمان در هر مکان
زاهد چرا بهر نشان ای وای و ای وای میکنی
ای دل بیا روزی اگر راه درست عاشقی دانم
با هر چی او قسمت کند صبر و مدارا می کنی
میچرخه میچرخد بسی بهر حساب هر کسی یک روز جبران می کند
جوری که با ما می کنی ، یک روز جبران می کند
امشب به کویت آمدم دانم که در وا میکنی
رحمی به این خونین دل رسوای رسوا میکنی

۲- آینه دل- ارفع کرمانی ۵:۱۴

یک روز از هم میدرم این پرده تزویر را
یک روز می پیچم بهم سر رشته تقدیر را
آینه دل بشکنم تا وقت دیدار رخس
صدبار هک سازم به دل تکرار این تصویر را
در حلقه ی دیوانگان پیر خرد بهر نشان
پیچید دور گردنم این حلقه ی زنجیر را
در مذهب آینه ها جایی ندارد کینه ها
برخیزد و برچین از جبین این ظلمت شب گیر را
ای ریسمن حلاج از باغ بالاتر بکش
بر سر در خورشید زن تندیس تکبیر را
میگفت گل با گلی اینجا نمیلرزد دلی
در دشنه ی منقار زن گلبانگ بی تاثیر را
یادش بخیر آن صبحدم دستان مان در دست هم
آهسته میگفتی به من آینه تقدیر را

۳- پای پیاده- فواد توحیدی ۰۵:۰۷

پای پیاده می‌رود هی هی .. هی هی
قافله ی نگاه من هی هی .. هی هی
تا برسد به چشم تو هی هی .. هی هی
ای مه شا مگاه من ای مه شامگاه من . مه شا مگاه من
پای پیاده می‌رود . قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو . ای مه شا مگاه من
هزار حرف گفتنی دارم و دم نمی‌زنم
کاش شود بخوانی از پنجره نگاه من
پای پیاده می‌رود . قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو . ای مه شا مگاه من
شب است خوشه وسایه ها
و جفدها خرابه ها میان این سیاهه ها
فقط تویی پناه من فقط تویی پناه من
وقت سفر عزیز من ساز به دست من نده
اسیر مویه می شود مخالف سه گاه من مخالف سه گاه من
پای پیاده می‌رود قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو ای مه شا مگاه من . ای مه شا مگاه من
پای پیاده می‌رود . قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو . ای مه شا مگاه من
اگر چه رفته ای ولی قصه ی عشق ماندنیست
یا د تو مانده تا ابد در دل بی گناه من دل بی گناه من
پای پیاده می‌رود . قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو . ای مه شا مگاه من
پای پیاده می‌رود . قافله ی نگاه من
تا برسد به چشم تو . ای مه شا مگاه من

۴- سلسله مو- ارفع السادات توحیدی ۵:۵۱۰

پیش آن سلسله مو مشیت ما وا شده بود
وسط این همه کوه تیشه رسوا شده بود
همه در ساحل عشق تشنه می رقصیدند
روح مرموز عطش مثل دریا شده بود
باز غوغا شده بود باز غوغا شده بود
بهترین لحظه عشق با تو پیدا شده بود
باز غوغا شده بود باز غوغا شده بود
گر چه ای دف زن مست شیشه باده شکست
یک بغل مستی و نور قسمت ما شده بود
دیدم اهریمن شب در شب کشتن خویش
آنقدر می زده بود تا اهورا شده بود
رفته بودم به برش پیرهن پاره کنم
یوسف از فرط جنون چون زلیخا شده بود
گر چه ای دف زن مست شیشه باده شکست
یک بغل مستی و نور قسمت ما شده بود
دیدم اهریمن شب در شب کشتن خویش
آنقدر می زده بود تا اهورا شده بود
رفته بودم به برش پیرهن پاره کنم
یوسف از فرط جنون چون زلیخا شده بود
باز غوغا شده بود باز غوغا شده بود

۵- مشرق مطلق^{۳۲} - حامد حسین خانی ۰۶:۰۵

نام تو شد روشنی ذکر خموشان
هلهله و هروله کوزه به دوشان
این همه تصویر تویی در شب روشن
تا که ببینم تو را آینه پوشان
حلقه گل حلقه دف حلقه ی گیسو
حلقه به حلقه است شب حلقه به گوشان
دامنه عشق تو چون دامن دریا
آمدنم سوی تو چون رود خروشان
از دم تو زنده شود هستی عیسی
آب بقا را ز لب شعله بنوشان
با خط می بر درب و دیوار نوشتم
چشم تو و حادثه ی باد خروشان
من اگر آن مغربی ام مشرق مطلق
جان مرا جامه ای از نور بپوشان
کیستی ای بر همگان سر سرآمد
کز همه جا میشنوم نام محمد

^{۳۲}. پاسداشت سال محمد بن مصطفی.

۶- بوی زنجیر - هادی سعیدی کیاسری ۰۴:۵۰

گرچه از شش جهت دچار توام
باز بی تاب و بی قرار توام
از تو هیچ ام سر فراغت نیست
هر چه آینه غبار توام
ادب بندگی می آموزم
جلوه های خدا یار توام
تا در آغوش مرگ می لغزم
زنده می دارد انتظار توام
هی هی ... هی هی
می فروشت حرام کرده به من
از ازل تا ابد خمار توام
اولین جلوه جنون منی
آخرین فرصت قمار توام
بوی زنجیر در مشام منی
نام گل بر لب بهار توام
کی وصال اختیار خواهی کرد
ای که مجبور به اختیار توام
ای که مجبور به اختیار توام
بوی زنجیر بر مشام منی...
بوی زنجیر در مشام منی
نام گل بر لب بهار توام
اولین جلوه جنون منی
آخرین فرصت قمار توام
گرچه از شش جهت دچار توام
باز بی تاب و بی قرار توام
از تو هیچ ام سر فراغت نیست
هر چه آینه غبار توام
هر چه آینه غبار توام
گرچه از شش جهت دچار توام
باز بی تاب و بی قرار توام

۷- انعکاس سبز- ارفع کرمانی ۰۴:۴۸

از خود چو بیرون می شوم یارم بغل وا می کند
چون خویش را گم می کنم خود را هویدا می کند
در گیر و دار مستی دیشب ربود از من دلی
چشمش گواهی می دهد ابروش حاشا می کند
چون پنجه آشفته مواز زلف بیرون می کشد
یک شهر دل در پیچ و تاب طره اش جا می کند
در زیر پای بوته هرزی شقایق له شده
اما برای ماندن سرخش تقلا می کند
در سینه های صیقلی هر لحظه گردد منجلی
کاری که با موسی دمی در طور سینا می کند
آئینه ای دق کرده ام در حسرت دیدار تو
یک انعکاس سبز تو صد عقده را وا می کند
آئینه ای دق کرده ام در حسرت دیدار تو
یک انعکاس سبز تو صد عقده را وا می کند

۸- تب و جنون^{۳۳} - هادی سعیدی کیاسری ۰۶:۲۷

مبارکت ای صبور شبها به صبح تابان رسیدی آخر
ز تن پراکندگی گذشتی به مطلق جان رسیدی آخر
سری نداری تنی نداری به غیر خود دشمنی نداری
سری نداری تنی نداری به غیر خود دشمنی نداری
شمیم پیراهنی نداری

شمیم پیراهنی نداری ولی به کنعان رسیدی آخر
شمیم پیراهنی نداری ولی به کنعان رسیدی آخر
مبارکت ای صبور شبها به صبح تابان رسیدی آخر
ز تن پراکندگی گذشتی به مطلق جان رسیدی آخر
ز تن پراکندگی گذشتی به مطلق جان رسیدی آخر

در یچه ای شعله ور گشودی

به عشق و آتش جگر گشودی

ز بستر سینه پر گشودی

به زیر دندان

به زیر دندان رسیدی آخر

شکفته در شعله های خون است

گدازه های تب و جنون است

هزار ابر از دلت برآمد

هزار ابر از دلت برآمد

به گل به باران رسیدی آخر

تو خواب سرسبز ریشه بوده

بهار فردای بیشه بودی

در ابتدای همیشه بودی

ولی به پایان رسیدی آخر

در ابتدای همیشه بودی

ولی به پایان رسیدی آخر...

^{۳۳}. این قطعه به روح استاد محمد حسین سر آهنگ از اساتید موسیقی افغانستان تقدیم شده است.

پروفایل:

نام آلبوم: شب کوچه ها

سال انتشار: ۱۳۸۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۶۵۱۰

کد کتابخانه ملی: ۱۴۴۹ و

حق کپی رایت: شرکت پنج برگ هنر

مدت زمان: ۴۳ دقیقه و ۵۵ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- شب کوچه ها ۲- سلام ای مست ۳- کعبه دل ۴- تو خنده ام، تو گریه ام ۵- صبحتان بخیر مردم ۶- شمع و شکر ۷- به کجا چنین شتابان ۸- شب بو

ترانه سراها: شهرام دانش، علیرضا قزوه، لیلا کسری، مشفق کاشانی، مولانا، طهمورث پورشیرمحمد

آهنگساز: فریدون خوشنود

نوازندگان:

بهنام ابطی، پیام طونی، بهزاد رواقی، مسعود همایونی، محمود فرهنگ، میثم مروستی، پدram فریوسفی، پری چهر خواجه، کریم قربانی، نازپری خواجه، بابک یوسفی

تنظیم: بهنام ابطی، حسین فاضل، پیام طونی، میثم مروستی

ضبط:

گاه نگاری:

۱. شب کوچه ها- ۵:۳۹

سبو شکسته مست عشق؛ در به در کوی توام
مست می ام اما هنوز؛ لب تشنه ی روی توام
سبو شکسته مست عشق؛ در به در کوی توام
مست می ام اما هنوز؛ لب تشنه ی روی توام
ای تو که اسمت با منه، بی تو کجا سفر کنم؟
زنده به اسم تو شدم؛ همیشه بی تو سر کنم
بی تو کجا سفر کنم؟
میخواوم همه خبر بشن...
عاشق تر از من کسی نیست
دل سوخته اما تشنه ی دوباره سوختن کسی نیست!
عاشق تر از من کسی نیست!

۲. سلام ای مست ۰۶:۳۹

سلام ای مست مست مست
ای مست خم هستی
سلامت میکنم ساقی ساقی
اگر هوشیار اگر مستی
سلام ای مست مست مست
ای مست خم هستی
سلامت میکنم ساقی
اگر هوشیار اگر مستی
سلام ای ساقی مستان
سلام ای جمع بی دستان
که می نوشید و می رقصید در غوغای بی دستی
در غوغای بی دستی
سلام ای ساقی مستان
سلام ای جمع بی دستان
که می نوشید و می رقصید در غوغای بی دستی
دری از غیب وا شد، بسته شد دست تو پیدا شد
به روی ما گشودی در، گشودی در
به روی غیب در بستی
به دیدار تو می آییم
مست مست مست امشب
نماز وصل می خوانیم
نماز وصل می خوانیم
در بیداری و مستی
در بیداری و مستی
مست مست مست امشب
به هستی هر چه جزء مستی ست رنگ نیستی دارد
که ما گشتیم
چیزی غیر مستی نیست در هستی
نیست در هستی
سلام ای مست مست مست ...

۳. کعبه دل ۵:۵۰

من چو باد نوبهاران
همنوای بی قراران
پر کشیدم ز آشیان ها
از دیار بی نشان ها
همدم آشفته حالم
در به در افتان و خیزان
من چو باد نوبهاران
همنوای بی قراران
پر کشیدم ز آشیان ها
از دیار بی نشان ها
همدم آشفته حالم
در به در افتان و خیزان

۴. تو خنده ام تو گریه ام ۵:۵۷

تو خنده هام، تو گریه هام،
عشق تو همصدای من
دو همزبون، دو مهربون،
اسم تو رو لبای من
تو رنگ مهتابی واسم
شبا که مهتاب میزنه
برام همون سپیده ای
سحر که آفتاب میزنه
اسیر دیوونگی ام حلقه بزن به پای من
میخوام به آسمون بره صدای گریه های من
به روزگار عاشقون، دلی که بی تب نمیشه
شبی که گریم نگیره اسم شیم شب نمیشه
تو خنده هام، تو گریه هام،
عشق تو هم صدای من
دو همزبون، دو مهربون،
اسم تو رو لبای من
تو رنگ مهتابی واسم
شبا که مهتاب میزنه ...
هر که در سینه دلی داشت
به دلداری داد
دل نفرین شده ی ماست
که تنهاست یار
که تنهاست هنوز
زهره تویی تو آسمان
خاکی بی ستاره من
اشاره کن به عاشقان
عاشق یک اشاره من
به دست تو نمیرسه
وای که شکسته دست من
شراب صد ساله میخواد
این دل می پرست من

۵- صبحتان بخیر مردم ۵:۲۱

با دل شکسته رفتم رو به مشرق تبسم
ناگهان رسیدم اینجا، صبحتان به خیر مردم!
دیشب از شما چه پنهان، سر زدم به کوی مستان
گفتم السلام یا می! گفتم السلام یا خُم!
ساقی قدح به دستان، خنده زد به روی مستان
یعنی اجر می پرستان پیش ما نمی شود گم
عاشق و درازدستی، مستی و سیاهمستی
آدم و دوباره عصیان، آدم و دوباره گندم؟
عقل هیزم است هیزم، عشق آتش است آتش
آتش آورید آتش، هیزم آورید هیزم

۶. شمع و شکر ۵:۴۲

من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو
پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو
سخن رنج مگو جز سخن گنج مگو
ور از این بی خبری رنج مبر هیچ مگو
دوش دیوانه شدم عشق مرا دید و بگفت
آمدم نعره مزین جامه مدر هیچ مگو
گفتم ای عشق من از چیز دگر می ترسم
گفت آن چیز دگر نیست دگر هیچ مگو
من غلام قمرم غیر قمر هیچ مگو
پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو
گفتم این روی فرشته ست عجب یا بشر است
گفت این غیر فرشته ست و بشر هیچ مگو
گفتم ای دل پدری کن نه که این وصف خداست
گفت این هست ولی جان پدر هیچ مگو

۷. به کجا چنین شتابان ۳:۵۷

دارم حس میکنم نورو که همزاد نفسهامه

همزاد نفسهامه

برای من سرآغاز ی به معنای سرانجامه

معنای سرانجامه

از این خواب زمستونی شبیه غنچه پامیشم

دلم گرمه که با خورشید ، دوباره همصدا میشم

دارم حس میکنم نورو که همزاد نفسهامه

همزاد نفسهامه

برای من سرآغاز ی به معنای سرانجامه

معنای سرانجامه

امید آغاز این راهه رهایی نقطه ی آخر

حقیقت داره پس عشقو، باید باور کنم باور کنم باور

منم مثل پرستوها که برمیگردن از صحرا

دارم ابرارو میشمارم به شوق دیدن دریا

دارم حس میکنم نورو که همزاد نفسهامه

همزاد نفسهامه

برای من سرآغاز ی به معنای سرانجامه

معنای سرانجامه

من از آئینه میپرسم مسیر روشنی هارو

غبار از چهره میگیرم میخوام زیبا بشم از نو

یه عالم آرزو دارم برای بودن و موندن

دوباره خوندنی میشه کتاب لحظه های من

دارم حس میکنم نورو که همزاد نفسهامه

همزاد نفسهامه

برای من سرآغاز ی به معنای سرانجامه

معنای سرانجامه

۸. شب بو

امشبم یکی از اون شبهاست
که غرق تب تابم
صدای گریه شب بوها می زاره بخوابم
نگاه کن به باغچه ای ما که گل هاش مثل روزن
لاله عباسی هاشو شعمدونی هاش دارن می سوزن
هرجا بید مجنونه اونجا خیابونش قشنگه
امشبم هم یکی از اون شب هاست
که بارونش قشنگه
دیدی بید ها وقتی بارون می خورن چه حالی دارن
زیر بارون عاشقای عاشقای مثل من چه حالی دارن
گریه ماه نگاه کن چشاشو بسته ستاره
چتر بارونی می خوام چکار بگو بارون بباره
امشبم یکی از اون شبهاست
که غرق تب تابم
صدای گریه شب بوها می زاره بخوابم

پروفایل:

نام آلبوم: خنده بارون

سال انتشار: تابستان ۱۳۸۰

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴/۳۳۷۵ ت

کُد کتابخانه ملی: ۱۶۹۴- و

حق کپی رایت: موسسه آواز بیستون

مدت زمان: ۴۸ دقیقه و ۳۸ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- بهار زندگی ۲- مثل کبوتر ۳- ناله در زنجیر ۴- شبی با این دل شیدا ۵- مثل سحر ۶- یه قصه ۷- آه بی نوا ۸- آشفته کاکل

آهنگساز: مهرداد پازوکی

نوازندگان:

عود: ارسلان کامکار

کنترباس: علیرضا خورشید فر

ویلن: مجتبی میرزاده- سینا جهان آبادی- مهیار فیروز دخت

قانون: سیمین آقا رضی

باقلاما و سه تار: شهریار فریوسی

دف و دایره: رضا فهیمی

پیانو: سامان احتشامی

سنتور: مجید اخشابی

تار: مسعود خادم

نی: پاشا هنجنی

تنبک: آشفته کاکل و مثل سحر – کامبیز گنجه ای

تَبک: یه قصه و مثل کبوتر – بهنام ابطحی

تنظیم:

ضبط: استودیو صبا و بل

گاه نگاری:

طراح و اجرا: سبز علی عزیزی

مدیر تولید: محمد علی عزیزی

صدابرداران: ایرج فهیمی - رضا شاه بیگی

۱- تصنیف بهار زندگی - شعر حسین منزوی ۰۵:۴۵

در بهار زندگی رفتی سفر تو بی خبر
ای مانده بر کاشانه ام جای تو خالی
نازنین دردانه ام نشکن دل دیوانه ام
ای در خزان خانه ام جای تو خالی
من که خود یار توام از جان خریدار توام
ای نازنین از من چه خواهی؟
بر تو من رو کرده ام با عشق تو خو کرده ام
دیگر جز این از من چه خواهی؟
بی تو آهنگ محبت در فضای خانه من مرده آری
ناز دلبر
قاب عکس پر غباری پیش چشمم از تو دارم یادگاری
ناز دلبر
ای دو چشمت آسمان آرزوهای محالم
پر نگیرم تا غم تو می زند سنگی به بالم
ای گشوده بی خبر همچون پرستو بال و پر
تانا کجا کردی سفر آخر کجایی؟
انتظار من مگر هرگز نمی آید به سر
کی سوی من ای همسفر پر می گشایی؟
بهترین تصویر عمرم عکس ناز نازنینی از نخستین دیدن توست
خوشترین آهنگ عمرم یادگاری دلنشین اولین خندیدن توست
کاش بیایی از سفر تا من به عشق با تو بودن پر درآرم
ناز دلبر
کاش تو باشی پشت در تا من به شوق در گشودن پر درآرم
ناز دلبر
ای دو چشمت آسمان آرزوهای محالم
پر نگیرم تا غم تو می زند سنگی به بالم
ای گشوده بی خبر همچون پرستو بال و پر
تانا کجا کردی سفر آخر کجایی؟

۲- تصنیف مثل کبوتر- شعر اکبر آزاد ۵:۰۶

غنچه با ظرافت باغ پر از لطافت
مهمون نا خوندتو کی میبری ضیافت
ای گل با محبت دل به تو کرده عادت
راز هزار و یک شب از تو شنفتن داره
خنده بزن که غنچه میل شکفتن داره
گاهی با نگات با اون گریه هات
محشر میکنی شب تنهاییمو
بی فرداییمو پر پر میکنی
چون ابر بهار میگریونمت میخندونیم
من هر چی بگم از رو سادگی باور میکنی
برگی بر آبم بی تو خرابم
خورشید روشن در خنده تو
بی تو غریبم یار نجیبم
عمری دل من شرمنده تو
خوب قدیما یار هنوزی
با آتیش من تا کی میسوزی
مثل بیابون من تنها نشستم
دریا به دریا در یاد تو هستم
همخونه من ای خوب ساده
فانوس آهی در تاریک جاده
می رفتم از دست گر تو نبود
دستم گرفتی با پای پیاده
مات نگاهم
مثل کبوتر
میل تو دارم
نه آب و دونه
دلوایسم من
برگرد به خونه

۳- آواز- ناله در زنجیر- سه تار جلال ذوالفنون/ شعر بیدل ۰۷:۰۲

هر کجا گل کرد داغی بر دل دیوانه سوخت
این چراغ بیکسی تا سوخت در ویرانه سوخت
عالم از خاکستر ما موج ساغر میزند
چشم مخمور که ما را اینقدر مستانه سوخت
حسن یک مژگان نگه را رخصت شوخی نداد
شمع این محفل طپشها در پر پروانه سوخت
مژده وصل تو شد غارت گر آسایشم
خواب در چشمم همان شیرینی افسانه سوخت
وضع دنیا هیچ بر دیوانه تأثیری نکرد
بیشتر این برق عبرت خرمن فرزانه سوخت
داغ دل شد رهنمای کوه و هامون لاله را
سر بصرها میزند هر کس متاع خانه سوخت
برق ناموس محبت را چو داغ آئینه ام
من بخاکستر نشستم گر دل بیگانه سوخت
مستی چشم ترا نازم که برق حیرتش
موج می را چون نگه در دیده پیمانه سوخت
بسکه خوبانرا زرشک جلوه ات داغست دل
میتوان از آتش سنگ صنم بتخانه سوخت
دور چشم بد زیانکار زمین الفتم
مزرعی دارم که باید چون سپندم دانه سوخت
روزها در نفس خون کرد استغنای
دل ناله در زنجیر از تمکین این دیوانه سوخت
بسمل آن طایرم (بیدل) که در گلزار شوق
چون شرار از گام پرواز بیتابانه سوخت

۴- تصنیف- شبی با این دل شیدا- شعر مشفق کاشانی ۰۶:۱۴

شبی با این دل شیدا
دمی بنشین چو گل زیبا
به باغ زندگانی
دراین حال و هوای خوش
که نی دارد نوای خوش
رها کن سر گرانی
تو بودی در کمین آری تو بودی
تو بودی نگارا که دلم با غمزه ایی جانا ربودی
ربودی نگارا
ربودی نگارا
تو بودی در کمین آری تو بودی
من ای بی وفا
من ای بی وفا
نشستم به خاک راحت
بر جان زد شرر
بر جان زد شرر
مرا برقی از نگاهت
تو روزی نازنین دل را شکستی
گل من کجایی
گذشتی از منو هر جا نشستی
گل من کجایی
تو بودی در کمین آری تو بودی
تو بودی نگارا که دلم با غمزه ایی جانا ربودی
ربودی نگارا
ربودی نگارا
تو بودی در کمین آری تو بودی

۵- تصنیف مثل سحر - شعر اکبر آزاد ۴:۵۸۰

نرگس گل خمار اون دو تا چشم مست / عطر نفس های تو
نرخ گل و شکسته / مثل چراغ جادو
نرگس اون از همه سو / راه فرارو بسته
مثل سحر نگاهت / کی به شبم می تابه
چشم تو وقتی بسته است / بخت منم تو خوابه
سخته تو را ندیدن / بعد تو تنهایی من مثل یه
یه باغ گیلاس / چشم تو گیراست
ناز و فریباست / مثل طلا که پاکه
صیح سلامت / شور قیامت
این قد و قامت / چه منتش به خاکه
من بی تو یک عصر دلتنگم / پاییزم ، پاییزی بی رنگم
زیباتراز خواب و رویایی / که یک شب در خوابم می آیی
گلها می خندند / وقتی می خندی
دست و پای غم / با شادی می بندی
بر دنیا می خندی / با من می گوید
چشم بیمار / می دونم دور نیست
روز دیدارت / چشم من هر شب
مونده بیدارت / من می سوزم تا روز دیدارت
عطر مریم و باغ نسترن / می رسم به تو
می رسی به من / نرگس گل خمار اون دو تا چشم مست
عطر نفس های تو / نرخ گل و شکسته
مثل چراغ جادو / نرگس اون از همه سو
راه فرارو بسته / مثل سحر نگاهت
کی به شبم می تابه / چشم تو وقتی بسته است
بخت منم تو خوابه / سخته تو را ندیدن
بعد تو تنهایی من مثل یه

۶- تصنیف یه قصه- شعر اکبر آزاد ۰۵:۲۵

نی و نای چوپون
سحر خروس خون
ابرای بیابون
می گن تو قصه بودی
همه رودخونه ها
دشت گلپونه ها
حتی کوه و صحرا
همه می دونن که تو بودی که غزل های شب جدایی رو سرودی
دیگه از شهر تو
سر شب یا سحر
تا خبردار بشی
رفته ام بی خبر
نمی خوام قصه مون دوباره آفتابی شه
آسمون نگات برای من آبی شه
نمی گم قصه مو
که دلت خون می شه
خوب اگه بشنوه
دیگه هامون می شه
یادته اون روزا
هر کجا
چون دو دل داده با هم بودیم
دلم اندازه یه بیابون که نیست
درد من ای خدا از تو پنهون که نیست
مثل پروانه ها
ما رها
غافل از رنج عالم بودیم
دل دیوونه چون شب زده ها سایه به سایه توی راه تو بود
یه معما شده که این جدایی کار من یا که گناه تو بود
حالا هر چی که بود
حالا هر چی که هست
از تو هر خاطره
تنها دل ما شکست

۷- آواز آه بینوا- دو بیتى بابا طاهر ۰۸:۴۸

من آن آزرده ی بی خانمانم
من آن محنت نصیب سخت جونم
من آن سرگشته خارم در بیابون
که هر بادی وزش پیشش دوانم
عزیزوم نازنینم نازنینم
قدم پای ز پر غصم خندیم
چو محنت کشید در درک کم بید
مه هرگز از غم آزادی ندیدوم
دل بی طالع ما کو غم بید
خدا بی کشکانوم نازنینوم نازنینوم
بمیرم بمیروم تا تو چشم تر نبینی
شراره آه با آذر نبینی نبینی
چونان از آتش عشقت بسوزوم
که از ما رنگ خاکستر نبینی

۸- تصنیف آشفته کاکل- اکبر آزاد ۵:۲۲۰

بگو از کجایی تو آشفته کاکل
که شور صدایی توی بغض بلبل
تبسم نکردی تحمل نکردم
تو شب گریه‌هامو نکردی تحمل
بگو از کجایی تو آشفته کاکل
که شور صدایی توی بغض بلبل
تبسم نکردی تحمل نکردم
تو شب گریه‌هامو نکردی تحمل
تو از قصه‌های کدوم سرزمینی
که بر درد آدم تو حواترینی
چو آهوی دشتی رمیدی دویدم
غبار تو را من نفس می کشیدم
بیا ببین ناله‌های من
به نیمه شب با خدای من
بیا ببین ناله‌های من
به نیمه شب با خدای من
تو را مثل شبنم رو برگا نوشتم
دل‌م با تو خندید شدی سرنوشت‌م
چو آهوی دشتی رمیدی دویدم
غبار تو را من نفس می کشیدم
چرا دل ندادی چرا دل سپردم
چرا بی تو زنده چرا از تو مردم
تو را مثل شبنم رو برگها نوشتم
دل‌م با تو خندید شدی سرنوشت‌م
چو آهوی دشتی رمیدی دویدم
غبار تو را من نفس می کشیدم
چرا دل ندادی چرا دل سپردم
چرا بی تو زنده چرا از تو مردم
مثل قناری در قفس سوز تو را پرپر زدم
پنهون ز تو آتیش دل در زیر خاکستر زدم

پروفايل:

نام آلبوم: تو می آیی

سال انتشار: ۱۳۸۵

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۵۳۱۱ ت

کد کتابخانه ملی: ۹۸۵۶ و

حق کپی رایت: آواز بیستون

مدت زمان: ۴۰ دقیقه و ۰۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- دنیا دنیا ۲- قدح ۳- دلبر ۴- تو ندیدی مرا ۵- شیرین من کجایی ۶- تو میایی ۷- زیر قطره باران ۸- تب عشق

آهنگساز: حسن میرزاخانی

نوازندگان: گروه قدح

ویلن: پیام طونی - حسن میرزاخانی

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

ویلنسل: کریم قربانی

فلوت: ناصر رحیمی

ابوا: فرشید حفطی فرد

گیتار و سازهای کوبه ای: غلامرضا میرزاخانی

سه تار آیدین علیا نسب

سنتور: حسن میرزاخانی

دیوان - سید محمد جاسمی

تار آذری: شهریار صدیق

کمانچه: فریده میرزازاده

قانون: سیمین آقاراضی

پیانو و سازهای الکترونیک: غلامرضا صادقی

تنظیم:

قطعه های: دنیا دنیا و تو می آیی - غلامرضا صادقی - حسن میرزاخانی

قطعه ی: شیرین من کجایی - سهیل ایوانی

ضبط: استودیو ترانه

صدابردار: حسین صادقی

مستر مسترلینگ: ابوالفضل صادقی

مدیر تولید: سبز علی عزیزی

تهیه و تدوین: محمد علی عزیزی

آهنگ و تنظیم: حسن میرزاخانی

گاه نگاری:

۱- دنیا دنیا- شعر اهورا ایمان ۵:۵۰

ای عطر نامت جاری بر لب من
روشن تر از ماه رویت در شب من
گیسو بیافشان تا شب سر بگیرد
چهره میپوشان تا دل پر بگیرد
ای با تو عاشق تر زیباتر دنیا دنیا
بر تشنه کامی ها جاری شو دریا دریا
باز آ و زیبا کن دریا کن دل را دل را
ای از تو دل آینه وار با من بمان بر من ببار
تا پرکشد با تو نسیم تا گل کند با تو بهار
وقت شب آینه مرا صبح سپیدی
چهره میپوشان که مرا عمر امیدی
رویا رویا درخواب منی روشن روشن مهتاب منی
رویا رویا درخواب منی روشن روشن مهتاب منی
ای عطر نامت جاری بر لب من
روشن تر از ماه رویت در شب من
گیسو بیافشان تا شب سر بگیرد
چهره میپوشان تا دل پر بگیرد
ای با تو عاشق تر زیباتر دنیا دنیا
بر تشنه کامی ها جاری شو دریا دریا
باز آ و زیبا کن دریا کن دل را دل را
اشکم تویی آهم تویی مهرم تویی ماهم تویی
عشق منو ایمان من روحم تویی راهم تویی
وقت شب آینه مرا صبح سپیدی
چهره میپوشان که مرا عمر امیدی
رویا رویا درخواب منی روشن روشن مهتاب منی
رویا رویا درخواب منی روشن روشن مهتاب منی

۲- قدح- دو بیتى قدیمی ۰۴:۴۱

قدح را به سر کنید، یا قدح را به سر کنید
شب را سحر کنید، غم دنیا را از سر به در کنید
غم دنیا را از سر به در کنید
الا ای یار، خطر دارد جدایی
نهال بی ثمر، دارد جدایی
بیا که ما و تو، یک جای نشینیم
که مرگ بی خبر، دارد جدایی
قدح را به سر کنید، آی قدح را به سر کنید
شب را سحر کنید، غم دنیا را از سر به در کنید
غم دنیا را از سر به در کنید
زندگی چیست، خون دل خوردن
زیر دیوار آرزو مردن، زیر دیوار آرزو مردن
رسم دورنگی آیین ما نیست
یک رنگ باشد روز و شب من
یک رنگ باشد روز و شب من
گذشت آن که تو سالار دلبران بودی
خدای عشق من و یار دیگران بودی
گذشت آن که ز درگاه خویش می راندی
مرا به تلخی و شیرین دیگران بودی
قدح را به سر کنید، یا قدح را به سر کنید
شب را سحر کنید، غم دنیا را از سر به در کنید
غم دنیا را از سر به در کنید
الا ای یار، خطر دارد جدایی
نهال بی ثمر، دارد جدایی
بیا که ما و تو، یک جای نشینیم
که مرگ بی خبر، دارد جدایی
قدح را به سر کنید، آی قدح را به سر کنید
شب را سحر کنید، غم دنیا را از سر به در کنید
غم دنیا را از سر به در کنید

۳- دلبر: محلی شیرزازی ۰۴:۱۷

دلم امشو به تنهایی خود خو کرده ای جونم وای دلبر
یاد چشمون سیاهش منو جادو کرده ای جونم وای دلبر
دلم پیش پر میزنه به هر دری در میزنه
به هر خونه سر میزنه دلم دلم دلم
خدا مهربونه یار عاشقونه دل مو جوونه
خدا خدا خدا، خودش خوب میدونه که
بر جون عاشق جدایی گرونه خدا خدا خدا
هنو از دست غمش دیده ی ما گریونه ای جونم وای دلبر
بعد عمری هنوم مرغ دلم نالونه ای جونم وای دلبر
میرم میگردم سر به سر دشت و دمن کوه و کمر
میرم از او گیرم خبر میرم میرم میرم
خدا مهربونه یار عاشقونه دل مو جوونه
خدا خدا خدا، خودش خوب میدونه که
بر جون عاشق جدایی گرونه خدا خدا خدا
خداوندا دلم یه جایی بنده ای گلم همو جایی که ایوونش بلنده
همو جایی که دلخواهم صنوبر همو جایی که او بالا بلنده
خدا مهربونه یار عاشقونه دل مو جوونه
خدا خدا خدا، خودش خوب میدونه که
بر جون عاشق جدایی گرونه خدا خدا خدا

۴- تو ندیدی مرا - ساغر شفیعی ۰۴:۴۳

هر چه شکفتم تو ندیدی مرا
رفتی و افسوس نچیدی مرا
ماندم و پژمرده شدم ریختم
تا که به دامن تو آویختم
هر چه شکفتم تو ندیدی مرا
رفتی و افسوس نچیدی مرا
ماندم و پژمرده شدم ریختم
تا که به دامن تو آویختم
"دامن خود را متکان ای عزیز
این منم ای دوست به خاکم مریز"
دامن خود را متکان ای عزیز
این منم ای دوست به خاکم مریز
وای مرا ساده سپردی به باد
حیف که نشناخته بردی ز یاد
حیف که نشناخته بردی ز یاد
همسفر بادم از آن پس مدام
میگذرم بی خبر از بام و شام
میرسم اما به تو روزی دگر
پنجره را باز گذاری اگر

۵- شیرین من کجایی ۵:۴۹

آی امان امان امان آی آخ جان امان
رفتی تو و رفتی تو و جای تو را از یاد تو آکنده ام
تصویر زیبای تو را، تصویر زیبای تو را بر سنگ و صخره کنده ام
انگار که روح فرهاد ز بیداد ز بیداد سر داده ناله بر باد
شیرین من کجایی شیرین من کجایی شیرین من کجایی
از بیستون می آید صدایی
امان از این جدایی شیرین من کجایی
فرهادم و فریاد من تا آسمان ها می رود
همراه یادت یاد من تا بیزمان ها می رود
امان از این جدایی شیرین من کجایی
ای هر ستون از بیستون با نقش تو آذین شده
ای کام بخت تیره گون با نام تو شیرین شده
با شوق دیدن تو سر تا به پا نگاهم
تا نقش خود بینی در چشم بی گناهم
میگرمت هر شب خبر شیرین من کجایی
میپرسمت از هر سحر شیرین من کجایی
میپرسمت از هر سحر شیرین من کجایی
گویی هنوز هم تیشه ام با صخره دارد گفتگو
تا که بگیرد بیستون از خون سرخم آبرو
از بیستون می آید شبانه شبانه
عشقی که می سراید با گریه این ترانه
هر سو نسیمی می وزد ویران تر از ویران منم
هر سایه اینجا میخزد چون روح سرگردان منم
امان از این جدایی شیرین من کجایی

۶- تو می آیی ۰۳:۴۹

چو مرغ شب خواندی و رفتی
دلیم را لرزاندی و رفتی
شنیدی غوغای طوفان را
ز خواندن وا ماندی و رفتی
به باغ قصه به دشت خواب
سایه ی ابريست در دل مهتاب
مثل روح آزده ی مرداب
دلیم را لرزاندی و رفتی
چو مرغ شب خواندی و رفتی
تو اشک سرد زمستان را
چو باران افشاندی و رفتی
سیاه شب لاله افشان شد
کویر تشنه گلستان شد

تو می آیی آیی تو می آیی آیی تو می آیی وای تو می آیی

ز باغ قصه به دشت خاک
ز راه شیری پر مهتاب
تو میباری چون گل باران
به جان نیلوفر مرداب
سیاه شب لاله افشان شد
کویر تشنه گلستان شد

تو میایی وای تو میایی آیی تو میایی وای تو میایی

۷- زیر قطره (چتر) باران ۰۴:۱۵

زیر چتر سبز باران برگ لرزان درختان
آید به یادم دوباره کوچه باغ پرسه ها مان
می تراوید از نگاهت شور و شرم کودکانه
می سرودم زیر باران از نگاه تو ترانه
اگر از آنهمه شوق و آرزو مانده در قلب تو هم بگو بگو
زمزمه کن همه را به گوش من تا بگیرم بوی باران
گل همیشه بهار من بیا با گل خنده کنار من بیا
تا همه هستی ام از حضور تو گل کند همچون بهاران
دم به دم افسانه میخواند در کنار گوشمان باد
نغمه های عاشقی را باد و باران یادمان داد
می توانستم چو لبخند بر لبانت جان بگیرم
یا بلغزم همچو اشکی کنج لبهایت بمیرم
اگر از آنهمه شوق و آرزو مانده در قلب تو هم بگو بگو
زمزمه کن همه را به گوش من تا بگیرم بوی باران
گل همیشه بهار من بیا با گل خنده کنار من بیا
تا همه هستی ام از حضور تو گل کند همچون بهاران
در دل شب دیده ی بیدار من ببند آن یاری که دل را آرزوست
چون بیاید پیش پیش مرکبش مرغ شب آوا بر آرد دوست

۸- تب عشق - پرویز بیگی ۰۴:۳۵

ز فراق میسوزم همه شب در تنهایی
به امیدی بنشستم که تو شاید باز آیی
من اگر عاشق گشتم به هوای تو بود
به خدا شور عشقت دل من بر بود
تب عشقت جانم را همه شب میسوزاند
چه کسی در این عالم غم من را میداند؟
عشق تو زده آتش بر دلم، لحظه ای بنشین در محلم
ای شکفته در آوایم صبح روشن فردایم، خواب خوب من رویا هایم
چلچراغ من خورشیدم سایه سار من امیدم
با تبسمت خندیدم از شکفتنت گلها چیدم
دیگرم تو مسوزان بیش از این، جان من به فدایت نازنین
لحظه ای نتوانم بی تو زنده بمانم عاشقانه بگویم عاشقانه بخوانم
بی تو من به دو عالم سرگردانم، عاشقی سخن من جان من ز تو روشن
چون روی ز کنارم بی سامانم
عشق تو زده آتش بر دلم، لحظه ای بنشین در محلم
ای شکفته در آوایم صبح روشن فردایم، خواب خوب من رویا هایم
چلچراغ من خورشیدم سایه سار من امیدم
با تبسمت خندیدم از شکفتنت گلها چیدم

پروفایل:

نام آلبوم: امان از جدایی

سال انتشار: ۱۳۷۶

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی

شماره مجوز: ۴/۲۲۹۶ ت

کُد کتابخانه ملی: ۶۹۵ و

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی و هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۵۸ دقیقه و ۵۱ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- تصنیف ای گل ناز من ۲- تصنیف تنیده یاد تو ۳- تصنیف حرام ۴- تصنیف شب هجران ۵- تصنیف جدایی ۶- تصنیف ای عشق ۷- تصنیف شب مهتابی ۸- تصنیف گل من چندین

آهنگساز: محمد جلیل عندلیبی

نوازندگان: گروه مولانا

ویولن: مجتبی میرزاده، مینا افتاده، سیمین آقارضا، ارسلان کامکار، کاظم عالمی، علی چراغچی و ساغر کتابچی

سنتور: محمدجلیل عندلیبی

ویولن آلتو: سیاوش ظهیرالدینی

ویولن سل: کریم قربانی

دف: احمد خاک طینت ، فرهاد عندلیبی و فرزاد عندلیبی

نی: بهزاد فروهری و فردین لاهورپور

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

تار: امیرحسن رضا

عود: جمال جهانشاد

فاکوت: محسن افتاده
تنبک: کامبیز گنجه‌ای و سالار عندلیبی

صدابردار: رضا شاه بیگی

ضبط: استودیو صبا

گاه نگاری: زیباترین ... افسانه

تهیه کننده: محمد علی عزیزی

ضبط موسیقی: رضا شابیگی

۱- تصنیف شاخ شمشاد (ملودی کوردی)- اشعار بابا طاهر- بیژن ترقی ۵۵:۴۰

ای گل ناز من نغمه ساز من
بی خبر مانده ای از من و راز من
ز بوی زلف تو مفتونم ای گل
ز رنگ روی تو دل خون ای گل
من عاشق ز عشقت بی قرارم
تو چو لیلی و من مجنونم ای گل
دل ما بی تو دائم بی قراره
به جز آزار مو کاری نداره
سرو آزاد من کی کنی یاد من
خم شده قامتم شاخ شمشاد من
عزیزم از غم و درد جدایی
به چشمو نم نمونده روشنایی
گرفتارم به دام غربت و درد
نه یار و همدمی نه آشنایی
گل من یار من تویی دلدار من
یار من یار من تویی غمخوار من
سر راحت نشینوم تا تو آیی
در شادی به روی ما گشایی
آید روزی به روز ما نشینی
ببینی تا چه سخته بی وفایی
دل ما بی تو دائم بی قراره
به جز آزار مو کاری نداره
جان جانان من عشق سوزان من
برده ای از نظر عهد و پیمان من
بی تو اشکم ز مژگان ته آیه
بی تو نخل حیاتم بی بر آیه
بی تو در کنج تنهایی شب و روز
نشینوم تا که عمر مو سر آیه

۲- تصنیف تنیده یاد تو (دشتی)^{۳۴} - شعر ابوالقاسم لاهوتی

تنیده یاد تو در تار و پودم، میهن، ای میهن!
بود لبریز از عشقت وجودم، میهن، ای میهن!
تو بودم کردی از نابودی و با مهر پروردی
فدای نام تو بود و نبودم، میهن، ای میهن!
فزونتر گرمی مهتر اثر می کرد چون دیده
به حال پر عذابت می گشودم، میهن ای میهن
به هر مجلس به هر زندان، به هر شادی به هر ماتم
به هر حالت که بودم با تو بودم، میهن، ای میهن!
اگر مستم اگر هوشیار، اگر خوابم اگر بیدار
بسوی تو بود روز سجودم، میهن، ای میهن!
بدشت دل گیاهی جز گل رویت نمی روید
من این زیبا زمین را آزمودم، میهن ای میهن

^{۳۴}. این ترانه در اصل متعلق به احمد ظاهر خواننده افغانستانی می باشد. توسط برخی از خوانندگان ایران از جمله آقای افتخاری باز خوانی و باز نوازی شد.

۳- تصنیف حرام (بیداد و همایون) - شعر وحدت کردستانی ۰۶:۲۰

در مذهب عاشق اثر کینه حرام است
در کیش صفا لکه به آیینه حرام است
در مذهب ما گر همه انوار و قلوب است
یک نکته به جز داغ تو در سینه حرام است
با یاد نگاهت به طرب خانه رندان
جزباده کشی در شب آدینه حرام است
یا رب تو مرا با دل صد پاره بمیران
بر سائل دل خرقه بی پینه حرام است
در مذهب عاشق اثر کینه حرام است
در کیش صفا لکه به آیینه حرام است
در مذهب ما گر همه انوار و قلوب است
یک نکته به جز داغ تو در سینه حرام است
با یاد نگاهت به طرب خانه رندان
جزباده کشی در شب آدینه حرام است
یا رب تو مرا با دل صد پاره بمیران
بر سائل دل خرقه بی پینه حرام است

۴- تصنیف شب هجران (دشتی)- هاتف اصفهانی ۰۹:۰۷

کجایی در شب هجران که زاریهای من بینی؟
چو شمع از چشم گریان اشک باریهای من بینی
کجایی ای که خندانم ز وصلت دوش میدیدی؟
که امشب گریه های زار، زاریهای من بینی
کجایی ای قدحها از کف اغیار نوشیده؟
که از جام غمت خونابه خواریهای من بینی
شبى چند از خدا خواهم به خلوت تا سحرگاهان
نشینی با من و شب زنده داریهای من بینی
شدم یار تو و از تو ندیدم یاری و خواهم
که یار من شوی ای یار و یاریهای من بینی

۵- تصنیف جدایی (شوشتری) - هاتف اصفهانی ۰۷:۱۸

چو نی ناله دارم ز درد جدایی فغان از جدایی
قفس دل بود بلبلی را که نالد شب و روز
در آشیان از جدایی
چرا من ننالم ز هجران که نالد
زمین از فراغ آسمان از جدایی
به هر شاخه ای با مرغی سراید
به لحنی دگر داستان از جدایی
ز شمعم به جان آتشی افتد به بزمی
که آید سخن در میان از جدایی

۶- تصنیف ای عشق (بیات راجع)- شعر مهدخت مخبر ۵۵:۷۰

ای عشق از ماندن بگو ایثار کن
ای عشق از ماندن بگو ایثار کن
یا مرگ خود را در دلم انکار کن
گل خواستی بر داده ام
جان خواستی سر داده ام
فرمان نبرد این سر اگر بر دار کن
گفتی که رسوا شو شدم
بر قامت تا شو شدم
رسوا اگر چون من نشد اصرار کن
در جان بی تابم بتاب
بر چشم بی خوابم بخواب
در جان بی تابم بتاب
بر چشم بی خوابم بخواب
احساس خواب آلوده را بیدار کن
دل از تو آبادی ندید
از تو کسی شادی ندید
ای عشق ویران می کنی اقرار کن
ای عشق ویران می کنی اقرار کن
ای یار نالیدی ز عشق
همواره بالیدی به عشق
ای عشق خود را در دلم تکرار کن
ای عشق از ماندن بگو ایثار کن
یا مرگ خود را در دلم انکار کن
گل خواستی بر داده ام
جان خواستی سر داده ام
فرمان نبرد این سر اگر بر دار کن
گفتی که رسوا شو شدم
بر قامت تا شو شدم...

۷- تصنیف شب مهتابی (شور): بیژن ترقی ۰۶:۱۵

تو ای چنگی چه دلتنگی بزن آهنگی
بیا بگذر از این رنج و از این دلتنگی
خم باده بجوش آمد چرا خاموشی؟
جهانی در خروش آمد چرا خاموشی؟
چمن خرم شده سبوی گل پر از
می شب نم شده فکر می و مینا کن
اگر خواهی که دل تهی از غم کنی
دلی خرم کنی شور و شری بر پا کن
رو گرداند شب مهتابی
مگر مدهوشی مگر در خوابی
شب مهتابی فکر می و مینا کن
سبویی بشکن و هنگامه ای بر پا کن
چرا جام محبت را بشکستی؟
نمی خواهی ز سرگیری سرمستی؟
پس زانو چو غمخواران بنشستی
به دنیای فراموشی دل بستی
بر خیز شوری در دلها کن
ای همرازم خوش آوازم
با یاد تو در پروازم
با ساز تو در هر زمان دمسازم

۸- تصنیف گل من چندین (ملودی کوردی)- شعر بیژن ترقی ۰۸:۳۸

گل من چندین منشین غمگین شام محنت بسر آمد
سر و دست افشان غم دل بنشان غمخوارت از سفر آمد
ز چه بنشستی بگشا دستی آذین کن صحن و سرا را
که پس از غمها به رخ شبها آب و رنگ سحر آمد
شب مهتابی ز چه بیتابی روشن کن شمع صبوری
منشین غمگین که مه دیرین تابان و جلوه گر آمد
تو که آگاهی که چه شبهایی بایاد او بنشستیم
شب بارانی غم پنهانی رفت و نور بصر آمد
پس از آن دوری غم مهجوری شور و شادی بر پا کن
ز غم پنهان نشوی گریان چون او خندان ز در آمد
شب مهجوری ز ره دوری آوای رهگذر آمد
که سحر سر زد غم دل پر زد شادی از بام و در آمد
شب جانکاهی شر آهی زد ابر غم به کناری
به سر افرازی به دل افروزی خورشید ما به در آمد
پس از هجران غم بی پایان پیدا خاتم عشقم
به دلم نوری چه شر و شوری زان مرغ خوش خبر آمد

پروفایل:

نام آلبوم: سرمستان

سال انتشار: ۱۳۷۳

نوع: استودیویی

سبک: سنتی - موسیقی دستگاهی (راست پنجگاه - شور)

شماره مجوز: ۱۰۷۲ / ج ۲

کد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: موسسه مشکات

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- تصنیف غریبان ۲- قطعه بی کلام ماهور ۳- از راست پنجگاه ۴- آواز ابو عطا ۵- تصنیف سرمستان ۶- آواز شور ۷- تصنیف سرگران ۸- قطعه بی کلام گل نشان (ملودی کرمانشاهی) ۹- تصنیف شیدا

آهنگسازان: سهیل ایوانی - عباس خوشدل ۰ - جهانیر مراد - به کوشش فریدون شهبازیان

نوازندگان:

تکنوازی سه تار: استاد جلال ذوالفنون

کمانچه: هابیل علی اف

نی: حسن ناهید

سه تار - بم تار - کمانچه - دف: سهیل ایوانی

تنبک: محمود فرهمند

عود: جمال جهانشاد

تنبک و تصنیف: شیوا - ارژنگ کامکار

تنظیم: سهیل ایوانی

ضبط:

گاه نگاری:

مدیر تولید و تدوین: محمد علی چاووشی

صدا بردار: منوچهر ریاحی

۱- تصنیف غریبان- بر گرفته از ملودی کرمانشاهی- شعر حافظ ۰۸:۲۸

چندان که گفتم غم با طیبیان
درمان نکردند مسکین غریبان
آن گل که هر دم در دست بادبست
گو شرم بادش از عندلیبان
یا رب امان ده تا بازیبند
چشم محبان روی حبیبان
درج محبت بر مهر خود نیست
یا رب مبادا کام رقیبان
ای منعم آخر بر خوان جودت
تا چند باشیم از بی نصیبان
حافظ نگشتی شیدای گیتی
گر می شنیدی پند ادیبان

۲- از راست پنجگاه- شعر از حافظ ۵۲:۱۰

حسب حالی ننوشتی و شد ایامی چند
محرمی کو که فرستم به تو پیغامی چند
ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند
چون می از خم به سبو رفت و گل افکند نقاب
فرصت عیش نگه دار و بزن جامی چند
قند آمیخته با گل نه علاج دل ماست
بوسه‌ای چند برآمیز به دشنامی چند
زاهد از کوچه رندان به سلامت بگذر
تا خرابت نکند صحبت بدنایم چند
عیب می جمله چو گفתי هنرش نیز بگو
نفی حکمت مکن از بهر دل عامی چند
ای گدایان خرابات خدا یار شماست
چشم انعام مدارید ز انعامی چند
پیر میخانه چه خوش گفت به دردی کش خویش
که مگو حال دل سوخته با خامی چند
حافظ از شوق رخ مهر فروغ تو بسوخت
کامگارا نظری کن سوی ناکامی چند

۳- تصنیف شیدا- ۱۰:۱۰

عشق تو آتش جانانا...
عشق تو آتش جانانا زد بر دل من
بر باد غم داد آخر...
بر باد غم داد آخر آب و گل من
دانلود آهنگ عشق تو محمدرضا شجریان
روی تو چون دیده دل...
روی تو چون دیده دل بهتر ز لیلی
روی تو چون دیده دل...
روی تو چون دیده دل بهتر ز لیلی
شد بند زنجیر دام...
شد بند زنجیر دام مجنون دل من
شد بند زنجیر دام...
شد بند زنجیر دام مجنون دل من
وصل تو مشکل مشکل...
وصل تو مشکل مشکل جان دادن آسان
یا رب کن آسان آسان...
یا رب کن آسان آسان این مشکل من
وصل تو مشکل مشکل...
وصل تو مشکل مشکل جان دادن آسان
یا رب کن آسان آسان...
یا رب کن آسان آسان این مشکل من
یا رب کن آسان آسان...
یا رب کن آسان آسان این مشکل من
یا رب کن آسان آسان...
یا رب کن آسان آسان این مشکل من

۴- آواز ابوعطا- شعر از عطار نیشابوری ۰۶:۱۵

عزم آن دارم که امشب نیم مست
پای کوبان کوزه‌ی دردی به دست
سر به بازار قلندر در نهم
پس به یک ساعت ببازم هرچه هست
تا کی از تزویر باشم خودنمای
تا کی از پندار باشم خودپرست
پرده‌ی پندار می‌باید درید
توبه‌ی زهاد می‌باید شکست
وقت آن آمد که دستی بر زخم
چند خواهم بودن آخر پای‌بست
ساقیا در ده شرابی دلگشای
هین که دل برخاست غم در سر نشست
تو بگردان دور تا ما مردوار
دور گردون زیر پای آریم پست
مشتی را خرقه از سر برکشیم
زهره را تا حشر گردانیم مست
پس چو عطار از جهت بیرون شویم
بی جهت در رقص آییم از الست

۵- تصنیف سرمستان- خوشدل- شعر محمد علی چاووشی- ساعد باقری ۰۶:۵۹

ای ساقی ما سرمستان

جامی بده جانم بستان

ز همه گریزان ناله خیزان بر تو رو کردم

ای شاهد بزم آرایم با دیده خون پالایم

همه شب به یادت باده غم در سبو کردم

یا رب یارا دریاب ما را

چون آتش عشق تو به جان دارد دل

صد شعله شرر خود به زبان دارد دل

آه سحری سوز دلی سودایی

شوق نگهت در دو جهان دارد دل

ای ساقی ما سرمستان

جامی بده جانم بستان

ز همه گریزان ناله خیزان بر تو رو کردم

یا رب یارا دریاب ما را

بنگر به نیازم بر سوز و گدازم

ای راز و نیاز من ای عطر نماز من

در بر نشان ما را یارا یارا

ای همنفس من، بشکن قفس من

امید رهایی ها پیوند جدایی ها

در بر نشان ما را یارا یارا

سودای شعله شدن سر زد تا از خاکستر من

می ریزد دست جنون هر دم باده در ساغر من

۶- آواز شور- مولانا ۱۵:۰۶

ای دل اگر نخواندت ره نبیری به کوی او
بی قدمش کجا توان ره بیری به کوی او
یک جهت آی تا مگر ره شودت به بی جهت
دیده بی جهت نگر؛ بنگر حسن روی او
راه نمای بایدت ای که هواش می پزی
زانکه بخود نمی توان کردن جستجوی او
گر نیروی به سوی او راست بگو کجا روی
هر طرفی که بنگری ملک ویست و کوی او
جام و سبوی او منم غالیه بوی او منم
پیش من آی تا شوی جمله به رنگ و بوی او
تا که به گوش جان من رمز الست گفته اند
هیچ برون نمیروود از دلم آرزوی او
آنچه ز ما شنوده ای آن ز خدا شنوده ای
چون همه گفتگوی ما هست ز گفتگوی او
هیچ مجو ز هیچ کس ننام و نشان من که من
غرق محیط گشته ام از رشحات جوی او
رفته به جوی او منم مست ز بوی او منم
پیش من آی تا شوی جمله به رنگ و بوی او
رو بر شمس تا دهد از تو خلاص مر ترا
خوی بدت بدل کند جمله به خلق و خوی او

۷- تصنیف سرگردان- بر گرفته از تصنیف قدیمی کرمانشاهی- (میزارم سر آوی)- شعر بابا طاهر ۰۴:۴۱

دلی دیرم خریدار محبت
کز او گرم است بازار محبت
قبایی دوختم بر قامت دل
زپود محنت و تار محبت
خداوندا بفریاد دلم رس
کس بی کس تویی مو مانده بیکس
همه گویند طاهر کس نداره
خدا یار مو چه حاجت کس
دلم از دست خوبان گیج و ویجه
مژه بر هم زنم خونابه ریجه
دل عاشق مثال چوب تر بی
سری سوجه سری خونابه ریجه
دلم از دست خوبان گیج و ویجه
مژه بر هم زنم خونابه ریجه
دل عاشق مثال چوب تر بی
سری سوجه سری خونابه ریجه

پروفايل:

نام آلبوم: پاييز

سال انتشار: پاييز ۱۳۸۷

نوع: استودیویی

سبک: پاپ

شماره مجوز: ۳/۲۸۱۴ ت

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۵۹ دقیقه و ۱۳ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- تصنیف روز و شب ۲- تصنیف شهر تنهایی ۳- تصنیف دلی در آتش ۴- تصنیف دل افروزتر از صبح ۵- کجایی (با همیاری امید سیاره) ۶- عشق و جنون ۷- باره شبانه ۸- پاييز

آهنگساز: مهرداد پازوکی - نظارت فریدون شهبازیان

نوازندگان:

ویلن: ارسلان کامکار - همایون رحیمیان - رضا عالمی - رسول بهبهانی - ابراهیم لطفی

ویلنسل: کریم باقری

کنترباس: علیرضا خورشید فر

فلوت: ناصر رحیمی

ابوا: فرشید حفظی فر

کلارنیت: هوشنگ گنج بر

سنتور: مجید اخشابی - امید سیاره

محمد شهرام اعتمادی: تار و تارباس

تنبک: کوشان یغمایی - کامبیز گنجه ای

تنظیم:

ضبط: استودیو بل

گاه نگاری::

صدابردان: ایرج فهمی - منوچهر ریاحی

امور فنی و چاپ: سبزعلی عزیزی

تهیه و تدوین: محمد علی عزیزی

دکلمه: ژاله صادقیان

۱- تصنیف روز و شب- شعر سهیل محمودی ۰۹:۲۲

مانده‌ام در حسرت بالابلایی روز و شب
جان دهم از دوری دیرآشنایی روز و شب
هر سحر نام تو را با سوز دل سرداده‌ام
تا مگر بر تو رسد از من صدایی روز و شب
عاشقانه کو به کو شهر شما را گشته‌ام
تا بیابم شاید از تو ردپایی روز و شب
دل خوشم با خاطرات هر شب تو روزها
بی تو دارم با دل خود ماجرای روز و شب
پیش رویم قاب عکسی از تو دارم ماه من
روز و شب با یاد تو دارم صفایی روز و شب

۲- تصنیف شهر تنهایی- شعر محمد علی چاووشی ۰۷:۲۱

ز بس در شهر تنهایی برفتم کو به کو خسته
شده چون موی شب گونت وجودم مو به مو خسته
چو نی زار زمستانی یخ آجین گشته هر بندم
نیاید نغمه گرمی ز نای این گلو خسته
اگرچه جان به لب دارم و یا چون لاله تب دارم
ز شوق دیدنت رویت نی ام از آرزو خسته
در این شهر فراموشی یکی هم ناله می خواهم
نشد همناله ای پیدا و من از گفتگو خسته
الا ساقی، الا ساقی برفروزان چراغ باده را امشب
خمستانی مهیا کن مکن دست و سبزو خسته
نی ام کمتر ز مجنون بیابانگرد جان خسته
که لیلای وصال را شوم از جستجو خسته
ز بس در شهر تنهایی برفتم کو به کو خسته
شده چون موی شب گونت وجودم مو به مو خسته

۳- تصنیف دلی در آتش- شعر ۱۰۵: ۵۶

چه غم دارد ز خاموشی درون شعله پروردم
که صد خورشید آتش برده از خاکستر سردم
به بادم دادی و شادی بیا ای شب تماشا کن
که دشت آسمان دریای آتش گشته از گردم
شرار انگیز و طوفانی، هوایی در من افتاده ست
که همچون حلقه ی آتش درین گرداب می گردم
به شوق لعل جان بخشی که درمان جهان با اوست
چه طوفان می کند این موج خون در جان پر دردم
وفاداری طریق عشق مردان است و جانبازان
چه نامردم اگر زین راه خون آلود برگردم
در آن شب های طوفانی که عالم زیر و رو می شد
نهانی شب چراغ عشق را در سینه پروردم
بر آری ای بذر پنهانی سر از خواب زمستانی
که از هر ذره دل آفتابی بر تو گستردم
ز خوبی آب پاکی ریختم بر دست بد خواهان
دلی در آتش افکندم، سیاووشی بر آوردم
چراغ دیده روشن کن که من چون سایه شب تا روز
ز خاکستر نشین سینه آتش وام می کردم

۴- تصنیف دل افروزتر از صبح- شعر فریدون مشیری ۵:۴۲

چه زیباست که چون صبح
پیام ظفر آریم
گل سرخ گل نور
ز باغ سحر آریم
چه زیباست، چو خورشید
درافشان و درخشان
ز آفاق پر از نور
جهان را خبر آریم
همانگونه که خورشید
بر اورنگ زر آید
خرد را بستاییم و
بر او رنگ زر آریم
چه زیباست، که با مهر
دل از کینه بشوییم
چه نیکوست که با عشق
گل از خار بر آریم
گذرگاه زمان را
سرافراز بپوییم
شب تار جهان را
فروغ از هنر آریم
اگر تیغ ببارند
جز از مهر نگوییم
وگر تلخ بگویند
سخن از شکر آریم
بیایید، بیایید
ازین عالم تاریک
دل افروزتر از صبح
جهانی دگر آریم

۵- کجایی (با همیاری امید سیاره) شعر ۱۰.۵. سایه ۸:۴۹

کجایی، کجایی ای که دلم بی تو در تب و تاب است
چه رفتی حال پریشان، چه رفتی حال پریشان
به چشم بی خواب است
کجایی، کجایی، کجایی، کجایی
به ساکنان سرایت خبر که خواهد برد
که باز کشتی ما در میان غرقگاه است
ز چشم خویش گرفتم قیاس کار جهان
که نقش مردم حق بین همیشه بر آب است
به سینه سر محبت نهان کنی که باز
هزار تیر بلا در کمین احباب است
ببین در آینه داری
سوغات سینه ما را
اگرچه با دل لرزان
بسان سیماب است
بر آستان وفا سر نهاده ایم و هنوز
اگر امید گشایش بود از این باب است

۶- عشق و جنون ۰۶:۳۰

ای عشق چه عشق است ندانی ندانی که چه عمر است
عقل از تو جنون از تو نه عقل و نه جنون است
فرزانه دریابد و دیوانه چه داند
از مستی این حال که هر روز فزون است
ماه‌یست نهان بر بستر دریای پریشان
کاین موج سرآسیمه بلند است و نگون است
حالی و خالی است که در عقل نگردد
این تحفه چه آهو است چه کزو شیرین زبون است
با زلف تو کارم به کجا می کشد آخر
حالی که به دستم سر این رشته برون است
بر خیز و به شیدایی در زلف می آویز
آن بخت که می خواستی از رخت کنون است
ای عشق چه عشق است ندانی ندانی که چه عمر است
عقل از تو جنون از تو نه عقل و نه جنون است
فرزانه دریابد و دیوانه چه داند
از مستی این حال که هر روز فزون است

۷- باده شبانه-مولانا ۰۸:۱۲

ساقی بیار جامی از باده شبانه
بگشا کنار تا من برخیزم از میانه
با خال مده شرابم زین سان که من خرابم
من خود مدام مستم زان چشم جاودانه
ما را مجوی زاهد در صومعه که هرگز
در صومعه نگنجد رند شراب خانه
آن شد که من نشستم چون زاهدان به خلوت
بنگال چگونه گنجد در کنج آشیانه
من بعد با حریفان دوره مدام دارم
در گوشه خرابات با زخم یک شبانه
چه خوش بود که گردد چون چشم مست ساقی
پیمانه چشم ساقی باقی همه بهانه

۸- پاییز- فریدون مشیری ۰۷:۲۱

پاییز سرد زرد با سبز سرخ باغ
چه گویم؟ چه گویم؟ چه ها چه ها نکرد با یک لهیب شعله برافروخت در چنار
با یک نهیب رنگ و رو برد از رخ چمن
گیسوی بید کند و به خاک ریخت
یاقوت نار را بر سنگ زد گریخت
پیچید تازیانه بر اندام نازم
توفان صحرا پاشید
خاک بر رخ خورشیدهای تاک
ماند از سیاه کاری او باری چرا
شبها دگر نتابید مهتاب نسترن
یغماگرانه باد درهای گنج خانه گشادند
هر جا که لطف و ناز هر جا که رنگ و بو رو بردند
مرغان نغمه خوان را خوار و خسی به جا ننهادند
از لانه از وطن
پاییز سرد زرد با سبز سرخ باغ
چه گویم؟ چه گویم؟
چه ها چه ها نکرد با یک لهیب شعله برافروخت در چنار
با یک نهیب رنگ و رو برد از رخ چمن
تا کی دوباره جلوه کند چهره بهار
در آشیان من

پروفایل:

نام آلبوم: صدایم کن

سال انتشار: ۱۳۷۸

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳-۲۹۳۹

کد کتابخانه ملی: ۱۸۸-۷۸

حق کپی رایت: شرکت فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۵۶ دقیقه و ۰۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

۱- صدایم کن ۲- آواز دو بیتی یک ۳- صبح روشن ۴- آواز دو بیتی دو ۵- راز چشم ۶- بانوی عاشق ۷- آواز

دو بیتی سه ۸- مناجات ۹- سنگ صبور ۱۰- دیوار بی کسی

آهنگساز: عباس خوشدل - به کوشش فریدون شهبازیان

نوازندگان:

ارسلان کامکار، همایون رحیمیان، علی رئیس فرشید، ابراهیم لطفی، عماد رضا نکوئی، سهراب برهمندی، کریم قربانی، مجید اسماعیلی، علیرضا خورشیدفر، ناصر رحیمی، کامران علی آقا، سعید اتوت، کامبیز گنجه ای، حسن ناهید، مجید اخشابی، جمال جهانشاد و سیامک نعمت ناصر

ترانه سرایان: بابا طاهر - سهیل محمودی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- صدایم کن - ۵۹:۰۶

صدایم کن، تا امان یابد
عابری خسته در شب باران
صدایم کن تا ببالم من
در سحرگاهان با سپیداران
از آن سوی خورشید
از آن سمت دریا
صدایم کن، صدایم کن، صدایم کن
تو لبخند صبحی، پس از شام یلدا
از این تیرگی ها رهایم کن
سکوت سرخ شقایقها را
در این ویرانی، تو می دانی
غم پنهان نگاه ما را
در این حیرانی، تو می خوانی
از آن سوی خورشید
از آن سمت دریا
صدایم کن، صدایم کن، صدایم کن
تو لبخند صبحی، پس از شام یلدا
از این تیرگی ها رهایم کن
صدای باران، نوای یاران
به لحن تو، نمی ماند
سکوت شب راه، ز کوه و صحرا
نوای گرم تو می راند
در ایهام جنگل
کسی راز گل را
به غیر از تو، نمی داند
بخوان از بهاران
که با ساز باران
کسی چون تو نمی خواند
کسی چون تو نمی خواند
صدایم کن، تا امان یابد
عابری خسته در شب باران
صدایم کن تا ببالم من ...

۲- آواز دو بیتی یک- ۰۲:۵۰

سرُم سودای گیسوی تو داره

دلم مهر مه روی تو داره

اگر چشمم به ماه نو کنه میل

نظر بر طاق ابروی تو داره

دلم دور است احوالش ندونم

کسی خواهم که پیغامش رسونم

خداوندا ز مرگم مهلتی ده

که دیداری به دیدارش رسونم

۳- صبح روشن - ۵۱:۰۱

چه رازی درم آه به چشمت نهفته
چه کس با شب از چشم تو قصه گفته
که من چون شهابی که مثل حبابی
چنین در هوایت

رها شده ام، فنا شده ام
کدامین پرنده در این صبح روشن
ز من گفته با تو ز تو گفته با من
که من چون ستاره که مثل شراره
چنین در هوایت

فنا شده ام، رها شده ام
بهاره دل من قراره دل من
به گوشه ی غم صفای تو بود
به خلوت شب نوای تو بود
تو نور خدایی کجایی کجایی
نوید رهایی به گوش دلم صدای تو بود
ستاره شمردم ز پنجره ای مه
مگر که در آیی تو یک شب از این ره
به خانه ی من

به دریا سپردم بخاطر تو جان
مگر که بگیری ز موج و ز طوفان
نشانه ی من

نوای رسایت صدای رهایت
به کوچه ی شب کشیده مرا
بیا که ببینی که جان غمینی
دوباره به لب رسیده مرا
ز رنج زمانه رهایم کن ای دوست
شبی عاشقانه صدایم کن ای دوست
چه رازی درم آه به چشمت نهفته
چه کس با شب از چشم تو قصه گفته
که من چون شهابی که مثل حبابی
چنین در هوایت ...

۴- آواز دو بیتی دو- ۰۱:۴۳

خوش آن ساعت که دیدار تو بینم
کمند عنبرین تار تو بینم
نبیند خرمی هرگز دل ما
مگر آن دم که رخسار تو بینم
غم عالم همه کردی به بارم
مگر ما لوک مست سر به تارم
مهارم کردی و دادی به ناکس
فزودی هر زمان باری به بارم
نسیمی کز بن آن کاکل آید
مرا خوشتر ز بوی سنبل آید
چو شب گیرم خیالت را در آغوش
سحر از بستم بوی گل آید
فلک کی بشنوه آه و فغونم
به هر گردش زنه آتش به جونم
یک عمری بگذرونم با غم و درد
به کام دل نگرده آسمونم
غم عشقت مرا بیچاره کرده
دل تنگ مرا صد پاره کرده
هوای دیدن روی تو یک عمر
مرا در کوچه ها آواره کرده
نمیدونم بهاره یا خزوونه
فلک با عاشقا نامهربونه
جوونیم رفت و یارم را ندیدم
غم این دل غم مرگ جوونه
نمیدونم دلم دیوونه کیست
اسیر نرگس مستونه کیست
نمیدونم دل سرگشته ما
کجا می گردد و در خونه کیست

۵- راز چشم- ۰۸:۲۶

راز چشم

چه رازی در اعماق چشم نهفته
چه کس با شب از چشم تو قصه گفته
که من چون شهابی که مثل حبابی
چنین در هوایت رها شده ام، فنا شده ام
کدامین پرنده در این صبح روشن
ز من گفته با تو ز تو گفته با من
که من چون ستاره، که مثل شراره
چنین در هوایت فنا شده ام، رها شده ام

بهار دل من

قرار دل من

به گوشه غم صفای تو بود

به خلوت شب نوای تو بود

تو نور خدایی

کجایی کجایی

نوید رهایی

به گوش دلم

صدای تو بود

ستاره شمردم ز پنجره ای مه

مگر که در آیی تو یک شب از این ره

به خانه من

به دریا سپردم بخاطر تو جان

مگر که بگیری ز موج و زطوفان

نشانه من

نمای رسایت

صدای رهایت

به کوچه شب کشیده مرا

بیا که ببینی که جان غمینی

دوباره به لب رسیده مرا

ز رنج زمانه رهایم کن ای دوست

شبی عاشقانه صدایم کن ای دوست

۶- بانوی عشق - ۵۴:۰۶

با بازوانی از صبح
با گیسوانی از شب
بردی به شهر رویا
دلَم را
بانوی عشق و تمکین
رویای خوب و شیرین
ای آرزوی دیرین
دست تو می سپارم
در کوچه های فردا
دلَم را
زخمی شده به شوق صدایم
ابری شده به یاد تو
بغضی شکسته دارم
با کوله باری از عشق به بوی
تا قله هایی از مهر
به سویت پیوسته ره سپارم
یک سینه شوق و شوری
یک پنجره سُروری
یک آینه حضوری
دست که می سپاری
دست چه کس خدا را دلَم را

۷- آواز د بیټی سه - ۰۲:۰۶

هر آن یار عزیزش نازور بید
دلش پر غصه چانش پر شرر بید
جدا از رویت ای ماه دل افروز
نه روز از شو شناسم نه شو از روز
وصالت گر مرا گردد میسر (ای دوست)
بود هر روز مو چون عید نوروز
بیا جانا که جانانم تویی تو
بیا یارا که سلطانم تویی تو
تو خود دونی که غیر از تو ندارم
بیا جانا که ایمانم تویی تو

۸- مناجات- ۵:۰۸

خدایا عاشقان را با غم عشق آشنا کن
ز غمهای دگر غیر از غم عشقت رها کن
تو خود گفتی که در قلب شکسته خانه داری
شکسته قلب من جانا به عهد خود وفا کن
خدایا بی پناهم ز تو جز تو نخواهم
اگر عشقت گناه است ببین غرق گناهم
دو دست دعا برآورده ام بسوی آسمانها
که تا پر کشم به بال غمت رها در کهکشانها
چو نیلوفر عاشقانه چنان میپیچم بیای تو
که سر تا پا بشکفد گل ز هر بندم در هوای تو
بدست یاری اگر که نگیری تو دست دلم را دگر که بگیرد
به آه و زاری اگر نپذیری شکسته دلم را دگر که پذیرد
خدایا عاشقان را با غم عشق آشنا کن
ز غمهای دگر غیر از غم عشقت رها کن
تو خود گفتی که در قلب شکسته خانه داری
شکسته قلب من جانا بعهد خود وفا کن
خدایا بی پناهم ز تو جز تو نخواهم
اگر عشقت گناه است ببین غرق گناهم
دو دست دعا برآورده ام بسوی آسمانها
که تا پر کشم به بال غمت رها در کهکشانها

۹- سنگ صبور - ۰۸:۲۰

برای تو قصه میگویم برای تو ای گل نازم
که لبخند آشنای توست برای من بال پروازم
تو در بین گلها شقایق ترینی
سراپا امیدی سراسر یقینی
تو یی تنها همصدا با من
در این دنیا هم نوا با من
به شوق تو بوده هر آنکه شنیده ترانه ی من
زمشرق چشمت سپیده دمیده به خانه ی من
به وقت غریبی تو سنگ صبوری برای دلم
پیام وصالینو یدسروریرای دلم
اگر تو نباشی چراغ دل من
به خلوتم ای مه ستاره نتابد
اگر تو نگیری سراغ دل من
به ظلمتم ای مه ستاره نتابد
برای تو قصه میگویم برای تو ای گل نازم
که لبخند آشنای توست برای من بال پروازم

شب آرام و بی صدا در تشویش کوچه ها سرگردانم
با رویای پنجره با یک سینه خاطره بی سامانم
نامت را تمام شب همراه ستاره ها نجوا کردم
تا در ازدحام شب نقش روشن تو را پیدا کردم
دیوار بی کسی تنها پناه من شبها ای دوست
با اشتیاق تو حیران نگاه من شبها ای دوست
با آرزوی تو در هر کجای شب از تو خواندم
با جستجوی تو در کوچه های شب تنها ماندم

یک شب مرا صدا کن

از دست غم رها کن

این جان خسته ام را

از من دوری تو چرا

رخ خود بگشا

جانا چرا نیایی

مرهم نمی گذاری

قلب شکسته ام را

ترانه آهنگ دیوار بی کسی از علیرضا افتخاری

قلبی شیدا در هجرانت با خود دارم

بگذار امشب بر دامنانت سر بگذارم

شب آرام و بی صدا در تشویش کوچه ها سرگردانم
با رویای پنجره با یک سینه خاطره بی سامانم
نامت را تمام شب همراه ستاره ها نجوا کردم
تا در ازدحام شب نقش روشن تو را پیدا کردم
دیوار بی کسی تنها پناه من شبها ای دوست
با اشتیاق تو حیران نگاه من شبها ای دوست
با آرزوی تو در هر کجای شب از تو خواندم
با جستجوی تو در کوچه های شب تنها ماندم

پروفایل:

نام آلبوم: شبان عاشق

سال انتشار: ۱۳۷۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳۱۷۳ / ۲ ت

کد کتابخانه ملی: ۶۴۳ و

حق کپی رایت: مشکات

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۶ قطعه

۱- عطر گیسو ۲- جام نگاه ۳- دعای دل ۴- شبان عاشق ۵- سپیده ۶- بهار بی خزان

آهنگساز و تنظیم: عباس خوشدل

تهیه و تدوین: محمد علی چاووشی

نوازندگان:

ویلن: ارسلان کامکار - همایون رحیمیان - ابراهیم لطفی

آلتو: علی رئیس فرشید

ویلنسل: محمد بیگلری پور - سیاووش ظهردینی - عمادرضا نکویی - کریم قربانی - محسن تویسرکانی

کنترباس: علیرضا خورشید فر

تار: شهریار فریوسفی

سه تار: مسعود شعاری

سنتور: مجید اخشابی

تارباس: شهریار فریوسفی

نی: حسن ناهید

تنبک: کامییز گنجه ای - محمود فرهمند

ضبط:

گاه نگاری::

۱- عطر گیسو- قیصر امین پور ۰۷:۰۹

ای باغ بی خزان، عطر گیسوی تو
محراب عاشقان، طاق ابروی تو
شب قدر من شب موی تو مه من هلال ابروی تو
دل من همیشه پر می زند به هوای دیدن روی تو
ای باغ بی خزان، عطر گیسوی تو
محراب عاشقان، طاق ابروی تو
ای یاد و نام تو، مضمون هر غزل
سرمست جام تو، جان ما از ازل
همه هستیم تمنای تو، دل و جان و دیده ام جای تو
ز بهشت و باغ دم می زند به هوای سرو بالای تو
ای یاد و نام تو، مضمون هر غزل
سرمست جام تو، جان ما از ازل
همه بی برگ و بر شده ام سر به سر
باد خزان دیده ام باد بهارم تویی باد بهارم
شده ام در به در همه شب تا سحر ای
که فروغ سحر در شب تارم تویی در شب تارم

۲- جام نگاه- ۰۷:۲۲

جانا من از جام نگاهت سر مستم سرمستم
بگسسته ام در از همه عالم تا بر تو دل بستم
همچون شمع شعله فشانم می سوزم تا هستم
چون زورق سرگردان بدست موج و توفانم
چون مرغی در باران شکسته بال و لرزانم
بی شوق بام تو دگر پریدم نتوانم
تو خورشید بی غروبی بی تو تار و سردم بی تو بر مدار؟
سرگردان می گردم از تو ای بهار دل ها
گر رو برگردانم زیر پای باد پاییز
برگی سرگردانم با عشقت نمانده ما را از غصه و غم
درد اثری با یادت نمانده یارا از جان و دلم دگر خبری
در بندت تا هستم ز غصه آزادم با یادت سرمستم
مهر تو از یادم جاننا من از جام نگاهت سرمستم سرمستم

۳- دعای دل ۰۸:۰۰

ای بال پرواز دلم ای محرم راز دلم
من بی تو تنها چون نی نالان از جدایی ها
من باغی از آیینه ام دادم چراغ سینه ام
بادا یادت کند روشن خانه دل را
من شبنم و صبح بر برگ گلها در اضطرابم
چون جوی تنها با شوق دریا در پیچ و تابم
خدایا خدایا خدایا خدایا خدایا خدایا
دعای دل شد بی اثر نشسته آیینه من زنگار هوس
چون مرغکی بی بال و پر شکسته دل در سینه من
دل در سینه من در کنج قفس
ای بال پرواز دلم ای محرم راز دلم
ای نیاز من آواز من سوز ساز من
هر شب به یادت چراغ دل در میافروزم
تنها چو شمعی به باغ دل بی تو می سوزم

۴- شبان عاشق- سعدی ۰۶:۴۵

وای دل دیوانه ام زین دشمن همخانه ام
همسایه با بیگانه ام ویرانتر از ویرانه ام
رین پس درون خانه ام یا جای دل یا جای من
ای وای دل، ای وای دل
دل پرده پرده خون شود تا پرده دیگرگون شود
چون مرغ حق خون می چکد از نغمه های نای من
ای وای دل، ای وای دل
شاید نسیمی آید و بویی ز باغت آورد
تا در هوایت گل کند خاکستر پره های من
داغ دلم بی گفتگو از تو گرفته رنگ و بو
دلتنگ یک لبخند تو چون غنچه سرتا پای من
از من به جز این های و هو آداب و ترتیبی مجو
من آن شبان عاشقم هوهوی من هیهای من

۵- سپیده - سهیل محمودی ۱۱:۴۴

شب غم به جانم تنیده بیا ای سپیده بیا
غم آتش به جانم کشیده بیا
ز چشمم ستاره دمیده بیا ای سپیده بیا
چو رودی به دریا اگر رو نهادم به یاد تو بود
چو موجی به ساحل اگر تکیه دادم به یاد تو بود
پریم از صدایت چو نی با نوایت غریبانه
در این خانه شکایتها به لب دارم
ببین در هوایت چو زلف رهایت
غریبانه در این خانه حکایتها ز شر دارم
اگر تو نباشی بهار دل من بهاری ندارم
اگر تو نباشی قرار دل من قراری ندارم
شب غم به جانم تنیده بیا ای سپیده بیا
غم آتش به جانم کشیده بیا
ز چشمم ستاره دمیده بیا ای سپیده بیا
تویی تو بهارم قرار دلم
دلم عاشقانه هوای دارد
غریبانه ورنه نوای تو دارد
از آن سوی شهر صدا کن مرا
از این شام غم رها کن مرا
چو رودی به دریا اگر رو نهادم به یاد تو بود
چو موجی به ساحل اگر تکیه دادم به یاد تو بود

۶- بهار بی خزان- محمد علی چاووشی ۵۶:۵۰

دل همه عاشقان شده به کویت غزل خوان
شب همه بیدلان شده رویت چراغان
تو باغ بی خرائی بهار عشقانی
بزرگ و با شکوهی چو دریا بیکرائی
ای عشق آسمانی ای عشق
دلم چو مرغ سحر شده غزلخوان کجایی
ز دیده بارم شرر چو شمع گریان کجایی
فدای لب دل جان جوایی به باغ سینه گل کن
ای عشق آسمانی تو راز ارغوانی
تویی آبی ترین نیلوفر دل
تویی گلبرگ سبز دفتر دل ای
تویی تنهاترین پیامبر دل

پروفايل:

نام آلبوم: شکوه عشق

سال انتشار:

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴۲۰۰ / ت

کد کتابخانه ملی: ۷۰۳۱ و

حق کپی رایت: شرکت آوای برگ- با همکاری بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس

مدت زمان: ۲۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- دل را بین ۲- پرندۀ ی رها ۳- غزل سبز ۴- برای هم ۵- چلچله ۶- آفتاب ۷- خزان ۸- حیدر

آهنگساز: فریدون خشنود- بهنام صبوحی

نوازندگان:

ویلن: همایون رحیمیان- خاجبیک بابائیان- هادی آزمون- علی جعفری- رسول بهبهانی- مازیار ظهردینی- نیما فراهانی

ویولا: سیاوش ظهردینی

ویلنسل: کریم قربانی

کیبورد: پویا نیک فر- بهنام صبوحی

ساکسیفون: ایمان جعفری

فلوت: شهرام رکوعی

فلوت عربی: پرویز وزیری

تمپو: عربی - مرتضی عابدی

تمبک: دف - پرکاشن - علی رحیمی

قانون: پریچهر خواجه

سنتور: امکیر سیاره

نی: پاشا همجنی

ابوا: مسعود تاجیک

بالابان: رضا فدایی

دیوان: شهریارز فریوسفی - آزاد میرزاپور

شهرام رکوعی: اصغر مهری

سه تار: امید امیری

تنظیم: بهنام صبوحی - پویا نیک فر

ضبط: استودیو بل

صدابرداران: قاسم عابدینی - رضا شاه بیگی * - نوید شاه بیی - محمد مرآتی

گاه نگاری:

۱- دل را ببین - لاهوتی ۰۶:۲۷

دل را ببین / دل را ببین
در کوی جانان آمده / ساقی بساطی نو فکن
مطرب بیا ، چنگی بزن / مطرب بیا ، چنگی بزن
سر واژگون تن غرق خون افتان و خیزان آمده / خواهد که جان پیشش رود
جانان در آغوشش رود / دنیا فراموشش شود
مست است و مهمان آمده / دل را ببین
در کوی جانان آمده / ساقی بساطی نو فکن
مطرب بیا ، چنگی بزن / با آنکه راهش تنگ بود
هم دور و هم پر سنگ بود / با رهزنان در جنگ بود
فاتح ز میدان آمده / گل دیده شد در خنده شد
بلبل از او شرمنده شد / طوطی به نطقش بنده شد
دل نیست این جان آمده / از بهر درمان آمده
دل نیست این دیوانه است / دیوانه ی جانانه است
پُر درد و پُر افسانه است / دل نیست این جان آمده
از بهر درمان آمده / دل را ببین
در کوی جانان آمده / ساقی بساطی نو فکن
مطرب بیا ، چنگی بزن / مطرب بیا ، چنگی بزن
گل دیده شد در خنده شد / بلبل از او شرمنده شد
طوطی به نطقش بنده شد / دل نیست این جان آمده
از بهر درمان آمده / دل نیست این دیوانه است
دیوانه ی جانانه است / پُر درد و پُر افسانه است
دل نیست این جان آمده / از بهر درمان آمده ..

۲- پرنده ی رها- ناصر فیضی ۰۵:۳۹

پرنده های رها دسته دسته می آیند
حصار حادثه ها را شکسته می آیند
پرنده های رها دسته دسته می آیند
حصار حادثه ها را شکسته می آیند
حریم تربت آن یار را بیارایید
کبوتران حرم دسته دسته می آیند
حریم تربت آن یار را بیارایید
کبوتران حرم دسته دسته می آیند
نوای تار و دف و نیبهم در آمیزید
که تار و پود غم از هم گسسته می آید
نوای تار و دف و نیبهم در آمیزید
که تار و پود غم از هم گسسته می آید
کجاست محمل گل‌های دستچین خودرو
کجاست محمل گل‌های دستچین خودرو
مسافران همه با پاهای خسته می آیند
مسافران همه با پاهای خسته می آیند
پرنده های رها دسته دسته می آیند
حصار حادثه ها را شکسته می آیند
جلای آینه دل شکستن دلهاست
اگر که آینه ها دل شکسته می آید
جلای آینه دل شکستن دلهاست
اگر که آینه ها دل شکسته می آید
خدا کند خدا کند خدا کند که روز شفاعتی دستگیر
که زائران حرم خسته می آیند

۳- غزل سبز-مریم السادات سجادی ۵:۳۳

غرق گل باد هوای شب شیداییتان
چه قشنگ است فروغ دل دریاییتان
ساعت سبز سخاوت به شما می بارد
به همان راز و نیاز دل سوداییتان
ساعت سبز سخاوت به شما می بارد
به همان راز و نیاز دل سوداییتان
به خدا لحظه مهتابی چشمان شما
یادگارِ است از آن سیرت رویاییتان
سرّ چشمان سفر کرده به دریای جنون
مانده در پرده آن قلب اهوراییتان
سرّ چشمان سفر کرده به دریای جنون
مانده در پرده آن قلب اهوراییتان
غرق گل باد هوای شب شیداییتان
چه قشنگ است فروغ دل دریاییتان
ساعت سبز سخاوت به شما می بارد
به همان راز و نیاز دل سوداییتان
ساعت سبز سخاوت به شما می بارد
به همان راز و نیاز دل سوداییتان
قدم سبز شما رو به ملائک می رفت
چه غریب است سفرهای تماشاییتان
چه غریبانه نوشتید به دیوان غزل
غزلی سبز از آن خصلت دریاییتان
چه غریبانه نوشتید به دیوان غزل
غزلی سبز از آن خصلت دریاییتان
غرق گل باد هوای شب شیداییتان

۴- برای هم- فیض کاشانی ۰۶:۴۰

زنهار تا توانی اهل نظر میازار میازار
دنیا وفا ندارد دنیا وفا ندارد ای نور هر دو دیده
بیا تا مونس هم یار هم غم خوار
انیس جان غم فرسوده ی بیمار هم باشیم
بیا تا مونس هم یار هم غم خوار
انیس جان غم فرسوده ی بیمار هم باشیم
دوای هم شفای هم برای هم فدای هم
دوای هم شفای هم برای هم فدای هم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
به هم یک تن شویم و یک دل و یک رنگ و یک پیشه
سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم
حیات یک دگر باشیم و بهر یک دگر میریم
گاهی خندان ز هم گه خسته و افکار هم باشیم
شویم از نغمه سازی عندلیب غم سرای هم
به رنگ بوی و یکدیگر شده گلزار هم باشیم
برای دیده بانی خواب را بر خویشتن بندیمز
به بو ی مهربانی دیده ی بیدار هم باشیم
دوای هم شفای هم برای هم فدای هم
دوای هم شفای هم برای هم فدای هم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
دل هم جان هم جانان هم دلدار هم باشیم
بیا تا مونس هم یار هم غم خوار
انیس جان غم فرسوده ی بیمار هم باشیم
بیا تا مونس هم یار هم غم خوار
انیس جان غم فرسوده ی بیمار هم باشیم

۵- چلچله- مشفق کاشانی ۰۶:۳۱

اگه میخوای با چلچله / یه روزی همسفر بشی
باید ز راز عاشقی همیشه باخبر بشی / با آبی آسمونا
پرواز رو از سر بگیری / رو شونه‌ی ماه بشینی
کبوتر سحر بشی / تو دشت خواب و خاطره
عطر گلها رو حس کنی / یه شاخه گل بچینی
عاشق رهگذر بشی / تو گلدون سپیده دم
یاس سفیدی بکاریم / واسه روزهای عاشقی از همه ساده تر بشیم
رو مخمل سبز شبی / واسه‌ی هم قصه بگیم
مهتاب رو مهمونش کنیم / حکایتی دگر بشیم
تو این هوای عاشقی / نم نم بارون رو ببین
با این طراوت نسیم / بیا که تازه تر بشیم
بیا که تازه تر بشیم / حالا که آرزوی ما
سوی خدا پر زدنه / واسه دلهای خستمون
چی میشه بال و پر بشیم / حالا که آرزوی ما
سوی خدا پر زدنه / واسه دلهای خستمون
چی میشه بال و پر بشیم / اگه میخوای با چلچله
یه روزی همسفر بشی / باید ز راز عاشقی همیشه باخبر بشی
با آبی آسمونا / پرواز رو از سر بگیری
رو شونه‌ی ماه بشینی / کبوتر سحر بشی
تو دشت خواب و خاطره / عطر گلها رو حس کنی
یه شاخه گل بچینی / عاشق رهگذر بشی
تو گلدون سپیده دم / یاس سفیدی بکاریم
واسه روزهای عاشقی از همه ساده تر بشیم / رو مخمل سبز شبی
واسه‌ی هم قصه بگیم / مهتاب رو مهمونش کنیم
حکایتی دگر بشیم / تو این هوای عاشقی
نم نم بارون رو ببین / با این طراوت نسیم
بیا که تازه تر بشیم / بیا که تازه تر بشیم
حالا که آرزوی ما / سوی خدا پر زدنه
واسه دلهای خستمون / چی میشه بال و پر بشیم
حالا که آرزوی ما / سوی خدا پر زدنه
واسه دلهای خستمون / چی میشه بال و پر بشیم

۶- آفتاب- محمد میرزایی ۰۶:۴۸

قویی کشید بال و پر آنسوی ابرها
گم شد غریب و در بدر آنسوی ابرها
گم شد غریب و در بدر آنسوی ابرها
من ماندم و سکوت و سیاهی ، زمین سرد
او بود و آفتاب در آنسوی ابرها
او بود و آفتاب در آنسوی ابرها
رو یایی از بشارت باران زندگیست
افسانه دو چشم تر آن سوی ابرها
افسانه دو چشم تر آن سوی ابرها
دیربست روی قله کوهی نشسته ام
شاید بیافکند نظر آنسوی ابرها
دیربست روی قله کوهی نشسته ام
شاید بیافکند نظر آنسوی ابرها
دیربست روی قله کوهی نشسته ام
شاید بیافکند نظر آنسوی ابرها
فریاد میزنیم من و کوه ، کوه و من
آه ای خدا مرا ببر آنسوی ابرها
مگر می رسد خدا این آه آه شعله ور
آنسوی ابرها

من بال و پر ندارم ، من بال و پر ندارم
و تو ای خمیر خاک پیدا نمیشوی
پیدا نمیشوی مگر آنسوی ابرها
پیدا نمیشوی مگر آنسوی ابرها
قویی کشید بال و پر آنسوی ابرها
گم شد غریب و در بدر آنسوی ابرها
گم شد غریب و در بدر آنسوی ابرها

۷- خزان- علی حسینی نژاد ۵۴:۴۰

چه خسته ام با این خزان تنهایی
بهار عمر من چرا نمی آیی
به صبح بخت من چرا نمی تابی
تویی که چشمهایت شب تماشایی
بگو بگو ای گل مگر خطا کردم
که با من عاشق دمی نمی پایی
چه غربت تلخی رفیق راهم شد
که مانده ام تنها به جرم شیدایی
در انتظار تو به سر رسید عمرم
به سر نمی آید شب شکیبایی
بیا بیا دیگر که بیش از این در سر
ندارم طاقت که چهره بنمایی
نهایت قدر یکی شدن با توست
من از تو سرشارم شکوه دریایی
به شوق دیدارت اسیر رویایم
خیال خوب من چه ساده زیبایی

۸- حیدر- ناصر فیض ۰۶:۰۵

مثل طوفان، مثل تندر، مثل خشم سرخ کارون
تو هجوم شب گذشتیم از غبار آتش و خون
تو تاریکی شب ها
مثل ستاره بودیم دل به آسمون سپردیم
شعر فردا رو سرودیم
تو هجوم تیرگی ها، که پر از خون و خطر بود
یا علی
یا علی اسم تو رمز پر کشیدن تا سحر بود
یا علی اسم تو رمز پر کشیدن تا سحر بود
یا علی، یا علی، یا علی، یا علی
یا علی، یا علی، یا علی، یا علی
یا علی گفتیم و رفتیم، رفتیم و گذشتیم از جون
ما که هر لحظه میجوشید خون غیرت تو رگامون
داغ لاله ها رو داریم هنوزم تو سینه هامون
سوت و کور بی نگاهت، همه ی آینه هامون
راویان بدر و خیبر وارثان ذوالفقاریم، یا علی
یا علی کنار اسم تو همیشه موندگاریم
یا علی کنار اسم تو همیشه موندگاریم
یا علی، یا علی، یا علی، یا علی

پروفايل:

نام آلبوم: صياد^{۳۵}

سال انتشار: ۱۳۸۴

نوع: استودیویی

سبک: ایرانی و تلفیقی^{۳۶}

شماره مجوز: ۳/۴۹۹۹۷ ت

کد کتابخانه ملی: ۹۱۰۷

حق کپی رایت: سروش

مدت زمان: ۴۱ دقیقه و ۱۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- شب های انتظار ۲- یار وفادار ۳- مرا رها کن ۴- با گرفتاری خوشم ۵- صياد ۶- او نیامد ۷- عطر شقایق
۸- نسیم سحر

آهنگساز: اکبر محسنی - محمد رضا چراغعلی

نوازندگان:

کمانچه: سهراب پور ناظری

گروه کر: سودابه شمس

سازهای پوستی: بابک بنی حسینی

تنبک: مرتضی عابدی - حسین هوشنگی - مهدی ابوطالبی - محمود فرهمند

^{۳۵}. بعد از دیدار جنجالی علیرضا افتخاری و محمود احمدی‌نژاد در مراسم گرامیداشت خبرنگاران و حواشی که برای افتخاری داشت، تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه کاشان آلبوم موسیقی صياد را به صورت رایگان میان دانشجویان توزیع می‌کرد تا از این هنرمند در برابر هجمه‌ها حمایت کنند.

^{۳۶}. از پرفروش‌ترین آلبوم‌های تلفیقی دهه ی ۱۳۸۰ می‌باشد.

ویلن: ارسلان کامکار - همایون رحیمیان - سینا جهان آبادی - رسول بهبهانی - میثم مروستی - پژمانمحمودی - رامین شمس

ویلن آلتو: ارسلان کامکار - میثم مروستی - عماد رضا نگودی - بردیا کیارس

ویلنسل: کریم قربانی

فلوت: ناصر رحیمی - پرویز وزیری

کلارنیت: هوتن غضنفری

بلابان: داوود وریو

سه تار: بهزاد رواقی

تار و سه تار: شهریار فریوسفی

کنترباس: علیرضا خورشید فر

قانون: بهروز قنسولی - سعید بطلانی

عود: جمال جهانشاد

گیتار: امیر جاویدان

سلوی - ویلن - کمانچه: مهیار فیروز بخت

پیانو و آکاردئون: بهنام خدا رحمی

تنظیم: بهنام خدا رحمی - محمد رضا چراغعلی

ضبط:

گاه نگاری:

۱- شب‌های انتظار ابوالقاسم حالت -حسین لاهوتیان ۰۴:۵۴

قسم به نگاهت به چشم سیاهت
که عشق و امید آفریده بسی
چه شب تا سحر در جدایی تو دل تپیده بسی
به یادت چه شب‌ها سرشکم روان
از دو دیده بسی
به یاد تو دل غم کشیده بسی
فتنه دیده بسی
ای غافل از تنهایی من
بی تو منم و آهی در روزگار سیاهی
در خلوت آغوش تو چون دل را نبود راهی
دیگر ندارم پناهی
وای از آن شب‌ها آن حکایت‌ها
از برای من آن شکایت‌ها
رشته‌ای اگر چه گسسته از برای من جانا
قلب من اگر چون شکسته جان فدای تو جانا
روزگرم اگر چه سیه شد
آن همه آرزویم تبه شد
کی درآیی ز در جانا
هر شبانگه دو دیده به راهت
سینه‌ام پر ز درد و ز آهت
کی براید سحر جان

۲- یار وفادار - بهادر یگانه ۰۳:۳۰

اگر که دور از تو شوم یار وفادار تو ام
جدا ز تو همسفر عشق شررباره تو ام
اگر قصد سفر دارم خدا داند که ناچارم
دفتر خاطرات ما مانده برای ما بجا
خبر می دهد صبر و شکیبایی ما
به پایان رسد قصه تنهایی ما
چه رخشان شود از غم خوشبختی ما
چه زیبا شو عالم خوشبختی ما
اگر قصد سفر دارم خدا داند که ناچارم
دفتر خاطرات ما مانده برای ما بجا
چه غم آفرینی چه دل گیرینی ای غروب جدایی
چه کسترده ای سایه به کاشانه ی ما
چه ز آنها که سوزد به شراره ی گنه تو
چه دلها که نارد ز غمت پیش خدا
تویی همچو من خسته ز بیداد زمان
ندامان نکن اشکی غم از دیده روا
دل من بود تازه از خانه تونمی یوفتد این خانه به دست دگران
اگر قصد سفر دارم خدا داند که ناچارم
دفتر خاطرات ما مانده برای ما بجا

۳- مرا رها کن - محمدعلی شیرازی ۰۴:۵۵

با آنکه جان عاشقم بی تو اسیر تب شود با آنکه
روز روشنم دور از تو همچو شب شود
مرا رها کن
گر که شبی نباشی دمی برابر من چشمه خون
بجوشد ز دیده تر من مرا رها کن
سیل جنون منم منم تو چشمه سار روشنی جز به
فنا نمی رسی اگر که همه عمر منی
مرا رها کن
ای گل در باغ غم چون خاری دامن گیر توام
دل برکن از رویا من خواب بی تعبیر توام
ترکمم کن که از دل من خوشحالی کشیده
دامنیک دنیا دردم یک دریا رنجم
مجو نشاطی گل از قلب غمگینم عمر من طی شد
در تاریکی ها چه حاصل اکنون باشی چراغ بالینم
با دل شکسته ام قصه مگو با غم خود مرا رها کن
دور از عالم توام غمزده در عالم خود مرا رها کن

۴- با گرفتاری خوشم- محمدعلی شیرازی- ابوالقاسم حالت ۵۹:۶۰

گر تو گرفتارم کنی من با گرفتاری خوشم
گر خوار چون خارم کنی، ای گل بدان خواری خوشم
زان لب اگر کامم دهی، یا آنکه دشنامم دهی
با این خوشم با آن خوشم، با هر چه خوش داری خوشم
خواهی مرا گر بینوا، درد دلم را بی دوا
ور صد ستم داری روا، با آن ستمکاری خوشم
والا ترین گوهر تویی، داروی جان پرور تویی
درمان دردم گر تویی، در کنج بیماری خوشم
آرد گرم غم جان به لب، کی آیدم افغان به لب؟
با هر چه خواهد یار من در عالم یاری خوشم
ای بهترین غمخوار دل، وی محرم اسرار دل
خواهی اگر آزار دل، با آن دل آزاری خوشم
تا گشته ام یار تو من، از جان برم بار تو من
عشق است اگر بار گران، با این گرانباری خوشم
گر وصل و گر هجران بود، گر درد و گر درمان بود
(حالت) خوشم با این و آن، آری خوشم، آری خوشم

۵- صیاد - مهدی عابدینی ۰۴:۰۹

چون صید به دام تو به هر لحظه شکارم - ای طرفه نگارم
از دوری صیاد دگر تاب نیارم - رفته است قرارم
چون آهوی گمگشته به هر سوی دوانم - رهایی نتوانم
تا دام در آغوش نگیرم نگرانم - آه از دل زارم
از ناوک مژگان چو دو صد تیر پرانی - بر دل بنشانی
چون پرتو خورشید اگر رو بکشانی - وای از شب تارم
در بند و گرفتار بر آن سلسه مویم - خلاص از تو نجویم
از دیده ره کوی تو با اشک بشویم - با حال نزارم
برخیز که داد از من بیچاره ستانی - دردم چو ندانی
بنشین که شرر در دل تنگم بنشانی - لختی به کنارم
تا آن لب شیرین به سخن باز گشایی - خوش جلوه نمایی
ای برده امان از دل عشاق کجایی - تا سجده گزارم
گر بوی تو را باد به منزل برساند - جانم برهاند
ورنه ز وجودم اثری هیچ نماند - جز گرد و غبارم

۶- او نیامد - ایرج تیمورتاش ۰۶:۱۹

به راه وی تا سحر ماندم
ژاله افشاندم ، او نیامد
به امیدش با نوای نی
نغمه ها خواندم او نیامد
امید دل من کجایی
سحر شد چرا پس نیایی
چرا نیایی ؟ که بی تو نالانم
آتش عشقت زد شرر به جانم
آتش عشقت زد شرر به جانم
شب تارم ، مه رخشان تویی تو
به گلزارم گل خندان تویی تو
ز قلب بی تابم چه خواهی
به چشم بی خوابم نگاهی
به راه وی تا سحر ماندم
ژاله افشاندم او نیامد
به امیدش با نوای نی
نغمه ها خواندم او نیامد

۷- عطر شقایق - مهدی عابدینی ۰۶:۰۲

دلم گرفته امشب در خلوت شبانه
هوای گریه دارم در سوگ این ترانه
از درد خسته باشم تا کی صبور باشم
در آرزوی وصلت جان است و دل روانه
بر عاشقان نظر کن ای منتهای خوبی
از روی نازنینت دل را تو کن نشانه
از چشم دل نوازت وز نور جان فزایت
مدهوش و بی قرارم باقی همه بهانه
در سینه شقایق عطرتو می تراود
در لوح جان عشاق نام تو جاودانه
تا بگذری از اینجا ای وای بر دل ما
چون خاک زیر پایت برخیزم از میانه

۸- نسیم سحر - محمدعلی شیرازی ۰۴:۳۸

نگهت آتشین سخت دلنشین
شکوه هستی بود پیام ز رخسار تو
چو نسیم سحر بگشا بال و پر
بیا که روشن شود دلم ز دیدار تو
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
ای عشق جاودانم
شوق بی کرانم
بی تو من گریزان
از همه جهانم
در ساحل دوری تا به کی بمانم
آواز صبوری تا به کی بمانم
در فصل بهاران ای بهار شادی
دور از تو غمینم با تو شادمانم
ای از تو صفای گل و جلوی بهاران
بازا که شود دامن من شکوفه باران
گر سیل امیدم رو کند به سویم
از آینه دل گرد غم بشویم
نگهت آتشین سخت دلنشین
شکوه هستی بود پیام ز رخسار تو
چو نسیم سحر بگشا بال و پر
بیا که روشن شود دلم ز دیدار تو
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
ای عشق جاودانم
شوق بی کرانم
بی تو من گریزان از

پروفايل:

نام آلبوم: نیلوفرانه یک^{۳۷}

سال انتشار: ۱۳۷۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۱۸۳۱/۳ ج

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: مشکوه- مشکات

مدت زمان: ۵۸ دقیقه و ۵۰ ثانیه

تعداد قطعات: ۶ قطعه (تصنیف و ترانه)

۱- در هوای تو ۲- حکایت دل ۳- کوی بی نشان ۴- بوی پیراهن ۵- بهشت یاد ۶- نیلوفرانه ۷- بداهه نوازی
سه تار ۸- مناجات

اشعار: قیصر امین پور - دوبیتی ها: محمود تابنده - سهیل محمودی - فاطمه سلاروند - قباد غفاری

آهنگساز: عباس خوشدل به کوشش فریدون شهبازیان

نوازندگان:

تک نواز سه تار: جلال ذوالفنون

نی: حسن ناهید

ویولن: همایون رحیمیان / ابراهیم لطفی / علی رئیس فرشید

تار: شهریار فریوسفی

بربط: جمال جهانشاد

^{۳۷}. آقای افتخاری این آلبوم را بهترین اثر خود تا آن زمان دانسته است. همچنین این آلبوم پرفروش ترین آلبوم تاریخ موسیقی ایران با شش میلیون تیراژ در قالب سی دی و کاست بوده است.

آلتو: محمد بیگلری پور / سیاوش ظهیرالدینی

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

ویولنسل: کریم قربانی / محسن توپسرکانی

تنبک: کامبیز گنجه‌ای

سنتور: مجید اخشابی

کلارینت: سعید اتوت

تهیه و تدوین: محمد علی چاووشی

تنظیم:

ضبط: استودیو بل

گاه نگاری:

صدابرداران: منوچهر ریاحی - ایرج فهیمی

۱- در هوای تو- قیصر امین پور ۷:۴۶

یارا ، یارا گاهی دل ما را به چراغِ نگاهی روشن کن
چشمِ تارِ دل را چو مسیحا به دمیدنِ آهی روشن کن
یارا ، یارا گاهی دل ما را به چراغِ نگاهی روشن کن
چشمِ تارِ دل را چو مسیحا به دمیدنِ آهی روشن کن
بیتو برگی زردم به هوای تو میگردم
که مگر بیفتم در پایت ای نوایِ نایم
به هوای تو می آیم که دمی نفس کنم تازه در هوایت
بیتو برگی زردم به هوای تو میگردم
که مگر بیفتم در پایت ای نوایِ نایم
به هوای تو می آیم که دمی نفس کنم تازه در هوایت
به نسیم کوبت ای گل ، به شمیم بویت ای گل
در سینه داغی دارم ، از لاله باغی دارم
با یادت ای گل هر شب ، در دل چراغی دارم
باغم ، بهارم باش ، موجم ، کنارم باش
ای پادشه خوبان ، داد از غم تنهایی
دل بیتو به جان آمد ، دل بیتو به جان آمد وقت است که بازآیی
مشتاقی و مهجوری دور از تو چنانم کرد
کز دست بخواهد شد ، پایاب شکیبایی یاها یاها ، های ها های
به نسیم کوبت ای گل ، به شمیم بویت ای گل
در سینه داغی دارم ، از لاله باغی دارم
با یادت ای گل هر شب ، در دل چراغی دارم
باغم ، بهارم باش ، موجم ، کنارم باش
بیتو برگی زردم به هوای تو میگردم
که مگر بیفتم در پایت ، ای نوایِ نایم
به هوای تو می آیم که دمی نفس کنم تازه در هوایت
بیتو برگی زردم به هوای تو میگردم
که مگر بیفتم در پایت ای نوایِ نایم
به هوای تو می آیم که دمی نفس کنم تازه در هوایت
تا فدا کنم جان و دل برایت ، تا فدا کنم جان و دل برایت

۲- حکایت دل - قیصر امین پور ۰۷:۳۵

منم آن نیازمندی که به تو نیاز دارم ای خدا
اگر از تو باز دارم به که چشم باز دارم ای خدا
توی آفتابی و چشمم به جمال توست روشن
غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم ای یار ای یار
غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم ای یار ای یار
به جفا نمودن تو ز وفات بر نگردم
به وفا نمودن خود ز جفات بازدارم
گله کردم از تو گفتمی که بساز چاره خود
منم آن که در غم الحق دل چاره ساز دارم
غم دل چه باز گویم که تو را ملال گیرد
کنم این حدیث کوتاه که غمِ دراز دارم
غم دل چه باز گویم که تو را ملال گیرد
کنم این حدیث کوتاه که غمِ دراز دارم

۳- کوی بی نشان - قیصر امین پور ۵:۴۱

ای غم ای همدم دست از سر دل بردار
ای شادی یک دم مرهم به دلم بگذار
دل جای شادی ست از غم شده ام بیزار
ای غم بیرون رو این خانه به او بسپار
با این خانه ی تنگ با این پاره ی سنگ
با این دل چه کنم این آلوده ی رنگ
دلا، باله مرا چرا شکستی، پَر نزدی به گِل نشستی
پَر نزدی، تو دریا بودی، ز چه رو چون مردابی
ای دریا تا کی ز نسیمی بی تابی
دل به دریا بزن در شب طوفان
تا به کی سر زدن بر درِ زندان
تا کی تنهایی برخیز و پرگشا
در آسمان رها تا کوی ناکجا
کوی بی نشان، کوی آشنا
ای غم ای همدم دست از سر دل بردار
ای شادی یک دم مرهم به دلم بگذار
دل جای شادی ست از غم شده ام بیزار
ای غم بیرون رو این خانه به او بسپار
ای دل زین غمها تنها غم او بگذار

۴- بوی پیراهن- قیصر امین پور ۰۵:۴۱

صحرا صحرا دویده ام سرگردان از پی تو
دریا دریا گذشته ام در طوفان از پی تو
دست از دنیا کشیده ام بی سامان از پی تو
از من از ما رهیده ام دست افشان از پی تو
گیسوی تو دام بلا ابروی تو تیغ فنا
در دست دواي دل روی تو بهشت برین
موی تو بنفشه ترین زنجیر پای دل
دنیا دنیا گشته ام به بوی تو
پنهان پیدا گر به گفت و گوی تو
هر سو هر جا روی من به سوی تو
دردا دردا کی رسم به کوی تو؟
دستم بر دامن تو بوی پیراهن تو سوی چشم عاشقان
یاس و سوسن شکفتد دامن دامن شکفت با یادت ز باغ جان
دیگر افتاده ام از پا در این صحرا
در راهم صخره و خارا خارا خارا
چون کشتی در دل طوفان یارا یارا
دریاب ای ساحل دریا ما را ما را
شب و سحر به نام تو ترانه می خوانم
به شوق یک سلام تو همیشه می مانم
صحرا صحرا دویده ام سرگردان از پی تو
دریا دریا گذشته ام در طوفان از پی تو
دست از دنیا کشیده ام بی سامان از پی تو
از من از ما رهیده ام دست افشان از پی تو یارا یارا

۵- بهشت یاد- قیصر امین پور ۰۶:۴۲

ای نامت از دل و جان
در همه جا به هر زبان جاری
عطر پاک نفست سبز و رها از آسمان جاری
نور یادت همه شب در دل ما
چو کهکشان جاری
تو نسیم خوش نفسی / من کویر خاک و خسم
گر به فریادم نرسی / همچو مرغی در قفسم
تو با منی اما...
من از خودم دورم
چو قطره از دریا / من از تو مهجورم
ای نامت از دل و زبان جاری
عطر پاک نفست سبز و رها از آسمان جاری
روح یادت همه شب در دل ما چو کهکشان جاری
با یادت ای بهشت من آتش دوزخ کجاست
عشق تو در سرشت من با دل و جان آشناست
چگونه فریادت نزنم
چرا دم از یادت نزنم
در اوج تنهایی / اگر زمین ویرانه شود
جهان همه بیگانه شود / تویی که با مایی...

خدایا عاشقان را با غم عشق آشنا کن
ز غم های دگر غیر از غم عشقت رها کن
تو خود گفتی که در قلب شکسته خانه داری
شکسته قلب من جانا به عهد خود وفا کن
خدایا بی پناهم، ز تو جز تو نخواهم
اگر عشقت گناه است، ببین غرق گناهم
دو دست دعا فرا برده ام بسوی آسمان ها
که تا پر کشم به بال غمت رها در کهکشان ها
چو نیلوفر عاشقانه، چنان می پیچم به پای تو
که سر تا پا بشکفد گل، ز هر بندم در هوای تو
به دست یاری اگر که نگیری، تو دست دلم را دگر که بگیری
به آه و زاری اگر نپذیری، شکسته دلم را دگر که پذیرد
خدایا عاشقان را با غم عشق آشنا کن
ز غم های دگر غیر از غم عشقت رها کن
تو خود گفتی که در قلب شکسته خانه داری
شکسته قلب من جانا به عهد خود وفا کن
خدایا بی پناهم، ز تو جز تو نخواهم
اگر عشقت گناه است، ببین غرق گناهم
دو دست دعا فرا برده ام بسوی آسمان ها
که تا پر کشم به بال غمت رها در کهکشان ها

۷- آواز (افشاری) مناجات^{۳۸} - مولانا ۵۴:۷۰

لبم پر شکایت، شبم بی نهایت

نه فانوس ماهی، الهی

در این تیره شب ها، نثارت خدایا

دل سر به راهی، الهی

... ..

در این جاده های سرد و نا حد

منم آن مسافری که خواهم

رسم تا به شهر روشنایی

اگر تو مرا چنین بخواهی، الهی

... ..

ببین ناتوانم، بر افکن به جانم

کمند بلند نگاهی، الهی

شب بی نصیبی، در اوج غریبی

مگر در تو گیرم پناهی، الهی

به سویت نگاه دل من

دل شب پناه دل من

ستاره گواه دل من

که این اشک و آه دل من

بود پیش رویت به عذر گناهی، الهی

... ..

سحر می زند سر

دلم می زند پر

به سویت، الهی

در این سایه روشن

به تو می رسم من

به پرواز آهی، الهی

^{۳۸}. در آلبوم "صدایم کن" هم موجود است.

۸- آواز (دشتی)^{۳۹} ۰۸:۲۱

عمری به سر دویدم در جست وجوی یار
جز دسترس به وصل ویم آرزو نبود
دادم در این هوس دل دیوانه را به باد
این جست و جو نبود
هر سو شتافتم پی آن یار ناشناس
گاهی ز شوق خنده زدم گه گریستم
بی آنکه خود بدانم ازین گونه بی قرار
مشتاق کیستم
رویی شکست چون گل رویا و دیده گفت
این است آن پری که ز من می نهفت رو
خوش یافتم که خوش تر ازین چهره ای نتافت
در خواب آرزو
هر سو مرا کشید پی خویش در بدر
این خوشپسند دیده ی زیباپرست من
شد رهنمای این دل مشتاق بی قرار
بگرفت دست من
و آن آرزوی گم شده بی نام و بی نشان
در دورگاه دیده من جلوه می نمود
در وادی خیال مرا مست می دواند
وز خویش می ربود
از دور می فریفت دل تشنه مرا
چون بحر موج می زد و لرزان چو آب بود
وانگه که پیش رفتم با شور و التهاب
دیدم سراب بود
بیچاره من که از پس این جست و جو هنوز
می نالد از من این دل شیدا که یار کو ؟
کو آن که جاودانه مرا می دهد فریب ؟
بنما کجاست او

^{۳۹}. در آلبوم "عطر سوسن" نیز موجود است.

پروفایل:

نام آلبوم: نیلوفرانه ۲

سال انتشار:

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (دشتی، سه گاه)

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: مشکلات

مدت زمان: ۱۷ دقیقه و ۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- از اوج آسمان ها ۲- تشنه طوفان ۳- رباعی خوانی ۴- آه سحری ۵- عطر نرگس ۶- ای عاشقان ۷- رباعی خوانی دو ۸- انتظار دل

آهنگساز: عباس خوشدل

نوازندگان:

نوازنده ی نی : حسن ناهید

نوازنده ی سه تار : جلال ذوالفنون

نوازنده ی کمانچه : هادی منتظری

نوازنده ی پیانو : محمدرضا چراغعلی

نوازنده ی تار : شهریار فریوسفی

تنظیم: فریدون شهبازیان

شاعر: خواجه عبدالله انصاری- قیصر امین پور- ابوسعید ابوالخیر- بابا افضل کاشانی- صغیر اصفهانی

گاه نگاری:

۱- از اوج آسمان ها- قیصر امین پور ۰۸:۳۷

از اوج آسمان ها ، یک شب مرا صدا کن یا یک
نفس دلم را ، از این قفس رها کن تا سر بسایم بر
آسمان ها ، تا پر گشایم در بی کران ها از اوج
آسمان ها ، یک شب مرا صدا کن رفته قافله ها،
وامانده دل ما ، غافل از همسفران دل دارد گله ها،
از این فاصله ها ، بر دوشم بار گران در این بیابان،
نه آشنایی ، نه جای پایی از اوج آسمان ها ، یک
شب مرا صدا کن یا یک نفس دلم را، از این قفس
رها کن خدایا ، یارا ، دل شیدا را ز سوز آهی برافروز،
چراغ راهی برافروز دمی پرده از رخ برافکن، شبم
را ماهی برافروز بگو که دلم، شکسته چرا به ساحل
غم، نشسته چرا از اوج آسمان ها، یک شب مرا
صدا کن یا یک نفس دلم را ، از این قفس رها کن

۲- تشنه طوفان - ۸:۲۲

من همان موجم تو همان طوفان
خوشا برگی تشنه باران
سر خوش خندان
که می بالد ز خاک و گل
سپرده سر به رویاها
من همان برگم تو همان باران
ز شوق تو مستم خرابم خرابم
ز خود در هوایت تهی چون حبایم
اگر بی تو باشم چو نقشی بر آبم
سراسر بیابان سرا پا سرابم
چو نیلوفر بر تو می پیچم
بی تو من هیچم
به غیر از غم تو گناهی ندارم
غمی بهتر نمی دانم
کجا می گریزم
که راهی ندارم
رهی دیگر نمی دانم
ز تو ناگزیرم
پناهی ندارم
که درگاهی به جز این در نمی دانم

۳- رباعی خوانی-ابوالسعید ابوالخیر ۵۷:۶۰

وا فریادا ز عشق وا فریادا
کارم بیکی طرفه نگار افتادا
گـــــر داد من شکسته دادا دادا
ور نه من و عشق هر چه بادا بادا
در دیده بجای خواب آبست مرا
زیرا که بدیدنت شتابست مرا
گویند بخواب تا به خوابش بینی
ای بیخبران چه جای خوابست مرا
دیشب که دلم ز تاب هجران میسوخت
اشکم همه در دیده‌ی گریان میسوخت
میسوختم آنچنـــــانکه غیر از دل تو
بر من دل کافر و مسلمان میسوخت
عشق آمد و شد چو خونم اندر رگ و پوست
تا کرد مـــــرا تهی و پر کرد ز دوست
اجـــــزای وجودم همگی دوست گرفت
نامیست ز من بر من و باقی همه اوست

۴- آه سحری- ۰۷:۴۰

ز داغت چو گل پر شرر دل من
چو پروانه ای شعله ور دل من
چو باد صبا در به در دل من
تا از غم تو آه سحری پر زد ز دلم
با هر نفسم صبح دگری سر زد ز دلم
چو پیراهن گل دلی پاره دارم
دلم را به باغت گل افشان کن
چو لب بسته بلبل نوایی ندارم
لبم را به داغت غزل خوان کن
ز داغت چو گل پر شرر دل من
چو پروانه ای شعله ور دل من
چو باد صبا در به در دل من
تا از غم تو آه سحری پر زد ز دلم
با هر نفسم صبح دگری سر زد ز دلم
رهایی ندارم از این بی قراری
مگر خون ببارم چو ابر بهاری
الهی تو ما را پناهی
تا از غم تو آه سحری پر زد ز دلم
با هر نفسم صبح دگری سر زد ز دلم

۵- عطر نرگس - ۰۶:۳

ای ماه دل آرا رویت
شده قبله ی دلها کویت
تو ای مه دل آرا بیا بیا خدا را
تو ای مه دل آرا بیا بیا خدا را
ای نامت چو عطر نرگس
جاری در رگ بهاران
بر داغ کویر دلها
یاد تو حضور باران
ای مه دل آرا بیا خدا را ز روی یاری
از شب سیاهم مگر تو یارا خبر نداری
عشقت ایشم به جان زد مهرت بر دلم نشان زد
دلتنگم ز داغ تنهایی ز داغ تنهایی ز داغ تنهایی
ای نامت چو عطر نرگس
جاری در رگ بهاران
بر داغ کویر دلها
یاد تو حضور باران
ای مه دل آرا بیا خدا را ز روی یاری
از شب سیاهم مگر تو یارا خبر نداری

۶- ای عاشقان - ۸:۰۹

ای عاشقان در همدلی دستی برآرید
بر زخم پنهان دلم مرهم گذارید
بر درد پنهانم درمان نمیدانم
کو اهل رازی کو چاره سازی
ای عاشقان در همدلی دستی برآرید
بر زخم پنهان دلم مرهم گذارید
چیزی نخواهم جز بوی گندم
جز برق شادی در چشم مردم
جز یک ترانه جز یک ترنم
یک غنچه لبخند یک گل تبسم
ای عاشقان در همدلی دستی برآرید
بر زخم پنهان دلم مرهم گذارید
بر درد پنهانم درمان نمیدانم
کو اهل رازی کو چاره سازی
یک ذره خورشید از کهکشانها
یک پنجره ابر از آسمانها
یک قطره دریا یک چکه شبنم
یک موج کوچک از بیکرانها
دیگر نخواهم چیزی خدایا
غیر از دلی پاک آیینه آسا
غیر از دلی ساده چون آسمانها
چون ساحل افتاده در پای دریا
ای عاشقان در همدلی دستی برآرید
بر زخم پنهان دلم مرهم گذارید
بر درد پنهانم درمان نمیدانم
کو اهل رازی کو چاره سازی

۷- رباعی خوانی - ۸:۴۱

من دل به غم تو بسته دارم ای دوست
درد تو به جان خسته دارم ای دوست
گفتی که به دل شکستگان نزدیکم
من نیز دلی شکسته دارم ای دوست
راه تو به هر قدم که پویند خوش است
وصل تو به هر سبب که جویند خوش است
روی تو به هر دیده که بینند نیکوست
نام تو به هر زبان که گویند خوش است
مجنون و پریشان توام دستم گیر
چون دانی که از آن توام دستم گیر
هر بی سرو پایی دستگیری دارد
من بیسر و سامانتوام
دستم گیر دستم گیر دستم گیر
ای دوست قبولم کن و جانم بستان
مستم کن و از هر دو جهانم بستان
باه رچه دلم قرار گیرد بی تو
آتش به من اندر ز نو آنم بستان
کارم به یکی طرفه نگار افتاد و
گرداد من شکسته دادو
ورنه من و عشق هر چه بادا باد
ای روی تو مهر عالم ارای همه
وصل تو شب و روز تمنای همه
گر با دگران به ز منی وای به من
گر با همه کس همچومنی وای همه

۸- انتظار دل - ۷:۱۷۰

ای دستم بر دامن تو، دل بی تاب دیدن تو
در هوایت بی قرارم ای قرار دل
جان برآید تا سرآید انتظار دل
نام خوبت بر لب من چون چراغی در شب من
کفر زلفت مذهب من ، یارا فریاد از تو ، داد و بی داد از تو
دل با سر زلفت ، در دام بلا شد
زنجیر دلم کو ، دیوانه رها شد
ای قبله ی من رویت ، محراب من ابرویت
دل با سر زلفت ، در دام بلا شد
زنجیر دلم کو ، دیوانه رها شد
هم چو برگی در بارانم ، در هوایت سرگردانم
گر خزانم ، گر بهارم ، بی قرارم من
هر چه دارم یا ندارم از تو دارم من
ای دستم بر دامن تو، دل بی تاب دیدن تو
در هوایت بی قرارم ای قرار دل
جان برآید تا سرآید انتظار دل
نام خوبت بر لب من چون چراغی در شب من
کفر زلفت مذهب من ، یارا فریاد از تو ، داد و بی داد از تو
دل با سر زلفت ، در دام بلا شد
زنجیر دلم کو ، دیوانه رها شد
ای قبله ی من رویت ، محراب من ابرویت
دل با سر زلفت ، در دام بلا شد
زنجیر دلم کو ، دیوانه رها شد
دل با سر زلفت ، در دام بلا شد
زنجیر دلم کو ، دیوانه رها شد

پروفایل:

نام آلبوم: تازه به تازه

سال انتشار: ۱۳۷۷

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴/۲۴۴۴ ت

کد کتابخانه ملی: ۶۶۰ و

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی - هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۵۹ دقیقه و ۵۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۹ قطعه

۱- تازه به تازه ۲- سر روان ۳- یک خانه ۴- اسیری ۵- ای ساقی ۶- ای خدا ۷- از من چرا رنجیده ای ۸-

ترا جویم ۹- من مست و تو دیوانه

ترانه سراها: انوری ابیوردی - بیژن ترقی - حنین لاهیجی - عارف نقشبندی - مولانا جلال الدین

آهنگساز: محمد جلیل عندلیبی

نوازندگان:

سنتور: محمد جلیل عندلیبی

ویلن: مجتبی میرزاده - سیمین آقا رضی - مینا افتاده

دف: ارسلان کامکار - کاظم عالمی - علی چراغچی

نی: فرزاد عندلیبی

تنبک: حسن ناهید - بهزاد فروهری

تار: کامبیز گنجه ای - سالار عندلیبی

کنترباس: حمید شجاعی - امیر حسین رضا

کنترباس: سیاووش ظهیر الدینی

عود: علیرضا خورشید

ویلن: سل - جمال جهانشاد

فاگوت: کریم قربانی - امید ابطحی - مینا افتاده

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

تهیه کننده و مدیر تولید: محمد علی عزیزی

۱- تازه به تازه- عارف نقشبندی ۰۵:۰۸

بسته دلم به موی تو تازه به تازه نو به نو
بوسه زنم به روی تو تازه به تازه نو به نو
طعنه زند به مشکلات خنده زند بر او گلاب
زلف حریرگون تو تازه به تازه نو به نو
بسته دلم به موی تو تازه به تازه نو به نو
بوسه زنم به روی تو تازه به تازه نو به نو
ترانه آهنگ تازه به تازه از علیرضا افتخاری
اشک عشق روی تو قالیه روز روی تو
جنت ماست روی تو تازه به تازه نو به نو
تازه به تازه نو به نو
ای بت گل عزار من ای دل بی قرار من

۲- از من چرا رنجیده ای- دهلوی ۸:۳۴

کسی که گفت به گل نسبتی است روی تو را
فزود قدر گل و کاست آبروی تو را
گرم بیایی و پرسی چه بردی اندر خاک
ز خاک نعره برآرم که آرزوی تو را
ای ماه عالم سوز من ،از من چرا رنجیده ای
ای شمع شب افروز من ،از من چرا رنجیده ای
ای ماه عالم سوز من ،از من چرا رنجیده ای
ای شمع شب افروز من ،از من چرا رنجیده ای
یک شب تو را مهمان کنم ،تا جان و دل قربان کنم
جای تو در چشمانم ،از من چرا رنجیده ای
ای جان من جانان من ،بر من نگر سلطان من
یک شب بیا مهمان من ،از من چرا رنجیده ای
من عاشق زار توام ، از جان وفادار توام
تا زنده ام یار توام ،از من چرا رنجیده ای
من عاشق دیوانه ام ،اندر جهان افسانه ام
تو شمع و من پروانه ام ،جانم چرا رنجیده ای
رنجیده ای ، رنجیده ای ،از من گنه چه دیده ای
دائم گنه بخشیده ای ،جانم چرا رنجیده ای ...
بنگر ز عشقت چون شدم ، سرگشته و مجنون شدم
چون لاله دل پر خون شدم ،از من چرا رنجیده ای
گر من بمیرم از غمت ، خونم فتد بر گردنت
فردا بگیرم دامنم ، جانم چرا رنجیده ای
گر من بمیرم از غمت ، خونم فتد بر گردنت
فردا بگیرم دامنم ، جانم چرا رنجیده ای
جانم چرا رنجیده ای ،عمرم چرا رنجیده ای
جانم چرا رنجیده ای ،عمرم چرا رنجیده ای

۳- ای ساقی- بیژن ترقی ۰۶:۴۹

بده ساقی از آن باده که در خانه نهفتی
از آن می که ز هر عاقل و فرزانه نهفتی
گشوده شد در رحمت حق در نگشایی
پری را ز چرا در شیشه غریبانه نهاشتی
گرفتار عالمی را نور هستی دمیده در رگ جان شور مستی
برآور دست و غوغایی به پا کن مگر با عاشقان پیمان نبستی
بی خبر ز داغ دلم گل نموده باغ دلم ساقیا چراغ دلم روشن کن
می دمد فروغ سحر خیز با نشاط دگر شور و شوق می بنگر گلشن کن
غم فشرده نای مرا نشنوی صدای مرا
دست من به دامن تو زمانه بسته پای مرا ای ساقی
برآور دست و غوغایی به پا کن مگر با عاشقان پیمان نبستی

۴- من مست و دیوانه - مولانا ۵:۴۵

من مست و تو دیوانه ، ما را که برد خانه
صد بار تو را گفتم ، کم خور دو سه پیمانه
جانا به خرابات آ ، تا لذت جان بینی
جان را چه خوشی باشد ، بی صحبت جانانه

... ..

از خانه برون رفتم ، مستیم به پیش آمد
در هر نظرش پنهان ، صد گلشن و کاشانه

... ..

چون کشتی بی لنگر ، کژ می شد و مژ می شد
وز حسرت او مرده ، صد عاقل و فرزانه
گفتم ز کجایی تو ، دستی زد و گفت ای جان
نیمیم ز ترکستان ، نیمیم ز فرغانه

... ..

نیمیم ز آب و گل ، نیمیم ز جان و دل
نیمیم لب دریا ، نیمی همه دردانه
گفتم که رفیقی کن ، با من که من از خویشم
گفتا که بنشناسم ، من خویش ز بیگانه
زاهد بودم ترانه گویم کردی
سر حلقه ی بزم و باده جویم کردی
سجاده نشین با وقاری بودم
بازیچه ی کودکان کویم کردی
من زاهد بیچاره ، گشتم ز خدا غافل
در شهر شدم شهره ، زین پس من و ویرانه
من با تو همی گویم ، کز عشق بلا خیزد
هان ای دل دیوانه ، هشیار شدی یا نه

۵- ای خدا ۴:۲۴

ای خدا ای خدا این وصف را هجران مکن
سرخوشانی ای عشق را نالان نکن
چون خزان برشاخه و برگ دل مزین
خلق مسکین و سرگردان مکن
باغ جان را تازه و سرسبز دار
قصد این مستان و بستان مکن
جمع شمع خویش را بر هم نزن
دشمنان را دور کن شاداب نکن

۶- تو را جویم- بیژن ترقی ۰۶:۰۵

به هر گلشن نظر کردم تو دائم در نظر بودی
به هر شهری سفر کردم تو با من همسفر بودی
در دل تار شب محو اسرار شب چونکه با یاد تو
روی دل بر مه و ستاره کردم
جلوه روی تو روی دلجوی تو
در مه آسمون در زمین و زمون نظاره کردم
نه پنهانی نه پیدایی نه با مایی نه بی مایی
به صحراها تو را جویم به دریاها تو را جویم
درون دل درون جان تو را جویم تو را جویم
گهی گریان گهی خندان تو را جویم تو را جویم
به رویاهای شیرینم تو را جویم تو را جویم

۷- ای وای بر اسیری- حزین لاهیجی ۰۸:۳۵

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد صیاد رفته باشد

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد صیاد رفته باشد

... ..

آه از دمی که تنها با داغ او چو لاله
در خون نشسته باشد چون باد رفته باشد
ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد صیاد رفته باشد

... ..

از آه دردناکی سازم خبر دلت را
روزی که کوه صبرم بر باد رفته باشد
رحم است بر اسیری کز گرد دام زلفت
با صد امیدواری ناشاد رفته باشد
ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
ار دام مانده باشد صیاد رفته باشد
پر شور از حزین است امروز کوه و صحرا
مجنون گذشته باشد فرهاد رفته باشد
آواز تیشه امشب از بیستون نیامد
شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد

ای وای بر اسیری کز یاد رفته باشد
در دام مانده باشد صیاد رفته باشد

۸- یک خانه پر زمستان- مولانا ۵۶:۰۶

یک خانه پر ز زمستان مستان نو رسیدند
دیوانگان بندی زنجیرها دریدند
بس احتیاط کردیم تا نشنوند ایشان
گویی قضا دهل زد بانگ دهل شنیدند
جان‌های جمله مستان دل‌های دل پرستان
ناگه قفس شکستند چون مرغ برپریدند
مستان سبو شکستند بر خنب‌ها نشستند
یا رب چه باده خوردند یا رب چه مل چشیدند
من دی ز ره رسیدم قومی چنین بدیدم
من خویش را کشیدم ایشان مرا کشیدند
آن را که جان گزیند بر آسمان نشیند
او را دگر کی بیند جز دیده‌ها که دیدند
یک ساقی عیان شد آشوب آسمان شد
می تلخ از آن زمان شد خیکش از آن دریدند

۹- سر و روان من کو- انوری ۰۷:۴۱

خدایا هر کس به خانمانی دارد مهربانی
من مهربان ندارم نامهربان من کو
ای مردمان بگویند آرام جان من کو
راحت فراست هر کس محنت رسان من کو
نامش همی نیارد بردن به پیش هر کس
گه گه به ناز گویم سر و روان من کو
خدایا هر کس به خانمانی دارد مهربانی
من مهربان ندارم نامهربان من کو؟
در بوستان شادی هر کس گلی بچیند
آن گل نشکنندش در بوستان من کو
سر و روان من کو

پروفايل:

نام آلبوم: بُردی از يادم

سال انتشار: ۱۳۸۳

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز:

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت:

مدّت زمان:

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- بردی از يادم ۲- کوچه عاشقی ۳- نور خدا ۴- قصه دل ۵- قاصدک ۶- دلشکسته ها ۷- الهی بمیرم ۸- نگاه قشنگ

آهنگساز: حبیب الله بدیعی - مهدی خالدي - اسدالله ملک

نوازندگان:

تنظیم: بهزاد خدا رحمی

ضبط:

گاه نگاری:

۱- بردی از یادم^{۴۰} - ۵:۵۵

بردی از یادم ، دادی بر بادم ، با یادت شادم
دل به تو دادم ، در دام افتادم ، از غم آزادم
دل به تو دادمفتادم به غم
ای گل بر اشک خونینم مخند
سوزم از سوز نگاهت هنوز
چشم من باشد به راحت هنوز
چه شد آن همه پیمان
که از آن لب خندان ،
که شنیدم و هرگز
خبری نشد از آن
کی آیی به برم ، ای شمع سحرم
در بزم نفسی، بنشین تاج سرم
خواه از جان گذرم
تا به سرم ده ، جان به تنم ده ، چون به سرآمد عمر بی ثمرم
نشسته بر دل غبار غم
زآنکه من در دیار غم
گشته ام بر غمگسار غم
امید عهد وفا تویی
آفت جان ما تویی
رفته راه خطا تویی

بردی از یادم ، دادی بر بادم ، با یادت شادم
دل به تو دادم ، در دام افتادم ، از غم آزادم
دل به تو دادم ، فتادم به غم
ای گل بر اشک خونینم مخند
سوزم از سوز نگاهت هنوز
چشم من باشد به راحت هنوز

^{۴۰}. باز خوانی ترانه ای از بانو دلکش و ویگن.

۲- کوچه عاشقی ۸:۰۵

پشت هر کوچه اگه یکی پر پر میزنه
شک نکن که عاشقه یه نفر مثل منه
منم اون غریبه شهر شما
که غریبم توی جمع آدم‌ها
هر کی با چشم تره ، شب و روز در به دره
مثل من یه عاشقه، توی خط آخره
منم اون غریبه شهر شما
که غریبم توی جمع آدم‌ها
یکی توی قصه‌های عاشقی، شکل فرهاد شده
یکی پشت کوچه های بی کسی، پر فریاد شده
این همه شکستن، سهم من نبود
دل به گریه بستن، سهم من نبود
این همه شکستن، سهم من نبود
دل به گریه بستن، سهم من نبود
با پیشونی و درد بی کسی
روز و شب نشستن سهم من نبود
پشت هر کوچه اگه یکی پر پر میزنه
شک نکن که عاشقه یه نفر مثل منه
منم اون غریبه شهر شما
که غریبم توی جمع آدم‌ها
تو بگو عزیز من تو با منی، عاشقی رو نمیشکنی
عاشق دیوونه می مونم واسه تو
پشت کوچه های شب دور از نظر با دل خون با چشم تر
مثل دیوونه می خونم واسه تو
اما اون چشمای تو ، من عاشق رو ندیده
اون دو تا چشم قشنگ ، منو تا اینجا کشیده
اگه دبدی که یه روزی بی خبر، گم شدم تو یه سفر
شک نکن یه عاشقم اسم منو توی عاشقا ببر

۳- نور خدا ۵۳:۴۰

به شهر و دیاری ببر تو مرا
که نور خدا باشه و من وتو
نباشه به دلها نشونه غم
امید و صفا باشه و من و تو
بریم اونجا که عشق و مستی خطا نباشه
تو سینه ها جای محبت ریا نباشه
به غیر خدا که مهربونه
نمیخوام دل دیگه بدونه
که با وفایی که با صفایی
از این خسته دل پروا نکن
مرا بیش از این رسوا نکن
الهی بمونی با مهربونی جدایی نگیری قدرم بدونی
که دنیا نداره وفایی
بمون بر سر پیمون من
تو بازی نکن با جون من
که دنیا سراب نقشی بر آب دو روز جوانی مثل حباب
نیرزهبه یک رنج و آهی
به شهر و دیاری ببر تو مرا
که نور خدا باشه و من وتو
نباشه به دلها نشونه غم
امید و صفا باشه و من و تو
بریم اونجا که عشق و مستی خطا نباشه
تو سینه ها جای محبت ریا نباشه
به غیر خدا که مهربونه
نمیخوام دل دیگه بدونه
که با وفایی که با صفایی

۴- قصه دل ۵:۲۹

سفر کنم تنها روم تنها ره صحرا روم
شوم نهان از دیده ها تا شاید از دلها روم
سفر کنم تنها روم تنها ره صحرا روم
شوم نهان از دیده ها تا شاید از دلها روم
من مرغ پر شکسته ام بی بال و پر کجا روم
از من نمی پرسد کسی کجا روم چرا روم
ای فتنه جو سرشک تو در قلب من اثر ندارد
این مرغک بی آشیان راهی به جز سفر ندارد
سفر کنم تنها روم تنها ره صحرا روم
شوم نهان از دیده ها تا شاید از دلها روم
از آشیان جدا شدم ، چو نای بی نوا شدم
ز دام تو رها شدم ، رها شدم ، چه شبها ، که تنها ، نشستم ، از تو جدا
از آشیان جدا شدم، چو نای بی نوا شدم
ز دام تو رها شدم ، رها شدم ، چه شبها ، که تنها، نشستم ، از تو جدا
تازه گل بهار من ، خنده مکن به سرنوشت
خیز و بیا به سوی من ، عشق و وفا تو بر سرشتم
سفر کنم تنها روم تنها ره صحرا روم
شوم نهان از دیده ها تا شاید از دلها روم
من مرغ پر شکسته ام بی بال و پر کجا روم
از من نمی پرسد کسی کجا روم چرا روم
ای فتنه جو سرشک تو در قلب من اثر ندارد
این مرغک بی آشیان راهی به جز سفر ندارد

۵- قاصدک ۰۵:۰۹

کی به تو گفته به این خونه برو
دیگه دل از همه سرده حالیه
میدونم بر نمیگرده حالیه
مگه تنها شده باز
مگه رسوا شده باز
مگه پروانه می خواد
دله دیوانه می خواد
دیگه دل از همه سرده حالیه
میدونم بر نمیگرده حالیه
گل قاصد بده پیغام مرا
که نبر بهر خدا نام مرا
بگو بیزارم از اون مهر و وفا
که سراپا همه بود رنگ و ریا
دیگه دل از همه سرده حالیه
میدونم بر نمیگرده حالیه
هر که در سینه دلی داشت به دلداری داد
دل نفرین شده ماست که تنهاست هنوز
گل قاصد بده پیغام مرا
که مبر بهر خدا نام مرا
بگو بیزارم از اون مهر و وفا
که سراپا همه بود رنگ و ریا
دیگه دل از همه سرده حالیه
میدونم بر نمیگرده حالیه

۶- شب دلشکسته ها ۰۴:۴۲

شب دلشکسته ها امشب
گریه های بی صدا امشب
شب بی سپیده شب بی سحر
هوای غریبی شب در بدر
شب بی ستاره دل پاره پاره
غمای دوباره هوای منه
شبی از غریبی که غم حجله بسته
شب شب شکسته شبای منه
شب دلشکسته ها امشب
گریه های بی صدا امشب
شور و حال خسته ها امشب
یه بغض و هراسه یه زخمه درده
غمی سینه سوزه بینین چه کرده
مرا تو کشیدی به دار نمونه
می دونی که دنیا چه نامهربونه
تو خاکسترم را ببر تا نمونه
شبای غریبی چه بی آشیونه
غریبی و غربت دو یار نمونه
بدون توی دنیا همین سهممونه
شب بی سپیده شب بی سحر
هوای غریبی شب در بدر
شب بی ستاره دل پاره پاره
غمای دوباره هوای منه
شبی از غریبی که غم حجله بسته
شب شب شکسته شبای منه
شب دلشکسته ها امشب
گریه های بی صدا امشب

۷- الهی بمیرم ۵۴:۵۰

الهی بمیرم
که دیگر بدونی کجایم
بدونی ز عالم جدایم
الهی بمیرم
نخنده به چشمت نگاهی
نمونه نگاهت به راهی
نگیری تو جامی ز هر دستی
ننوشی می از دست هر مستی
تا نمونه در اون دل دگر هوسی
تا نریزه به پایت سرشک کسی
تا نبینی دگر گریه های مرا
تا ندونه کسی ماجرای مرا
الهی الهی
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما
این منم که هرگز نمی برم
ازدلم خیال تو را دمی کی دهم غمت را به عالمی
این منم که دیوونه ی توام با دلی که رسوای عالمه
خون و تار و پودش پر از غمه

۸- نگاه قشنگ ۴:۵۷

میر ز تو یادم به یاد تو شادم ز گوشه ی بامت پریده منم
چو گریه ی مستان به ناله ی پنهان ز شمع ندامت چکیده منم
شکست و نالان چو درد غریبان چو خار بیابان تو خارم مکن
به قهر عزیزان به سوز زمستان اسیر غم روزگارم مکن
دشت جگرسوز چشم ترم به بوته ی خشکم که بی ثمرم
به ظلمت غم ها پا نهاده منم
تویی نفس من در این دم آخر چگونه شود از تو دل بکنم
ازین قفس غم نفس نفسایم به سوی تو بال و پر بزنم
گر بیای و پرسی ز لاله و دشت خاک من به تو گوید گذشته گذشت
دلی که شکسته تو سینه ی تنگ برای تو بوده نگاه قشنگ
شکسته و نالان چون غرق غریبان چو خار بیابان تو خارم مکن
به قهر عزیزان به سوز زمستان اسیر غم روزگارم مکن

پروفایل:

نام آلبوم: خاطرات جوانی

سال انتشار: ۱۳۷۴

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴۵۴۴ / ت

کُد کتابخانه ملی: ۸۱۸۸ و

حق کپی رایت: شرکت آوای نوین

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۱۱ قطعه

۱- تنها ۲- لحظه شمار ۳- تا به کی ۴- مشتق ۵- نمیدونی ۶- ای کاش ۷- باران ۸- عشق تازه ۹- لحظه شمار (بی کلام)
۱۰- شب پُر ستاره (راه) ۱۱- ساز و آواز

آهنگساز و ترانه سرا: فضل الله توکل

نوازندگان:

ویلن: مجتبی میرزاده- همایون رحیمیان- هادی آزر- خاجیک بابائیان- ابراهیم لطفی- علی جعفری پویان- رسول بهبهانی-
رضا عالمی-

ویلن-سلو: همایون رحیمیان- سیامک ایقایی

ویلن التو: سیاوش ظهیر الدینی- رضا نکویی

ویلسنل: کریم قربانی

کمانچه: مجتبی میرزاده- هادی منتظری

تار: شهریار فریوسی

فلوت: ناصر رحیمی

فلوت عربی: پرویز وزیری

ابوا: کامردان علی آقا

آکاردئون: جابر اطاعتی

قانون: سیمین آغارضی - پریچهر خواجه

دف و دایره: مسعود حبیبی

سه تار: امید امیری

گیتار: بابک امینی

درام: مازیار سلمانی

تنبک: علیرضا توکل

سنتور: فضل الله توکل

ساز الکترونیک: بهنام صبوحی

سلو قطعه بی کلام: بهنام خدارحمی

تکنواز سنتور: فضل الله توکل

تنظیم: بهنام صبوحی

ضبط: استودیو بل

گاه نگاری:

صدابرداران: منوچهر ریاحی - ایرج فهیمی

مسترلینگ: محمد علیزاده

تهیه کننده: محسن نوید پور

طراح و اجرا: نادر خطیبی

۱- تنها ۴۲:۰۴

دو تنها و دو بی کسی ما تا هستیم
جدا از مردم آدم نما هستیم فقط ماییم و ما و خالق یکتا شد
این جرم عشق او بیگانه با دنیایا دستم بگیر از غم رهایم
کن صدای قلب من باش و صدایم کن
که عاشق بودن و از عشق مردن عالمی
داره و گرنه خدعه و رنگ و فریب هر آدمی داره
ز یاران به ظاهر مهربانانم به لب آدمیان تیرگیها گم شدم روزم به شب آمد
امید همی از مهران زیبا سرابی بود زمان بگذشت با بیهودگی آشفته خوابی
بودم نا مهربونی زده آتیش به وجود مدر این پوچی اثر نداره همه بود
و نبودم که عاشق بودن و از عشق مردن عالمی
داره و گرنه خدعه و رنگ و فریب هر آدمی داره

۲- لحظه شمار ۰۶:۲۱

ای لحظه شمار از تو سیرم من
با هر ضربه تویه لحظه پیرم من
تا دنیا سر جاش باشه تو خواهی بود
تو جاودانه ای اما میمیرم من
مگر طلوع خورشید و رو دریا تماشا تماشا نکردی؟
تو با ستاره ها و کوه و صحرا مدارا مدارا نکردی
تو با نیک و بد هستی
تو لحظه های سر مستی و دیدی
دیدیدی و می بینی

تو خود فاتح و مغلوب تو ایام بد و خوب و دیدی-دیدیدی و می بینی

تو که لحظه لحظه عمرم رو شمردی
واسه قصه های من غصه نخوردی
تو که گریه ی تولدم رو دیدی
خنده های کودکانه ام شنیدی
یادته تو اون روزای نوجوونی
که همش گل بود و عشق و مهر بونی
رنج انتظار رو با جونم میکشیدم
چقدر هراس کردم
برای رسیدن لحظه ی دیدار
به تو التماس کردم
نه سیاهی شب و نه صبح پر نور
نه شکوه خلقت و نه سردی گور
نه ابهت جهان آفرینش
ای زمان شمار تو را نکردم مغرور
یادته تو اون شب سرد زمستون
که گلا خشکیده بودن توی گلدون
برای پریدن مرغ گرفتار چقدر هراس کردم
وقت خاموشی دنیا تو یه لحظه به تو التماس کرد
ای لحظه شمار می میرم من

۳- تا به کی ۵:۵۶

تا به کی ای ساده دل چون کودکان سرگرم بازی
تا به کی با قصه ی دیو و پری افسانه سازی
تا به کی در پيله ی بیهودگی در خود تنیدن
با چنین سازی چگونه نغمه ی موزون نوازی
زندگی عشق و جهان عشق
کهکشان و آسمان عشق
با چنین عشقی تو از ماتم چه گویی
ساز کن ساز طرب از غم چه گویی
گر محو دلداری خبر از خود نداری نداری نداری
خوشر ز یادش در جهان خاطر نداری نداری نداری
زندگی عشق و جهان عشق
کهکشان و آسمان عشق
با چنین عشقی تو از ماتم چه گویی
ساز کن ساز طرب از غم چه گویی

۴- مشتق ۵:۱۳

هراسم نیست از عشق
دلم از عشق بیزاره
رفیقان نارفیقند و عزیزان قاصد حسرت
رفیقم همدم درد سکوت و بُهت دیواره
در این متروکه دنیا که یاری نیست
نشانی از کسی یا از دیاری نیست
به عشقی جز خداوند اعتباری نیست
یاری نیست
یاری نیست
سنگ آهم را
نگاهم را
فرو کوبم به در یک بار دیگر
کعبه را پیچیده ام در مخمل سبز خیالت بار دیگر
ای بسیط آسمان
ای بلندای زمان
با تو من بشناختم معنای هستی و صفا را
مشق هر شب می کنم نام تُرا پروردگارا
هراسم نیست از عشق
دلم از عشق بیزاره
رفیقان نارفیقند و عزیزان قاصد حسرت
رفیقم همدم درد سکوت و بُهت دیواره

۵- نمیدونی ۷:۱۴

نمی دونی تو ای رفته به قهر ز برم
که این رفتن تو زد چه گلی به سرم
بدون طاقه دیگه طاقت من تو بگو
چه جووری می تونم جونمو در ببرم
دیگه مشکله بی تو برام صبری بمونه
فقط یاد تو مونده تو این تلخی خونه
در عین ریا درس وفا یاد تو دادم
اما تو رسوندی به فلک آه نهادم
چون غنچه ی گل بودمو در دست تو افسوس
پرپر شدمو ساده چنین دادی به بادم
دیگه مشکله بی تو برام صبری بمونه
فقط یاد تو مونده تو این تلخی خونه
دنیا تا که دنیاست دل پای تو پیره
اون حالت چشمت یادم که نمی ره
دیگه مشکله بی تو برام صبری بمونه
فقط یاد تو مونده تو این تلخی خونه

۷- ای کاش ۵۹:۰۵

عمر ما چو موجی به دریا گذشت و رفت
لحظه های شیرین چه زیبا گذشت و رفت
خوب و زشت دنیا چو رویا گذشت و رفت
بگذرد شب و روز که از ما اثر نباشد
بس بیاید امروز که فردا دگر نباشد
مه آمد شب مهتابی و پنهان نشد
چو ابری که نمایان شد و باران نشد
به دل سوز خزان ماند و نیامد بهار
خطا رفته هم از توبه پشیمان نشد
ای کاش ای کاش دو چشم خسته ی من
گرید گاهی به کار بسته ی من
ای کاش ای کاش فغانم می شنیدی
ای کاش ای کاش به دادم می رسیدی
دویدی به روی زردم ز بی قراری تو اشک
خزان دیده روی من کردی آب یاری تو اشک
به لب ها بیاور ای سینه هر چه داری تو آب
ببار بر رخم تو ای دیده هر چه داری تو اشک
ای کاش ای کاش دو چشم خسته ی من
گرید گاهی به کار بسته ی من
ای کاش ای کاش فغانم می شنیدی
ای کاش ای کاش به دادم می رسیدی

۸- باران ۰۵:۲۹

رخسار خیسم از اشک آغشته شد به باران
عطر یاس و بنفشه گوید آمد بهاران
با ظاهر خموشم در سینه میخروشم
شاید که عطر یادت باز آورد به هوشم
با برگ گل نام تو مینویسم
باران شوید رخسار خیس خیسم
شب‌نم ز عمر کوتاهش با شکوه‌ها سر میکند
خندان لب گل را به اشک دیده اش تر میکند
بهر خدا با او نگو حرف حیات جاودان
چون قلب او پاک است و این افسانه باور میکند
با برگ گل نام تو مینویسم
بران شوید رخسار خیس خیسم
در گلرنگ بهاران جای تو مانده خالی
دیدار روی ماهت شد فرصت محالی
چون سایه روی دیوار از بی کسی شکستم
با تو بخود رسیدم
شد باور که هستم
در جان با جان مهر ترا سرشتم
فریاد فریاد از بخت و سرنوشت
با برگ گل نام تو مینویسم
باران شوید رخسار خیس خیسم

۹- عشق تازه ۰۶:۱۱

ز فراغت می سوزم همه شب در تنهایی
به امیدی بنشستم که تو شاید باز آیی
من اگر عاشق گشتم به هوای تو بود
بخدا شور عشقت دل من بر بود
تب عشقت جانم را همه شب می سوزاند
چه کسی در این عالم غم من را میداند
عشق تو زده آتش بر دلم
لحظه ای بنشین در محلم
ای شکفته در آوایم صبح روشن فردایم
خواب خوب من، رویاهایم
چلچراغ من خورشیدم، سایه سار من امیدم
با تبسمت خندیدم از شکفتنت گل ها چیدم
دیگرم تو مسوزان بیش از این
جان من به فدایت نازنین
لحظه ای نتوانم بی تو زنده بمانم
عاشقانه بگویم، عاشقانه بخوانم
بی تو من به دو عالم سر گردانم
عاشقی سخن من، جان من ز تو روشن
چون روی ز کنارم بی سامانم
عشق تو زده آتش بر دلم
لحظه ای بنشین در محلم
ای شکفته در آوایم، صبح روشن فردایم
خواب خوب من، رویاهایم
چلچراغ من، خورشیدم
سایه سار من، امیدم
با تبسمت خندیدم، از شکفتنت گل ها چیدم

۱۰- شب پر ستاره (راه) ۵:۴۴

باستاره های اشکام
شبو پرستاره کردم
ازپس دو چشم گریون
من به شب نظاره کردم
هرشب منمو ستاره
چشمی که درانتظاره
چشمام خیره به جاددست
کز ره برسی دوباره
باز میای تا که من پر بگیرم
زنده باشم زندگی از سر بگیرم
بازبه جونم حس کنم عطر تنت رو
تن من باشی ومن پیراهن تو
هرچه جادده رو زمینه یا که بالا یا که زیره
دشمن جون منه چونکه تو رو از من میگیره
هرچه راهه توی دنیا یا که نزدیک یا که کهدوره
راه همون راه جدائست یا عبوره یا غروبه
هرشب منمو ستاره
چشمی که درانتظاره
چشمام خیره به جاددست
کز ره برسی دوباره
باز میای تا که من پر بگیرم
زنده باشم زندگی از سر بگیرم
بازبه جونم حس کنم عطر تنت رو
تن من باشی ومن پیراهن تو
کاشکی همه راه زمین جاددیه دیدار بشه
رنج سفر کهنه بشه شادیا تکرار بشه
نقش تبسم لبای بسته رو خندون کنه
دردی نباشه که بخواد چشمی رو گریون کنه
باز میای تا که من پر بگیرم
زنده باشم زندگی از سر بگیرم
بازبه جونم حس کنم عطر تنت رو/ تن من باشی ومن پیراهن تو

پروفایل:

نام آلبوم: خوش آمدی

سال انتشار: ۱۳۸۰

نوع: استودیو

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۳۲۴۸ ت

کد کتابخانه ملی: ۷۷۹- و

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۹ قطعه

۱- خوش آمدی ۲- موج سرگردان ۳- اسیر دل ۴- مرا نبینی ۵- نازنین یار من ۶- جوانی ۷- از شهر شما می روم ۸- رهن دل ها ۹- قطعه بی کلام

آهنگساز: جواد لشگری- مهرداد پازوکی

ترانه سراها: بهادر یگانه، رحیم معینی کرمانشاهی، سرهنگ اعلامی-عبدالله الفت- نیر سینا- کریم فکور

نوازندگان:

تنظیم: مهرداد پازوکی

ضبط:

گاه نگاری::

۱- خوش آمدی - ۰۶:۲۲

خوش آمدی نازنین خوش آمدی شبی به خانه ی من
که چون هما سایه ها فکنده ای به آشیانه ی من
لب فسون ساز تو نگاه تو ناز تو می شبانه ی من
خوش آمدی خوش آمدی به آشیانه ی من بیا بیا که نغمه ات بود ترانه ی من
زند لب ساغر بوسه بر لبم تو چون بی آرایی چهره ی شبم
چه شود پس از این نفسی که بداد دلم برسی
بنشین و بنشان تو شرار تن من که چون گلخنده ی دل گذرد بر لب من
همه شب به خیالم گذری، گذری تو به سیمای پری با ناز و عشوه گری
به خدا که بود رشک چمن ز رخت همه کاشانه ی من دیگر گویم چه سخن
تو فریبا به نگاهی بفریبی دل من به سحرگه به جز از غم نبود حاصل من
تو فریبا به نگاهی بفریبی دل من به سحرگه به جز از غم نبود حاصل من
خوش آمدی نازنین خوش آمدی شبی به خانه ی من
که چون هما سایه ها فکنده ای به آشیانه ی من
لب فسون ساز تو نگاه تو ناز تو می شبانه ی من
خوش آمدی خوش آمدی به آشیانه ی من بیا بیا که نغمه ات بود ترانه ی من
زند لب ساغر بوسه بر لبم تو چون بی آرایی چهره ی شبم
چه شود پس از این نفسی که بداد دلم برسی
بنشین و بنشان تو شرار تن من که چون گلخنده ی دل گذرد بر لب من
همه شب به خیالم گذری، گذری تو به سیمای پری با ناز و عشوه گری
به خدا که بود رشک چمن ز رخت همه کاشانه ی من دیگر گویم چه سخن
تو فریبا به نگاهی بفریبی دل من به سحرگه به جز از غم نبود حاصل من
تو فریبا به نگاهی بفریبی دل من به سحرگه به جز از غم نبود حاصل من

۲- موج سرگردان - ۵:۵۲

شب سری به میخانه زدم بوسه به پیمانه زدم
راز دل چو گفتم به سبو اشک من گره شد به گلو
ناله در دل شکستم تا نگویی که مستم
شکوه می کنم از غم تو با چشم سیاهت
لحظه ز دل نمی رود یاد نگاهت ای عزیز غایب ز نظر ستاره بزم هنر
ناله در دل شکستم تا نگویی که مستم چون موجی سرگردان در آغوش توفان
گذشتم گذشتم گذشتم از تو که روزها که افسانه گشتم از تو
تا بی تو به میخانه گذارم نگذارم لب بر لب پیمانه گذارم نگذارم
تو شمعی و من در هوس شعله عشقم این شعله به پروانه گذارم نگذارم

۳- اسیر دل - ۵:۰۱

اسیر دل رسوای خویشم چون بند
بلا بر پای خویشم در دام دنیا مانده ام
چه حاصل از این افسانه سازی
از این مستی و دیوانه بازی
در کار خود وامانده ام
تا کی چون جان بزم مستان
در گوشه میخانه باشم
تا کی بنوشم ساغر غم
سر مست این پیمانه باشم
چه حاصل از این سوز و ساز نهان
چه حاصل از این خاطر نگران
تا کی به درگاه خدا
نالم چو نای بی نوا
خدایا خدایا رها کن دل را ز دام بلا
ز قید بلاها رهایم کن به عالم خود آشنایم کن
به نور خرد رهنمایم شو ز ظلمت هستی جدایم کن
چه حاصل از این سوز و ساز نهان
چه حاصل از این خاطر نگران

۴- مرا نبینی - ۵:۰۱

مرا نبینی ، دیگر مرا نبینی ، دگر تو ای افسونگر مرا نبینی

مشتاب از پی ام دگر ، که نیابی ز من خبر

تو که پاس وفا نداری ، تو که بیم از خدا نداری

بگذر فسانه های زیبا ، بنگر بهانه های دنیا

چه بود نظرت ، تو که یک نظر به آشنا نداری

نگهی به حال زار ما نداری

مرا نبینی ، دیگر مرا نبینی ، دگر تو ای افسونگر مرا نبینی

مشتاب از پی ام دگر ، که نیابی ز من خبر

تو که پاس وفا نداری ، تو که بیم از خدا نداری

بگذر فسانه های زیبا ، بنگر بهانه های دنیا

چه بود نظرت ، تو که یک نظر به آشنا نداری

نگهی به حال زار ما نداری

من اگر پیرم ، پیر خسته ام ، قفس خود را من شکسته ام

ستمی کشیده ام من ، که به جان رسیده ام من

چه بخواهی ، چه نخواهی ، بت عیار منی

چه بخواهی ، چه نخواهی ، تو دگر یار منی

تو دگر یار منی ، تو دگر یار منی

۵- نازنین یار من - ۵:۲۶

نازنین یار من غافل از کار من تا به کی؟
از غم روی تو ناله زار من تا به کی؟
دشمنی کار تو دشمنان یار تو تا به چند؟
عاشقی کار من اشک و غم یار من تا به کی؟
سوز پنهان نمی دانی اشک خونینم می بینی
آتش دل ننشانی تا به دامنم ننشینی
دل سیاهی که مراد رهی ندهی
بی تو باشد ماه یار من هر شب آن
از تو سنگین دل وای
از تو نوشین لب آه
فته رویت دل من سیر گیسویت دل من
ای بلای جان تا کی؟
سوزد و نالد همچون نی
ز آتشی گوید دل من
سوز پنهان نمی دانی اشک خونینم می بینی
آتش دل را ننشانی تا به دامنم ننشینی

۶- جوانی ۵:۱۵

دوره جوانی از سر گیرم
گر که ز دست در ساغر گیرم
امشب امشب امشب
یا که شب آخر دست از جانم
یا که چو جامه در بر گیرم
امشب امشب امشب
عمرم بند است به سر مویی
می بخشم جان گر تو بگویی
دارم در دل غم جانکاهی
مستم امشب مست نگاهی
در دل لرزد هرگز غم بود و نبود جهان
باشد در دل ما را غم تو که نشسته به جان
گر شکوه کنم از تو امشب با بوسه بزن فوراً بر لب
به دل مرا ساغر طرب
تا جان دارم مهر تو را خواهم
جانان من از تو وفا خواهم
چشم من قلب من گوید امشب با تو سخن
تا جان دارم مهر تو را خواهم
جانان من از تو وفا خواهم

۷- از شهر شما می روم- ۵:۱۲

امشب یک گریه امانم بده
فرصت حرفی به زبانم بده
مژده ای از من به کسانم بده
چون سحر آید به خدا می روم
من دگر از شهر شما می روم
آمده بودم که به دل سادگی
زنده شوم با غم دلدادگی
پر کشم اکنون سوی آزادگی
هدهمو سوی صبا می روم
من دگر از شهر شما می روم
ای نفس خسته مرا صدا کن صدا کن صدا کن
زین قفس بسته مرا رها کن رها کن رها کن
غمزده ای خدا این همه تنها چرا
بین ز کجا تا به کجا می روم
من دگر از شهر شما می روم

۸- رهن دلها- ۴:۱۱

چه شد ای رهن دلها که بی مهری چنین با ما
چنین نامهربونی
چه کردم من که رنجیدی ز بد خواهان چه بشنیدی
که با من سرگرانی
تو بودی آنکه دل از من ربودی
به من ای نازنین عاشق تو بودی
تو ای نازنین نگفتی منم فدایت
دو صد آفرین بر این مهر و وفایت
ز چشمهایت که می خندد به رویاها رسیدم
ز لب های گل سرخم چه قصه ها شنیدم
شدم مست و پریشان از آن چشم غزل خوان
همه لذت هستی ها از آن نگاه چشیدم
چو دیدی که مستم مستانه شدم عاشق تو دل به تو بستم رفتی
رفتی و دل از هر دو جهان بی تو گسستم
چه شد ای رهن دلها که بی مهری چنین با ما
چنین نامهربونی
چه کردم من که رنجیدی ز بد خواهان چه بشنیدی
که با من سرگرانی

پروفایل:

نام آلبوم: سفر

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۵۳۹۸ / ۳ ت

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: موسسه آوای ماندگار

مدت زمان: ۸ قطعه

۱- سفر ۲- عاشقونه ۳- توبه ۴- هستی ۵- چشم براه ۶- انتظار ۷- شعله عشق ۸- آرزو

تعداد قطعات:

آهنگساز و تنظیم: بهزاد خدا رحمی

نوازندگان:

کمانچه: هابیل علی اف

ویلن: مهیار فیروز بخت- هادی آرزو- مینا جهان آبادی

ویلن / گارمان: جابر اطاعتی

ویلن آلتو: میثم مروستی

ویلتسل: کریم قربانی

قانون: بهروز قنسولی

عود: جمال جهانشاد

کنترباس: فریدن خالقی

فلوت: ناصر رحیمی

تنبک، دف، دایره: کوروش بزر پور

سنتور: فرشاد فرهاد پور

نقاره: کامران اطاعتی

پیانو: امیر حسین بخشی

سازهای الکترونیک: تار باقلاما- بهزاد خدارحمی

تنظیم:

ضبط: استودیو تم

گاه نگاری:

صدابرداران: رضا شاه بیگی / نوید شاه بیگی

میکس و مسترلینگ: رضا شاه بیگی

ساخت آهنگ شعله عشق: علیرضا افتخاری

با تشکر از هنرمندان: سیما بینا- فریبا صفری- مهیار فیروز بخت

پخش: عظیمی

۱- سفر- پرویز بیگی حبیب آبادی- ۰۴:۲۸

تو برو به سفر

به هر کجا که روی

سفر سلامت

به خدا نکنم از آنچه رفته به دل تو را ملامت
به خدا شب من نمی رسد به سحر اگر نیایی
به خدا همه جا به جستوجوی توام بگو کجایی
تو چراغ دلم به حال عاشقی ام خبر نداری
تو چرا قدمی به روی چشم ترم نمی گذاری
تو به یک نگاهت دگر قرار مرا ز کف ربودی
تو مرا زخودم گرفتی و پس از آن سفر نمودی
تو مرا به سفر که یک شبم بشود هزارویک شب
به خدا همه شب

ز عشق شعله ورت بسوزم از غم

ز عشق شعله ورت بسوزم از غم

تو چراغ دلم به حال عاشقی ام خبر نداری
تو چرا قدمی به روی چشم ترم نمی گذاری
تو برو به سفر

به هر کجا که روی

سفر سلامت

به خدا نکنم از آنچه رفته به دل تو را ملامت
به خدا شب من نمی رسد به سحر اگر نیایی
به خدا همه جا به جستوجوی توام بگو کجایی
تو چراغ دلم به حال عاشقی ام خبر نداری
تو چرا قدمی به روی چشم ترم نمی گذاری

۲- عاشقونه - ۰۴:۳۰

از تو گفتم از تو خوندم عاشقونه
تا همیشه عشقمون باقی بمونه
مثل دریا توو چشاتم توی غربت آشناتم
عمریه که مبتلاتم مثل آینه توو نگاتم
عشق از من ناز از تو
تا نیایی در کنارم لحظه ها را میشمارم
صبر از تو لطف از تو
یاد تو در خاطر من
خاطر من از تو باشد
آشناتم مثل آینه توو نگاتم توو نوازش
عاشقونه همه جا قبله نماتم
همه جا قبله نماتم
از تو گفتم از تو خوندم عاشقونه
تا همیشه عشقمون باقی بمونه
مثل دریا توو چشاتم توی غربت آشناتم
عمریه که مبتلاتم مثل آینه توو نگاتم
عمریه که مبتلات توی غربت آشناتم
مثل دریا توو چشاتم

۳- توبه- ۴:۱۳

چله چله مستم از شما چه پنهان
با صبو نشستم از شما چه پنهان
گفتگوی بی می مایه ای ندارد
توبه را شکستم از شما چه پنهان
توبه را شکستم از شما چه پنهان
ترس محتسب نیست در دلم که دیشب
با خودش نشستم از شما چه پنهان
جز ترانه هایم عاشقا نه هایم
دل به کس نبستم از شما چه پنهان
از شما چه پنهان
هر چه بی بهانه ست هر چه جز ترانه ست
مانده روی دستم از شما چه پنهان
این نوای نابم حسن انتخابم
کارها داده دستم از شما چه پنهان
این نوای نابم حسن انتخابم
کارها داده دستم از شما چه پنهان
چله چله مستم از شما چه پنهان
با صبو نشستم از شما چه پنهان
گفتگوی بی می مایه ای ندارد
توبه را شکستم از شما چه پنهان

۴- هستی ۰۴:۴۹

نگهت آتشین سخت دلنشین
شکوه هستی بود پیام ز رخسار تو
چو نسیم سحر بگشا بال و پر
بیا که روشن شود دلم ز دیدار تو
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
ای عشق جاودانم
شوق بی کرانم
بی تو من گریزان
از همه جهانم
در ساحل دوری تا به کی بمانم
آواز صبوری تا به کی بمانم
در فصل بهاران ای بهار شادی
دور از تو غمینم با تو شادمانم
ای از تو صفای گل و جلوی بهاران
بازا که شود دامن من شکوفه باران
گر سیل امیدم رو کند به سویم
از آینه دل گرد غم بشویم
نگهت آتشین سخت دلنشین
شکوه هستی بود پیام ز رخسار تو
چو نسیم سحر بگشا بال و پر
بیا که روشن شود دلم ز دیدار تو
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او
تو همانی که دلم بوده در آرزوی او
شب و روزم همه بگذشته به جستجوی او ...

۵- چشم براه- شعر قدیمی ۰۳:۵۸

دو چشم بر راه در داروم خدایا
عزیزی در سفر داروم
داروم خدایا
همه میگن عزیزت کی میایه
به دل شوق دگر دارووم
داروم خدایا
گل زردوم
همه دردوم
ز جفایت شکفه نکردوم
تو بیا تا دور تو گردوم
ای یار جانی یار جانی
دوباره بر نمی گر دد دیگر جوانی
بیا جانا که تا جانا نه باشیم
یکی شمع و یکی جان جان پروانه باشیم
یکی موسی شویم اندر مناجات
یکی جارو کش می می میخانه باشیم
گل زردوم
همه دردوم
ز جفایت شکفه نکردوم
تو بیا تا دور تو گردوم
ای یار جانی یار جانی
دوباره بر نمی گردد دیگر جوانی
از اینجا تا به بیرجن سه گذاره
گذاره اولی جان جان نشانه داره
گذاره دومی مخمل بیوشوم
گذاره سومی جان جان دیدار یاره
گل زردوم
همه دردوم
ز جفایت شکفه نکردوم
تو بیا تا دور تو گردوم
ای یار جانی یار جانی
دوباره بر نمی گردد دیگر جوانی

۶- انتظار - ساعد باقری ۰۴:۳۹

شب تا سحر چون بشکفد
نام تو بر لبهای من
دل را چراغانی کند
روشن شود شبهای من
از دوریت در آتشم
گر آهی از دل میکشم
آتش بگیرد جان شب
با ذکر یا رب های من
گفتم نگارا تا به کی
امروزو فردا می کنی
از عهد خود سر می کشی
خون بر دل ما میکنی
گفتا چو ناز افزونکنم
باید نیاز از گل کنم
رو می کند شادی اگر
با غم مدارا میکنی
شا دا نسیم صبحدم
شا دا که جان آورده ای
از آن قرار جان من.
گویا نشان آورده ای
این خسته جان را می رسد
بوی گل از پیغام تو
کین مژده های نو به نو
زان دل ستان آورده ای
شب تا سحر چون بشکفد
نام تو بر لب های من
دل را چراغانی کند
روشن شود شبهای من
از دوریت در آتشم
گر آهی از دل می کشم
آتش بگیرد جان شب
با ذکر یا رب های من

۷- شعله عشق-ساعد باقری ۰۵:۲۰

باز شب و ذوق تمنای من / تمنای من
بوی تو و چشم تماشای من / تماشای من
شعله ور از عشق / شعله ور از عشق
شعله ور از عشق سراپای من / آمده از ره شب زیبای من
آمده از ره شب زیبای من / ای شب شبها
راز جنون را / از تو نهفتن نتوانم
نتوانم / چون تو بیایی
حرف درون را / باتو نگفتن نتوانم
نتوانم / خلوت شب بال و پر می دهد
همت سیرو سفرم می دهد / حال و هوای دگر می دهد
سوز دل و چشم ترم می دهد / ای شب شبها
راز جنون را / از تو نهفتن نتوانم
نتوانم / چون تو بیایی
حرف درون را / با تو نگفتن نتوانم
نتوانم / شور تو سر می کشد از ساز دل دل
گرمی تو شعله ی آواز دل دل / خلوت تو عرصه ی پرواز دل دل
همنفس وهمدم و همراز دل / همفلس و همدم وهمراز دل
ای شب شبها / راز جنون را
از تو نهفتن نتوانم / نتوانم
چون تو بیایی / حرف درون را
باتو نگفتن نتوانم / نتوانم

۸- آرزو- پرویز بیگی ۰۳:۵۷

ای هوای دیدنت سوز اه من
گوشه ابروی تو قبله گاه من
کشته این حسرتم کز چه روای گل
چهره پنهان می کنی از نگاه من
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را
من که صد نی حرف دل در گلو دارم
با خیالت روز و شب گفتگو دارم
کی شود تا من نهم سر به دامانت
از ازل این لحظه را آرزو دارم
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را
ای هوای دیدنت سوز اه من
گوشه ابروی تو قبله گاه من
کشته این حسرتم کز چه روای گل
چهره پنهان می کنی از نگاه من
به جلوه خود نازنین یارا
شبی بیارا خلوت ما را

پروفایل:

نام آلبوم: سرو سیمین

سال انتشار: ۱۳۷۳

نوع: استودیو

سبک: کلاسیک ایرانی (موسیقی دستگاهی همایون و سه گاه)

شماره مجوز: ۱۴۵۸ / ۳ ج

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: فارس نوا- (صدای شیراز)- ایران گام

مدت زمان: ۵۶ دقیقه و ۱۶ ثانیه

تعداد قطعات: ۹ قطعه

- ۱- تصنیف مهر روز فروز و آواز همایون با همراهی عود ۲- مقدمه سه گاه ۳- آواز، سه گاه، در آمد و زابل به همراهی سنتور
- ۴- تصنیف سرو سیمین ۵- آواز مویه همراه کمانچه ۶- تصنیف سوز و ساز ۷- آواز مخالف به همراه ن ۸- تصنیف با من ۹ - رنگ خراسانی (بی کلام- همراهی با علی کثری- موسیقی خراسان ۰۸:۳۷)

آهنگساز: محمد علی کیانی نژاد

نوازندگان: گروه داستان

سنتور: پشنگ کامکار

نی: محمد علی کیانی نژاد

عود: حسین بهروزی نیا

کمانچه: کیهان کلهر

تار: حمید متبسم

تنبک: مرتضی اعیان

تار: سیامک نعمت ناصر

تنظیم:

ضبط: منوچهر ریاحی

گاه نگاری:

۱- تصنیف: مهر روز فروز- شعر خواجهی کرمانی-۵:۳۹۰

نشان روی تو جستم به هر کجا که رسیدم
ز مهر در تو نشانی ندیدم و نشنیدم
چه رنجه‌ها که نیامد برویم از غم رویت
چه جورها که ز دست تو در جهان نکشیدم
هزار نیش جفا از تو نوش کردم و رفتم
هزار تیر بلا از تو خوردم و نرمیدم
کدام یار جفا کز تو احتمال نکردم
کدام شربت خونابه کز غمت نچشیدم
ترا بدیدم و گفتم که مهر روز فروزی
ولی چه سود که یک ذره مهر از تو ندیدم
بجای من تو اگر صد هزار دوست گزیدی
بدوستی که بجای تو دیگری نگزیدم
جهان بروی تو می‌دیدم ار چه همچو جهانت
وفا و مهر ندیدم چو نیک در نگردیدم
بسی تو عهد شکستی که من رضای تو جستم
بسی تو مهر بریدی که از تو من نبریدم
از آن زمان که چو خواجهو عنان دل بتو دادم
به جان رسیدم و هرگز بکام دل نرسیدم

۲- آواز همایون به همراهی عود

هر آن باغی که نخلش سر بدر بی
مدامش باغبون خونین جگر بی
بباید کندنش از بیخ و از بن
اگر بارش همه لعل و گهر بی

۴- آواز، سه گاه، در آمد و زابل به همراهی سنتور ۰۶:۵۹

به رخ سیاه چشمان نظر ار بود گناهی
بگذار تا گناهی بکنیم گاه گاهی
همه شب ستاره ریزد ز دو چشم بر کنارم
به هوای چشم مستی به خیال روی ماهی

۵- تصنیف: سرو سیمین شعر از رهی معیری ۰۵:۳۴

تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین تن من
هر شب ز خونابه دل پر گل بود دامن من
بنشین چو گل در کنارم تا بشکفد گل ز خارم
ای روی تو لاله زارم و ای موی تو سوسن من
تا عشق و رندی ست کیشم یکسان بود نوش و نیشم
من دشمن جان خویشم گر او بود دشمن من
قسمت اگر زهر اگر مار بالین اگر خار اگر گل
غمگین نباشم که باشد کوی رضا مسکن من
ای گریه دل را صفا ده رنگی به رخسار ما ده
خاکم به باد فنا ده ای سیل بنیان کن من
وی مرغ شب هم‌رهی کن زاری به حال رهی کن
تا بر دلم ره نیابد صیاد صید افکن من

۶- آواز مویه (شب و روز در فراق): به همراهی کمانچه ۰۴:۱۶

شب و روز در فراغت شب و روز در فراق ز تو دور از که نالم

شده دل زغصه کوهی شده تن ز رنج کاهی

تو به اشتباه روزی قدمی به خانه ام نه

که رسد دلی به کامی چو کنی تو اشتباهی

۷- تصنیف سوز و ساز (ساقی بده پیمانه ای زان): شعر از رهی معیری ۰۸:۳۶

ساقی بده پیمانه ای زان می که بی خویشم کند
بر حسن شور انگیز تو عاشق تر از پیشم کند
زان می که در شبهای غم بارد فروغ صبحدم
غافل کند از بیش و کم فارغ ز تشویشم کند
نور سحرگاهی دهد فیضی که می خواهی دهد
با مسکنت شاهی دهد سلطان درویشم کند
سوزد مرا سازد مرا در آتش اندازد مرا
وز من رها سازد مرا بیگانه از خویشم کند
بستاند ای سرو سهی سودای هستی از رهی
یغما کند اندیشه را دور از بد اندیشم کند

۸- آواز مخالف به همراهی نی- غزل آواز از کاظم پزشکی ۰۵:۳۴

به رخ سیاه چشمان ، نظر ار بود گناهی
بگذار تا گناهی ، بکنیم گاهگاهی
همه شب ستاره ریزد ز دو چشم بر کنارم
به هوای چشم مستی ، به خیال روی ماهی
تو ز اشتباه روزی ، قدمی به خانه ام نه
که رسد دلی به کامی چو کنی تو اشتباهی
دل عاشقان مسکین مشکن بترس از آن دم
که شبی نیازمندی ، بکشد ز سینه آهی
شب و روز در فراق ز تو دور بس که نالم
شده دل ز غصه کوهی شده تن ز رنج کاهی
به خلاف پیش از این پس ، نگهی به سوی من کن
چه شود که خسته ای را ، بنوازی از نگاهی
همه عمر چون پزشکی ره عشق و عاشقی پوی
که به عمر خود نیایی ، به از این طریق راهی

۹- تصنیف با من - شعر از حمید نقووی ۰۹:۲۳

پیشان کن سر زلف سیاهت شانه اش بامن
سیه زنجیر گیسو باز کن دیوانه اش با من
که می گوید که می نتوان زدن بی جام و پیمانه
شراب از لعل گلگونت بده پیمانه اش با من
مگر نشنیده ای گنجینه در ویرانه دارد جای
عیان کن گنج حسنت ای پری ویرانه اش با من
زسوزعشق لیلی درجهان مجنون شد افسانه
تو مجنونم بکن در عشق خود افسانه اش بامن
بگفتم صیدکردی مرغ دل نیکو نگهدارش
سر زلفش نشانم داد و گفتا لانه اش با من
زترک می اگر رنجید از من پیر میخانه
نمودم توبه زین پس رونق میخانه اش با من
پی صید دل ان بلبل دستان سرا حامد
به گلزار از غزل دامی بگسترده اش با من

پرو فایل:

نام آلبوم: کاروان

سال انتشار: ۱۳۷۰

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (موسیقی دستگاهی)

شماره مجوز: ۳/۹۰۸ ت

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری نواگر

مدت زمان: ۵۷ دقیقه و ۵۹ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

۱- پیش درآمد بیات ترک ۲- آواز بیات ترک ۳- تصنیف کاروان ۴- پیش درآمد افشاری ۵- آواز افشاری ۶- تصنیف شور جوانی ۷- تصنیف ماهور (دل شکسته) ۸- پیش درآمد اصفهان ۹- آواز اصفهان ۱۰- تصنیف طاقت دل

آهنگساز: عبدالحسین برازنده

نوازندگان:

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- آواز بیات ترک -مولانا ۵۵:۵۰

ای ساقیا مستانه رو آن یار را آواز ده
گر او نمی آید بگو آن دل که بردی باز ده
افتاده ام در کوی تو پیچیده ام بر موی تو
نازیده ام بر روی تو آن دل که بردی باز ده
بنگر که مشتاق توام مجنون غمناک توام
گرچه که من خاک توام آن دل که بردی باز ده
ای دلبر زیبای من ای سرو خوش بالای من
لعل لبّت حلّوای من آن دل که بردی باز ده
ما را به غم کردی رها شرمی نکردی از خدا
اکنون بیا در کوی ما آن دل که بردی باز ده
تا چند خونریزی کنی با عاشقان تیزی کنی
خود قصد تبریزی کنی آن دل که بردی باز ده
از عشق تو شاد آمدم از هجر آزاد آمدم
پیش تو بر داد آمدم آن دل که بردی باز ده

۲- تصنیف کاروان ۵:۱۹

ای کاروان آهسته ران کارام جانم می‌رود
و آن دل که با خود داشتم با دل ستانم می‌رود
او می‌رود دامن کشان، من زهر تنهایی چشان
دیگر می‌پرس از من نشان کز دل نشانم می‌رود
در رفتن جان از بدن گویند به هر نوعی سخن
من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود
باز آی و در چشمم نشین ای دلستان نازنین
کاشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود

۳- آواز افشاری - حافظ ۹:۵۷

سرم خوش است و به بانگ بلند میگویم
که من نسیم حیات از پیاله میجویم
عبوس زهد به وجه خمار ننشیند
مرید فرقه دُردی کشان خوش خویم
شدم فسانه به سرگشتگی و ابروی دوست
کشید در خَم چوگان خویش چون گویم
گرم نه پیر مغان در به روی بگشاید
کدام در بزنم؟ چاره از کجا جویم؟
مکن درین چمنم سرزنش به خودرویی
چنانکه پرورشم میدهند میرویم
تو خانقاه و خرابات در میانه مبین
خدا گواه که هر جا که هست با اویم
غبار راه طلب کیمیای بهروزیست
غلام دولت آن خاک عنبرین بویم
ز شوق نرگس مست بلند بالایی
چو لاله با قدح افتاده بر لب جویم
بیار می که به فتوای حافظ از دل پاک
غبار زرق به فیض قدح فرو شویم

۴- تصنیف شور جوانی ۰۴:۳۷

های گل آلاله وحش از باغ کن رخ ارغوانی
بلبل از شورش ببین چون می کند شیرین زبانی
ای خوشا دوران شیرین جوانی آن بهار زندگانی
گر نبودى از پی اش چون بوستان باد خزانی
غنچه صفت آنچه ز دست آن رخ گلگون
در لابه لای دل نهفته ام لخته لخته خون
از دیده شد بیرون
به تارگی سویت به طاق ابرویت که بر رخت گل باشد خارم
چشم خون بارم دل گر کم کنا آزارم
بیا نگار من رخت قرار من به وصلت گل کن دل شادم

۵- تصنیف دل شکسته (ماه‌ور) ۰۷:۱۲

دیده ای یار آخر دل ما را شکستی
رفتی و رشته عمر گسستی
دیده دریا شده از دوری رخت ای صنم
قطره قطره شد دل ز دیده روشنم
عشقت زده آتش به مغز استخوانم
سوزد ز تاب دوری ات جان و روانم
تا کی پوید دل ره غمت آرام جانم
تا چند زد از دستت آه و فغانم
محببین و ابروی هلال است
دیده کن روشن از پرتو جمالت
چهره بنما تا که جان دهم تره بگشا تا که جان دهم
روشن از ماه روی تو شد جهان و چو موی تو
تیره گردی ز روزگارم
بر رخت نهادم هر دو دیده چون یعقوب
در غمت نشسته بسم بودن صبر ایوب
چون بر بستانم ره آزاری یا چون بلبل از عشق نوگلی بنمایم زاری
شور شیرینی همچون فرهاد جان شیرینم دادی بر باد
از تیشه ای غم کنند دنیا
دوستان به هم آمیزید وز قدح شرر انگیزید
از حسود همه بگریزید خاک غم به سرش ریزید
سالک به جهان از دور زمان بی مهر نتوان ز قدح رخت انداخت

۶- آواز اصفهان - سعدی ۱۴:۰۳

من بی‌مایه که باشم که خریدار تو باشم
حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم
تو مگر سایه لطفی به سر وقت من آری
که من آن مایه ندارم که به مقدار تو باشم
خویشتن بر تو نبندم که من از خود نپسندم
که تو هرگز گل من باشی و من خار تو باشم
هرگز اندیشه نکردم که کمندت به من افتد
که من آن وقع ندارم که گرفتار تو باشم
هرگز اندر همه عالم نشناسم غم و شادی
مگر آن وقت که شادی خور و غمخوار تو باشم
گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کویت
مگر آن وقت که در سایه زنهار تو باشم
گر خداوند تعالی به گناهیت بگیرد
گو پیامرز که من حامل اوزار تو باشم
مردمان عاشق گفتار من ای قبله خوبان
چون نباشند که من عاشق دیدار تو باشم
من چه شایسته آنم که تو را خوانم و دانم
مگرم هم تو ببخشی که سزاوار تو باشم
گر چه دانم که به وصلت نرسم بازنگردم
تا در این راه بمیرم که طلبکار تو باشم
نه در این عالم دنیا که در آن عالم عقبی
همچنان بر سر آنم که وفادار تو باشم
خاک بادا تن سعدی اگرش تو نپسندی
که نشاید که تو فخر من و من عار تو باشم

۷- تصنیف طاقت دل ۰۵:۰۴

طاقت از دست من و دل یکسره شد بیرون
دیده دور از رخ جانان زد ره صد جیحون
شد نگارم از کنارم دل بشد همرهش بدرقه‌ی رهش
دیده گریان آه سوزان این به زمین و آن به کیوان
گر چه کند مژگانش چاره دو صد پیکانش سینه سپر سازم
عرصه‌ی جولانش در خم چوگانش گوی سر اندازم
چو گردش از پی رفتم ز مژده خارش گفتم
چو ابر آزاری سیلی از خون فشاندم
از چشم پر از نم خاک راهش نشاندم
تا که بر گلشن جان دامن دل دست خالی ره نجویم
تا بر آن روی چون گل موی سنبل باد صبا پی نپوید
به رخ آن ماه تابان تو متاب ای مهر رخشان که ز آهم تیره سازم
به فروغ ماه رویش به شکنج تار مویش همه شب در سوز و سازم
چشم سالک از غم آن ماه تابان
همه شب تا صبحدم می‌کند پر ستاره دامن

پروفايل:

نام آلبوم: خداحافظ

سال انتشار: ۱۳۷۸

نوع: استودیویی

سبک: پاپ

شماره مجوز: ۳/۲۷۵۶ ت

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی - هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۵۷ دقیقه و ۲۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعات

۱- بگذار بگیریم ۲- همه رفتند ۳- تو نیستی که ببینی ۴- می سوزم از فراق ۵- شرح پریشانی ۶- مهربانی
ها کجاست ۷- یاد باد ۸- خداحافظ

آهنگساز: محمد جلیل عندلیبی

نوازندگان:

ویولن: همایون رحیمیان، ارسلان کامکار، علی چراغچی، رسول بهبهانی، فرشید فرهمند، رضا عالمی، مینو

افتاده، سیمین آغاری، سانوا عندلیبی، ساغر کتابچی

ویولنسل: امید ابطحی

سنتور: محمد جلیل عندلیبی، کوروش متین

کنترباس: علیرضا خورشیدفر

کلارینت: سعید اتوت

عود: جمال جهانشاد

تنبک: سالار عندلیبی

فلوت: فرخ خدابنده

دف: فرزاد عندلیبی

تار: امیرحسین رضا

آلتو: هومن اتابکی، سعید هاشم نژاد

نی: فردین لاهورپور

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- تصنیف بگذار بگریم- ملک ابراهیمی ۰۶:۲۸

خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من
عشق آمد و من دگر ز طوفان می گذرم از این بیابان ها
این واده غم کزان گذشتم می سپارم به دست طوفان ها
بگو ای شعر جوانی را بساط خود دگر برچین
که برخیزد ز عشق آتش تو چون خاکستری بنشین، بنشین
درمان کن سوز جدایی یا رب یا رب یا رب
هر دردی را تو دوايي یا رب یا رب یا رب
زان وادی که در گذار من بود چو رهگذران رفتم
به دام عشق افتادم ز یاد یاران رفتم
خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من

۲- تصنیف همه رفتند - ابو حامد محمد غزالی ۰۷:۲۳

از بزم طرب باده گساران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند
نه کوه کن دلشده مانده است نه مجنون
از کوی جنون سلسله داران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند
زین شهر شهیدان تو با جامه گلگون
پاکیزه تر از ابر بهاران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند
از بزم طرب باده گساران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند
نه کوه کن دلشده مانده است نه مجنون
از کوی جنون سلسله داران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند
زین شهر شهیدان تو با جامه گلگون
پاکیزه تر از ابر بهاران همه رفتند
ما با که نشینیم که یاران همه رفتند

۳- تصنیف تو نیستی که ببینی - فریدون مشیری ۰۷:۲۲

تو نیستی که ببینی / چگونه عطر تو در عمق لحظه‌ها جاری است
چگونه عکس تو در برق شیشه‌ها پیداست / چگونه جای تو در جان زندگی سبز است
هنوز پنجره باز است / تو از بلندی ایوان به باغ می‌نگری
درخت‌ها و چمن‌ها و شمعدانی‌ها / به آن ترنم شیرین به آن تبسم مهر
به آن نگاه پر از آفتاب می‌نگرند / تمام گنجشکان
که درنبودن تو / مرا به باد ملامت گرفته‌اند
ترا به نام صدا می‌کنند / هنوز نقش ترا از فراز گنبد کاج
کنار باغچه / زیر درخت‌ها لب حوض
درون آینه‌ی پاک آب می‌نگرند / تو نیستی که ببینی چگونه پیچیده است
طنین شعر تو نگاه تو در ترانه‌ی من / تو نیستی که ببینی چگونه می‌گردد
نسیم روح تو در باغ بی‌جوانه‌ی من / چه نیمه شب‌ها کز پاره‌های ابر سپید
به روی لوح سپهر / ترا چنان‌که دلم خواسته است ساختم
چه نیمه شب‌ها وقتی که ابر بازیگر / هزار چهره به هر لحظه می‌کند تصویر
به چشم هم‌زدنی / میان آن همه صورت ترا شناختم
به خواب می‌ماند / تنها به خواب می‌ماند
چراغ، آینه، دیوار بی تو غمگینند / تو نیستی که ببینی
چگونه با دیوار / به مهریانی یک دوست از تو می‌گویم
تو نیستی که ببینی چگونه از دیوار / جواب می‌شنوم
تو نیستی که ببینی چگونه دور از تو / به روی هرچه در این خانه ست
غبار سربی اندوه، بال گسترده است / تو نیستی که ببینی دل رمیده‌ی من
به جز تو یاد همه چیز را رها کرده است / غروب‌های غریب
در این رواق نیاز / پرنده‌ی ساکت و غمگین
ستاره‌ی بیمار است / دو چشم خسته‌ی من
در این امید عبث / دو شمع سوخته جان همیشه بیدار است
تو نیستی که ببینی...

۴- تصنیف می سوزم از فراق - حافظ ۰۸:۰۷

می سوزم از فراق روی از جفا بگردان
هجران بلای ما شد یا رب بلا بگردان
مه جلوه می نماید بر سبز خنگ گردون
تا او به سر درآید بر رخسار پا بگردان
مر غول را برافشان یعنی به رگم سنبل
گرد چمن بخوری همچون صبا بگردان
یغمای عقل و دین را بیرون خرام سرمست
در سر کلاه بشکن در بر قبا بگردان
ای نور چشم مستان در عین انتظارم
چنگ حزین و جامی بنواز یا بگردان
دوران همی نویسد بر عارضش خطی خوش
یا رب نوشته بد از یار ما بگردان
حافظ ز خوبرویان بخت جز این قدر نیست
گر نیست رضایی حکم قضا بگردان

۵- تصنیف شرح پریشانی - وحشی بافقی ۷۱۰:

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید / داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه ی بی سر و سامانی من گوش کنید / گفتگوی من و حیرانی من گوش کنید
شرح این آتش جانسوز نگفتن تا کی / سوختم، سوختم این راز نهفتن تا کی
روزگاری من و دل ساکن کویی بودیم / ساکن کوی بت عربده جویی بودیم
عقل و دین باخته، دیوانه ی رویی بودیم / بسته ی سلسله ی سلسله مویی بودیم
کس در آن سلسله غیر از من و دل بند نبود / یک گرفتار از این جمله که هستند نبود
نرگس غمزه زنش، این همه بیمار نداشت / سنبل پرشکنش، هیچ گرفتار نداشت
این همه مشتری و گرمی بازار نداشت / یوسفی بود ولی هیچ خریدار نداشت
اول آن کس که خریدار شدش من بودم / باعث گرمی بازار شدش من بودم
عشق من شد سبب خوبی و رعنائی او / داد رسوائی من، شهرت زیبائی او
بس که دادم همه جا شرح دلارائی او / شهر پرگشت ز غوغای تماشائی او
این زمان عاشق سرگشته فراوان دارد / کی سر برگ من بی سر و سامان دارد
چاره این است و ندارم به از این رای دگر / که دهم جای دگر دل به دل آرای دگر
چشم خود فرس کنم زیر کف پای دگر / بر کف پای دگر بوسه زنم جای دگر
بعد از این رای من این است و همین خواهد بود / من بر این هستم و البته چنین خواهد بود
پیش او یار نو و یار کهن هر دو یکی است / حرمت مدعی و حرمت من هر دو یکی است
قول زاغ و غزل مرغ چمن هر دو یکی است / نغمه ی بلبل و غوغای زغن هر دو یکی است
این ندانسته که قدر همه یکسان نبود / زاغ را مرتبه ی مرغ خوش الحان نبود
چون چنین است پی کار دگر باشم به / چند روزی پی دلدار دگر باشم به
عندلیب گل رخسار دگر باشم به / مرغ خوش نغمه ی گلزار دگر باشم به
نوگلی کو که شوم بلبل داستان سازش / سازم از تازه جوانان چمن ممتازش
آنکه بر جانم از او دم به دم آزاری هست / میتوان یافت که بر دل ز منش باری هست
از من و بندگی من اگرش عاری هست / بفروشد که به هر گوشه خریداری هست
به وفاداری من نیست در این شهر کسی / بنده ای همچو مرا هست خریدار بسی
مدتی در ره عشق تو دویدیم بس است / راه صد بادیه ی درد بریدیم بس است
قدم از راه طلب باز کشیدیم بس است / اول و آخر این مرحله دیدیم بس است
بعد از این ما و سر کوی دل آرای دگر / با غزالی به غزل خوانی و غوغای دگر
تو مپندار که مهر از دل محزون نرود / آتش عشق به جان افتد و بیرون نرود
وین محبت به صد افسانه و افسون نرود / چه گمان غلط است این، نرود چون نرود
چند کس از تو و یاران تو آزرده شود / دوزخ از سردی این طایفه افسرده شود
ای پسر چند به کام دگرانت بینم / سرخوش و مست ز جام دگرانت بینم
مایه ی عیش مدام دگرانت بینم / ساقی مجلس عام دگرانت بینم

تو چه دانی که شدی یار چه بی باکی چند
چه هوسها که ندارند هوسناکی چند
یار این طایفه ی خانه برانداز مباح
از تو حیف است به این طایفه دمساز مباح
میشوی شهره به این فرقه هم آواز مباح
غافل از لعب حریفان دغا باز مباح
به که مشغول به این شغل نسازی خود را
این نه کاری است مبادا که ببازی خود را
در کمین تو بسی عیب شماران هستند
سینه پردرد ز تو کینه گذاران هستند
داغ بر سینه ز تو سینه فکاران هستند
غرض این است که در قصد تو یاران هستند
باش مردانه که ناگاه قفایی نخوری
واقف کشتی خود باش که پایی نخوری
گرچه از خاطر “وحشی” هوس روی تو رفت
وز دلش آرزوی قامت دلجوی تو رفت
شد دل آزرده و آزرده دل از کوی تو رفت
با دل پر گله از ناخوشی خوی تو رفت
حاش لله که وفای تو فراموش کند
سخن مصلحت آمیز کسان گوش کند

۶- تصنیف مهربانی‌ها کجاست- مهدی سهیلی ۰۶:۲۰

مردم از نامهربانی
مهربانیها کجاست؟
همصدائیها چه شد
همداستانیها کجاست؟
پیری از ره آمد و دل را
سر گلگشت نیست
ای بهار و باغ و صحرا
آن جوانیها کجاست؟
از نسیم نغمه ما گل
یه بستان می شکفت
مرغک دل را بگو آن
نغمه خوانیها کجاست؟
جمع یاران از سخن
در باغ گل می ریختند
یار کو؟ باغ و چمن کو
گل فشانیها کجاست
عاقبت از در درآمد مرگ
شوق و مرگ عشق
زنده بودن را چه سود
آن زندگانیها کجاست

۷- تصنیف یاد باد - مهدی سهیلی ۰۹:۱۰

زندگی با آن عزیزان یاد باد

خلوت آرام جانان یاد باد

زندگی با مهربانان یاد باد

بوسه مادر گل آهنگ پدر مهربانی های آنان یاد باد

ای دریغا قدرشان نشناختیم رحمت آن مهربانان یاد باد

نکته شیرین شنیدن روز و شب از لب شیرین دهانان یاد باد

خانه باغی بود و ما گل‌های باغ دست گرم باغبانان یاد باد

کودکان کوچه با ما در خروش یاد آن شیرین زبانان یاد باد

در شب خلوت میان کوچه ها نغمه آوازخوانان یاد باد

نغمه خوانیهای سرشار از نشاط همصدا با نوجوانان یاد باد

گر چه ما اکنون سپر انداختیم غمزه ابرو کمانان یاد باد

۸- تصنیف خداحافظ- عارف نقشبندی ۵:۲۵۰

خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من
عشق آمد و من دگر ز طوفان می گذرم از این بیابان ها
این واده غم کزان گذشتم می سپارم به دست طوفان ها
بگو ای شعر جوانی را بساط خود دگر برچین
که برخیزد ز عشق آتش تو چون خاکستری بنشین، بنشین
درمان کن سوز جدایی یا رب یا رب یا رب
هر دردی را تو دوايي یا رب یا رب یا رب
زان وادی که در گذار من بود چو رهگذران رفتم
به دام عشق افتادم ز یاد یاران رفتم
خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من

پروفايل:

نام آلبوم: پادشاه فصل ها (نام آلبوم برگرفته از شعر "باغ من" اثر مهدی اخوان ثالث و با رویکرد شعر نو است.)

سال انتشار: آذرماه ۱۳۹۳

نوع: استودیویی

سبک: سنتی پارسی

شماره مجوز:^{۴۱} ۹۳-۸۴۰۶

کُد کتابخانه ملی: ۱۵۴۲۶ و

حق کپی رایت: ایران گام

مدت زمان: ۱ ساعت و ۷ دقیقه

تعداد قطعات: ۱۲ قطعه

۱- بی تو بودن ۲- بی بی جون ۳- تک نوازی سنتور حسن پرنیا ۴- دوره گرد ۵- کنج تنهایی ۶- تک نوازی سنتور ماهور حسین پرنیا ۷- قاصد تلخ ۸- ری را ۹- نفرین به سفر ۱۰- پیوند عمر ۱۱- رها (بی کلام) ۱۲- پاییز

آهنگسازی و تنظیم: حسین پرنیا

نوازندگان:

علیرضا خورشیدفر- کریم قربانی- ارسلان کامکار- ناصر فرهودی- فرشید حفظی فرد- سینا جهان آبادی- همایون پشتدار- صائب کاکاوند- رضا مهینی- پژمان پرنیا- حسین پرنیا

تهیه کننده: صدرالدین حسین خانی

ضبط: استودیو پژواک

گاه نگاری: خانه ی دوست کجاست... پادشاه فصل ها

اجرای نخست: سالن همایش های برج میلاد ۲۲ اسفند ماه ۱۳۹۲

^{۴۱}. با ایرادات وزارت ارشاد و حذف و اضافات

۱- بی تو بودن - شعر محمد سلمانی ۰۵:۲۸

بی تو بودن را تمام شهر با من گریه کرد
بی تو بودن را تمام شهر با من گریه کرد
دوست با من هم صدا نالید دشمن گریه کرد
جای جای بی تو بودن را
جای جای بی تو بودن را در آن تنگ غروب
آسمانی ابر با بغضی سترون گریه کرد
با هزاران آرزو یک مرد مردی پر غرور
با هزاران آرزو یک مرد مردی پر غرور
مثلی یک آلاله در فصل شکفتن گریه کرد
این خبر وقتی که در دنیای گل ها پخش شد
نسترن در گوشه ای افسرد لادن گریه کرد
گریه کرد/ گریه کرد
گریه یعنی انفجار بغض یعنی درد عشق
بارها این درد را در چاه بیژن گریه کرد

۲- بی بی جون -احمد شاملو ۰۷:۲۱

بی بی جون قصه بگو بی بی جون قصه بگو
قصه از گذشته ها قصه ی دیو سیاه
لب دریا پریا بگو از اتل متل قصه حسن کچل
بی بی جون قصه بگو بی بی جون قصه بگو
بلکه خوابم بیره توی این قرن اتم چه کسی بی خطر
بی بی جون باغچه و باغمون چی شد
بی بی جون مشق و کتابمون چی شد
بی بی جون حرف حسابمون چی شد
بی بی جون قصه بگو بی بی جون قصه بگو
قصه از گذشته ها قصه ی دیو سیاه
لب دریا پریا بگو از اتل متل قصه حسن کچل
بی بی جون قصه بگو بی بی جون قصه بگو
بلکه خوابم بیره توی این قرن اتم چه کسی بی خطر
بی بی جون مشق و کتابمون چی شد
بی بی جون حرف حسابمون چی شد

۳- پاییز - شعر مهدی اخوان ثالث ۰۸:۲۸

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش
ابر؛ با آن پوستین سرد نمناکش.
باغ بی برگی،
روز و شب تنه‌است،
با سکوت پاکِ غمناکش.
سازِ او باران، سرودش باد.
جامه اش شولایِ عریانی‌ست.
ورجز، اینش جامه ای باید.
بافته بس شعله ی زرتار پودش باد.
گو بروید ، هرچه در هر جا که خواهد، یا نمی خواهد.
باغبان و رهگذران نیست.
باغ نومیدان
چشم در راه بهاری نیست
گر زچشمش پرتو گرمی نمی تابد،
ور برویش برگ لبخندی نمی روید؛
باغ بی برگی که می گوید که زیبا نیست؟
داستان از میوه های سربه گردونسای اینک خفته در تابوت پست خاک می گوید.
باغ بی برگی
خنده اش خونبست اشک آمیز
جاودان بر اسب یال افشان زردش میچمد در آن.

۴- دوره گرد - شعر علیرضا اخلاق ۵:۱۱

اهله دردم می شناسم درد را
دیده ام شب گریه های درد را
دوره گرد کوچه های بی کسی است
من چه سازم این دله شبگرد را
من چه سازم این دله شبگرد را
سبزه سبزه از چه رو باور کنی
رنگه رنگین بهار زرد را
صبحه فردا پرتو خورشیدش
می تکاند از دله من گرد را
جانه گرمم عاقبت باور نکرد
قصه ی خورشید های سرد را
اهله دردم
می شناسم درد را
اهله دردم
می شناسم درد را
دیده ام شب گریه های مرد را
دیده ام شب گریه های مرد را
اهله دردم
می شناسم درد را

۵- کنج تنهایی - شعر علیرضا اخلاقی ۰۳:۳۹

شب است و من کنج تنهایی
نشسته ام شاید باز آیی
چه شود برگردی ، تو که ترکم کردی
به خدا جانم را به لبم آوردی
هر شب تا به سحر می نشینم
یک شب هم تو بیا نازنینم
شاید ببینی بی تو غمگینم
یار دیرینم بمان کنارم گل بهارم
که من به جز تو کسی ندارم
بی خبر از دل من به کجا رفتی
من چه کنم تو بگو که چرا رفتی
ماه شب من بنشان تاب و تب من برگرد
صبح سفیدم تو بیا نور امیدم برگرد
بی خبر از دل من به کجا رفتی
من چه کنم تو بگو که چرا رفتی
من چه کنم تو بگو که چرا رفتی
من چه کنم تو بگو که چرا رفتی

۶- قاصد تلخ - شعر حسین پرنیا ۰۸:۱۸

قاصد تلخ بجا مانده از روز و شبم
می زند در می نشیند به ببرم
خاطرات همه تلخ
رفته های همه شوم
خاطرات همه تلخ
رفته های همه شوم
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
میان همه اما غریب
میان همه اما غریب
وه چه سخت می گذرد
روزگار فریب
وه چه سخت می گذرد
روزگار فریب
کنج این خانه کسی یاد نکرد
هیچ از این قصه ی بد حالی ما
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
قاصد تلخ بجا مانده از روز و شبم
می زند در می نشیند به ببرم
خاطرات همه تلخ
رفته های همه شوم
خاطرات همه تلخ
رفته های همه شوم
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد
دلم از این همه روزهای سیاه می گیرد

۷- ری را - شعر نیما یوشیج ۱:۸۰

«ری را» ... صدا می‌آید امشب
از پشت «کاچ» که بند آب
برق سیاه تابش تصویری از خراب
در چشم می‌کشاند.
گویا کسی است که می‌خواند...
اما صدای آدمی این نیست
با نظم هوش‌ربایی من
آوازه‌های آدمیان را شنیده‌ام
در گردش شبانی سنگین؛
ز اندوه‌های من
سنگین‌تر.
و آوازه‌های آدمیان را یکسر
من دارم از بر.
یک شب درون قایق دلتنگ
خواندند آنچنان؛
که من هنوز هیبت دریا را
در خواب
می‌بینم
ری را. ری را...
دارد هوا که بخواند.
درین شب سیا.
او نیست با خودش.
او رفته با صدایش اما
خواندن نمی‌تواند

۸- نفرین به سفر - شعر مهدی اخوان ثالث ۰۶:۰۷

ما چون ، ما چون
دو دریچه روبروی هم
آگاه ، آگاه ز هر بگو مگوی هم
هر روز سلام و پرسش و خنده
هر روز قرار روز آینده
عمر آینه بهشت اما آه
عمر آینه بهشت اما آه
بیش از شب و روز
بیش از شب و روز
تیر و دی کوتاه ، کوتاه
اکنون دل من شکسته و خسته است
زیرا ، زیرا یکی از دریچه ها بسته است
بسته است
ن مهر فسون ، ن ماه جادو کرد
نفرین ، نفرین ، نفرین به سفر
نفرین به سفر ، نفرین به سفر
که هر چه کرد او کرد ،
که هر چه کرد او کرد ،
او کرد ، او کرد
دیگر دل من شکسته و خسته است
زیرا یکی از دریچه ها بسته است
دیگر دل من شکسته و خسته است
زیرا ، زیرا ،
زیرا یکی از دریچه ها بسته است

۹- پیوند عمر - شعر حافظ شیرازی ۰۶:۵۴

خوشر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست
ساقی کجاست گو سبب انتظار چیست
هر وقت خوش که دست دهد مغتنم شمار
کس را وقوف نیست که انجام کار چیست
پیوند عمر بسته به مویست هوش دار
غمخوار خویش باش غم روزگار چیست
معنی آب زندگی و روضه ارم
جز طرف جویبار و می خوشگوار چیست
مستور و مست هر دو چو از یک قبیله‌اند
ما دل به عشوه که دهیم اختیار چیست
راز درون پرده چه داند فلک خموش
ای مدعی نزاع تو با پرده دار چیست
سهو و خطای بنده گرش اعتبار نیست
معنی عفو و رحمت آمرزگار چیست
زاهد شراب کوثر و حافظ پیاله خواست
تا در میانه خواسته کردگار چیست

پروفایل:

نام آلبوم: همسایه

سال انتشار: ۱۳۸۰

نوع: استودیویی

سبک: تلفیق موسیقی ایرانی و دو ایل بختیاری و قشقایی

شماره مجوز: ۳۴۷۵ / ۲ ت

کد کتابخانه ملی: ۲۳۵۳

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۴۷ دقیقه و ۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- قربون امشو ۲- این بالم بنده ۳- صنم ۴- بی سامان ۵- اگر بگذرد ۶- سرگران ۷- آواز گل فریاد ۸- بلال بلال

آهنگساز: عطا جنگوک- داستان پدر و حاضر جوابی - ابو عطا ابو عطا تقدیم به همسایه ها

نوازندگان:

عود: بهروز نیا

سه تار: عطا جنگوک

تنبک: ارژنگ کامکار

دف: بیژن کامکار

تنظیم:

ضبط: استودیو بل

گاه نگاری:

صدابردار: ایرج فهمیمی

پالایش صوت: محمد علیزاده

مدیر تولید: محمد علی عزیزی

۱- قربون امشو- شعر و آهنگ قشقایی ۰۵:۰۹

قربون امشو باز امشو برم عمرم یارم خونمونه
مو میرم امشو بهر دیدن یارم اون مه ده و چارم تا هیچکس ندونه
مو میرم امشو بهر دیدن یارم اون مه ده و چارم تا هیچکس ندونه
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
که شاید یارم جون و دلبرم عمرم باز از اینور آ باز از اینور آیه خدا صبرم بده
خدا صبرم بده

قربون امشو باز امشو برم عمرم یارم خونمونه
قربون امشو باز امشو برم عمرم یارم خونمونه
مو میرم امشو بهر دیدن یارم اون مه ده و چارم تا هیچکس ندونه
مو میرم امشو بهر دیدن یارم اون مه ده و چارم تا هیچکس ندونه
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
که شاید یارم جون و دلبرم عمرم باز از اینور آ باز از اینور آیه خدا صبرم بده
خدا صبرم بده

خدایا کی باز هجروم سر آیه کی هجروم سر آیه
خدایا کی باز هجروم سر آیه کی هجروم سر آیه
صدای سبز پای نازنین دلبر دلبر ز جون بهتر باز از در در آیه
صدای سبز پای نازنین دلبر دلبر ز جون بهتر باز از در در آیه
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
میون چشمونم آی چشمونم آی مردم بیایید پل ببندید
که شاید یارم جون و دلبرم عمرم باز از اینور آ باز از اینور آیه خدا صبرم بده
خدا صبرم بده

۲- این بالم بنده- شعر و آهنگ بختیاری ۰۶:۰۸

ای بَالم بندُ او بَالم صد بنده
سر زلفا یارم اشرفی ببنده
بیا عزیزم، نامهربونی مکن
که سخته بی تو زندگی
دوریت مونه کشته تو خود می‌دونی
بیا که سخته بی تو زندگی
الهی، الهی، الهی شب بشه، آفتاب بره کوه آی گل
الهی شب بشه، آفتاب بره کوه آی گل
که یار نازنین از در بیاد تو، آی گل
بیای تا ببینم روی ماهش، آی گل
که با مهر و وفایش کرده‌ام خو آی گل
فصل بهاره آی گل
دل بی قراره آی گل
یار یار یار
قولت نه قوله، حرف خُنچه راسته
خدا خوش میدونه، دل مو میخواست
بیا عزیزم نامهربونی مکن
که بی تو سخته زندگی
دوریت مونه کشته تو خود می‌دونی
بیا که سخته بی تو زندگی
گل سرخ، گل سرخ،
گل سرخم چرا رنگت شده زرد، آی گل
مگر باد خزون بر تو اثر کرد، آی گل
مو از باد خزان شکوه ندارم، آی گل
که هر کار بر سرم داد این دلم کرد، آی گل
فصل بهاره آی گل دل بی قراره آی گل
فصل بهاره آی گل دل بی قراره آی گل

۳- صنم- سعدی ۵:۴۷

ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
چشم بد از روی تو دور ای صنم
روی می‌وشم که بهشتی بود
حبیب ای حبیب من ای دوست
هر که ببیند چون تو حور، ای صنم
حور خطا گفتم اگر خواندمت
ترک ادب رفت و قصور ای صنم
این همه طوفان به سرم می‌رود
از جگری همچو تنور ای صنم
روی می‌وشم که بهشتی بود
حبیب ای حبیب من ای دوست
هر که ببیند چون تو حور، ای صنم
حور خطا گفتم اگر خواندمت
ترک ادب رفت و قصور ای صنم

۴- بی سامان- استاد شهریار ۰۶:۱۸

یا رب مباد کز پا جانان من بیفتد
درد و بلای او کاش بر جان من بیفتد
من چون ز پا بیفتم درمان درد من اوست
درد آن بود که از پا درمان من بیفتد
یک عمر گریه کردم ای آسمان روا نیست
دردانه ام ز چشم گریان من بیفتد
ماهم به انتقام ظلمی که کرده با من
ترسم به درد عشق و هجران من بیفتد
از گوهر مرادم چشم امید بسته است
این اشک نیست کاندرا دامن من بیفتد
من خود به سر ندارم دیگر هوای سامان
گردون کجا به فکر سامان من بیفتد
خواهد شد از ندامت دیوانه شهریارا
گر آن پری به دستش دیوان من بیفتد

۵- اگر بگذرد- دهقان سامانی ۰۶:۳۵

باده زخم روزگار اگر بگذارد
گردش چشم نگار اگر بگذارد
دست بر آن زلف بی قرار بر آرم
عشق تو بر من قرار اگر بگذارد
پای دل از حلقه جنون به در آرم
سلسله‌ی زلف یار اگر بگذارد
دست بر آن زلف بی قرار بر آرم
عشق تو بر من قرار اگر بگذارد
پای دل از حلقه جنون به در آرم
سلسله‌ی زلف یار اگر بگذارد
سلسله‌ی زلف یار اگر بگذارد

۶- سر گران- شهریار ۰۶:۰۷

باز با ما سری از ناز گران دارد یار
نکند باز دلی با دگران دارد یار
لاله رو است ولی داغ غمش نیست به دل
کی سر پرسش خونین جگران دارد یار
گو دلی باشدش آن یارم نباشد با ما
اینش آسان بود ای دل اگر آن دارد و آن دارد یار
لاله رو است ولی داغ غمش نیست به دل
کی سر پرسش خونین جگران دارد یار
گو دلی باشدش آن یارم نباشد با ما
اینش آسان بود ای دل اگر آن دارد و آن دارد یار

۷- آواز گل فریاد- سعدی و.. ۰۶:۰۴

گل فریاد در نایم اسیره
اسیر پنجه‌ی خشک کویره
از آن ترسم که ابر سرخ طوفان
به بارش آیه هنگامی که دیره
شب طوفانی و ساحل چه دوره
چراغ برج بندر سوت و کوره
چه خوبه بعد مرگ من بگویند
نهنگی مُرده و دریاش گوره
سخن‌ها دارم از دست تو بر دل
ولیکن در حضورت بی زبانم
اگر تو سرو سیمین تن بر آنی
که از پیشت برانی مُو بر اَنم
که تا هستم خیالت می‌پرستم
اگر رفتم سلامت می‌رسانم

۸- بلال بلال - بختیاری ۵۹:۴۰

های دوش پسین مین گردنه وای خدا آفتو وُلُم کِ
های شوق دیدار گُلُم وای خدا خین به دُلُم کِ
یار بلال بلالُم، بلال بلالُم، شاخه گل یاس
یار تش وه جون مو ایونی وای گُلُم تیات مونه ایخاس
های چه خووه مال بار ونه وای خدا به دشت شیمبار
های دست گل مین دستُم بو وای خدا چی پار و پیرار
یار بلال بلالُم، بلال بلالُم، شاخه گل یاس
یار تش وه جون مو ایونی وای گُلُم تیات مونه ایخاس
یار مو نترُم بنگت کُنُم گُلُم، وای گل نه خوت ایایی
یار حلا مو مو باور ایکنُم گُلُم آی گل که تو بی بفایی

پروفایل:

نام آلبوم: عشق گمشده

سال انتشار: ۱۳۸۱

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۲/۳۷۰۸ ت

کد کتابخانه ملی: ۵۱۱۲ و

حق کپی رایت: آواز بیستون

مدت زمان: ۴۰ دقیقه و ۱۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- آیین وفا ۲- غم تو ۳- ماهیگیر ۴- دل سنگی ۵- خداحافظ ۶- دولت مستی ۷- مادر ۸- چشم انتظار

آهنگساز: جواد لشگری

تنظیم: مرتضی حنانه-مجتبی میرزاده-مصطفی کسروی

ضبط: استودیو بل

صدابردار: ایرج فهیمی

گاه نگاری:

مدیر تولید: محمد علی عزیزی

طراح و اجرا: سبز علی عزیزی

۱- آیین وفا- رحیم معینی کرمانشاهی ۰۶:۱۶

تو مرا به خدا بشناسی چون خار مغیلان در چشم تو خرم
چه کنم چه کنم ز فراغت کو پای گریزم کو راه فرارم
بروم بروم به مکانی کز چشم تو دیگر پوشیده بمانم
بروم بروم که از این پس جور تو نبینم خار تو ندانم
تو چه دانی یار آیینه وفا در دنیا چگونه شد افسانه
شمع دگری کی سوزد به ماتم پروانه
آتش به سرم افکندی خبر نداری ز یار دیوانه
نظر نداری مگر به بیگانه
به نامرادی رفتم نبرده شادی رفتم ز محفل انست
شکسته پیمانی کنون ز حال من خبر شدی یا نه
ز تو غیر جفات کی دیدم سخنی ز محبت نشنیدم
تو مرا به خدا بشناسی چون خار مغیلان در چشم تو خرم
چه کنم چه کنم ز فراغت کو پای گریزم کو راه فرارم
بروم بروم به مکانی کز چشم تو دیگر پوشیده بمانم
بروم بروم که از این پس جور تو نبینم خار تو ندانم

۲- غم تو- مشفق کاشانی ۰۴:۳۷

از غم تو دیوانه شدم نغمه غریبانه شدم
داغ دل گره شد به گلو بغض من طلسم من آرزو
در به دیوانه بستم حبیبم شعله بر جان نشستم
تا تویی با تو هستم طبیبم بی تو در خود شکستم
زخمه می زند بر دل من برق نگاهت
جلوه می کند در شب من راز پگاهت
ای فروغ غایب به سحر بهانه بال سفر
در به بیگانه بستم حبیبم شعله بر جان نشستم
تا تویی با تو هستم طبیبم بی تو در خود شکستم
در اوجی بی پایان در پیدا و پنهان
در تو ماندم حیران ای خورشید تابان
شکستم شکستم شکستم شکسته ام من
به یادت همه شب نشسته ام من
نام تو به افسانه نخوانم چه بخوانم
شب قصه پروانه نخوانم چه بخوانم
تو جانیه من در طلب جلوه جانم
با جلوه جانانه نخوانم چه بخوانم
زخمه می زند بر دل من برق نگاهت
جلوه می کند در شب من راز پگاهت
ای فروغ غایب به سحر بهانه بال سفر
در به بیگانه بستم حبیبم شعله بر جان نشستم
تا تویی با تو هستم طبیبم بی تو در خود شکستم

۳- ماهیگیر: پرویز عباسی ۰۴:۵۶

ماهیگیر آی ماهیگیر نرو دریا نرو دریا
روی امواج خروشان قایقی شکسته
ماهیگیر خسته تنها روی آن نشسته
آسمان تیره خواهد لحظه دگر ببارد
ابر تاریک و سیاهش همه جا از باران ندارد
نرو دریا نرو دریا نرو دریا نرو دریا
روی امواج خروشان قایقی شکسته
ماهیگیر خسته تنها روی آن نشسته
سایه ابر سیاه روی دریای کبود
گفته با ناله موج قصه از بود و نبود
نرو دریا نرو دریا نرو دریا نرو دریا
قایق روی امواج این دریا پیر
مثل حباب بیم جان مانده اسیر
خواند به ساحل عاشقی با سوز دل
دریا دگر عشق مرا از من مگیر
چشم انتظارم تنهای تنها لغزد نگاهم بر موج دریا
روی امواج خروشان قایقی شکسته
ماهیگیر خسته تنها روی آن نشسته

۴- دل سنگی: بهادر یگانه ۰۴:۲۵

دل سنگی تو وفا نداره
وفا نداره
دو چشمت نظری به ما نداره
به ما نداره
تو که خنده به ما می زنی
چرا حرف وفا می زنی
با اون تن چون لاله گل رنگ بهاری
ولی صفا نداری
بیپوده مگو با دل من قصه یاری
تو که وفا نداری
دیگه وعده تو ثمری نداره
دیگه گریه تو اثری نداره
که اشک تو ای گل همه نقش بر ابه
تو که خنده

۵- خدا حافظ _ رحیم معینی کرمانشاهی ۵:۵۵

خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من
عشق آمد و من دگر ز طوفان می گذرم از این بیابان ها
این واده غم کزان گذشتم می سپارم به دست طوفان ها
بگو ای شعر جوانی را بساط خود دگر برچین
که برخیزد ز عشق آتش تو چون خاکستری بنشین، بنشین
درمان کن سوز جدایی یا رب یا رب یا رب
هر دردی را تو دوايي یا رب یا رب یا رب
زان وادی که در گذار من بود چو رهگذران رفتم
به دام عشق افتادم ز یاد یاران رفتم
خداحافظ، خداحافظ هوس های من ای برای من
جدا از من شما باشید و ماجرای من

۶- دولت مستی- سیمین بهبهانی ۵:۱۰

بیا یاری من کن مبادا بیافتم که مستم
هواداری من کن که پیمان وفا را نشکستم
من امشب ز مستی سر از پا نشناسم
ز نامم چو پرسى که خود را نشناسم
به گوشم چه گویی ز فردا و غم او
من امشب چنانم که فردا نشناسم
خبر از غم دنیا ندارم که ندارم
چرا امشب خود را غنیمت نشمارم
من و ساقی و ساغر تو و اندیشه فردا
خوشا باده پرستی خوشا باده پرستی
که سرمستی ام و تک زده بر خرمن غم ها
خوشا دولت مستی خوشا دولت مستی
چونان شادم که بگریزد غم از سینه ام امشب
بیا بنگر که روشنتر ز آینه ام امشب
خبر از غم دنیا ندارم که ندارم
چرا امشب خود را غنیمت نشمارم
بیا یاری من کن مبادا بیافتم که مستم
هواداری من کن که پیمان وفا را نشکستم
من امشب ز مستی سر از پا نشناسم
ز نامم چو پرسى که خود را نشناسم
به گوشم چه گویی ز فردا و غم او
من امشب چنانم که فردا نشناسم
خبر از غم دنیا ندارم که ندارم
چرا امشب خود را غنیمت نشمارم

۷- مادر- شهین حنانه ۰۴:۵۴

ببین مادر اشک سوزانم چه کرد با یادت به دامنم
که اکنون ندارم به سوی تو راهی که دور از تو دیگر ندارم پناهی
بیا تا گل آرزوها شود در دل ما شکوفا
رسید به گهردون فغان دلم شفق شده خونین بسان دلم
بهشت خدا را تو در سینه داری
دل بی غباری چو آیینه داری
شود از تو روشن دل و دیده من
نگاه من گرم تماشا به یاد تو در باغ و صحرا
گویی به هر جا غمگین و تنها
جویم تو را جویم تو را
به یاد آور مرا مادر
به یاد آور مرا مادر
شود از تو روشن دل و دیده من

۸- چشم انتظار- مشفق کاشانی ۰۳:۵۹

چو دیدی بی قرارم گذشتی از کنارم
به یادت ژاله می زد ز چشم انتظارم
دریغا که تنها چو مرغی در کویرم
چه می شد که روزی به سویت پر بگیرم
به عشق دلنوازی نیازم به سوز اون نسازم چه سازم
به باغ نو بهاران شکوفه های باران گل ز چمن بر آید
ترنم ترانه سرود عاشقانه غم ز دلم زداید
چون سحرگه شود فروغی بتابد به خانه من
در حریم صفا غم دگر نگیرد بهانه من
تو چه گویی که چشم انتظارت مرا خواند
تو کجا می روی برق نگاهت مرا خواند
به باغ نو بهاران شکوفه های باران گل ز چمن بر آید
ترنم ترانه سرود عاشقانه غم ز دلم زداید
چو دیدی بی قرارم گذشتی از کنارم
به یادت ژاله می زد ز چشم انتظارم
دریغا که تنها چو مرغی در کویرم
چه می شد که روزی به سویت پر بگیرم

پروفايل:

نام آلبوم: نسيم

سال انتشار: ۱۳۷۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی دستگاہی (شور-افشاری-بیات اصفهان)

شماره مجوز: ۴/۳۲۶۸ ت

کد کتابخانه ملی: ۸۳۱ و

حق کپی رایت: آوای نوین اصفهان

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- گلہای اطلسی ۲- ساقی ۳- دل ای دل ۴- گمشده ۵- گمشده ۶- حصار ۷- خزان گل نسیرین ۷- آواز به همراهی سه تار ۸- مولا

آهنگساز: فضل الله توکل

ترانه سرا: حسین منزوی- سعدی

نوازندگان:

ویلن: همایون رحیمیان- خاجیک بابائیان- مجتبی میرزاده- رضا عالمی

ویلن آلتو: هادی آزمون- ابراهیم لطفی- علی جعفری- جابر اطاعتی- سیامک ایقانی

ویلنسل: سیاووش ظہیر الدین- عماد رضا نیکویی

فلوت: کریم قربانی

آکاردئون: علیرضا خورشید فر

بربت: کامبیز گنجه ای

سه تار- دایره- دف- تک نواز سه تار: تهمورث پورناظری

ابوا: شهرام رکوعی

کمانچه: جابر اطاعتی- سهراب پورناظری- مجتبی میرزاده

تار: کامکران علی آقا

سنتور: مجتبی میرزاده- سهراب پورناظری

قانون:- فضل الله توکل- مجید اخشابی

تنبک: سیمین آقا رضی- پریچهر خواجه

تنظیم: بهنام صبوحی- تهمورث پور ناظری

با حضور: منوچهر ناظری

ضبط: استودیو بل

گاه نگاری:

تهیه کننده: محسن نوید پور

صدابردار: منوچهر ریاحی- ایرج فهمی

۱- گل‌های اطلسی - ۵:۴۶

من و زخم این زمستون که زده به من شبیخون
من و باغ آرزوها که گلی نچیدم از اون
با تو بودن و نبودن مثل سیاه و سفیده
با تو بودن و نبودن مثل بیم و امید
دوست دارم که دستاتو داشته باشم
تا تمومه خوبیاتو داشته باشم
دوست دارم تو باشی و من زیر سایت
همه ی صلح و صفاتو داشته باشم
چشم من خسته و خونه که به سمت نگرone
که خیاله تو باهاش مثله یه خواب مهرone
دل من مثله یه قفله به کلید تو سپرده
یعنی که بود و نبودن به امید تو سپرده
با تو بودن و نبودن مثل سیاه و سفیده
با تو بودن و نبودن مثل بیم و امید
دوست دارم که دستاتو داشته باشم
تا تمومه خوبیاتو داشته باشم
وست دارم تو باشی و من زیر سایت
همه ی صلح و صفاتو داشته باشم
کاشکی بهارشی برسی ضامن باغم بشی
مثله گلای اطلسی چشم و چراغم بشی
کاشکی مثله یه چلچراغ خونمو روشن کنی
روح خموده منو غرق شکفتن کنی
دوست دارم که دستاتو داشته باشم
تا تمامه خوبیاتو داشته باشم
دوست دارم تو باشی و من زیر سایت
همه صلح و صفاتو داشته باش
من و زخم این زمستون که زده به من شبیخون
من و باغ آرزوها که گلی نچیدم از اون
با تو بودن و نبودن مثل سیاه و سفید ه
با تو بودن و نبودن مثل بیم و امید ه
دوست دارم که دستاتو داشته باشم
تا تمامه خوبیاتو داشته باشم ...

۲- ساقی - ۵:۴۸

ساقیا چه غمگین چه تنها نشسته ام
ساغری ز چشمت به من ده که خسته ام
مشکنی دلم را که در خود شکسته ام
ساغری از آن می که حال آورد به من ده وان چه با کرامت کمال آورد
به من ده آن چه آهوان را به شیری کشد بیاور وان چه در زبونی زوال آورد به
من ده همان به که به یک سو نهی پیمانه را به من از نگه خود دهی میخانه
را همان به که به جز عشق و دیوانگی کنی از همه چیزی تهی
دیوانه را چشمت ساقی بهار مستی من با تو باقی قرار هستی من آری
نستان که نقش خود پرستی تنها افتد
ز می پرستی من خوشا تو که با من خسته
هم زبانی کنی خوشا تو که با دل من شکسته خوانی کنی
کیم من که دست و پا پیش چشم تو گم کنم
که ای تو که با من گم شده شبانی کنی

۳- دل ای دل - ۰۶:۲۰

باز غم غریبی باز بی قراری
باز دل شکسته حالی نداری
مثل یک پرنده در کنج لونه
باز کدوم فصل گل در انتظاری
روزهاتو بشمار دل آزرده ی من
داغت به روی پیشونی خورده ی من
باز غم غریبی باز بی قراری
باز دل شکسته حالی نداری
مثل یک پرنده در کنج لونه
باز کدوم فصل گل در انتظاری
روزهاتو بشمار دل آزرده ی من
داغت به روی پیشونی خورده ی من

۴- گمشده- ۵:۲۶

شب بود و خسته بودم
از زخمه ی جدایی
بی تو نشسته بودم در سوک آشنایی
پیغام خود سپردم تا آورد نسیمت
خون شد دل از غم تو ای بی نشان کجایی این سو
آن سو از تو نشان بپرسم گاهی از این
گاهی از آن بپرسم ای گمشده نام تو را
بر برگ گل ها کنده ام بانگ تو می آید به گو
از گریه و از خنده ام تا تو چنین از نام خود
در من طنین افکنده ای
من هم طنین از نام تو در روزگار افکنده ام
این سو آن سو
از تو نشان بپرسم
گاهی از این گاهی از آن بپرسم
ماندم تنها و بی تو گم شد ترانه هایم
بغضی شد و گره خورد با نام تو صدایم
بین من و تو اکنون دریا و کوه و هامون
بی من تو در کجایی من بی تو در کجایم
گرچه سویم راه سفر نگیری
از من حتی دیگر خبر نگیری

۵- حصار- ۰۶:۰۵

شب رفتن تو جان رود از تن من رسد
تا به فلک ناله و شیون من
غبارین شد از این غم گل سرخ دلم
که شد بی تو خزان فصل شکفتن من
پس از تو نه قراری
نه باغی نه بهاری نه شوق گل و گلگشت
من و کنج حصاری
ای طالع خوش کوکب من از تو تهی شد
ای اختر روشن شب من از تو تهی شد
ای عطر تکلم سخنم پر نشد از تو
ای باغ تبسم لب من از تو تهی شد
ای کار و کس من
ای همنفس من وقتی تو نباشی، دنیا قفس من
پس از تو نه قراری
نه باغی نه بهاری نه شوق گل و گلگشت
من و کنج حصاری

۶- خزان گل نسرین ۰۶:۲۴

یاد تو بخیر ای گل نسرین / که با تو زنده بود بهار و فروردین
تویی که مهربان بودی با هر غمگین / خزان هم از تو شد هم بهار آگین
اگر گلی هراسان بود ز باران / تو دادی پناهِش
شکست اگر نهالکی به طوفان / تو شستی گناهِش
اگر چلچله ای زخمی / ز جفت خود جدا مانده و
تنها، خون افشان گم می شد / اگر کبوتری خسته
ز سنگ فتنه وا مانده / تنها، در طوفان گم می شد
چه هراس باد و باران / گل نسرین
تو که سرپناه هر گمشده بودی / در میان سیل و طوفان
گل نسرین / تو چراغ راه هر گمشده بودی
سوزدم دل از غمت / که بینوا
همه زیر چترت ایمن از بلا / تو ولی
خودت اسیر ماجراها / وای از این ستم خدایا
همه ما به یمن تو / ولی تو تنها
وای از این ستم خدایا / ناگهان خروش باد و خشم طوفان
که تو گم شدی میان باد و باران / بی که دستی آردت کسی به یاری
یا شود کسی دچار بی قراری / گل نسرین گل پر پر نگاری
تو به چنگ باد و بار اسیر نفرین / غیر نفرین اما چیزی نشنیدم
وای از این ستم خدایا / از رهندنت دستی ندیم
وای از این ستم خدایا

۷- آواز همراهی سه تار - ۰۶:۵۰

هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم
نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم
حکایتی ز دهانت به گوش جان من آمد
دگر نصیحت مردم حکایتست به گوشم
مگر تو روی بیوشی و فتنه بازنشانی
که من قرار ندارم که دیده از تو بیوشم
من رمیده دل آن به که در سماع نیایم
که گر به پای درآیم به دربرند به دوشم
بیا به صلح من امروز در کنار من امشب
که دیده خواب نکردست از انتظار تو دوشم
مرا به هیچ بدادی و من هنوز بر آنم
که از وجود تو مویی به عالمی نفروشم
به زخم خورده حکایت کنم ز دست جراحت
که تندرست ملامت کند چو من بخروشم
مرا مگوی که سعدی طریق عشق رها کن
سخن چه فایده گفتن چو پند می ننیوشم
به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل
و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم

۸- مولا ۴۲ - ۰۴:۰۲

علی مولا، علی یار و علی یاور
علی والا، علی سرّ و علی سرور
در خیبر ز تو چون کنده شد مولا
ز تو لات و هبل افکنده شد مولا
زهر سویی صدای یا علی آمد
ندای لا فتی آلا علی آمد
که هستی تو؟ همان جان آگه لشگر-شکاری تو
که هستی تو؟ همان شاهنشاه طوفان سواری تو
که هستی تو؟ همان سردار روز خندق و خیبر
که هستی تو؟ همان سالار تیغ ذوالفقاری تو
شب است و خفته‌ای با جان خود در جای پیغمبر
شب است و گفته‌ای با چاه خود راز غمی دیگر
تو که هم دشمن بت‌هایی و هم دشمن بت‌گر
تو که هم جام دریا‌هایی و هم ساقی کوثر

^{۴۲}. به مناسب سال علی بن ابی طالب نواخته شده است.

پروفايل:

نام آلبوم: مهمان تو

سال انتشار: ۱۳۷۵

نوع: استودیویی

سبک: موسیقی دستگاهی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: نوای همایون

مدت زمان: ۳۷ دقیقه و پنج ثانیه

تعداد قطعات: ۱۱ قطعه

۱- دو بیتی ۲- فریاد ۳- یار وفادار ۴- پیام جانان ۵- رهگذر ۶- سرگشته یک ۷- سرشته دو ۸- مشتاقان ۹- در نظر بازی
۱۰- کنسرت لندن ۱۱- سه تار یک ۱۲- سه تار دو ۱۳- سه تار سه ۱۴- چهار مضراب دل انگیزان

شعر: حافظ - عراقی - فریدون همراه - مولانا جلال الدین بلخی

آهنگساز: جمشید عندلیبی

نوازندگان: سه تار: جلال ذوالفنون - نی: جمشید عندلیبی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- تصنیف یار وفادار- فریدون همراه ۵:۲۲

نور خدا جلوه کند در گل رخسار تو تشنه ترم
هر نفسی ، تشنه ی دیدار تو باغ گل و لاله و
لبخنده ی زیبای تو محو تو ام ، محو تو ام ، محو
تماشای تو یار وفادار منی ، یار وفادار من مهر تو
روشنگر جان و دل من ، یار من خندان شد گلشن
جان تا تو شکفتی در آن جان و جانان منی ، تاج
سر دلبران بسته به عشق تو ، بود هستی ام عشق
دهد این همه سرمستی ام در این جهان مثل تو
کی پیدا کنم بیا که چون آینه روی تو تماشا کنم

۲- تصنیف پیام جانان- فریدون مشیری ۵۸:۵۰

سلامم را جوابی ده که در شهر تو مهمانم
غبارم را بیفشان تا به پایت جان بیفشانم
بپرس از خود کجا بودی ، کجا هستی ، چه می جویی
نگاهم کن چه می گویم ، سخن بشنو چه می خوانم
دلم گوید سخن با تو ، چنین روشن که من با تو
صفای این چمن با تو ، بیا مرغ سخن دامن
در آن ساحل چه می گردی ، از آن دریا چه آوردی
به شهر خویشتن باز آ که من پیغام جانانم
به گلبانگ جهانتابم چه آتش هاست بر دلها
نمی گیرد چرا در تو ، نمی دانم ، نمی دانم

۳- ساز و آواز - مولانا جلال الدین بلخی ۰۲:۲۸

آنک بی باده کند جان مرا مست کجاست
و آنک بیرون کند از جان و دلم دست کجاست
و آنک سوگند خورم جز به سر او نخورم
و آنک سوگند من و توبه ام اشکست کجاست
و آنک جان ها به سحر نعره زنند از او
و آنک ما را غمش از جای ببرده ست کجاست
جان جان ست و گر جای ندارد چه عجب
این که جا می طلبد در تن ما هست کجاست
غمزه چشم بهانه ست و زان سو هوسی ست
و آنک او در پس غمزه ست دل خست کجاست
پرده روشن دل بست و خیالات نمود
و آنک در پرده چنین پرده دل بست کجاست
عقل تا مست نشد چون و چرا پست نشد
و آنک او مست شد از چون و چرا رست کجاست

۴- تصنیف رهگذر - ۰۶:۳۶

خبر از من ندارد ، گل باغ و بهارم
ز فراقش چه گویم ، خبر از خود ندارم
به امیدِ نگاهی ، سرِ هر رهگذارم
ز خیالش جدا نیست ، نفسی گر برارم
گلِ باغ و بهارم ، سرِ هر رهگذارم
به امیدِ نگاهی، به رهش جان سپارم
شده ام محوِ رویش ، همه بت آرزویش
همه در جستجویش ، که ببخشد قرارم
به امیدِ نگاهی ، سرِ هر رهگذارم
ز خیالش جدا نیست ، نفسی گر برارم
گلِ باغ و بهارم ، سرِ هر رهگذارم
به امیدِ نگاهی، به رهش جان سپارم
نیِ محزون چه نالی ؟ چون من آشفته حالی
مکن آشفته حالم ، به سرِ عشق تو دارم
نیِ محزون چه نالی ؟ چون من آشفته حالی
مکن آشفته حالم ، به سرِ عشق تو دارم
نی من با تو چه گویم ، غمِ دل با تو گویم
نی من با تو چه گویم ، غمِ دل با تو گویم
نفسی گر برارم ، جَهْد از من شرارم
خبر از من ندارد ،
خبر از من ندارد ، گلِ باغ و بهارم
ز فراقش چه گویم ،
ز فراقش چه گویم ، خبر از خود ندارم
به امیدِ نگاهی ، سرِ هر رهگذارم
ز خیالش جدا نیست ، نفسی گر برارم
به امیدِ نگاهی ، سرِ هر رهگذارم
ز خیالش جدا نیست ، نفسی گر برارم

۵- ساز و آواز دو بیتى ۰۶:۵۳

عجب آن دلبر زیبا کجا شد
عجب آن سرو خوش بالا کجا شد
میان ما چو شمعی نور می داد
کجا شد ای عجب بی ما کجا شد
دلم چون برگ می لرزد همه روز
که دلبر نیم شب تنها کجا شد
برو بر ره پیرس از رهگذریان
که آن همراه جان افزا کجا شد
برو در باغ پیرس از باغبانان
که آن شاخ گل رعنا کجا شد
برو بر بام پیرس از پاسبانان
که آن سلطان بی همتا کجا شد
چو دیوانه همی گردم به صحرا
که آن آهو در این صحرا کجا شد
دو چشم من چو جیحون شد ز گریه
که آن گوهر در این دریا کجا شد
ز ماه و زهره می پرسم همه شب
که آن مه رو بر این بالا کجا شد
چو آن ماست چون با دیگرانست
چو این جا نیست او آن جا کجا شد
دل و جانش چو با الله پیوست
اگر زین آب و گل شد لاکجا شد
بگو روشن که شمس الدین تبریز
چو گفت الشمس لا یخفی کجا شد

۶- تصنیف سرگشته- ۰۷:۲۳

به امیدی سر راحت نشستم
به امیدی سر راحت نشستم
نگه در چشم زیبای تو بستم
چونین دامن کشان
چونین دامن کشان
از من گذشتی
چرا خود را به این خاری شکستم
چرا خود را به این خاری شکستم
تو گفתי من به غیر از دیگرانم، تو گفתי من به غیر از دیگرانم
چونینم، در وفا داری چونانم
تو غیر از دیگران
تو غیر از دیگران، بودی که امروز، نه میدانی، نه میپرسی نشانم
در آن چشمان افسونگر که داری
در آن چشمان افسونگر که داری
در آن دل غیر شور و شر که داری
گهی میرانی و گهی میرانی و
گه مینوازی
بگو ای نازنین در سر چه داری
بگو ای نازنین در سر چه داری
مرا در عاشقی پروا نباشد
مرا در عاشقی پروا نباشد
دلیم را بیم از این غمها نباشد
از آن ترسم که از
از آن ترسم که از بسیاری غم،
برای عشق در دل جا نباشد

۷- تصنیف مشتاقان - حافظ ۵۷:۵۰

دمی با غم به سر بردن جهان یک سر نمی‌ارزد
به می بفروش دلق ما کز این بهتر نمی‌ارزد
به کوی می فروشانش به جامی بر نمی‌گیرند
زهی سجاده تقوا که یک ساغر نمی‌ارزد
رقیبم سرزنش‌ها کرد کز این باب رخ برتاب
چه افتاد این سر ما را که خاک در نمی‌ارزد
شکوه تاج سلطانی که بیم جان در او درج است
کلاهی دلکش است اما به ترک سر نمی‌ارزد
چه آسان می‌نمود اول غم دریا به بوی سود
غلط کردم که این طوفان به صد گوهر نمی‌ارزد
تو را آن به که روی خود ز مشتاقان بیوشانی
که شادی جهان گیری غم لشکر نمی‌ارزد
چو حافظ در قناعت کوش و از دنیای دون بگذر
که یک جو منت دونان دو صد من زر نمی‌ارزد

۸- قلعه فریاد- حافظ ۱۱:۳۱

به هست و نیست مرنجان ضمیر و خوش می‌باش
که نیستیست سرانجام هر کمال که هست
شکوه آصفی و اسب باد و منطق طیر
به باد رفت و از او خواجه هیچ طرف نیست
به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی
هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست
زبان کلک تو حافظ چه شکر آن گوید
که گفته سخت می‌برند دست به دست

۹- تصنیف در نظر بازی- حافظ ۵۷:۵۰

در نظر بازی ما بی‌خبران حیرانند
من چنینم که نمودم دگر ایشان دانند
عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی
عشق داند که در این دایره سرگردانند
جلوه گاه رخ او دیده من تنها نیست
ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند
عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدا
ما همه بنده و این قوم خداوندانند
مفلسانیم و هوای می و مطرب داریم
آه اگر خرقه پشمین به گرو نستانند
وصل خورشید به شبپره اعمی نرسد
که در آن آینه صاحب نظران حیرانند
لاف عشق و گله از یار زهی لاف دروغ
عشقبازان چنین مستحق هجرانند
مگرم چشم سیاه تو بیاموزد کار
ور نه مستوری و مستی همه کس نتوانند
گر به نزهتگاه ارواح برد بوی تو باد
عقل و جان گوهر هستی به نثار افشانند
زاهد ار رندی حافظ نکند فهم چه شد
دیو بگیرزد از آن قوم که قرآن خوانند
گر شوند آگه از اندیشه ما مغیچگان
بعد از این خرقه صوفی به گرو نستانند

۱۰- تصنیف سرگشته دو ۵:۳۷

شدم از عشق تو شیدا، کجایی؟
به جان می‌جویمت جانا، کجایی؟
همی پویم به سویت گرد عالم
همی جویم تو را هر جا، کجایی؟
چو تو از حسن در عالم نگنجی
ندانم تا تو چونی، یا کجایی؟
چو آنجا که تویی کس را گذر نیست
ز که پرسم، که داند؟ تا کجایی؟
تو پیدایی ولیکن جمله پنهان
وگر پنهان نه‌ای، پیدا کجایی؟
ز عشقت عالمی پر شور و غوغاست
چه دانم تا درین غوغا کجایی؟
فتاد اندر سرم سودای عشقت
شدم سرگشته زین سودا، کجایی؟
درین وادی خون‌خوار غم تو
بماندم بی کس و تنها، کجایی؟
دل سرگشته حیران ما را
نشانی در رهی بنما، کجایی؟
چو شیدای تو شد مسکین عراقی
نگویی: کاخر، ای شیدا، کجایی؟

پروفایل:

نام آلبوم: تنها تو میمانی

سال انتشار: اسفند ۱۳۸۷

نوع: استودیویی

سبک: تلفیقی از سنتی و پاپ

شماره مجوز: ۶۰۷۰

کد کتابخانه ملی: ۱۲۱۸۳ و

حق کپی رایت: شرکت فرهنگی - هنری نوانگار

مدت زمان: ۴۹ دقیقه و ۴۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- خسته ام از این کویر ۲- پنهان ۳- نیاز ۴- تشنه ی درد ۵- عمر آن بود ۶- تنها تو می مانی ۷- طوفان ۸- زبان نگاه

آهنگساز: امیر رحیمی آذر- علی خشتی نژاد

نوازندگان:

ارسلان کامکار مازیار ظهیرالدینی علی جعفری پویان نیما زاهدی میثم مروستی سامان محمد نبی (ویولن)

کریم قربانی مجید اسماعیلی (ویولن سل)

علیرضا خورشیدفر (کنترباس)

محمد حسین پورمعین (کلارینت)

سورنا صفاتی (سنتور)

پریچهر خواجه (قانون) نیما رحمتی (کمانچه) سحاب تربتی (کمانچه و تمبک) نوید دهقان (کمانچه و کمانچه آلتو)

ونداد مساح زاده (دف و دایره)

حسین رضایی نیا (دف) جعفر کرمانی تنها (تارباس) محسن حاجبی (تارباس) ایثار یاور (طبلا) امیر رحیمی آذر (سه تار) علی

خشتی نژاد (تار)

کاوه سروریان (نی، فلوت و تمبک)

تنظیم: کاوہ سروریان

ضبط:

گاہ نگاری: عاشقا سلام، عاشقا درود .. گرفتار

تہیہ کنندہ: کاوہ سریریان

۱- خسته ام از این کویر- قیصر امین پور ۶:۲۶

خسته ام از این کویر این کویر کور و پیر
این هبوط بی دلیل این سقوط ناگزیر
خسته ام از این کویر این کویر کور و پیر
این هبوط بی دلیل این سقوط ناگزیر
آسمان بی هدف بادهای بی طرف
ابره‌های سربه راه بیدهای سربه زیر
ای نظاره شگفت ای نگاه ناگهان
ای هماره در نظر ای هنوز بی نظیر
آیه آیه ات صریح سوره سوره ات فصیح
مثل خطی از هبوط مثل سطری از کویر
مثل شعر ناگهان مثل گریه بی امان
مثل لحظه‌های وحی، اجتناب ناپذیر
ای مسافر غریب در دیار خویشتن
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
از کویر سوت و کور تا مرا صدا زدی
دیدمت ولی چه دور دیدمت ولی چه دیر
این تویی در آن طرف پشت میله‌ها رها
این منم در این طرف پشت میله‌ها اسیر
دست خسته مرا مثل کودکی بگیر
با خودت مرا ببر خسته ام از این کویر

۲- پنهان- سیمین بهبهانی ۰۵:۳۳

دوستت می دارم و بیهوده پنهان می کنم
خلق می دانند و من انکار ایشان می کنم
دوستت می دارم و بیهوده پنهان می کنم
خلق می دانند و من انکار ایشان می کنم
عشق بی هنگام من تا از گریبان سر کشید
عشق بی هنگام من تا از گریبان سر کشید
از غم رسوا شدن سر در گریبان می کنم
از غم رسوا شدن سر در گریبان می کنم
دیده بر هم می نهم تا بسته ماند سر عشق
این حباب ساده را سر پوش طوفان می کنم
این حباب ساده را سر پوش طوفان می کنم
ای شگرف، ای ژرف، ای پر شور، ای دریای عشق
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم
ای شگرف، ای ژرف، ای پر شور، ای دریای عشق
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم

۳- نیاز- سیمین بهبهانی ۰۶:۲۵

بی تو ای روشنگر شب های من
بوسه می زد ناله بر لب های من
در دلم از وحشت بیگانگی
خنده می زد لاله ی دیوانگی
در بلور اشک من ، یاد تو بود
در سکوت سینه ، فریاد تو بود
مخمل سرخ شفق ، رنگ تو داشت
پرده های ساز ، آهنگ تو داشت
بی تو غمگینم ، دمی بی من مباش
جان شیرینم ، جدا از تن مباش
بی تو بودم لیک اکنون با تو ام
خود نمی دانم که این من یا تو ام
خود نمی دانم که این من یا تو ام
من شب پایان پذیر هستی ام
لحظه ای دیگر نباید مستی ام
تو فروغ آفتاب روشنی
من چو می میرم ، تو سر بر می زنی
شعله ی رنجم ز من دامن بکش
بند دردم ، پای خود از من بکش
بند دردم ، پای خود از من بکش

۴- تشنه ی درد- رهی معیری ۰۴:۳۱

نه راحت از فلک جویم ، نه دولت از خدا خواهم
و گر پرسى چه مى خواهى ، تو را خواهم ، تو را خواهم
نه راحت از فلک جویم ، نه دولت از خدا خواهم
و گر پرسى چه مى خواهى ، تو را خواهم ، تو را خواهم
نمی خواهم که با سردى چو گل خندم ز بى دردى
نمی خواهم که با سردى چو گل خندم ز بى دردى
دلى چون لاله ، دلى چون لاله با داغ محبت آشنا خواهم
نه راحت از فلک جویم ، نه دولت از خدا خواهم
و گر پرسى چه مى خواهى ، تو را خواهم ، تو را خواهم
ز شادى ها گریزم در پناه نامردى ها
ز شادى ها گریزم در پناه نامردى ها
به جاى راحت از گردون ، بلا خواهم ، بلا خواهم ، بلا خواهم
ز شادى ها گریزم در پناه نامردى ها
ز شادى ها گریزم در پناه نامردى ها
به جاى راحت از گردون ، بلا خواهم ، بلا خواهم ، بلا خواهم
چنان با جان من اى غم در آمیزی که پندارى
تو از عالم مرا خواهى ، من از عالم تو را خواهم
نه راحت از فلک جویم ، نه دولت از خدا خواهم
و گر پرسى چه مى خواهى ، تو را خواهم ، تو را خواهم

۵- عمر آن بود- عماد خراسانی ۰۷:۱۰

عمر آن بود که در صحبت دلدار گذشت
حیف و صد حیف که آن دولت بیدار گذشت
آفتابی زد و ویرانه دل روشن کرد
لیک، افسوس که زود از سر دیوار گذشت
خیره شد چشم دل از جلوه مستانه او
تا زدم چشم به هم مهلت دیدار گذشت
بُرو ای ناصحِ مجنون ز پی کار دگر
نقش بر آن مزن، کار از من از کار گذشت
بگشا دفتر هذیانِ تبِ عشقِ مرا
تا بدانی که چها، بر دل بیمار گذشت
هر چه غم هست خدایا به دل ما بفرست
که برای دل ما از کم و بسیار گذشت
شدم آن روز ز درمان دل خود نومید

که مداوای وی از معجزِ خمار گذشت
اعتقادم ز تو هم سلب شد ای باده فروش
وان کرامات که دیدیم ز تو پار، گذشت

۶- تنها تو می مانی- قیصر امین پور ۰۶:۳۲

دل داده ام بر باد، بر هر چه باداباد
مجنون تر از لیلی، شیرین تر از فرهاد
ای عشق از آتش اصل و نسب داری
از تیره ی دودی، از دودمان باد
آب از تو توفان شد ، خاک از تو خاکستر
از بوی تو آتش، در جان باد افتاد
هر قصر بی شیرین، چون بیستون ویران
هر کوه بی فرهاد، کاهی به دست باد
هفتاد پشت ما از نسل غم بودند
ارث پدر ما را، اندوه مادرزاد
از خاک ما در باد، بوی تو می آید
تنها تو می مانی، ما می رویم از یاد

۷- طوفان- سیمین بهبهانی ۰۷:۲۵

امشب اگر یاری کنی، ای دیده توفان می کنم
آتش به دل می افکنم، دریا به دامن می کنم
می جویمت، می جویمت، با آن که پیدا نیستی
می خواهمت، می خواهمت، هر چند پنهان می کنم
زندان صبرآموز را، در می گشایم ناگهان
پرهیز طاقت سوز را، یکسر به زندان می کنم
یا عقل تقوا پیشه را، از عشق می دوزم کفن
یا شاهد اندیشه را، از عقل عریان می کنم
باز آ که فرمان می برم، عشق تو با جان می خرم
آن را که می خواهی ز من، آن می کنم، آن می کنم.

۸- زبان نگاه- ۱.۵. سایه ۵:۴۱

نشود فاش کسی آنچه میان من و تو ست
تا اشارات نظر ، تا اشارات نظر ، نامه رسان من و تو ست
نامه رسان من و تو ست
گوش کن ، گوش کن
با لب خاموش سخن می گویم
پاسخم گو به نگاهی که زبان من و تو ست
روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
حال بیا چشم جهانی نگران من و تو ست
گرچه در خلوت راز دل ما کس نرسید
همه جا زمزمه ی عشق نهان من و تو ست
آه ، جانا ، یارا
گو بهار دل و جان باشو ، خزان باش ار نه
ای بسا باغ و بهاران که خزان من و تو ست
نقش ما گو ننگارند به دیباچه ی عقل
هر کجا نامه عشق است ، هر کجا نامه عشق است
نشان من و تو ست
سایه ، سایه ز آتشکده ی ماست ، فروغ مه و مهر
وه ازین آتش روشن که به جان من و تو ست
وه ازین آتش روشن که به جان من و تو ست
نشود فاش کسی آنچه میان من و تو ست
تا اشارات نظر ، تا اشارات نظر ، نامه رسان من و تو ست
نامه رسان من و تو ست

پروفایل:

نام آلبوم: بابا طاهر

سال انتشار: ۱۳۸۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴۰۷۲ - ۲ ت

کد کتابخانه ملی: ۶۴۳۶ و

حق کپی رایت: شرکت فرهنگی-هنری آواز بیستون

مدت زمان: ۴۹ دقیقه و ۳۰ ثانیه

تعداد قطعات: ۹ قطعه

۱- یار سلام ۲- نازنین ۳- اشک مهتاب ۴- یا مولا ۵- آواز غریبی ۶- سایه بید ۷- آواز مرغان وحشی ۸-

زلفاش بینظیره ۹- آسمون

آهنگساز: جمشید عندلیبی

نوازندگان:

نی: جمشید عندلیبی

دف و دایره: فرهاد عندلیبی - رضا فهیمی

تنبک: کامبیز گنجه ای

مدیر تولید: محمد علی عزیزی

تنظیم:

ضبط: استودیو صبا و بل

صدابرداران:

گاه نگاری:

۱- یار سلام- شعر محلی ۰۶:۲۹

حالا هندو ما را کشت و خال هندو ما را کشت
حالا با خنجر ابرو زیر چارسو ما را کشت
حالا ای یار سلام دوباره ای یار سلام
حالا ای شاخ گل میون گلزار سلام
حالا عهدی کردم اگر سلامت نکنم
حالا یک بار دگر به روی هر بار سلام
های حالا هندو ما را کشت و خال هندو ما را کشت
حالا چشمون سیاش با سحر و جادو ما را کشت
حالا اصرار
میون آسمون غلتون
حالا عاشق به میون کوچه سرگردون
حالا مردم گویند که عاشقی آسون
حالا والله بالله یک درد بی درمون
آی حالا هندو ما را کشت و خال هندو ما را کشت
حالا چشمون سیاش با سحر و جادو ما را کشت
حالا او یار منه که می روه سر بالا
حالا دسمال به دست و می زنه گرما را
حالا مو ابر شوم سایه کنم صحرا را
حالا آفتاو نزنه شاخ گل رعنا را
آی حالا هندو ما را کشت و خال هندو ما را کشت
حالا چشمون سیاش با سحر و جادو ما را کشت
حالا او یار منه که از بلندی آیه
حالا با اسب سفید صد تومن می آیه
حالا مو اسب سفید صد تومن را چه کنم
حالا یاغی شده و به جنگ مو می آیه
آی حالا هندو ما را کشت و خال هندو ما را کشت
حالا چشمون سیاش با سحر و جادو ما را کشت

۲- نازنین - شعر بابا طاهر ۰۸:۳۶

گفتم: مگر ای نازنین قصد جان داری؟
بار غم از دوشم چرا بر نمی داری؟
گفتا: کجا عاشق دگر بیم جان دارد؟
کی شکوه ای از بار غم بر زبان آرد؟
بعد از این دلبرا ما را نشان کن
یک به یک تیر غم بر دل روان کن
من به درد عشق تو خو کرده ام
یارا درمان نمی خواهم
عشق تو کرده بیابان پرورم
جانا بستان نمی خواهم
شبگرد صحرای جنون، مست و شیدا، من
جز سایه من کس نشد همسفر با من
هر جا که نامت می برم، ناله می روید
هر دم که آهی می کشم لاله می روید
بعد از این دلبرا ما را نشان کن...

۳- اشک مهتاب- شعر ابراهیم جعفری ۵:۱۱

ای دل...ای دل ای دوست
غریبی سخت مرا دلگیر داره
فلک بر گردنم زنجیر داره
فلک از گردنم زنجیربردار
که غربت خاک عالمگیر داره
های... سرو بالین تنم دل سر نداره
بجز شور غمت در سر نداره
نهد دور از تو هر کس سر به بالین
الهی الهی سر به بالین بر نداره
دلم میل گل باغ تو داره
سراسر سینه ام داغ تو داره
بشو الاله زارم , دل کنم شاد,دل کنم شاد
بینم الاله هم داغ تو داره
ای...ای دل...ای دلای دل
بینم الاله هم داغ تو داره
غمم بی حد و ,دردم بیشماره
فغون که این چاره هم درمون نداره
خداوندا ندونه ناصح ما
که فریاد دلم بی اختیاره
خداوندا ندونه ناصح ما
که فریاد دلم بی اختیاره

۴- یا مولا- شعر محلی و ابوخیر ۰۴:۳۹

برخیز که عاشقان به شب راز کنند
گرد بر بوم دوست پرواز کنند
هر جا که بود دلیل شب بریندد
الا در دوست را که شب باز کنند
یا مولا دلم تنگ اومده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ اومده
ای سر تو در سینه ی هر صاحب راز
پیوسته در رحمت تو بر همه باز
هر کس که به درگاه تو آید به نیاز
محروم ز درگاه تو کی گردد باز
یا مولا دلم تنگ اومده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ اومده
غمناکم از پیش تو با غم نروم
جز شاد و امید با حال خرم نروم
از درگاه همچون تو کریمی هرگز
محروم کسی نرفته و من نروم
یا مولا دلم تنگ اومده شیشه دلم ای خدا زیر سنگ اومده

۵- آواز غریبی - شعر بابا طاهر ۰۳:۴۵

غریبی سخت مرا دلگیر داره
فلک بر گردنم زنجیر داره
فلک از گردنم زنجیر بردار
که غربت خاک عالم گیر داره
سرم بالین تنم بستر نداره
به جز شور غمت در سر نداره
نهد دور از تو هرکس سر به بالین
الهی سر ز بالین بر نداره
دلم میل گل باغ تو داره
سراسر سینه ام داغ تو داره
بشُم آلاله زارون دل کنم شاد
بینم آلاله هم داغ تو داره
غمم بی حده و دردم بی شماره
فغون کین چاره هم درمون نداره
خداوندا ندونه ناصح مو
که فریاد دلم بی اختیاره

۶- سایه بید- بابا طاهر- محلی ۵:۲۱

لب اب روون و سلیه ی بید
نگام بر چشم یار افتاد و خندید
دعا از ما به دلبر می‌رسونید
دلی که از دلی رنجید رنجید
از این کوچه گذر کردی برای چه
دل زارم بتر کردی برای چه
به حال زخم خم خو کرده بیدم
تو زخمم تازه تر کردی برای چه
سیاهی دو چشمونت مرا کشت
بلندی دو زلفونت مرا کشت
بجونم حاجت تیر و کمون نیست
خم ابرو و مژگونت مرا کشت

۷- آواز مرغان وحشی- بابا طاهر ۵:۱۵۰

کسی که ره به بیدادم بره نی
خبر بر سرو آزادم بره نی
تمام خوب رویان جمع گردند
کسی که یادت از یادم بره نی
نه تب دارم نه جایم می‌کنه درد
همی دونم که نالونم شو و روز
بشم واشم که تا یاری گره دل
به بختم گریه و زاری گره دل
بگردی نجویی یار چون مو
که از جان و دلت یاری گره دل
بیا درد دلم خو کرده با تو
ندونی درد دل ای بی وفا تو
بیا مو سوته دل با تو سپارم
تو دونی با دلم دل دونه با تو
دو چشمم را تو خون پالا کنی تو
کلاه عقلم از سر وا کنی تو
اگر لیلی بپرسه حال مجنون
نظر او را سوی صحرا کنی تو
داد از این دل که هرگز نی به کامم
داد از این دل که آزارد مدامم
داد از این دل که چون مرغان وحشی
دونه ناچیده می‌گیرند به دامم
نچیده دانه اندازد بدامم

۸- زلفاش بی نظیره- ۵:۲۲

سر سرگشته یوم سامون نداره
دل خون گشته یوم درمون نداره
به کافر مذهبی دل بسته دارم
که در هر مذهبی ایمون نداره

زلفاش بی نظیره

دلم پیشش اسیره

بگردم دور چشماش

برقا برق شمشیره

سرم سودای گیسوی تو داره

دلم مهر مه روی تو داره

اگر چشمام به ماه نو کنه میل

نظر بر طاق ابروی تو داره

زلفاش بی نظیره

دلم پیشش اسیره

بگردم دور چشماش

برقا برق شمشیره

هر آن دلبر که چشم مست داره

هزاران چون موپی پا بست داره

میون عاشقون آن ماه سیما

چون بخت مو بلند و پست داره

سیه بختم که بختم واژگون بی

سیه روزم که روزم تیره گون بی

شدم محنت کش کوی محبت

ز دست دل که یا رب غرق خون بی

نگاری نا دل و جانم تو داری

همه پیدا و پنهانم تو داری

نمی‌دونم که این درد است که دارم

همی‌دونم که درمانم تو داری

۹- آسمون - شعر محلی ۵۲:۴۰

آسمون به این گپی گوشش نوشته
هر کسی که عاشقه جاش تو بهشته
ای دایه دایه جونم یه گل خوب میستونم
آی آی های آی آی های آی های
ویی راه رفتنت خندیدنت قهر کردنت بابای بابامو سوزونده
مثل پیشتر میزنم تیر بر نشونه
بالون چرخش اشکنه دلمو زمونه
ای دایه دایه جونم آتیش زده به جونم
ویی ناز کردنت خندیدنت میون دشت گل چیدنت واویلا
آسمون کاری نداره یاروم بیداره
دل به دریا میزنم گر تش بباره
ای دایه دایه جونم یه گل خوب میستونم

پروفایل:

نام آلبوم: آتش دل (نخستین آلبوم رسمی و به یاد تاج اصفهانی و بازخوانی آثار او)

سال انتشار: ۱۳۶۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (آوازافشاری - ابوعطاء)

شماره مجوز:

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: هم آواز آهنگ

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۲ قطعه

۱- چهار مضراب قرائی، آواز و تصنیف رنگ‌های طبیعت (ابوعطا) ۲- چهار مضراب حجاز، آواز و تصنیف آتش دل (افشاری)

آهنگساز: عبدالحسین برازنده - نظارت فرامرز پایور

نوازندگان:

نی: محمد موسوی

تار: هوشنگ ظریف، مهرداد دلنوازی

تنبک: جمشید محبی

سنتور: سعید ثابت

عود: محمد دلنوازی

تارباس: حسن زرگانی

کمانچه: محمد مقدسی، هادی منتظری

تنظیم: مهرداد دلنوازی

ضبط:

گاه نگاری: آتش دل... مهرورزان

۱- چهار مضرب قرائی، آواز و تصنیف رنگ‌های طبیعت (ابوعطا) - شعر تصنیف: شیدای اصفهانی غزل: سعدی

در گلستان از طبیعت
بین چه سان گشته عیان اسرار پنهان
پر شد از سبزه و گل دامن بستان
شد عیان گل به گلستان دور غم شد به پایان
شورش مرغان شد ز گردون به کیوان
رخ تو و رخ گل هر دو با هم ، دل من و دل تو کرده خرم
با عشق تو یکسره می سوزم ، با هجر تو یکدله می سازم
پرده ز رویت باز کن ، مهر و وفا آغاز کن ، جان من آخر کن رحمی
خیز به بستان ای گل خندان جامه گلگون پوش
باده گلگون رغم رقیب و گنبد گردون نوش
رو به چمن کن دیده بینش باز از هم
منظره گل بنگر و دل کن شاد و خرم
چند به ذلت در دوران ، سوزم و سازم با هجران
ز آتش عشقت سوخت همه سر و سامانم ، دل و ره و ایمانم
دل تو تا کی در ره جهل و پستی ، سر تو تا کی خالی از شور مستی
فصل بهار از آب چو آتش خیز به مینا کن
مرغ چمن از نغمه دلکش واله و شیدا کن

۲- چهار مضرب حجاز، آواز و تصنیف آتش دل (افشاری) شعر تصنیف: سالک غزل: سعدی ۰۶:۲۷

دل در آتش غم رخت تا که خانه کرد
دیده سیل خون به دامنم بس روانه کرد
آفتاب عمر من فرو رفت
ماهیم از افق چرا سر برون نکرد
هیچ صبح دم نشد فلق
چون شفق ز خون دل مرا لاله گون نکرد
ز روی مهت جانا پرده بر گشا
در آسمان مه را منفعل نما
به ماه رویت سوگند
که دل به مهرت پایبند به طره ات جان پیوند
قسم به زند و پازند
به جانم آتش افکند خراب رویت یک چند
بیا نگارا جمال خود بنما
ز رنگ و بویت خجل نما گل را
رو در طرف چمن بین
بنشسته چو من
دل خون بس ز غم
یاری غنچه دهن
گل درخشنده چهره تابنده غنچه در خنده بلبل نعره زنان
هر که جوینده باشد یابنده دل دارد زنده بس کن آه و فغان
ز جور مه رویان شکوه گر سازی
به ششدرمحت مهره اندازی
همچون سالک دست خود بازی

تصنیف گل خندان - ۰۶:۱۷

گل خندان که نخندد چه کند
علم از مشک نبندد چه کند
نار خندان که دهان بگشادست
چونک در پوست نگنجد چه کند
مه تابان به جز از خوبی و ناز
چه نماید چه پسندد چه کند
آفتاب ار ندهد تابش و نور
پس بدین نادره گنبد چه کند
سایه چون طلعت خورشید بدید
نکند سجده نخنبد چه کند
عاشق از بوی خوش پیرهننت
پیرهن را ندراند چه کند
تن مرده که بر او برگذری
نشود زنده نجنبد چه کند
دلم از چنگ غمت گشت چو چنگ
نخروشد نترنگد چه کند
شیر حق شاه صلاح الدینست
نکند صید و نغرد چه کند

پروفايل:

نام آلبوم: افسانه

سال انتشار: ۱۳۷۷

نوع: استودیوی

سبک: سنتی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت:

مدت زمان: ۱ ساعت و ۴ دقیقه و ۴۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱. همای آسمانی ۲. قصه عشق ۳. نغمه گر عشق ۴. چراغ زندگی ۵. سرود جاودان ۶. بهشت آرزو ۷. افسانه ۸. خورشید شبستان

آهنگساز: علی جعفریان

نوازندگان:

تنظیم: علی رحیمیان

ضبط:

گاه نگاری:

۱- همای آسمانی- ۰۷:۵۶

تو ای بهشت جاودان را دیده
گل بهشتی جنان را چیده
تو ای پرنده خوش آواز
ز دام و دانه دل بریده
تویی که بانگ نغمه هایت
به اوج آسمان رسیده کسی که با تو عهد و پیمان بسته
نه با زبان که با دل و جان بسته
ز شور عشق و شوق جانان
خدا وجود ما سرشته
مشو غمین میر ز خاطر
که برتری تو از فرشتهز شور عاشقی غم از دل خیزد
شراب معرفت به جانت ریزد
چو عنچه گر ز آتشی ز داغ هستی
چو گل نما تبسمی به باغ هستیز روی گل به بوی گل اگر که مستی
ز باده سبوی گل اگر که مستی
گل از رخ بهشتیان نشانه دارد
تو را از آن جهان جان نشانه آرد
ای همای آسمانی
بال پروازت شکوفا
غنچه های رنگ رنگ
باغ آوازت شکوفا
تو ای بهشت جاودان را دیده
گل بهشتی جنان را چیده
تو ای پرنده خوش آواز
ز دام و دانه دل بریده
تویی که بانگ نغمه هایت
به اوج آسمان رسیده

۲- نغمه گر عشق - ۰۸:۲۶

ای از تو چراغ دیده روشن
ای در تو صفای باغ و گلشن
تو جلوه مهر عالم افروز
آن شمع خموش در گهت من
ای چشم و چراغ آشنایی
ای مظهر قدرت خدایی
چون ماه نهفته در پس ابر
رخساره به ما نمی نمایی
تو صبح بهار شادی انگیز
من همچو غروب سرد پاییز
من جام تهی ز شور مستی
تو ساغری از نشاط لبریز
ای نغمه گر عشق بردی تو ز هوشم
آواز تو گردید آویزه گوشم
آورده می نوشت در جوش و خروشم
خمخانه هستی را بنهاد به دوشم
هر جا که گلی به خنده بشکفت
با من سخن از رخ تو می گفت
چون چشم ستاره تا سحرگاه
با یاد تو چشم من نمی خفت

۳- چراغ زندگی - ۰۶:۴۲

بی تو ای آرام جان شعله دارم بر زبان
روز و شب سوزم ز داغ زندگی
من جدا از کاروان مانده ام از هم‌رهان
بر سراب آرزو دل بسته‌ام
در غبار بیکسی بنشسته ام
همچو برگ‌گی از خزان افتاده در راهم خدایا
با دلی افسرده در توفانی از آهم خدایا
کو مرا حالی که در هستی تو را خوانم خدایا
کو مرا مستی که تا دستی برافشانم خدایا
چو مرغ شب تنها به دامن شبها
برآورم آوا غم جدایی را
نوا ی شیرینم صدای فرهادم طنین مجنونم ترانه ی لیلا
نشسته ام به راه تو مگر شبی باز آیی
فروغ جان خسته ام شقایق صحرایی
بیا بیا که ره برم به عالم شیدایی
مگر رها رها شوم ز محنت تنهایی

۴- قصه عشق - ۰۸:۴۵

بیا که گل جوانه کرده
دلیم پر از ترانه کرده
بخوان که محنت زمانه
دل مرا نشانه کرده
بخوان که خاطرم هوای
سرود عاشقانه کرده
بزن چو باد نوبهاری
سری به آشیانه ما
که سر کشد به چرخ گردون
سرود جاودانه ما
بیا که در دلم بسی قصه ناشنوده دارم
بیا که چون غنچه به کف سیوی ناگشوده دارم
بخوان ترانه ای نو
حدیث تازه سر کن
دهان بلبلان را
به نغمه پر شکر کن
بیا بخوان ترانه ای به گوش جانم
بیا ببر به عالم فرشتگانم
بیا که در دلم بسی قصه ناشنوده دارم
بیا که چون غنچه به کف سیوی ناگشوده دارم
بخوان ترانه ای نو
حدیث تازه سر کن
دهان بلبلان را
به نغمه پر شکر کن
بیا بخوان ترانه ای به گوش جانم
بیا ببر به عالم فرشتگانم

۵- سرود جاودانه ۰۷:۴۲

بیا که گل جوانه کرده دلم پر از ترانه کرده
بخوان که محنت زمانه دل مرا نشانه کرده
بخوان که خاطر م هوای سرود عاشقانه کرده
بزن چو باد نوبهاری صلیب آشیانه ی ما
چه سرکشد به چرخ گردون سرود جاودانه ی ما
بیا که در دلم بسی قصه ی ناشنوده دارد
بیا چون غنچه ی به کف سبوی ناگشوده دارم
بخوان ترانه ای نو حدیث تازه سر کن
دهان بلبلان را به نغمه پر شکر کن
بیا بخوان ترانه به گوش جانم
بیا ببر به عالم فرشتگانم

در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد
در بزم جهان جز دل حسرت کش ما نیست
آن شمع که می سوزد و پروانه ندارد
در انجمن عقل فروشان ننهیم پای
دیوانه سر صحبت فرزانه ندارد
در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد
تا چند کنی قصه ی اسکندر و داراب
تا چند کنی قصه ی اسکندر و داراب
ده روزه ی عمرده روزه ی عمر
این همه افسانه ندارد
در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد

۷- بهشت آرزو- ۰۷:۴۱

ای بهشت آرزو ای لاله رو تابنده رخسار
ای نگاهت جرعه نوش بزم هستی
ای صفایت پرده پوش شور و مستی
پر گشایم سوی تو ای روی تو خندان
چو گلزار ای بهشت آرزو ای لاله رو تابنده رخسار
ای نگاهت جرعه نوش بزم هستی
ای صفایت پرده پوش شور و مستی
به سوی تو آیم چو باد بهاران ترانه سرا
برای تو خوانم چو بلبل عاشق به شور و نوا
بهار امیدی امید و نویدی به دیده ما شکفته
چو جانی چو جان جهانی کمال صفا
بیا نظر کن به چمن درخت گل ناز سمن
ببین به هر سو رخ گل شکفته در دشت و دمن
خوش آنکه در چنین هوا به روی ما چو نغمه ها کند
زدست غم رها جانش را کند زدست غم رها جانش را
درین بهار عاشقان شکفته رو چو ارغوان ترانه های خوش
بخوان روح افزا ترانه های خوش بخوان روح افزا
تو ای فرشته خوی من بهشت آرزوی من
بگو کجایی بگو کجایی
پر گشایم سوی تو ای روی تو خندان
چو گلزار ای بهشت آرزو ای لاله رو تابنده رخسار
ای نگاهت جرعه نوش بزم هستی
ای صفایت پرده پوش شور و مستی

۸- خورشید شبستان ۰۷:۴۰

شب سیمای عاشقان / روشن چون ستارگان
مه رقصان در دل صحرا / عشق این دشت بیکران
نقشی داده بر جهان / موجی افکنده به دریا
ریزد چشم آسمان / می در جام ارغوان
ساقی از پرده درآید / تا از خود رها شوی
با او آشنا شوی / خورشیدت چهره گشاید
بنگرید ای عاشقان با سینه سوزی / لاله روشن شد به باغ گل فروزی
مشکن عهد مرا ای ساقی / پر کن جام وفا ای ساقی
شاید ز نو بگیرم / من ساغر مستی را
آینه از دل سازم / پیمانه هستی را
شوری بودم شیرین / با نغمه سرایی
سوزی زنده بر دل / گلبانگ رهایی
در یک شب مهتابی / بر دامن سروستان
باشد که نهم سر / از کوچه شیدایی
سوی چمن شادی / خواهم بزخم پر
ای دل ، غافل ، تا کی ، بازابه گلستان
بنگر ، چون گل ، رویش ، در ساغر مستان
از ره ، چون شب ، آمد ، آن نوگل خندان
باشد ، ای جان ، یادش ، خورشید شبستان

پروفایل:

نام آلبوم: دو بخش صوتی (گرفتار) و تصویری (جاده ابریشم)

سال انتشار: فروردین ۱۳۸۹

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی - سنتی

شماره مجوز: ۷۴۱۸

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: شرکت ایران مولانا - شرکت آوای باربد

مدت زمان: ۷۹

تعداد قطعات: گرفتار (۷ قطعه) _ جاده ابریشم (۷ قطعه)

قطعات آلبوم گرفتار (صوتی) ۱- یوسف عزیز ۲- پریدم ۳- گرفتار ۴- وقت دعا ۵- تو آمدی ۶- یا علی ۷- زندگی

آلبوم جاده ابریشم (کنسرت تصویری) ۱- پیام صلح ۲- مرد سفر ۳- سرمست ۴- بنی آدم ۵ دو بیتی ۶- سرخوشان ۷- ایران مهد هنر

آهنگساز: جلیل عندلیبی

نوازندگان: گروه مولانا

تنظیم:

ضبط: استودیو

گاه نگاری: تنها تو می مانی... شب کوچه ها

اجرای نخست: فستیوال های چین - کنسرت راه ابریشم (اجرای گروه مولانا در ژاپن - سال ۱۳۶۸) | غزل از:

سعدی | آهنگساز و رهبر گروه: محمد جلیل عندلیبی | دستگاه: راست پنجگاه | بنی آدم اعضای ..

۱- یوسف عزیز ۶:۲۱

ای آن که از عزیزی در دیده جات کردند
دیدنی که جمله رفتند تنها رها کردند
ای یوسف امانت آخر برادرانت
بفروختندت ارزان و اندک بهات کردند
آن‌ها که این جهان را بس بی‌وفا بدیدند
راه اختیار کردند ترک حیات کردند
بسیار خصم داری پنهان و می‌نبینی
کاین جمله حیلہ کردی ویشانت مات کردند
شاهان که نابدیدند چون حال تو بدیدند
از مهر و از عنایت جمله دعائ کردند
با ساکنان سینه بنشین که اهل کینه
مانند طفل دینه بی‌دست و پات کردند
آن‌ها نهفتگانند وین‌ها که اهل رازند
از رنگ هم‌چو چنگی باری دوتات کردند
اندیشه کن از آن‌ها کاندیشه‌ها ت دانند
کم جو وفا از این‌ها چون بی‌وفات کردند

ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم
امید ز هر کس که بریدیم بریدیم
دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند
از گوشه بامی که پریدیم پریدیم
رم دادن صید خود از آغاز غلط بود
حالا که رماندی و رمیدیم رمیدیم
کوی تو که باغ ارم روضه خلد است
انگار که دیدیم ندیدیم ندیدیم
سد باغ بهار است و صلاهی گل و گلشن
گر میوه یک باغ نجیدیم نجیدیم
سرتا به قدم تیغ دعاییم و تو غافل
هان واقف دم باش رسیدیم رسیدیم
وحشی سبب دوری و این قسم سخنها
آن نیست که ما هم نشنیدیم شنیدیم

پریشان خاطر مِرحمی نما بر چشم گریانم
بروی همچو روز و موی چون شامت قسم جانا
که دور از روی و مویت روز را از شب نمی دانم
دگر طاقت نمانده است ای مه آزارم مده آخر
نه از سنگم نه از آهن دل و جان دارم انسانم
نمی دانی تنم در آتش عشق تو می سوزد؟
چرا رحمت نمی آید عزیزم دلبرم جانم
دل پر غم شد از دوری بیا دیگر که با شادی
ز گنج دیده بی پایان بیایت گوهر افشانم
دمد گر از دلم آتش رود گر بر سرم طوفان
دل از مهرت نمی گیرم سر از امرت نییچانم

۴- وقت دعا ۵:۴۹

خیز و صبحی که شده در صلاه خیز که صبح آمد و وقت دعا
کوزه پر از می کن و در کاسه ریز خیز و مزین خنیک و برگشا
دار بگردان و مرا ده نخواست جان مرا تازه کن ای جان فضا
خیز که از هر طرفی بانگ چند در فلک انداخته ندا و صدا
دار و بگردان و مرا ده نخواست جان مرا تاز کن ای جان فضا
زان کف دریا صفت در نثار آب در انداز چو کشتی مرا
خیز و صبحی که شده در صلاه خیز که صبح آمد و وقت دعا
کوزه پر از می کن و در کاسه ریز خیز و مزین خنیک و برگشا
جز ز خداوندی تو کی رسد صبر و قراری این دل دیوانه را
تیغ برآورده دل آفته را گور دلی گوشه ی ویرانه را

۵- تو آمدی ۱۳:۰۶

تو آمدی شب از خانه دل رفت و سحر شد
ز شادی دلم عاقل و دیوانه خبر شد
تو آمدی دوباره جان گرفتم من سرگشته هم سامان گرفتم
نشسته ام بر سر سجاده عشق مرادم من از جانان گرفتم
جام دل شکسته اگر گفته ام بعد نظر بشکنی بار دیگر وای بر تو
گر ز راه بی خبری یاد من ز دل ببری بگذری ز چشم غریب وای بر تو
ای امید زندگی ام زنده ام به خاطر تو عشق من صداقت من نشد اگر باور تو
تو آمدی شب از خانه دل رفت و سحر شد
ز شادی دلم عاقل و دیوانه خبر شد
تو آمدی دوباره جان گرفتم من سرگشته هم سامان گرفتم
نشسته ام بر سر سجاده عشق مرادم من از جانان گرفتم

۶- یا علی ۸:۲۹

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
در رخت از پا فتادم یا علی دستم بگیر
سر به سودای تو دادم یا علی دستم بگیر
در میان گریه میخندم چو ابر نوبهار
با غمت پیوسته شادم یا علی دستم بگیر
سایه بان خستگی های یا علی مهر تو بود
حاصل ما از دو دنیا یا علی مهر تو بود
در شب دریای طوفانی و امواج بلا
ساحل آرامش ما یا علی مهر تو بود
دین حق را هیچ راهی یا علی غیر از تو نیست
بی پناهان پناهی یا علی غیر از تو نیست
یا علی گفتیم و از غم ها رهایی یافتیم
عاشقان را تکیه گاهی یا علی غیر از تو نیست
غیر تو یاری ندارم یا علی دستم بگیر
سر به پایت میگذارم یا علی دستم بگیر
از تو من سرشارم با یاد تو تا اوج عشق
رهسپارم رهسپارم یا علی دستم بگیر

۷- زندونی ۰۷:۰۷

آن نگاه گرم تو جام شرابه زندگی بی چشم تو رنج و عذابه
آه من ترسم شدی دامت بگیرد دامت بگیرد
با دلوم بازی مکن عاشق و اسیره
یه شب از روی صفا با دلوم وفا کن با دلوم وفا کن
یا وفا کن با دلوم یا مارو رها کن یا مارو رها کن
می شکنی شیشه دلوم قدرشو ندونی قدرشو ندونی
مهر اونی با همه با من و دل و من نامهربونه
آن نگاه گرم تو جام شرابه زندگی بی چشم تو رنج و عذابه
آه من ترسم شدی دامت بگیرد دامت بگیرد

۱- متن آهنگ پیام صلح ۰۷:۱۸

چرا گشته همه ماتم خدایا این جهان تو
گرفته ابر و مه از غم زمین و آسمان تو
فارغ از هر غمی کن بنا عالمی دل هر آدمی شود حریم عشق و محبت
کسی نبیند اندوه و محنت در پی آرزو گشته ام کو به کو
نه نشانی از او و نه مانده راهی چرا الهی
چه امیدی به فردایی در این هنگامه غوغا
شده این هم معمایی هم با هم ولی تنها
کی شود ای خدا که تمام جهان یک دل و یک زبان
پیام صلحی به هم رسانند سرود شادی باهم بخوانند
دعای مادران دیگر چه سرد و بی اثر مانده
خدایا رحمت و رحمی به دنیایی که درمانده
تازه چون شبی کن بنا عالمی هر نفسی هر دمی به گل نشیند
بهار شادی دلی نلرزد ز نامرادی برسان ای خدا منجی آشنا
چاره درد ما که بی قراریم چشم انتظاریم به مقدم او جان می سپاریم
سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی
دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

۲- متن آهنگ مرد سفر ۰۷:۳۷

تا تو ز هستی خود زیر و زیر نگردی
در نیستی مطلق مرغی بپر نگردی
زین ابر تر چو باران بیرون شو و سفر کن
زیرا که بی سفر تو هرگز گهر نگردی
این پرده ٔ نهادت بر در ز هم که هرگز
در پرده ره نیابی تا پرده در نگردی
گر با تو خلق عالم آید برون به خصمی
گر مرد این حدیثی زنهار برنگردی
ور بر تو نیز بارد ذرات هر دو عالم
هان تا به دفع کردن گرد سپر نگردی
گرچه میان دریا جاوید غرقه گشتی
هش دار تا ز دریا یک موی تر نگردی
گر عاقل جهانی کس عاقلت نخواند
تا تو ز عشق هر دم دیوانه تر نگردی
گر تو کبود پوشی همچون فلک درین راه
همچون فلک چرا تو دایم به سر نگردی
عطار خاک ره شو زیرا که اندرین راه
بادت به دست ماند خاک ره ار نگردی

۳- تصنیف سرمست در گوشه مخالف سه گاه ساخته جلیل عندلیبی با صدای علیرضا افتخاری ضبط شده در سال ۱۳۶۸ در

صدا و سیما

سرمست ز کاشانه به گلزار برآمد
غلغل ز گل و لاله به یک بار برآمد
مرغان چمن نعره زنان دیدم و گویان
زین غنچه که از طرف چمنزار برآمد
آب از گل رخساره او عکس پذیرفت
و آتش به سر غنچه گلنار برآمد
کام دلم آن بود که جان بر تو فشانم
آن کام میسر شد و این کار برآمد

۴- دوبیتی ۱۰:۳۴

چنان در قید مهرت پای بندم
که گویی آهوی سر در کمندم
گاهی بر درد بی درمان بگیریم
گاهی بر حال بی سامان بخندم
مرا هوشی نماند از عشق و گوشی
که پند هوشمندان کار بندم
مجال صبر تنگ آمد به یک بار
حدیث عشق بر صحرا فکندم
نه مجنونم که دل بردارم از دوست
مده گر عاقلی ای خواجه پندم
چنین صورت نبندد هیچ نقاش
معاذالله من این صورت نبندم
چه جان ها در غمت فرسود و تن ها
نه تنها من اسیر و مستمندم
تو هم باز آمدی ناچار و ناکام
اگر باز آمدی بخت بلندم
گر آوازم دهی من خفته در گور
برآساید روان دردمندم
سری دارم فدای خاک پایت
گر آسایش رسانی ور گزندم
و گر در رنج سعدی راحت توست
من این بیداد بر خود می پسندم

۵- متن آهنگ سرخوشان ۰۷:۲۲

ما سرخوشان مست دل از دست داده ایم
همراز عشق و همنفس جام باده ایم
بر ما بسی کمان ملامت کشیده اند
تا کار خود ز ابروی جانان گشاده ایم
ای گل تو دوش داغ صبحی کشیده ای
ما آن شقایقی که با داغ زاده ایم
پیر مغان ز توبه ما گر ملول شد
گو باده صاف کن که به عذراستاده ایم
کار از تو می رود مددی ای دلیل راه
کانصاف می دهیم و ز راه اوفتاده ایم
چون لاله می مبین و قدح در میان کار
این داغ بین که بر دل خونین نهاده ایم
گفتی که «حافظ» این همه رنگ و خیال چیست
نقش غلط مبین که همان لوح ساده ایم

۶- ایران مهد هنر (نام تو جاوید، ایران ای میهن)- جواد آذر ۵۰:۴۰

نام تو جاوید ایران ای میهن ای همه خورشید ایران ای میهن ای مهد هنر
چشم عروس هنر را سرمه خاک تو باد ای قله ی فتح اوج کمال فضیلت خاک
پاک تو باد بمان جاوید به سرسبزی ای تو سرو چمن به توفانها نیاندیشد
کاو از موج و ستم ایران ایران سرای عشق و شرم از گردی که نشیند
به رخت مفکن چین به جبین کآینه نکند رخ به آبی پرچین ای دلت روشن ز رخت چین بر چین

پروفايل:

نام آلبوم: به دنبال دل ۱

سال انتشار: ۱۳۸۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۲/۴۶۶۱

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: کانون فرهنگی-هنری نی داوود

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- سنگ خارا ۲- زمانه ی ما ۳- به دنبال دل ۴- خاطره ی یک شب ۵- نگرانتم ۶- رفتم که رفتم ۷- ثمر گلها ۸- دیدی که رسوا شد دلم

آهنگساز: استاد علی تجویدی

ترانه سراها: رحیم معینی کرمانشاهی- رهی معیری

نوازندگان:

تنظیم: بهزاد خدا رحمی

ضبط:

گاه نگاری:

۱- سنگ خارا^{۴۳} ۸:۲۹

جای آن دارد که چندی هم‌ره صحرا بگیرم

سنگ خارا را گواه این دل شیدا بگیرم

مو به مو دارم سخن‌ها

نکته‌ها از انجمن‌ها

بشنو ای سنگ بیابان

بشنوید ای باد و باران

با شما هم‌رازم اکنون

با شما دم‌سازم اکنون

جای آن دارد که چندی هم‌ره صحرا بگیرم

سنگ خارا را گواه این دل شیدا بگیرم

مو به مو دارم سخن‌ها

نکته‌ها از انجمن‌ها

بشنو ای سنگ بیابان

بشنوید ای باد و باران

با شما هم‌رازم اکنون

با شما دم‌سازم اکنون

شمع خود سوزی چو من، در میان انجمن

گاهی اگر آهی کشد، دل‌ها بسوزد

گاهی اگر آهی کشد، دل‌ها بسوزد

یک چنین آتش به جان مصلحت باشد همان

با عشق خود تنها شود، تنها بسوزد

با عشق خود تنها شود، تنها بسوزد

من یکی مجنون دیگر، در پی لیلای خویشم

عاشق این شور و حال، عشق بی پروای خویشم

تا به سویش ره سپارم، سر ز مستی بر ندارم

من پریشان حال و دلخوش، با همین دنیای خویشم

جای آن دارد که چندی هم‌ره صحرا بگیرم

سنگ خارا را گواه این دل شیدا بگیرم

مو به مو دارم سخن‌ها

نکته‌ها از انجمن‌ها

بشنو ای سنگ بیابان

^{۴۳}. اصل ترانه از بانو مرضیه

۲- زمانه ی ما ۰۷:۱۹

نمانده چرا
در زمانه ما
رنگ مهر و وفا
عشق و صدق و صفائی
خدایا، خدایا، خدایا
کشد به کجا
کار اهل صفا
ای رقم زن ما
تابه کی ناروائی
خدایا، خدایا، خدایا
کجا بگریزم که غم نشناسد نشاط مرا
چه چاره کنم تا زمانه بفهمد زبان مرا
غمم به سرو آتشم به دل و بسته لب ناله کردم
دلی نشود تا خبر زغمم نیمه شب ناله کردم
به جلوه همی در دل جمع خوبان نشست توئی
به شکوه همی در پی عمر کوتاه فتاده منم
به خنده همی دامن از دست یاران کشیده توئی
به گریه همی سر به دامان صحرا نهاده منم
دگر چه بود لطف این زندگانی
تهی چو شود ساغر مهربانی
نمانده چرا
در زمانه ما
رنگ مهر و وفا
عشق و صدق و صفائی
خدایا، خدایا، خدایا
کشد به کجا
کار اهل صفا
ای رقم زن ما
تابه کی ناروائی
خدایا، خدایا، خدایا

۳- به دنبال دل ۰۶:۱۸

من طالب وصلت نبودم
گر سوی بامت پر گشودم
گفتم مگر جویم تو را در خلوت دل
دنبال دل افتاده ام منزل به منزل
افتان و خیزان می روم صحرا به صحرا
طوفان عشقم می کشد دریا به دریا
کو آنکه داند مشکل من
این محنت بی حاصل من
تا کی خداوندا جدایی
این محنت بی حاصل من
وای از من و وای از دل من
آن شور تو آن تاب من کو
آن خلوت مهتاب من کو
کودیده بی خواب من
کو آن دل بی تاب من کو کو کو
آن حالت آشفته ام کو
راز به عالم گفته ام کو
اشک چون سیلاب من
آن دیده بی خواب من کو کو کو
افتان و خیزان می روم صحرا به صحرا
طوفان عشقم می کشد دریا به دریا
کو آن که داند مشکل من
این محنت بی حاصل من
تا کی خداوندا جدایی
وای از من و وای از دل من
گفتم مگر جویم تو را در خلوت دل
دنبال دل افتاده ام منزل به منزل

۴- خاطره ی یک شب ۵:۲۷

یادش به خیر آن شب خوش که نوشیدم از دست تو جامی
زان دگر که بی خبر گشتی عاشق بی سر انجامی
یادش به خیر آن شب خوش که نوشیدم از دست تو جامی
زان دگر که بی خبر گشتی عاشق بی سر انجامی
بعد از آن شب دگر مستم و بی خبر
من نیارم به لب غیر نامت کلامی
تو هم یاد ماکن گهی با سلام و پیامی
کاش آن دل ناشکیبای ما
در آن شب عشق و رویای ما
تا ابد مست و مدهوش از آن باده می شد
چه می شد جهان گر به کام دو دل داده می شد
از آن شبها چه کشیده ام خدا کند تو هم بدانی
به جز رنج و غم ندیده ام خدا کند تو هم بدانی
یار کسی شو که قدرت بداند
خاک رخت را به مژگان نشانند
یادش به خیر آن شب خوش که نوشیدم از دست تو جامی
زان دگر که بی خبر گشتی عاشق بی سر انجامی

۵- نگرانم ۵۲:۰۶

کام جهان از تو و این سوز نهان از من
عیش مدام از تو و این اشک روان از من
ناله شبها ز من و بزم طرب از تو
بخت جوان از تو و غم های جهان از من
نگرانم نگرانم که تو یار دگرانی
تو عزیز من و اما به کنار دگرانی
بگذر دیگر ز جان من تنها شدم جانا
دیگر من هم به جان تو رسوا شدم جانا
بگذشته ز مستی از نی زده گانم
رسوایی جمع رسوا شدگانم
نگرانم نگرانم که تو یار دگرانی
تو عزیز من و اما به کنار دگرانی
چه کرده ام چه گفته ام کاین عمر گرامی با غم به سر آرم
با کار کسی من کاری که ندارم
من بی دل عمری تنها بودم بودم
به امید وصل فردا بودم بودم
چه کرده ام چه گفته ام کاین عمر گرامی با غم به سر آرم
با کار کسی من کاری که ندارم
من بی دل عمری تنها بودم بودم
به امید وصل فردا بودم بودم
نگرانم نگرانم که تو یار دگرانی
تو عزیز من و اما به کنار دگرانی
کام جهان از تو و این سوز نهان از من
عیش مدام از تو و این اشک روان از من
ناله شبها ز من و بزم طرب از تو
بخت جوان از تو و غم های جهان از من
نگرانم نگرانم که تو یار دگرانی
تو عزیز من و اما به کنار دگرانی

۶- رفتم که رفتم^{۴۴} ۰۹:۰۸

از برت دامن کشان رفتم ای نامهربان
از من آزرده دل کی دگر بینی نشان
رفتم که رفتم
از برت دامن کشان رفتم ای نامهربان
از من آزرده دل کی دگر بینی نشان
رفتم که رفتم
از من دیوانه بگذر
بگذر ای جانانه بگذر
هر چه بودی
هر چه بودم
ناگهان رفتم که رفتم
شمع بزم دیگران شو
جام دست این و آن شو
هر چه بودی
هر چه بودم
ناگهان رفتم که رفتم
بعد از این کنفراموشم که رفتم
دیگر از دست تو می نمی نوشتم که رفتم
بادل زود آشنا
گشتم از دامت رها
بی وفا بی وفا بی وفا
رفتم که رفتم
من نگویم که به درد دل من گوش کنید
بهتر آن است که این قصه فراموش کنید
عاشقان را بگذارید بنالندهمه
مصلحت نیست که این زمزمه خاموش کنید
شمع بزم دیگران شو
جام دست این و آن شو
هر چه بودی
هر چه بودم
ناگهان رفتم که رفتم

^{۴۴}. باز خوانی و باز نوازی ترانه ای از بانو مرضیه و شکیلا.

۷- ثمر گلها ۰۵:۲۰

به نسیم سحر خبر آمد
که سیاهی شب بسر آمد
تو که می زده ای چه نشستی
که سپیده دمان سحر آمد
به سوی بستان شو
به بساط چمن قدمی کن
که صفات گلی بدمیده
به لطافت لاله شبنم
به فراقت او نرسیده
چو غنچه خندان شو
زان کی ارض نوین کندد گلها زده شد
بنگر که چه زیبا گلی آمد به چمن
هر بلبل از گلشنی آمد به سخن
بنگر که چه زیبا گلی آمد به چمن
هر بلبل از گلشنی آمد به سخن
بادی به گردش آورد جام جهان نمارا
مطرب ترانه خوان شد بادفرح فزا را
بیند چو به گلشن چه مبارک ثمری
دلها شده شادان ز جنون دگری
بیند چو به گلشن چه مبارک ثمری
دلها شده شادان ز جنون دگری

۸- دیدی که رسوا شد دلم^{۴۵} ۱:۰۶

دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
دیدی که من با این دل / بی آرزو عاشق شدم
با آن همه آزادگی / بر زلف او عاشق شدم
عاشق شدم / ای وای اگر صیاد من
غافل شود از یاد من / قدرم نداند
فریاد اگر از کوی خود / وز رشته ی گیسوی خود
بازم رهاند / دیدی که رسوا شد دلم
غرق تمنا شد دلم / دیدی که من با این دل
بی آرزو عاشق شدم / با آن همه آزادگی
بر زلف او عاشق شدم / عاشق شدم
ای وای اگر صیاد من / غافل شود از یاد من
قدرم نداند / فریاد اگر از کوی خود
وز رشته ی گیسوی خود / بازم رهاند
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
در پیش بی دردانچرا / فریاد بی حاصل کنم
گر شکوه ای دارم ز دل / با یار صاحبدل کنم
وای ز دردی که درمان ندارد / فتادم به راهی که پایان ندارد
از گل شنیدم بوی او / مستانه رفتم سوی او
تا چون غبار کوی او / در کوی جان منزل کند
وای ز دردی که درمان ندارد / فتادم به راهی که پایان ندارد
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
دیدی که در گرداب غم / از فتنه ی گردون رهی
افتادم و سرگشته چون / امواج دریا شد دلم
افتادم و سرگشته چون / امواج دریا شد دلم
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم
دیدی که رسوا شد دلم / غرق تمنا شد دلم

^{۴۵}. بازخوانی و بازنوازی ترانه ای از بانو مرضیه.

پروفايل:

نام آلبوم: شور عشق

سال انتشار: ۱۳۷۴

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی

شماره مجوز: ۳/۱۳۷۷ ت

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: موسسه ساریانگ

مدت زمان: ۵۹ دقیقه و ۳۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۱ قطعه

۱- شور عشق ۲- بهار ۳- شور عشق ۴- گریه ۵- قطعه رهایی ۶- محرم راز ۷- نیاز ۸- ساقی ۹- ساقی ۱۰- ازلی ۱۱- شور عاشقانه

آهنگساز: فریدون شهبازیان^{۴۶}

نوازندگان:

تکنواز سنتور: پشنگ کامکار

تکنواز تار: شهرام میر جلالی

نوازنده کمانچه مهمان: هابیل علی اف

۴۶

بخشی از تکلمه فریدون شهبازیان بر روی نوار کاست: (ایشان این البوم را بهترین کار خود می دانند).

از دغدغه موسیقی ایرانی که بشود در مجامع هنری جهان عرضه کرد. اینکه البوم شور عشق راه هموار و مناسبی برای این نیاز ارائه می دهد. استفاده از تکنیک های موسیقی ارکسترال ، هارمونی، کنتر پوان و موسیقی فونیک از یک سو و جنبه های پیچیده ی موسیقی سنتی از سوی دیگر سود برده است. ادعا میشود این البوم بر مبنای سبک موسیقی ملی ایران است.

تنظیم:

ضبط: -

گاہ نگاری: ناز نگاہ... مہمان تو

صدا گذاری: حسن عسگری

نقاش: سیاوش مظلومی پور

خط: بیژن بیژنی

طراح: مصطفی معظمی

۱- ترانه شور عشق- بر مبنای ملودی حسین شهبازیان- شعر فخرالدین عراقی ۰۶:۴۸

عشق شوری در نهاد ما نهاد
جان ما در بوته سودا نهاد
گفت و گویی در زبان ما فکند
جست و جویی در درون ما نهاد
داستان دلبران آغاز کرد
آرزویی در دل شیدا نهاد
قصه خوبان به نوعی باز گفت
آتشی در پیر و در برنا نهاد
عقل مجنون در کف لیلا سپرد
جان وامق بر لب عذرا نهاد
بهر آشوب دل سوداییان
خال فتنه بر رخ زیبا نهاد
از پی برگ و نوای بلبلان
رنگ و بویی بر گل رعنا نهاد
فتنه ای انگیخت شوری برفکند
در سرا و شهر ما چون پا نهاد

۲- ترانه بهانه- ساز و آواز - شعر ۱.۵. سایه ۱۲:۴۰

ای عشق همه بهانه از توست
من خامشم این ترانه از توست
آن بانگ بلند صبحگاهی
وین زمزمه ی شبانه از توست
من انده خویش را ندانم
این گریه ی بی بهانه از توست
ای آتش جان پاکبازان
در خرمن من زبانه از توست
افسون شده ی تو را زبان نیست
ور هست همه فسانه از توست
کشتی مرا چه بیم دریا ؟
توفان ز تو و کرانه از توست
گر باده دهی و گرنه ، غم نیست
مست از تو ، شرابخانه از توست
می را چه اثر به پیش چشمت ؟
کاین مستی شادمانه از توست
پیش تو چه توسنی کند عقل ؟
رام است که تازیانه از توست
من می گذرم خموش و گمنام
آوازه ی جاودانه از توست
چون سایه مرا ز خاک برگیر
کاینجا سر و آستانه از توست

۳- گریه- سازو آواز - هوشنگ ابتهاج ۰۳:۰۹

شبی بود و بهاری در من آویخت
چه آتشیها ، چه آتشیها برانگیخت
فرو خواندم به گوشش قصه عشق
چو باران بهاری اشک می ریخت
بوی خوش تو هرکه ز باد صبا شنید
از یار آشنا نفس آشنا شنید
یا رب کجاست محرم رازی که یک زمان
دل شرح آن دهد که چه دید و چها شنید
محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید

۴- ترانه محرم راز- بر مبنای ملودی نغمه- شعر حافظ ۰۲:۲۵

بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید
از یار آشنا نفس آشنا شنید
یارب کجاست محرم رازی که یک زمان
دل شرح آن دهد که چه گفت و چه ها شنید
محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید
بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید
از یار آشنا نفس آشنا شنید
یارب کجاست محرم رازی که یک زمان
دل شرح آن دهد که چه گفت و چه ها شنید
محروم اگر شدم ز سر کوی او چه شد
از گلشن زمانه که بوی وفا شنید

۵- ساقی- ساز و آواز- شعر ۱۵. سایه ۴:۳۹

بیا ساقی آن می که چون گل کند
همه باغ پر بانگ بلبل کند
به من ده که چون گل بخواهم شکفت
که راز شکفتن نشاید نهفت
بده ساقی آن می که هستم هنوز
همان عاشق می پرستم هنوز
به مستی که جان در سر می کنم
همه عمر در پای خم طی کنم
بیا ساقی آن می که خون حیات
از اوشد روان در رگ کائنات
به من ده که خورشید رخشان شوم
ز گنج نهان گوهر افشان شوم
بده ساقی آن می که جان بهار
از او جرعه ای خورد و شد پرنگار
به مستی شبی در گلستان بخت
سحر رنگ و بو گشت و شکفت
بیا ساقی آن می که جان آفرید
به من ده که جان جامه بر تن درید
کجا تن کشد بار هنگامه اش
که او جان جان است و جان جامه اش

۶- ازلی- ساز و آواز- شعر ۱۵. سایه ۱۱:۲۲

چو شب به راه تو ماندم که ماه من باشی
چراغ خلوت این عاشق کهن باشی
بسان سبز پریشان سرگذشت شبیم
نیامدی که مهتاب این چمن باشی
تو بار خواجه نگشتی به صد هنر هیئات
که بر مراد دل بی قرار من باشی
تو را به آینه داران چه التفات بود
چنین که شیفته حسن خویشتن باشی
دلم ز نازکی خود شکست در غم عشق
وگر نه از تو نیاید که دل شکن باشی
وصال آن لب شیرین به خسروان دادند
تو را نصیب همین بس که کوه کن باشی
خמוש سایه که فریاد بلبل از خامیست
چو شمع سوخته آن به که بی سخن باشی

۷- ترانه شور عاشقانه- بر مبنای ملودی مرتضی نی داوود - شعر فریدون مشیری ۰۶:۰۶

با یادت سرمستم ، ای نگار آسمانی یادم کن تا هستم ، ای امید زندگانی
حال دل می گویم با زبان بی زبانی
هر لبخندت با من گوید دل مده به دست غم در این عالم
بنشین با عشق تا گل روید زین شب خزانی
تا که از نگاه تو ، نور شادی می بارد
دل ز مهربانیت ، شور و شادی ها دارد
با تو خزان من بهاران با تو شوم ستاره باران از نور افشانی
چه بخواهی ، چه نخواهی دل عاشق ، ره تو پوید به هر نشانی
دل و جان سرمست از شوق نگاه تو همه جا حیرانم دیده به راه تو
که بدین روح افزایی زیبایی ، رویایی چون بهشت جاودانی
چه شود گر ، باز آیی ، چون نفس ، باد سحر
می رسدم ، جان دگر ، دیده کشد ، سوی تو پر
همسفرم ، شو ، که می توانی
پر و بالم را ، با دیدارت ، کی بگشایی تب و تابم را ، با لبخندت ، کی بنشانی
با یادت سرمستم ، ای نگار آسمانی یادم کن تا هستم ، ای امید زندگانی

پروفایل:

نام آلبوم: هوای تو

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۵۴۰۹ ت

کد کتابخانه ملی: ۹۹۹۶ و

حق کپی رایت: سروش

مدت زمان: ۴۴ دقیقه و ۳۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۹ قطعه

۱- افسانه عمر ۲- چشم نرگس ۳- هوای تو ۴- مبتلا ۵- شاهد افلاکی ۶- آتش عشق ۷- داغ تنهایی ۸- افسانه عمر (بی کلام) ۹- خواب پریشان

آهنگساز: محمد رضا چراغعلی

نوازندگان:

ویلن: علی جعفری - میثم مروستی - بردیا کیارس - عماد رضا نکویی

ویلنسل: کریم قربانی

تنبک: محمود فرهمند

دف - تنبک: همایون نصیری (قطعه خواب پریشان)

تار: شهریار فریوسفی (قطعه : چشم نرگس)

باقلاما: بهزاد رواقی (قطعه خواب پریشان)

آکاردئون: مسعود مساوات

پیانو و سازهای الکترونیک: محمد رضا چراغعلی

تنظیم:

ضبط: استودیو سروش

صدابرداران: مهدی گوهریان - وحید بقراط پور

گاه نگاری:

۱- افسانه عمر- پژمان بختیاری ۰۴:۱۱

در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد
در بزم جهان جز دل حسرت کش ما نیست
آن شمع که می سوزد و پروانه ندارد
در انجمن عقل فروشان ننهیم پای
دیوانه سر صحبت فرزانه ندارد
در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد
تا چند کنی قصه ی اسکندر و داراب
تا چند کنی قصه ی اسکندر و داراب
ده روزه ی عمر ده روزه ی عمر
ده روزه ی عمر این همه افسانه ندارد
ده روزه ی عمر ده روزه ی عمر
ده روزه ی عمر این همه افسانه ندارد
در کنج دلم عشق کسی خانه ندارد
کس جای در این خانه ی ویرانه ندارد
دل را به کف هر که دهم باز پس آرد
کس تاب نگه داری دیوانه ندارد

۲- چشم نرگس- شوریده اعمی ۰۹:۰۴

خواهم که بر زلفت ، زلفت ، زلفت
هر دم زخم شانه هر دم زخم شانه
ترسم پریشان کند بسی
حال هر کسی چشم نرگست
مستانه مستانه مستانه مستانه
خواهم بر آبرویت ، رویت ، رویت
هر دم کشم وسمه هر دم کشم وسمه
ترسم که مجنون کند بسی
مثل من کسی چشم نرگست
دیوانه دیوانه دیوانه دیوانه
یک شب بیا منزل ما
حل کن دو صد مشکل ما
ای دلبر خوشکل ما
دردت به جان ما شد
روح و روان ما شد
خواهم که بر چشمت ، چشمت ، چشمت
هر دم کشم سرمه هر دم کشم سرمه
ترسم پریشان کند بسی
حال هر کسی چشم نرگست
مستانه مستانه مستانه مستانه
خواهم که بر رویت ، رویت ، رویت
هر دم زخم بوسه هر دم زخم بوسه
ترسم که نالان کند بسی
مثل من کسی چشم نرگست
جانانه جانانه جانانه جانانه
یک شب بیا منزل ما
حل کن دو صد مشکل ما
ای دلبر خوشکل ما
دردت به جان ما شد
روح و روان ما شد

۳- هوای تو- رهی معیری ۰۵:۰۹

میروم و نمیروم از سر من هوای تو
داده فلک سزای من تا چه بود سزای تو
میروم و نمی رود نام تو از زبان من
ده که نمی پرستی از کسی نام من و نشان من
دیگر به لب نیا رم حدیث آشنایی
شکسته در گلویم نوای بی نوایی
فتاده هستی من به کام نا مرادی
ز چهره ام تو گویی پریده رنگ شادی
میروم و نمیروم از سر من
میروم و نمیروم از سر من هوای تو
داده فلک سزای من تا چه بود سزای تو
میروم و نمی رود نام تو از زبان من
ده که نمی پرستی از کسی نام من و نشان من
کنون که می فریبد مرا سراب هستی
دووم عنان دل را دهم به عشق و مستی
دهم به عشق و مستی
این که شد از عشق و وفا زیر و زبر هستی من
راز دل زار مرا کرده عیان مستی من

۴- مبتلا-رهی معیری ۱:۵:۴۷

نه همزبانی، نه همنوایی
تابه او بگویم ز عشقت حکایتی
نه مهربانی، نه چاره سازی
تا کنم از سوز پنهان شکایتی
نواى منى، بى نواى توام
بلای منى، مبتلای توام
شور و مستی، تویی تویی
نور هستی، تویی تویی
منم غباری به کوی تو
سرود منی، چنگ و عود منی
وجود منی، تار و پود منی
جام و ساقی، تویی تویی
عشق باقی، تویی تویی
منم که مستم به بوی تو
من که در دام هلاک افتاده ام
من که چون اشکی به خاک افتاده ام
عاشقی، دیوانه ای، افسرده جانم
بی دلی، بی حاصلی، بی آشیانم
من کییم؟ درد آشنایی
بی نصیبی بی نوایی
هر شب، افسانه ای دارد دل دیوانه من
بشنو ای مرغ شب، راز من و افسانه ی من
رهی، تا چند سوزم در دل شب ها چو کوکب ها
به اقبال شرر نازم، که دارد عمر کوتاهی
من کییم؟ درد آشنایی
بی نصیبی بی نوایی
هر شب، افسانه ای دارد دل دیوانه من
بشنو ای مرغ شب، راز من و افسانه ی من

۵- شاهد افلاکی- رهی معیری ۰۴:۱۴

چون زلف توئم جاننا در عین پریشانی
چون باد سحرگاهم در بی سر و سامانی
من خاکم و من گردم من اشکم و من دردم
تو مهری و تو نوری تو عشقی و تو جانی
خواهم که تو را در بر بنشانم و بنشینم
تا آتش جانم را بنشینی و بنشانی
ای شاهد افلاکی در مستی و در پاکی
من چشم تو را مانم تو اشک مرا مانی
ای شاهد افلاکی در مستی و در پاکی
من چشم تو را مانم تو اشک مرا مانی
چون زلف توئم جاننا در عین پریشانی
چون باد سحرگاهم در بی سر و سامانی
من خاکم و من گردم من اشکم و من دردم
تو مهری و تو نوری تو عشقی و تو جانی
از آتش سودایت دارم من و دارد دل
داغی که نمی بینی دردی که نمی دانی

۶- آتش عشق- مهدی عابدی ۵۵:۳۰

تا که نشانت در همه جا می جویم
در همه دنیا وصف تو را می گویم
از دل شب تا به سحر هر لحظه
خاک رخت تا به ثریا می پویم
از دل شب تا به سحر هر لحظه
خاک رخت تا به ثریا می پویم
باز ای جان بار دگر خاموشی
چهره ی خود از نظرم می پوشی
درد مرا مرغ سحر می داند
دم به دم این نغمه ی غم می خواند
در شب تنهایی من
با دل شیدایی من
بر همه کس عیان شود
قصه ی تنهایی من
هر دم از شوق وصال لب‌ریزم
با نگاهی از سر جان برخیزم
تا نشانی آتش عشقت در دل
از همه عالم غیر تو من بگریزم
از همه عالم غیر تو من بگریزم
تا که نگاهت یک نظر افتد بر من
خنده زند مرغ چمن در گلشن
دیده چرا تر نشود از شوق
جان ز شعف چون نگریزد از تن
دیده چرا تر نشود از شوق
جان ز شعف چون نگریزد از تن
باز ای جان بار دگر خاموشی
چهره ی خود از نظرم می پوشی
درد مرا مرغ سحر می داند
دم به دم این نغمه غم می خواند

۷- داغ تنهایی- رهی معیری ۰۴:۳۰

آنقدر با آتش دل ساختم تا سوختم
بی تو ای آرام جان ، یا ساختم یا سوختم
سرد مهری بین ، که کس بر آتشم آبی نزد
گر چه همچون برق از گرمی سراپا سوختم
سوختم اما نه چون شمع طرب در بین جمع
لاله ام، کز داغ تنهایی به صحرا سوختم
همچو آن شمعی که افروزند پیش آفتاب
سوختم در پیش مه رویان و بی جا سوختم
سوختم از آتش دل ، در میان موج اشک
شور بختی بین ، که در آغوش دریا سوختم
شمع و گل هم هر کدام از شعله ای در آتشند
در میان پاک بازان ، من نه تنها سوختم
جان پاک من "رهی" خورشید عالم تاب بود
رفتم و از ماتم خود عالمی را سوختم

۸- خواب پریشان- سازان سنایی ۰۴:۱۹

از...چشم... تو.. میبینم....
این خواب پریشان را با پلک تو میبندم
چتر شب باران را
بیدار شود در من...بیدار شو در من
در آینه پیدایی بی راز معمایی
در جسم نمی گنجی بی وسوسه زیبایی
ای صورت جادویی ای معجزه ی دیدار
در این شب آشفته دل را به یقین بسپار
دل را به یقین بسپار دل را به یقین بسپار
آهسته بگو با من سر بسته بگو با من
از چشمه ی چشمانت راهی بنما تا من
از عشق مهیا شو من را برسان تا دل
من را برسان تا موج تا قایق بی ساحل
از عشق مهیا شو من را برسان تا دل
من را برسان تا موج تا قایق بی ساحل
دل را به یقین بسپار دل را به یقین بسپار
از...چشم... تو.. میبینم....
این خواب پریشان را با پلک تو میبندم
چتر شب باران را
بیدار شود در من...بیدار شو در من

پروفایل:

نام آلبوم: مقام صبر

سال انتشار: ۱۳۶۸

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (راست پنجگاه)

شماره مجوز: ۴/۱۳۰۸ ت

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: شرکت فرهنگی-هنری چهار باغ بانگ

مدت زمان: یک ساعت و ۰۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۲ قطعه

۱- مقام صبر ۲- تکنوازی سنتور ۳- چند مضراب پنجگاه ۴- سوال و جواب گروه و آواز ۵- تصنیف صنم ۶- سه تار و آواز ۷- تصنیف هر شب من و دل ۸- سنتور و آواز ۹- قطعه کاروانیان ۱۰- تار و آواز ۱۱- تصنیف پروانه ۱۲- تصنیف بیا تا گل بر افشانیم

آهنگساز: پرویز مشکاتیان

نوازندگان: گروه عارف

سنتور: پرویز مشکاتیان

قیچک: حسین فرهادپور

نی: عبدالنقی افشارنیا

تار: بهرام ساعد

تار: کیوان ساکت

کمانچه: درویش رضا منظمی

کمانچه: کوروش بابائی

بربط: محمد دلنوازی

سنتورباس: محمد آذری

دف: مسعود حبیبی

تنبک: محمود فرهمند

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری: راز گل... سرو سیمین

۱- تصنیف مقام صبر- حافظ ۰۹:۴۶

ترسم که اشک در غم ما پرده در شود
وین راز سر به مهر به عالم سمر شود
گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود ولیک به خون جگر شود
خواهم شدن به میکده گریان و دادخواه
کز دست غم خلاص من آن جا مگر شود
از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان
باشد کز آن میانه یکی کارگر شود
ای جان حدیث ما بر دلدار بازگو
لیکن چنان مگو که صبا را خبر شود
از کیمیای مهر تو زر گشت روی من
آری به یمن لطف شما خاک زر شود
در تنگنای حیرتم از نخوت رقیب
یا رب مباد آن که گدا معتبر شود
بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی
مقبول طبع مردم صاحب نظر شود
این سرکشی که کنگره کاخ وصل راست
سرها بر آستانه او خاک در شود
حافظ چو نافه سر زلفش به دست توست
دم درکش از نه باد صبا را خبر شود

۲- دیدم صنمی - ۲:۲۵

دیدم صنمی سرو قد و روی چو ماهی
الهی تو گواهی، خدایا تو پناهی
افکند به رخسار چو مه زلف سیاهی
الهی تو گواهی، خدایا تو پناهی
گر گویم سروش، نبود سرو خرامان
این قسم شتابان، چون کبک خرامان
ور گویم گل، پیش تو گل همچو گیاهی
الهی تو گواهی، خدایا تو پناهی
این نیست مگر آینه لطف الهی
الهی تو گواهی، خدایا تو پناهی
صد بار گداییش به از منصب شاهی
الهی تو گواهی، خدایا تو پناهی

۳- سوال و جواب گروه و آواز - ابوسعید ابوخیر

ای عشق به درد تو سری می‌باید

صید تو ز من قوی‌تری می‌باید

من مرغ به یک شعله کیابم بگذار

کین آتش را سمندری می‌باید

۴- تصنیف هر شب من و دل- میرزا حبیب خراسانی ۰۸:۳۶

هر شب من و دل تا سحر در گوشه ویرانه ها
داریم از دیوانگی با یکدگر افسانه ها
اندر شمار بیدلان در حلقهٔ بیحاصلان
نی در حساب عاقلان نی در خور فرزانه ها
از می زده سر جوشها از پند بسته گوشها
پیوسته با بیهوشها خو کرده با دیوانه ها
از خانمان آواره ها در دو جهان بیکارها
از درد و غم بیمارها از عقل و دین بیگانه ها
از سینه برده کینه ها آئینه کرده سینه ها
دیده در آن آئینه ها عکس رخ جانانه ها
سنگ ملامت خورده ها از کودکان آزرده ها
دل زنده ها تن مرده ها فرزانه ها دیوانه ها
ببریده خویش از خویشان بگسیخته از ما و من
کرده سفرها در وطن اندر درون خانه ها
نی در پی اندیشه هانی در خیال پیشه ها
چون شیرها در بیشه ها چوی مورها در لانه ها
چون گل فروزان در چمن چون شمع سوزان در لگن
بر گردشان صد انجمن پر سوخته پروانه ها
رخشان چه ماه و مشتری زاین گنبد نیلوفری
تابان چو مهر خاوری از روزن کاشانه ها
مست از می مینای دل بنهاده سر در پای دل
آورده از دریای دل بیرون بسی در دانه ها
گاهی ستاده چون کدو از می لبالب تا گلو
گاهی فتاده چون سبو لب بر لب پیمانه ها

۵- سه تار و آواز- ۰۲:۵۵

گفتی که به وقت مجلس افروختنی
آیا که چه نکته‌است بردوختنی
ای بی خبر از سوخته و سوختنی
عشق آمدنی بود نه آموختنی

۶- سنتور و آواز- فریدون مشیری ۰۳:۴۴

ای عشق شکسته ایم، مشکن ما را
این گونه به خاک ره میفکن ما را
ما در تو به چشم دوستی میبینیم
ای دوست مبین به چشم دشمن ما را
ای عشق، پناهگاه پنداشتمت
ای چاه نهفته! راه پنداشتمت
ای چشم سیاه، آه ای چشم سیاه
آتش بودی، نگاه پنداشتمت
ای عشق، غم تو سوخت بسیار مرا
آویخت مسیح وار بر دار مرا
چندان که دلت سوخت بیزار مرا!
مگذار مرا ز دست، مگذار مرا!
ای عشق در آتش تو فریاد خوش است
هر کس که در آتش تو افتاد خوش است
بیداد خوش است از تو، وز هستی ما
خاکسترکی سپرده بر باد خوش است!
ای دل به کمال عشق آراستمت
وز هر چه به غیر عشق پیراستمت
یک عمر اگر سوختم و کاشتمت
امروز چنان شدی که می خواستمت

۷- تار و آواز - ۰۳:۵۰

گر در یمنی چو با منی پیش منی
گر پیش منی چو بی منی در یمنی
من با تو چنانم ای نگار یمنی
خود در غلطم که من توام یا تو منی

۸- تصنیف پروانه- مولانا ۰۵:۰۴

یک خانه پر ز مستان مستان نو رسیدند دیوانگان بندی زنجیرها دریدند
بس احتیاط کردیم تا نشنوند ایشان گویی قضا دهل زد بانگ دهل شنیدند
جان‌های جمله مستان دل‌های دل پرستان ناگه قفس شکستند چون مرغ برپریدند
مستان سبو شکستند بر خن‌ها نشستند یا رب چه باده خوردند یا رب چه مل چشیدند
من دی ز ره رسیدم قومی چنین بدیدم من خویش را کشیدم ایشان مرا کشیدند
آن را که جان گزیند بر آسمان نشیند او را دگر کی بیند جز دیده‌ها که دیدند
یک ساقی عیان شد آشوب آسمان شد می تلخ از آن زمان شد خیکش از آن دریدند

۹- تصنیف بیا تا گل بر افشانیم - حافظ ۳:۲۴

بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم تازیم و بنیادش بر اندازیم
شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم
نسیم عطرگردانرا شکر در مجمر اندازیم
چو در دستست رودی خوش بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سر اندازیم
صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز
بود کان شاه خوبانرا نظر بر منظر اندازیم
یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد
بیا کاین داوریها را به پیش داور اندازیم
بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما بمیخانه
از پای خمت روزی بحوض کوثر اندازیم
سخن دانی و خوش خوانی نمی ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را بملکی دیگر اندازیم

پروفایل:

نام آلبوم: عطر سوسن

سال انتشار: ۱۳۷۸

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: سار بانگ

مدت زمان: ۵۶ دقیقه و ۲ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

روی الف (از تصنیف صبح سپید تا تصنیف جام عشق):

مسیر آغازین مجموعه، تصنیف صبح سپید در مایه ترک است. سپس ساز و آواز ترک به افشاری فرود می‌آید، آنگاه تصنیف گل مهتاب در مایه افشاری اجرا، در آواز به ابوعطا وارد و با غزلی از حافظ در مایه ابوعطا پایان می‌یابد.

روی ب (تصنیف شورآفرین تا عطر سوسن):

با تصنیف شورآفرین در دستگاه همایون آغاز می‌شود، آنگاه ساز و آواز به مایه دشتی ورود می‌کند و تصنیف شور زندگی در مایه دشتی اجرا می‌شود و ساز و آواز در پایان با ساز و آواز دیگر به مایه ترک بر می‌گردد که آغازگر مجموعه بوده‌است و با تصنیف عطر سوسن در این مایه به پایان می‌رسد.

آهنگساز: محمد جواد ضرابیان

نوازندگان: گروه سماع

تنظیم:

ضبط: استودیو پژواک

گاه نگاری:

۱- تصنیف صبح سپید- بیژن ترقی ۰۶:۰۷

مرو ای گل مرو مشو از من جدا
شب غربت کجاست مه تابان کجاست
نشستم به رهت که سرسبز است
چو رفتی سحر از شب من پر زد
یادت آمد گل بر در زد
مرو ای گل مرو مشو از من جدا
شب غربت کجاست مه تابان کجاست
یادم کن ز صحرا چو بگذشتی
از دشت هامون ز دریا چو بگذشتی
یادی کن ای ماهم از داغ جان کاهم
از بر لاله ها تنها چو بگذشتی
یادم کن ز صحرا چو بگذشتی
از دشت هامون ز دریا چو بگذشتی
یادی کن ای ماهم از داغ جان کاهم
از بر لاله ها تنها چو بگذشتی
مرو ای گل مرو مشو از من جدا
شب غربت کجاست مه تابان کجاست
صبح سپیده من چو گلزار امید من شکوفا شد
چو من ز سرمستی بزن دستی که دل غرق تمنا شد
با این مهجوری اندوه دوری ای دل چون شادی
این گونه مسروری
گفتم با یادش بال و پری گیرم چون مه بر بام گردون گذرم
ای دل چه سازم من این بخت پر بسته از ما بگسسته
نه شور پرن
مرو ای گل مرو مشو از من جدا
شب غربت کجاست مه تابان کجاست

۲- عمری به سر دویدن - ساز و آواز - ا.ه. سایه ۵:۱۰

عمری به سر دویدم در جستجوی یار
جز دسترس به وصل ویم آرزو نبود
دادم درین هوس دل دیوانه را به باد این جستجو نبود
هر سو شتافتم پی آن یار ناشناس
گاهی زشوق خنده زدم گه گریستم
بی آنکه خود بدانم ازین گونه بی قرار مشتاق کیستم؟

۳- تصنیف گل مهتاب- بیژن ترقی ۵:۲۳

کجایی ای نازنین گل مهتابی ام
بی خبر من و این چشم بی خوابی ام
بی تو در این شام غم ساده و مانده ام
ای رخ تو شادی دل بی تاب من
دامن شب چراغان کنم
دو چشم خود ژاله باران کنم
ای مهم یار من ای لحظه روشن کن
یا سری چون پری بیرون ز روزن کن
سپیده چون سر زند مرغ دلم پر زند
تا کوی دلدارم ساز خاموش دلم
آهنگ دیگر زند از شوق دیدار
بوی گل آورد خبر از کار ماه سحر
مونده چشمم به در
شاید پیک صبا ای یار بی آشنا
از تو آرد خبر صبح دلت روح من
ساز من سوز من افکنده بر جان شرر
سر ز ماهم بر آورد
سپیده چون سر زند مرغ دلم پر زند
تا کوی دلدارم ساز خاموش دلم
آهنگ دیگر زند از شوق دیدار
کجایی ای نازنین گل مهتابی ام
بی خبر من و این چشم بی خوابی ام
بی تو در این شام غم ساده و مانده ام
ای رخ تو شادی دل بی تاب من
دامن شب چراغان کنم
دو چشم خود ژاله باران کنم

۴- ساز و آواز - ا.ه. سایه ۵:۱۱

رویی شکفت چون گل رؤیا و دیده گفت
این است آن پری که ز من می نهفت رو
خوش یافتم که خوشتر ازین چهره ای نتافت
در خواب آرزو
هر سو مرا کشید پی خویش در به در
این خوش پسند دیده ی زیبا پرست من
شد رهنمای این دل مشتاق بی قرار
بگرفت دست من

۵- تصنیف جام عشق- حافظ ۰۶:۱۵

مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی
مخمور جام عشقم ساقی بده شرابی
پر کن قدح که بی می مجلس ندارد آبی
پر کن قدح که بی می مجلس ندارد آبی
مخمور آن دو چشمم ساقی کجاست جامی
مخمور آن دو چشمم ساقی کجاست جامی
بیماران دو لعلم آخر کم از جوابی
بیماران دو لعلم آخر کم از جوابی
مخمور آن دو چشمم ساقی کجاست جامی
مخمور آن دو چشمم ساقی کجاست جامی
بیماران دو لعلم آخر کم از جوابی
بیماران دو لعلم آخر کم از جوابی
وصف رخ چو ماهش رخ چو ماهش در پرده راست ناید
وصف رخ چو ماهش رخ چو ماهش در پرده راست ناید
مطرب بزن نوایی ساقی بده شرابی
ساقی بده شرابی
وصف رخ چو ماهش رخ چو ماهش در پرده راست ناید
وصف رخ چو ماهش رخ چو ماهش در پرده راست ناید
مطرب بزن نوایی ساقی بده شرابی
ساقی بده شرابی
در انتظار رویت ما و امیدواری
در عشوه وصال ما و خیال و خوابی
ما و خیال و خوابی

۶- تصنیف شور آفرین - فریدون مشیری ۰۶:۳۷

ای آهوی وحشی / کز من گریزانی
در دیده پیدایی / در سینه پنهانی
شور آفرین چون می / شیرین تر از جانی
باغ شکوفایی / جانی و جانانی
باز آ که این همزمان / هرزمان
چشمی به ره دارد /
خواهد که محبوب من / خوب من
پیمان نگه دارد / من تا تو را دارم
با تو وفادارم / پیمان شکن یارم
پیمان نگه دارم / پیمان شکن یارم
ای پری / می بری
دل را به افسونگری / بس کن از این دلبری
شاد و غزلخوانی / ماه درخشانی
محبوب خوبانی / به خدا
مستانه می رانی / به کجا
به کجا

۷- ساز و آواز - ا.ه. سایه ۰۴:۴۹

و آن آرزوی گمشده بی نام و نشان
در دورگاه دیده ی من جلوه می نمود
در وادی خیال مرا مست می دواند
و زخویش می ربود
از دور می فریفت دل تشنه ی مرا
چون بحر موج می زد و لرزان چو آب بود
وانگه که پیش رفتم با شور و التهاب
دیدم سراب بود

۸- تصنیف شور زندگی - بیژن ترقی

سپیده می دهد خبر
که باز می دمد سحر
بهار نوشند من
بگیر خرمی ز سر
بگیر خرمی ز سر

که باغ آرزوی ما
ز نو جوانه می زند
دوباره شور زندگی
به دل ترانه می زند
به دل ترانه می زند

پرندگان گمشده
رسند شاد و نغمه خوان
ز شوق و شور پر کشد
سرود ما در آسمان
لهیب سوز و ساز ما
چنان زبانه می زند
که دست رد به سینه ی
غم زمانه می زند

سپیده می دهد خبر
که باز می دمد سحر
بهار نوشند من
بگیر خرمی ز سر
بگیر خرمی ز سر

ز بانگ بلبلان خوش نوای ما
ندای عشق خیزد از برای ما
به گوش رهروان رسد
طنین نغمه های ما..

۹- بیچاره من ساز و آواز - ۱.۵. سایه ۰۴:۲۵

عمری به سر دویدم در جست وجوی یار
جز دسترس به وصل ویم آرزو نبود
دادم در این هوس دل دیوانه را به باد
این جست و جو نبود
هر سو شتافتم پی آن یار ناشناس
گاهی ز شوق خنده زدم گه گریستم
بی آنکه خود بدانم ازین گونه بی قرار
مشتاق کیستم
رویی شکست چون گل رویا و دیده گفت
این است آن پری که ز من می نهفت رو
خوش یافتم که خوش تر ازین چهره ای نتافت
در خواب آرزو
هر سو مرا کشید پی خویش در بدر
این خوشپسند دیده ی زیباپرست من
شد رهنمای این دل مشتاق بی قرار
بگرفت دست من
و آن آرزوی گم شده بی نام و بی نشان
در دورگاه دیده من جلوه می نمود
در وادی خیال مرا مست می دواند
وز خویش می ربود
از دور می فریفت دل تشنه مرا
چون بحر موج می زد و لرزان چو آب بود
وانگه که پیش رفتم با شور و التهاب
دیدم سراب بود
بیچاره من که از پس این جست و جو هنوز
می نالد از من این دل شیدا که یار کو ؟
کو آن که جاودانه مرا می دهد فریب ؟
بنما کجاست او

۱۰- تصنیف عطر سوسن- بیژن ترقی

هردم باد سحر از تو خبر به من آرد
عطر سوسن و گل زاد چمن به من آرد
در باغ خاطره بگشا
نظری بر منظره بنما
چه جلالی
چه جمالی
شادی دل را کف بزن ای گل
محو درآمد دف بزن ای گل
چون باز آیی گرد ره بفشانم
دل از شادی بر راهت بنشانم
بر حسن تو
شور انگیزم
گل میرویم
گل می ریزم
بر عطر گیسویت تا دل بستم
بی می مستم
شادی دل را کف بزن ای گل
محو درآمد دف بزن ای گل
خنده برآور بر رخ گل چشم مارا روشن کن
شور و نشاطو قلقله در شهر و کوی و برزن کن
بر حسن تو
شور انگیزم
گل میرویم
گل می ریزم
بر عطر گیسویت تا دل بستم
بی می مستم
شادی دل را کف بزن ای گل
محو درآمد دف بزن ای گل

پروفایل:

نام آلبوم: قصه ی شمع

سال انتشار: ۱۳۸۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۴۱۸۵ ت

کد کتابخانه ملی: ۷۰۱۶- و

حق کپی رایت: سروش - مرکز موسیقی سازمان صدا و سیما

مدت زمان: ۴۸ دقیقه و ۵۸ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- رد خون ۲- صبح خندان ۳- پریزاد (مادر) ۴- پارسی پارسا ۵- یار دلنواز ۶- امیر کبیر ۷- دستان ۸-

قصه شمع

آهنگساز:

نوازندگان:

جمشید برازنده - جابر اطاعتی - مهیار فیروز بخت - حسین یوسف زمانی - علی کیان - مجید اخشابی - کامبیز

روشن روان - همایون شجریان - علی جعفریان - شهرام توکلی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- رد خون - علی معلم ۰۴:۳۵

رد خون یه رد خونه
روی ایوون توی باغچه
غلاف خالی خنجر
پای گلدون روی طاقچه
طرح زخم یه قناری
توی کابوسی که مرده
حتی تیری که شکسته
تو پر سیاه زاغچه
طرح زخم یه قناری
توی کابوسی که مرده
حتی تیری که شکسته
تو پر سیاه زاغچه
رد خون یه رد خونه
روی ایوون توی باغچه
غلاف خالی خنجر
پای گلدون روی طاقچه
میشه این حرفها رو خوندن
خوندن و آتیش سوزوندن
همیشه مساله اینه
بی تو موندن یا نموندن
این همه عور و ادا هست
دو تا لال مثل عروسک
وقتی مهمونه جنونه
میشه عقل رو سر دووندن
طرح زخم یه قناری
توی کابوسی که مرده
حتی تیری که شکسته
تو پر سیاه زاغچه
رد خون یه رد خونه
روی ایوون توی باغچه
غلاف خالی خنجر
پای گلدون روی طاقچه

۲- صبح خندان- بیژن ترقی ۰۷:۲۳

صبح خندان ز کجا آمده ای
که چنین عقده گشا آمده ای
آمدی روشنی آغاز کنی
بر رخم پنجره ای باز کنی
بگشا پنجره ها را که نسیم سحری
همچو پروانه زمانی گشته پیرامن گل
تا به کنعان برساند عطر پیراهن گل
چشم دل گر بگشایی همه جا
کوی جانانه بود
نه به دل بیم و هراسی نه کسی
با تو بیگانه بود
بی خبر از شب بارانی ما
دیده بگشا به چراغانی ما
دور از آن چشمه ی نوشم
پند فرزانه به گوشم
همه افسانه بود
گر بود کلبه ی احزان
با خیال رخ جانان
دل پریخانه بود
دور از آن چشمه ی نوشم
پند فرزانه به گوشم
همه افسانه بود
بی خبر از شب بارانی ما
دیده بگشا به چراغانی ما
می شود خیره ز شب تا به سحر
آسمان بر گوهر افشانی ما
صبح خندان ز کجا آمده ای
که چنین عقده گشا آمده ای
آمدی روشنی آغاز کنی
بر رخم پنجره ای باز کنی
بگشا پنجره ها را که نسیم سحری ...

۳- پریزاد (مادر) - معلم ۰۶:۴۲

تو عروسیت نبودم، نمیدونم چی بود چیا بود
میگن و دروغ نمیگن، که سه روز کیا بیا بود
میگن و دروغ نمیگن، که سه روز کیا بیا بود
تو عروسیت نبودم، نمیدونم چی بود چیا بود
میگن و دروغ نمیگن، که سه روز کیا بیا بود
یه خونه پر از پریزاد توی شهر آدمیزاد
تو پری ترین پری ها خونه حوض پریا بود
تو پری ترین پری ها خونه حوض پریا بود
کوچه یه شازده پسر داشت که به اون پری نظر داشت
کوچه یه شازده پسر داشت که به اون پری نظر داشت
پری ام اسمشو برداشت پری خیلی بی ریا بود
پری خیلی بی ریا بود
حالا اون پری شکسته پشت پنجره نشسته
مثل مهتاب شده موهاش که به رنگ شب سیاه بود
مثل مهتاب شده موهاش که به رنگ شب سیاه بود
که به رنگ شب سیاه بود
حالا اون پری شکسته پشت پنجره نشسته
حالا اون پری شکسته پشت پنجره نشسته
مثل مهتاب شده موهاش که به رنگ شب سیاه بود
مثل مهتاب شده موهاش که به رنگ شب سیاه بود

۴- پارسی پارسا-معلم - ۰۶:۰۲

ای که ز خوبان سری / از مهان مهتری
مهوشی و مهرخی / دلکشی و دلبری
از ملکان در ملک، وز پریان در پری / از در چین تا به ری، از خزران تا هری
نی چو تو یک گوهر است / نی چو تو یک گوهری
نی چو تو یک گوهر است / نی چو تو یک گوهری
شاهد خون ریز تو، قائله انگیز تو / شب رو و شب خیز تو، فتنه تبریز تو
قافله آشوب شهر، بلکه جهان نیز تو / طبله طوفان نوح، لُجه لبریز تو
قافله آشوب شهر، بلکه جهان نیز تو / قافله آشوب شهر، بلکه جهان نیز تو
بلکه جهان نیز تو / ای که ز خوبان سری
از مهان مهتری / مهوشی و مهرخی
دلکشی و دلبری / ای که ز خوبان سری
از مهان مهتری / مهوشی و مهرخی
دلکشی و دلبری / پارسی پارسا
سید و سالار ما / صاحب تیغ و عصا
وارث عیار ما / صاحب تیغ و عصا
وارث عیار ما / ترکی تازی نسب
ماه نهان در قصب / در حسب و ماکسب
شاخ گران بار ما / سبزتر از چشم یار
خط نکویان شمار / سرخ تر از خشم اوست
دیده خونبار ما / آینه هنگامه ای است
از رخ او چامه ای است / چامه بهل نامه ای است
از رخ دلدار ما / گفت مرا جوی خرد
موج زد و برد و برد / برد و به دریا سپرد
برد به دیدار ما / گفت تو جان سوختی
رخ چو برافروختی / شیوه تو آموختی
تا سره شد کار ما / خامه ای و نامه ای
من نه، تو علامه ای / هم تو در این جامه ای
شاهد شب کار ما / شاهد خون ریز تو، قائله انگیز تو
شب رو و شب خیز تو، فتنه تبریز تو
قافله آشوب شهر، بلکه جهان نیز تو
طبله طوفان نوح، لُجه لبریز تو

۵- یار دلنواز- حافظ ۵۶:۵

زان یار دلنوازم شکرست با شکایت
گر نکته دان عشقی بشنو تو این حکایت
بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم
یا رب مباد کس را مخدوم بی عنایت
رندان تشنه لب را آبی نمیدهد کس
گویی ولی شناسان رفتند از این ولایت
در زلف چون کمندش ای دل میبچ کان جا
سرها بریده بینی بی جرم و بی جنایت
چشمت به غمزه ما را خون خورد و میپسندی
جانی روا نباشد خون ریز را حمایت

۶- امیر کبیر حافظ ۰۶:۱۶

دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود
تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود
دل که از ناوک مژگان تو در خون میگشت
باز مشتاق کمان خانه ابروی تو بود
من سرگشته هم از اهل سلامت بودم
دام راحت شکر طره هندوی تو بود
عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت
فتنه انگیز جهان غمزه جادوی تو بود
به وفای تو که بر تربت حافظ بگذشت
کز جهان میشد و در آرزوی تو بود

۷- داستان- سعدی ۰۴:۰۰

ای ساریان آهسته ران کارام جانم می رود
کارام جانم می رود
وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود
با دلستانم می رود
من مانده ام مهجور از او بیچاره و رنجور از او
گویی که نیشی دور از او بر استخوانم می رود
بر استخوانم می رود
با این همه بیداد او، وین عهد بی بنیاد او
در سینه دارم یاد او، یا بر زبانم می رود
او می رود دامن کشان من زهر تنهایی چشان
دیگر می پرس از من نشان کز دل نشانم می رود
بار آی و بر چشمم نشین ای دلفریب نازنین
کآشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می رود
ای ساریان آهسته ران کارام جانم می رود
کارام جانم می رود
وان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود

۸- قصه شمع- بیژن ترقی ۰۸:۰۴

قصه شمع سحری
گفتی و رخ همچو پری
زما نهفتی
قصد سفر کردی اگر
بار سفر بستی اگر
قصه این خون جگر
بما نگفتی
چرا نگفتی
دگر کسی خبر نیارد ز گل‌های پرپر
دگر کسی خبر نگیرد ز سرو و صنوبر
پس از تو کی بود نشانه
ز سوز و ساز عاشقانه
اگر زمانه تاب عاشقان ندارد
اگر تحمل تو را زمان ندارد
چه غم که سرو بستان
بهار این گلستان
خزان ندارد
اگر چه دامن از چمن به فصل گل بر چیدی
در آسمان عاشقی چو مهر و مه جاویدی

پروفایل:

نام آلبوم: غم زمانه (عاشق زمانه)

سال انتشار: ۱۳۸۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۴/۴۱۹۷ ت

کد کتابخانه ملی: ۷۰۲۸

حق کپی رایت: موسسه آوای نوین اصفهان

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- دروغه ۲- ای داد بیداد ۳- رویا ۴- رنگارنگ ۵- یا رب ۶- صدای خسته ۷- مژده بهار ۸- غم زمانه

آهنگساز و ترانه سرا: فضل الله توکل

نوازندگان:

ویلن: خاجیک بابائیان - همایون رحیمیان - ابراهیم لطفی - مهران مهتدی - بردیا کیاری - عماد نکوئی - پیام طونی - نوید مصطفی پور

ویلن سلو - مجتبی میرزاده -

آلتو: عماد نکوئی - پیام طونی -

ویلنسل: - کریم قربانی

کنترباس: - علیرضا خورشید فر

ابوا: فرشید حفظی فر

کلارنیت: حسین پور معین

فلوت: ناصر رحیمی

آکاردئون: بهنام خدارحمی

عود: جمال جهانشاد

تار: بهزاد خدارحمی

قانون: بهروز قنسولی - پریچهر خواجه

تنبک: حسین هوشنگی

پرکاشن: مرتضی عابدی

ساز الکترونیک: بهنام خدارحمی - پیام طونی

تکنواز سنتور: فضل الله توکل

تنظیم: بهنام خدا رحمی - پیام طونی به کوشش فریدون شهبازیان

ضبط: استودیو مهر

گاه نگاری:

صدا برداران: مهدی اردستانی - آرش عادل پور

مسترلینگ: مهدی اردستانی

طراح و عکس: نادر خطیبی

۱- دروغه- ۵:۴۲

هر کی می‌گه عاشق و بیقرارتم دروغه
هر لحظه با گریه در انتظارتم دروغه
هر کی می‌گه رفیقتم، دشمن جونه
پیمونه محبتش ساغر خونه
هر کی می‌گه اسیر اون نگاهتم دروغه
تو لحظه‌های خستگی پناهتم دروغه
هر کی برای گریه شوناهاش پناه
رخش چو روز روشن و دلش سیاه
رنج پیایی مکش ای مهربون
مست دقایق مشو ای بی نشون
قدر دل غم زده ات را بدون
دست ارادت مده با هر کسی
عطر گل یاس ندارد خسی
آخر قصه به کجا می رسی
پرده ی جانکاه ظلمت رو بسوزان
ای دل من شعله ی آهت کجاست
جانم از این تیرگی ها بر لب آمد
آسمان عمر من ماهت کجاست
رنج پیایی مکش ای مهربون
مست دقایق مشو ای بی نشون
قدر دل غم زده ات را بدون
دست ارادت مده با هر کسی
عطر گل یاس ندارد خسی
آخر قصه به کجا می رسی
هر کی می‌گه عاشق و بیقرارتم دروغه
هر لحظه با گریه در انتظارتم دروغه
هر کی می‌گه رفیقتم، دشمن جونه
پیمونه محبتش ساغر خونه
هر کی می‌گه اسیر اون نگاهتم دروغه
تو لحظه‌های خستگی پناهتم دروغه
هر کی برای گریه شوناهاش پناه
رخش چو روز روشن و دلش سیاه

۲- ای داد بیداد - ۵:۰۸

عاشق شدم از شوق می گفتم به فریاد
از هرچه غیر از عشق باشد گشتم آزاد
اما چه آسان عشق من دادی تو برباد
نام مرا هم تا کنون بردی تو از یاد
ای داد بیداد

ای داد بیداد
گفتم به دل گم گشته را پیدا نمودم
من هم دلی در سینه ای شیدا نمودم
با دست خود من خویش را رسوا نمودم
صید گرفتاری شدم در دام صیاد
ای داد بیداد
ای داد بیداد

فریاد من را جز خدا فریاد رس نیست
کس همدم این خسته ی بی هم نفس نیست
تا لحظه ی مرگ گر بگیریم باز بس نیست
این خانه بی تو بهر من جز یک قفس نیست
چون قطره ی اشکی که از چشم من افتاد
افتادی اما کی توانم بردت از یاد
ای داد بیداد

ای داد بیداد
اینک من و تو تنهای تنها
هریک گرفتار غمگین و رسوا
روز تو بی من شب میشه اما
بی تو رسم من تا صبح فردا
آن عشق سوزانت چه شد اشک لرزانت چه شد
شعله شد بر جانت افتاد

ای داد بیداد
ای داد بیداد
سوگند و پیمانانت چه شد قلب ویرانت چه شد
ناله شد در سینه فریاد
ای داد بیداد
ای داد بیداد

۳- رویا- ۴:۵۱

غم دنیا رو نخور دنیا که ارزش نداره
روزگار با همه ی ما سر سازش نداره
زندگی زیاد و کم غصه و شادی غم
یه فریبنده سرابه، یه حباب روی آبه
ثروت و جاه و جلال، رخ زیبا و جمال
مثل رویا مثل خوابه، قصه ی توی کتابه
یکی خونش توی رویا و خیاله
اون یکی دردشو در حد کماله
یکی در کاخ و با غصه گلاویز
دیگری قانع و از دلخوشی لبریز
یکی دائم توی خوابه اون یکی در تب و تابه
مثل موجه روی آبه اونکه سر مست غروره
نگران زر و زوره از حقیقت ها به دوره
غم دنیا رو نخور دنیا که ارزش نداره
روزگار با همه ی ما سر سازش نداره
زندگی زیاد و کم، غصه و شادی غم
یه فریبنده سرابه، یه حباب روی آبه
ثروت و جاه و جلال، رخ زیبا و جمال
مثل رویا مثل خوابه، قصه ی توی کتابه

۴- رنگارنگ - ۵:۱۳

رنگ آبی رنگ دریاست رنگ عمق آسمانهاست
سرخ رنگ خون عاشق رنگ گلبرگ شقایق
رنگ خوب رنگ عشق مظهر لطف و قشنگی
رنگ بد رنگ غم بی وفایی و دورنگی
رنگ چشمای قشنگت رنگ زرد کهربایی
رنگ آرام محبت رنگ عشق و بی ریایی
رنگ تنهایی سپید رنگ پاکی و امید
رنگ مهر و مهربانی کز رخ دنیا پریده
رنگ خوب رنگ عشق مظهر لطف و قشنگی
رنگ بد رنگ غم بی وفایی و دورنگی
سبز سبز برگ های هر درخت
رنگ یمن خود نشان از فال و بخت
رنگ بخت تیره بختان شد سیاه
گرم و سوزاننده مثل تیره آفاق
درچمن در دمن جلوه و ناز بنفشه
از همان از همان رنگ زیبای بنفشه
ساکت و سر به زیر پر تمنا پر غرور
دیدنی خواستنی پر زشادی پر ز شور
رنگ خوب رنگ عشق مظهر لطف و قشنگی
رنگ بد رنگ غم بی وفایی و دورنگی
رنگ خوب رنگ عشق مظهر لطف و قشنگی
رنگ بد رنگ غم بی وفایی و دورنگی

۵- یا رب- ۵:۵۲

مگر چه کرده بودم که جز خطا ندیدم
مگر چه گفته بودم که جز بلا ندیدم
با دلی شکسته یا رب سوی تو برم پناهی
ای امید خاطر من خود به درد من گواهی
نه دل به کینه خسته ام
نه خاطری شکسته ام
دیده ام ز گر یه خون شد
بار غم به جان فزون شد
مگر چه کرده بودم که جز خطا ندیدم
مگر چه گفته بودم که جز بلا ندیدم
چه کرده ام یا رب چه گفته ام یا رب
کسی به من وفا نکرده
دلیم زغم رها نکرده
ترسم مرا ناله ها بشکنند در گلو
وقتی که پر گل شود سینه از یاد او
چه کرده ام یا ربچه گفته ام یا رب
کسی به من وفا نکرده
دلیم زغم رها نکرده
با دلی شکسته یا رب سوی تو برم پناهی
ای امید خاطر من خود به درد من گواهی
نه دل به کینه خسته ام
نه خاطری شکسته ام
دیده ام ز گر یه خون شد
بار غم به جان فزون شد

۶- صدای خسته- ۵:۲۴

صدای خسته را ماند، نی شکسته را مانم
سکوت سرد و سنگین به دل نشسته را مانم
هراس و بیم پنهان در راه بسته را مانم
ز دریای خروشان خاطری آشفته تر دارم
چو مرغان اسیر در قفس سر زیر پر دارم
غم دلبستگی ها را فقط دلبسته می داند
ملال خستگی ها را دل شکسته می داند
تیشه دشمن ریشه، سنگ همدم شیشه
شده پیوسته همیشه عشق رنج اندیشه
ز دریای خروشان خاطری آشفته تر دارم
چو مرغان اسیر در قفس سر زیر پر دارم
نه دگر زمزمه ی ساز و نه خوش لحنی آواز
نه دلم ملتهب عشق نه به جان حسرت پرواز
نه دگر شوق دویدن نه به جان تاب رسیدن
نه رسیدن به امیدی، نه امیدی به رسیدن
غم دلبستگی ها را فقط دلبسته می داند
ملال خستگی ها را دل شکسته می داند
تیشه دشمن ریشه، سنگ همدم شیشه
شده پیوسته همیشه عشق رنج اندیشه
ز دریای خروشان خاطری آشفته تر دارم
چو مرغان اسیر در قفس سر زیر پر دارم

۷- مژده بهار- ۴۵۲۰

در بروی خود نبند
بر همه دنیا بخند
عمر ادمها کمه
فرصت آه و دمه
اشک گلها در بهار
قطره های شبنمه
چشم خود بر هم زنی
میرسد از ره بهار
خوش بحال روزگار
خوش بحال روزگار
زندگی با خوب و بدطی میشود
صبح فروردین شب دی میشود
لحظه ها را مگذران بی اعتبار
لحظه گردد ماه و سالی بشمار
چشم خود بر هم زنید
میرسد از ره بهار
خوش بحال روزگار

۸- غم زمانه - ۰۵:۰۶

ز بس ندیدم ز کس محبت
شدم گرفتار رنج و محنت
گسستم از هر که آشنا شد
دو روزه عمر من فنا شد
زمانه با کس وفا نکرده
ز غم دلی را رها نکرده
دگر نمی بینمت بباری
که گل بخندد به نوبهاری
چون من آزاده به دنیا بگذر
نقش غمت سینه خود کن تو دلبر
بپای هستی نشسته تا کی
دل غمینت شکسته تا کی
بیا طریق وفا گزینیم
ز یک دگر جز صفا نبینم
دگر دل با محبتی در زمانه پیدا نمیشود
ز مهربانی و بی ریایی نشانه پیدا نمیشود
چرا به مثل آتش، مثل آتش بگدازیم
نوای بشنواز نی، بشنو از نی بنوازیم
به غیرهسایه حق که سایه ای نیست
بقای حرمت ماست که بسوزیم و بسازیم
چون من آزاده به دنیا بگذر
نقش غمت سینه خود کن تو دلبر
بپای هستی نشسته تا کی
دل غمینت شکسته تا کی
بیا طریق وفا گزینیم
ز یک دگر جز صفا نبینم

پروفایل:

نام آلبوم: مستانه

سال انتشار: بهار ۱۳۷۹

نوع: استودیویی

سبک: سنتی - دستگاه‌های مختلف - بداهه نوازی

شماره مجوز: ۴/۳۰۰ ت

کُد کتابخانه ملی: ۳۱۹-۷۸

حق کپی رایت: آواز بیستون

مدت زمان: یک ساعت و ۱۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

۱- ای دل اگر عاشقی ۲- مونس شب‌های من ۳- بوی گل و ریحان‌ها ۴- مرده بدم زنده شدم ۵- در عاشقی پیچیده‌ام ۶- خورشید مجلس ۷- مجموعه قطعات آوازی صائب تبریزی، حزین لاهیجی، کلیم کاشانی ۸- دلبر بی خشم و ۹- آواز ایرانی قدیمی ۱۰- ای آرزوی تو

اشعار: مولانا، سعدی، عطار، لاهیجی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی

آهنگساز:

نوازندگان:

جلال ذوالفنون: سه‌تار

داوود یاسری: تنبک

رضا فهیمی: دف

تنظیم:

تهیه کننده: محمد علی عزیزی

ضبط:

گاه نگاری: گل میخک ... نسیم

تهیه و تدوین: سبزعلی عزیزی

صدابرداری و میکس: حسین عسگری و رضا شاه‌بیگی

پالایش صوت: محمد علیزاده

خوشنویسی روی جلد: بیژن بیژنی

امور گرافیکی کامپیوتر: وحدت قاسمی

۱- ای دل اگر عاشقی - عطار نیشابوری ۵۰:۶۰

ای دل اگر عاشقی / در پی دلدار باش
بر در دل روز و شب / منتظر یار باش
ای دل اگر عاشقی / در پی دلدار باش
بر در دل روز و شب / منتظر یار باش
دلبر تو جاودان / بر در دل حاضر است
دلبر تو جاودان / بر در دل حاضر است
روزن دل برگشا / حاضر و هشیار باش
نیست کس آگه که یار / کی بنماید جمال
نیست کس آگه که یار / کی بنماید جمال
لیک تو باری به نقد / ساخته ی کار باش
لشگر خواب آورند / بر دل و جانت شکست
لشگر خواب آورند / بر دل و جانت شکست
شب همه شب همدم / دیده ی بیدار باش
ای دل اگر عاشقی / در پی دلدار باش
بر در دل روز و شب / منتظر یار باش
گر دل و جان تو را / در بقا آرزوست
دم مزین و در فنا / همدم عطار باش
همدم عطار باش / لشگر خواب آورند
بر دل و جانت شکست / شب همه شب همدم
دیده ی بیدار باش ...

۲- مونس شب‌های من -مولوی ۰۴:۴۵

پرده بردار ای حیات جان و جان افزای من
غم گسار و غم نشین و مونس شبهای من
مونس شبهای من

پرده بردار ای حیات جان و جان افزای من
غم گسار و غم نشین و مونس شبهای من
مونس شبهای من

ای شنیده وقت وبی وقت از وجودم ناله ها
ای فکنده اتشی در جمله اجزای من
جمله ی اجزای من
جمله ی اجزای من
جمله ی اجزای من

در صدای کوه افتد بانک من چو بشنوی
جفت گردد بانک کوه با نعره هیهای من
جفت گردد بانک کوه با نعره هیهای من
با نعره و هی های من

با نعره و هی های من
ناکهان در ما دیدی در شبی یا بامداد
گویی هم اینک برا بر تارم بالای من
بر تارم بالای من

بر تارم بالای من

امشب از شبهای تنهایست رحمی کن بیا
امشب از شبهای تنهایست رحمی کن بیا
تا بخوانم بر تو امشب دفتر سودای من

۳- بوی گل و ریحان‌ها - سعدی ۵:۱۰

وقتی دل سودائی می رفت به بستانها
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها
بوی گل و ریحانها

وقتی دل سودائی می رفت به بستانها
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها
بوی گل و ریحانها

گه نهره زدی بلبل گه جامه دریدی گل
تا یاد تو افتادم از یاد برفت آنها
از یاد برفت آنها

ای مهر تو در دلها وی مهر تو بر لبها
وی شور تو در سرها وی سر تو در جانها
وی سر تو در جانها

تا عهد تو بربستم عهد همه بشکستم
بعد از تو روا باشد نقض همه پیمانها
نقض همه پیمانها

تا خار غم عشقت آویخته در دامن
کوته نظری باشد رفتن به گلستانها
رفتن به گلستانها

آنها که چنین دردی از پای دراندازد
باید که فرو شوید دست از همه درمانها
باید که فرو شوید دست از همه درمانها
گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش

میگویم و بعد از من
میگویم و بعد از من
گویند به دورانها

۴- مرده بدم زنده شدم -مولوی ۰۴:۵۰

مرده بدم زنده شدم گریه بودم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
مرده بدم زنده شدم گریه بودم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
گفت که دیوانه نه‌ای لایق این خانه نه‌ای رفتم و دیوانه شدم سلسله بندنه شدم
گفت که سرمست نه‌ای رو که از این دست نه‌ای رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم
گفت که با بال و پری من پر و بالت ندهم در هوس بال و پرش بی پر و پرکنده شدم
چشمه خورشید تویی سایه‌گه بید منم چونکه زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
شکرکند چرخ فلک از ملک ملک و ملک کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم

۵- در عاشقی پیچیده‌ام- مولوی ۱:۰۵

این بار من یک بارگی در عاشقی پیچیده‌ام این بار من یک بارگی از عافیت ببریده‌ام
دل را ز خود برکنده‌ام با چیز دیگر زنده‌ام عقل و دل و اندیشه را از بیخ و بن سوزیدم
ای مردمان ای مردمان از من نیاید مردمی دیوانه هم ننديشد آن کاندل دل اندیشیدم
دیوانه کوکب ریخته از شور من بگریخته من با اجل آمیخته در نیستی پریده‌ام
در دیده من اندر آوز چشم من بنگر مرا زیرا برون از دیده‌ها منزل گهی بگریده‌ام
من از برای مصلحت در حبس دنیا مانده‌ام حبس از کجا من از کجا مال که را دزدیدم

۶- خورشید مجلس - سعدی ۰۴:۰۶

اگر سروی به بالای تو باشد نه چون قد دل آرای تو باشد
و اگر خورشید در مجلس نشیند نپندارم که همتای تو باشد
تو عالم را به یکبار از دل تن برون کردی تا جای تو باشد
برای خود نشاید در تو پیوست همی سازیم تا رای تو باشد
یک امروز است مارا نقد ایام مرا کی سربه فردای تو باشد
خوش است اندر سر شوریده سودا به شرط آنکه سودای تو باشد
ای یار ای دوست سر سعدی چو خواهد رفتن از دست همان بهتر دریای تو باشد

۷- مجموعه قطعات آوازی صائب تبریزی، حزین لاهیجی، کلیم کاشانی ۱۰:۳۴

دلبر بی خشم و ۰۳:۱۴

ز آتش پنهان عشق ، هر که شد افروخته
دود نخیزد ازو ، چون نفس سوخته
دلبر بی خشم و کین ، گلبن بی رنگ و بو ست
دلکش پروانه نیست ، شمع نیفروخته
در وطن خود گهر ، آبله ای بیش نیست
کی به عزیزی رسد ، یوسف نفروخته
مایه ی آرام دل ، چشم هوس بستن است
از تپش آسوده است ، باز نظر دوخته
شاید کاید به دام ، مرغ پریده ز چنگ
گرم نگردد دگر ، عاشق وا سوخته
داروی بیماری اش ، مستی پیوسته است
چشم تو این حکمت از پیش که آموخته
آمد و آورد باز ، از سر کوشش کلیم
بال و پر ریخته ، جان و دل سوخته

ای آرزوی تو ۰۸:۲۷

ای آرزوی روی تو صبح بهار دل
یاد قدت نهال لب جویبار دل
هر دل که داغ عشق جگر سوز تو نداشت
هر دل که داغ عشق جگر سوز تو نداشت
در بیش عاشقان نبود در شمار دل
در بیش عاشقان نبود در شمار دل
فارغ شدم به فکر تو از فکر روزگار
غیر از غم تو نیست کسی غم کسار دل
هر که که یاد جنبش تیغ تو کرده ام
از خود فشاندن به تبیدن غبار دل
عاشق جنین نحیف و غمت این جنین کران
چون قامتش خمیده نکردد زبار دل
عاشق جنین نحیف و غمت اینجنین کران
چون قامتش خمیده نکردد زبار دل

پروفايل:

نام آلبوم: مهرورزان

سال انتشار: ۱۳۶۴

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: هم آواز آهنگ

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۴ قطعه

آواز و تصنیف نیش و نوش - آواز شوشتری و ارکستر - آواز و ارکستر - تصنیف دل و دیده

اشعار: حافظ - بابا طاهر - تصنیف محلی از بیرجند

آهنگساز: محمد علی کیانی نژاد

نوازندگان: گروه هنرمندان مرکز اشاعه ی موسیقی ایرانی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- تصنیف نیش و نوش ۱۰:۴۷

دو زلفونت بود تار ربابم
چه می خواهی از این حال خرابم
تو که با ما سر یاری نداری
چرا هر نیمه شو آیی به خوابم
خداوندا به فریاد دلم رس
کس بی کس تویی مو مانده بی کس
تو که نوشم نئی پیشم چرایی
تو یارم نئی پیشم چرایی
تو که مرهم نه ای بر زخم ریشم
نمک پاش دل ریشم چرایی
خداوندا به فریاد دلم رس
کس بی کس تویی مو مانده بی کس
دلی دیرم خریدار محبت
کز او گرم است بازار محبت
لباسی بافتم بر قامت دل
ز پود محنت و تار محبت
خداوندا به فریاد دلم رس
کس بی کس تویی مو مانده بی کس

۲- تصنیف دل و دیده ۵:۲۸۰

این دل سزاوار غمه	غم با دل مو همدمه
گر روز و شب نالم کمه	با این فراق و بی کسی
صدای چه چه بلبل نیومه	سه پنج روزه که بوی گل نیومه
چرا بلبل به سیل گل نیومه	روید از باغبون گل بپرسید
این دل سزاوار غمه	غم با دل مو همدمه
گر روز و شو نالم کمه	با این فراق و بی کسی
که هرچه دیده وینه دل کنه یاد	ز دست دیده و دل هر دو فریاد
زنم بر دیده تا دل گردد آزاد	بسازم خنجری نیشش ز فولاد
این دل سزاوار غمه	غم با دل مو همدمه
گر روز و شب نالم کمه	با این فراق و بی کسی
مرا خوشتر ز بوی سنبل آيو	نسیمی کز بُن آن کاکُل آيو
سحر از بستم بوی گل آيو	چو شو گیرم خیالت رو در آغوش

۳- آواز ۱۱:۲۲

دل عاشق به پیغامی بسازه	خمارآلوده با جامی بسازه
مرا کیفیت چشم تو کافی ست	ریاضت کش به بادامی بسازه
قَدِّم دایم ز بار غصه خم بی	چو مو محنت کشی در دهر کم بی
مو هرگز از غم آزادی ندیرم	دل بی طاقّت مو کوه غم بی
به هر شام و سحر گریم به کویی	که جاری سازم از هر دیده جویی
مو آن بی طالعّم در باغ عالم	که گل کارم به جایش خار رویی

پروفایل:

نام آلبوم: ناز نگاه

سال انتشار: ۱۳۷۴

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۲۵۳۳ ج

کُد کتابخانه ملی: -

حق کپی رایت: سار بانگ

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۷ قطعه

۱. ساز و آواز ۲۰. تصنیف عاشق دیوانه ۳۰. چهارمضرب ۴۰. تصنیف شب پنهانی ۵۰. گروه نوازی همراه آواز ۶۰. ناز نگاه ۷۰. قطعه شکوه ها

آهنگساز: محمد جواد ضرابیان (سومین کار ضرابیان در مایه افشاری و بیات ترک)

نوازندگان: گروه سماع

تار: حمید شجاعی - شهرام میر جلالی - شهرام اعتمادی

بربت: فرامرز گرمرودی

تاریاس: حمید خباز

سنتور: محمد جواد ضرابیان

دف - تنبک: کامیز گنجه ای

نی: بهروز الوندی پور

کمانچه: نوازنده میهمان اردشیر کامکار

تکنوازان: حمید شجاعی - بهرز الوندی پور - فرامرز گرمرودی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

غزل: خسرو دهلوی

۱- تصنیف ناز نگاه- فریدون مشیری ۰۳:۱۰

ساقیا جرعه ای می به جان ماکن
با شکر خنده ای کام ما روا کن
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
ای دریغ از این عمر که بی روی بگذشت
ای دریغ از این دم که بیهوده هدر گشت
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
میزند راه من چشم دلسیاهت
جان و دل میدهم ناز یک نگاهت
بیاتادمی بشنوی شور و حال مارا
مگریک نظر بنگری سوی ما خدارا
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
جان ما به پای جانانه بیانداز
راه ما به کوی میخانه بیانداز
از عشقش سرمستم سرشادم من تاهستم
میزند راه من چشم دلسیاهت
جان و دل میدهم ناز یک نگاهت
بیاتادمی بشنوی شور و حال مارا
مگریک نظر بنگری سوی ما خدارا
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را

۲- ساز و آواز ۳:۲۰

عاشق شدم و محرم اینکار ندارم
فریاد که غم دارم و غمخوار ندارم
آن عیش که یاری دهم صبر ندیدم
وان بخت که پرسش کنم یار ندارم
بسیار شدم عاشق و دیوانه ازین پیش
آن صبر که هر بار بد این بار ندارم
یک سینه پر از قصه هجر است ولیکن
از تنگدلی طاقت گفتار ندارم
چون راز برون نفتم از پرده که هر چند
گویند مرا گر به نگهدار ندارم
جانا چو دل خسته به سودای تو دارم
او داند و سودای تو من کار ندارم
خونریز شگرفت لبست سهل نگیرم
مهمان عزیز است غمت خوار ندارم
مرگم ز تو دور افکند اندیشه ام اینست
اندیشه این جان گرفتار ندارم
خون شد دل خسرو ز نگهداشتن راز
چون هیچ کسی محرم اسرار ندارم

۳- ساز و آواز- امیر خسرو دهلوی ۰۱:۳۵

دل پر ز غم و غصه ی هجر است
ولیکن از تنگ دلی طاقت گفتار ندارم

۴- ساز آواز- ۰۳:۱۳

چون راز برون نفتم از پرده که هر چند
گویند مرا گر به نگهدار ندارم
جانا چو دل خسته به سودای تو دارم
او داند و سودای تو من کار ندارم
خون ریز شگرفت لبست لبست سهل نگیرم
مهمان عزیز است غمت خوار ندارم
مرگم ز تو دور افکنند اندیشه ام اینست
اندیشه ُ این جان گرفتار ندارم
خون شد دل خسرو ز نگهداشتن راز
چون هیچ کسی محرم اسرار ندارم

۵- تصنیف شب تنهایی - شعر حافظ

دل از من برد و روی از من نهان کرد
خدارا با کی بازی تمام کرد
شب تنهایی در بسته جا بود
خیالش لطف های بی کران کرد
چرا چون لاله خونیده لباش است
که با ما نرگس او سرگران کرد
که را گویم این درد جانسوز
طبییم قصد جان ناتوان کرد
به داستان چون شمع بر من
سراییده گریه یکبار در فغان کرد
عدو با جان حافظ حال نکردی عزیز من
که تیر چشم آن ابرو کمان کمان کرد

۶- تصنیف عاشق دیوانه- شعر عماد کرمانی

ای که بر انداختی صحبت اهل وفا
مجلس صاحب دلان بی تو ندارد صفا
حال دل ریش ما پیش تو پوشیده نیست
واقفه رازیوری فارغی از حال ما
در قدح بیدلان زهر غمت نوش نای
در نظر عاشقان خاک رخت طوطیا
کوی خرابات نیست منزل اهل فلاح
شاهدو می از کجا گوشه نشین از کجا
عاشق دیوانه ام خدا
ساکن میخانه ام حبیب
از همه بیگانه ام تا تو شدی آشنا

۷- گروه نوازی همراه با آواز ۱۵:۳۲

دلم در عاشقی آواره شد آواره تر بادا
تنم از بی دلی بیچاره شد بیچاره تر بادا
به تاراج عزیزان زلف تو عیاری دارد
به خونریز غریبان چشم تو عیاره تر بادا
رخت تازه است و بهر مردن خود تازه تر خواهم
دلت خار هست و بهر کشتن من خاره تر بادا
گرای زاهد دعای خیر میگوید مرا این گو
که آن آواره از کوی بتان آواره تر بادا
همه گویند کز خون خواریش خلقی بجان آمد
من این گویم که بهر جان من خون خواره تر بادا
دل من پاره گشت از غم نه زان گونه که به گردد
و گر جانان بدین شادست یا رب پاره تر بادا
چو با تردامنی خو کرد خسرو با دو چشم تر
به آب چشم پاکان دامنش همواره تر بادا

۸- تصنیف عشوه های پنهانی - شعر شیخ بهایی ۰۷:۰۹

ساقیا بده جامی زان شراب روحانی
تا دمی بیاسایم زین حجاب جسمانی
بهر امتحان ای دوست گر طلب کنی جان را
آنچه را برافشانم کز طلب خجل مانی
بی وفا نگار من می کند به کار من
خنده های زیر لب عشوه های پنهانی
خانه ی دل ما را خدا از کرم عمارت کن
پیش از آنکه این خانه رو نهد به ویرانی
بی وفا نگار من می کند به کار من
خنده های زیر لب عشوه های پنهانی

پروفايل:

نام آلبوم: جام مصفا

سال انتشار: فرردين ۱۳۹۱

نوع: استودیوی

سبك: سنتی ایران

شماره مجوز:

كد كتابخانه ملی:

حق کپی رایت: انتشارات سروش

مدت زمان: ۳۱ دقیقه و ۴۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- خنده ی گل ۲- باغ رویا ۳- خیالستان مستان ۴- خیال انگیز ۵- اشک ۶- کام هزار ساله ۷- خانه برانداز
۸- جام مصفا

آهنگسازان: حبیب الله بدیع - محسن حسینی

نوازندگان:

تهیه و تنظیم: محسن حسینی

ضبط:

گاه نگاری: شب کوچه ها ... خانه ی دوست کجاست؟

۱- خنده ی گل- اسماعیل نواب صفا ۰۴:۰۸

می خندم می خندم من بر دنیا می خندم
بر دنیا ای زیبا من چون گلها می خندم
گل من رفتی به کجا
کردی دل خون تو مرا
چو شوی از من تو جدا
من می میرم به خدا
در پایت جان ریزم از قهرت نگریم
با لبخندی شادم کن
با پیغامی یادم کن
من شام خاموش تو
تو صبح خندان من
نقشی غم افزا دارد
آغاز و پایان من به خدا به خدا
من موجی سرگردانم
من دردی بی پایانم
با عشق و ناکامی ها
هم عهد و هم پیمانم
وصل تو باشد درمانم
نگهت زد آتش بر جانم
تو را جویم
تو را خواهم
من از تو دوری نتوانم
صفا جویم
وفا خواهم
بیا بنشین بر دامنم

۲- باغ رویا- بیژن ارژن ۰۴:۳۹

شب ما شبستان باران
گل اشک و باران و پنهان
پنهان تر از آه شبهایی
پیداتر از لاله ی مایی
نمی گیری ای سرو بارانی من
تو را بی ازین ساکتی تیر شکسته
نمی پرسی آخر چرا زار و تنهام
به امید رویت در اینجا نشسته
از شاخه آب تا چشمه ماه چرا هیس خدایا
راه رسیدن هستی شنیدن از آن باغ رویا
با من تو بنشین شبیه گل سحر که خبر داری عزیزم
دیدنی چه ها کرد گل روی تو به باغ نظر با من بی دل
ای آه عاشقانه در سینه من
ای روشن از نگاهت آینه من
از شاخه آب تا چشمه ماه چرا هیس خدایا
راه رسیدن هستی شنیدن به آن باغ رویا

۳- خیالستان مستان- بیژن ارژن ۰۳:۴۱

نی به نی صحرا به صحرا از نیستان آمدم
از خیالستان مستان سوی اسران آمدم
نی به نی شاخه ی شکر تویی
نو به نو قصه ای دیگر تویی
با تو صحرا گل و ریحان است
بی تو دریا کویرستان است
عشق این صدای جان آتش پنهان
می رسد از سینه نیزارها
عشق راه بی پایان پیچش طوفان
می رود تا قصه دیدارها
کوه به کوه آمدم تا عاشقی
نام من صحرا عاشقی
یاد تو چشمه آینه ام
بگذرد آسمان در سینه ام
با تو صحرا گل و ریحان است
بی تو دریا کویرستان است
نی به نی صحرا به صحرا از نیستان آمدم
از خیالستان مستان سوی اسران آمدم
نی به نی شاخه ی شکر تویی
نو به نو قصه ای دیگر تویی
با تو صحرا گل و ریحان است
بی تو دریا کویرستان است

۴- خیال‌انگیز- رهی معیری ۰۴:۰۵

خیال‌انگیز و جان‌پرور چو بوی گل سراپایی
نداری غیر از این عیبی که می‌دانی که زیبایی
من از دلبستگی‌های تو با آیینۀ دانستم
که بر دیدار طاقت سوز خود عاشق‌تر از مایی
به شمع و ماه حاجت نیست بزم عاشقانت را
تو شمع مجلس‌افروزی تو ماه مجلس‌آرایی
منم ابر و تویی گلبن که می‌خندی چو می‌گیریم
تویی مهر و منم اختر که می‌میرم چو می‌آیی
مراد ما نجویی ورنه رندان هوس‌جو را
بهار شادی‌انگیزی حریف باده پیمایی
مه روشن میان اختران پنهان نمی‌ماند
میان شاخه‌های گل مشو پنهان که پیدایی
کسی از داغ و درد من نپرسد تا نپرسی تو
دلی بر حال زار من نبخشد تا نبخشایی
مرا گفتی: که از پیر خرد پرسم علاج خود
خرد منع من از عشق تو فرماید چه فرمایی
من آزردۀ دل را کس گره از کار نگشاید
مگر ای اشک غم امشب تو از دل عقده بگشایی
رهی تا وارهی از رنج هستی ترک هستی کن
که با این ناتوانی‌ها به ترک جان توانایی

۵- اشک- نصرالله مردانی ۰۴:۱۷

ندانم آتشی یا آبی ای اشک
گل داغی ولی شادابی ای اشک
شکستی سیل بند دیده و دل
که دریایی ترین سیلابی ای اشک
کنار ساحل خاموش چشمم
درخشان گوهرشب تابی ای اشک
گل افشان کن گذرگاه لبم را
که خون دیده ی بیخوابی ای اشک
دو چشم مردم اختر شمارم
شبم راخوشه ی مهتابی ای اشک
نمازم نور معنا از تو دارد
چراغ روشن محرابی ای اشک
غزل بی آب رویت گفتنی نیست
برآی ازدل که شعرنابی ای اشک

۶- کام هزار ساله- بیژن ارژن ۰۳:۳۹

کی می شود بیایی و نیلوفر آوری
گل های رنگ رنگ به هر دفتر آوری
باران شوی بهار شوی غنچه غنچه گل
لب و ا کنی گلاب خوش قمصر آوری
خاکستری بریزی و جنگل به پا کنی
بید و چنار و سرو ز خاکستر آوری
هر برگ از نگاه تو دیوانی از بهار
با هر بهار معجزه ای دیگر آوری
کی می شود بیایی و نیلوفر آوری
گل های رنگ رنگ به هر دفتر آوری
باران شوی بهار شوی غنچه غنچه گل
لب و ا کنی گلاب خوش قمصر آوری
کی می شود بیایی و با گام روشنت
کام هزار ساله ما را برآوری

۷- خانه برانداز- رهی معیری ۰۳:۳۲

تا جان ندهم بر سر من باز نیاید
در خانه ام آن خانه برانداز نیاید
دل را پی آن ماه فرستم به صد امید
ای وای به من گر رود و باز نیاید
تا بال گشودم پرم از شعله ی غم سوخت
پروانه همان به که به پرواز نیاید
دور از تو به تن مانده به من جان ضعیفی
که آن هم به لب از طالع ناساز نیاید
با تیر غمت لب به شکایت نگشودم
از کشته ی شمشیر تو آواز نیاید
یک دم به نوای دل من گوش فرا دار
که این ناله ی جانسوز به هر ساز نیاید
در پای تو افتد رهی و جان دهد امروز
فرصت اگر از دست رود باز نیاید

۸- جام مصفا- امیر خسرو دهلوی ۳:۴۳۰

عید است و ساقی در قدح جام مصفا داشته
تشنه لبان روزه را شربت مهیا داشته
تا از شراب با صفا گوید حریفان را صلا
اینک سپهر اندر هوا جام مصفا داشته
هست این مه فرخنده فر، لیک برو فرخنده تر
کو دیده مه را در نظر در روی زیبا داشته
دردی کش از عشق من در ماه مانده چشم وی
ساغر به دستش پی به پی دیده به بالا داشته
ای چشمه حیوان جان، نی نی که جان جان جان
در حقه پنهان جان معجون اصبا داشته

پروفایل:

نام آلبوم: خروش بحر^{۴۸}

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (دستگاه شور-چهارگاه-افشاری و دشتی)

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: مرکز موسیقی حوزه هنری

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۷ قطعه

۱- کاروان ۲- سرو خدا ۳- خروش بحر ۴- فراق ۵- وداع ۶- بر بال ملایک بی کلام (چهار گاه-بیدا) ۷- کیمیاگران بی کلام (شور- دشتی)

آهنگساز: فردین کریم خاوری

نوازندگان:

مسعود آرامش: سنتور

فردین لاهورپور: نی

شروین مهاجر: کمانچه و کمانچه ٔ آلتو

پریچهر خواجه: قانون

سهیل سان احمدی: تارباس

کاووس صابونی و محمد برزین: سه تار باس

مهرداد کریم خاوری: دف، دمام، دهل، تاس، طبل بزرگ و سنج

فردین کریم خاوری: نیز افزون بر آهنگساز و نوازنده سه تار

^{۴۸}. این آلبوم با مضامین عاشورایی در ماه محرم و سفر با تیراژ ۱۰ هزار دوباره باز نشر شد.

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

مدیریت تولید: رضا مهدوی

۱- کاروان (شور) سعدی فردین - ۰۷:۰۹

آتشی ز کاروان جدا مانده
این نشان ز کاروان به جا مانده
یک جهان شرار تنها
مانده در میان صحرا
به درد خود سوزد
به سوز خود سازد
سوزد از جفای دوران
فتنه و بلای طوفان
فنای او خواهد
به سوی او تازد
من هم ای یاران تنها ماندم
آتشی بودم برجا ماندم
با این گرمی جان در ره مانده حیران
این غم خود به کجا ببرم؟
با این جان لرزان
با این پای لغزان
ره به کجا ز بلا ببرم؟
می سوزم با بی پروایی
می لرزم بر خود از این تنهایی
آتشی خو هستی سوزم
شعله جانی بزم افروزم
بی پناهی محفل آرا
بی نصیبی تیره روزم
کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی
در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن
شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

۲- سرو خدا (شور، دشتی) محتشم کاشانی ۰۸:۱۰

خبر از رفتن آن سرو روانم مدهید
بیخودم من خبر از رفتن جانم مدهید
یا مجوئید نشان از من سرگشته دگر
یا به آن راه که او رفته نشانم مدهید
ترسم افتد ز زبانم به تر و خشک آتش
نام آن سرو خدا را به زبانم مدهید
بعد ازین بودن من موجب بدنامی اوست
خون من گرم بریزید و امانم مدهید

دامه‌ی غزلِ محتشم:

من که از حسرت آن حور به تنگم ز جهان
به جز از مؤده‌ی رفتن ز جهانم مدهید
من که چون نی همه دردم بروید از سر من
خویش را در دسر از آه و فغانم مدهید
پهلوی محتشم چون فکند خواب اجل
خواب‌گه جز ز سر کوی فلانم مدهید

۳- خروش بحر (چهارگاه) محتشم کاشانی ۵۶:۵۰

ای ساریان آهسته رو کارام جانم می رود و آن دل

که با خود داشتم با دلستانم می رود او می رود

دامن کشان من زهر تنهایی چشان دیگر میپرس از

من نشان کز دل نشانم می رود محمل بدار ای

ساروان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان

گویی روانم می رود ای وا مصیبت های من فریاد من افغان من

۴- فراق (افشار) مهجور اصفهانی ۰۷:۳۵

خدایا یار ما از دل خطر در این عالم
چه سازم از فراق او که کنج جمع از این ماتم
مرا آلوده و حیران ز عشق نازنین
چنان مست رخت جانا به جان کندم چه پروایم
من از دست فراق کی امید زندگی دارم
برای عزم کوی تو به فرمانت نهیم یارم
خدایا یار ما عزم سفر دارد در این عالم
چه سازم از فراق او که خون گرید در این ماتم
ببین خون دل خود را نوشتن بر رخ دفتر
سرشک از دیدها ریزم که تا در سر بیاراید
تمام قدسیان گشته ملول از نامه ات مهجور
کنم فریاد واویلا من از هجر دل آراید

۵- وداع (چهارگاه، بیداد) محتشم کاشانی ۰۸:۱۶

ساربان پرشتابان بار ازین منزل میند
بس خرابم من یک امروز دگر محمل میند
حالیا از چشم طوفان خیز من ره دجله است
یک دو روز دیگری این رخت ازین ساحل میند
غافل کز من به رویت مانده باقی یک نگاه
در محلی این چنین چشم از من غافل میند
نیست حد آدمی کز تن برد جان در وداع
روح انسان پیکری تهمت بر آب و گل میند
یار چون شد عمر در تعجیل بهتر ای طبیب
رو ببند حيله پای عمر مستعجل میند
داروی منعم مکش در چشم گریان ای رفیق
راه بر سیلی چنین پر زور بی حاصل میند
دل به خوبان بستن ای دل حاصل دیوانگی است
محتشم گر عاقلی دیگر به ایشان دل میند

پروفایل:

نام آلبوم: راز گل^{۴۹}

سال انتشار: ۱۳۶۹-۱۳۷۲

نوع: استودیویی

سبک: سنتی - دستگاه نوا و آواز دشتی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: نوای همایون - هم آواز آهنگ

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه - ۳ قطعه بی کلام از محمد آذری

(نوا) ۱- راز گل ۲- آواز همراه کمانچه ۳- شکفتن ۴- آواز همراه کمانچه ۵- تصنیف کمان ابرو (دشتی) ۶- مژده ۷- آواز همراه نی ۸- حال خونین دلان ۹- آواز همراه سه تار ۱۰- تصنیف با ما منشین

آهنگساز: محمد آذری

نوازندگان:

تک نوازی کمانچه: سهیل ایوانی

تکنوازی نی: بهزاد فروهری

تکنوازی سه تار: مجتبی میرزاده

ارکستر زهی:

^{۴۹} . سهراب پورناظری (آهنگساز) در روزنامه شرق یک متن با تیتراژ یاد ایام درباره ی این آلبوم منتشر کرد. در این متن از علیرضا افتخاری یکی از پرقدرتترین آوازخوانان ایرانی و مجتبی میرزاده را جزو بهترین ویولن نوازان تاریخ موسیقی ایران معرفی کرد و از این اثر تقدیر کرد. (۱۳۹۵)

ارسلان کامکار، همایون رحیمی، هادی آزر، محمد بیگلری، عمادرضا نکویی، کریم قربانی، علیرضا خورشیدفر

ارکستر سنتی:

حسن ناهید، مجتبی میرزاده، محمد فرمند، شهریار فریوسفی، بیژن کامکار، محمد فیروزی، محمد آذری

تنظیم: مجتبی میرزاده

ضبط:

گاه نگاری: غریبستان... مقام صبر

۱- قطعه راز گل، آهنگساز محمد آذری ۲۰:۳۵

خوشا آنان که از پا سر نذونند
میان شعله خشک و تر نذونند
کنشت و کعبه و بتخانه و دیر
سرای خالی از دلبر نذونند
ز بخت بدهزار اندیشه دیرم
همیشه زهر غم در شیشه دیرم
ز ناسازی بخت و گردش چرخ
فغان و آه و زاری پیشه دیرم
به سر غیر تو سودایی ندارم
به دل جز تو تمنایی ندارم
خدا دونه که در بازار عشقت
به جز جون هیچ کالایی ندارم
به عمر خویشتن تا یاد دارم
ز هجرت ناله و فریاد دارم
ندارم خاطر شادی به خاطر
همیشه خاطر ناشاد دارم

۲- تصنیف کمان ابرو، آهنگساز محمد آذری ۰۷:۲۴

مرا چشمیست خون افشان ز دست آن کمان ابرو
جهان پر فتنه خواهد شد از آن چشم و از آن ابرو
غلام چشم آن ترکم که در خواب خوش مستی
نگارین گلشنش روی است و مشکین سایبان ابرو
هلالی شد تنم زین غم که با طغرای ابرویش
که باشد مه که بنماید ز طاق آسمان ابرو
تو کافردل نمی‌بندی نقاب زلف و می‌ترسم
که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو
اگر چه مرغ زیرک بود حافظ در هواداری
به تیر غمزه صیدش کرد چشم آن کمان ابرو

۳- آواز همراه با نی بهزاد فروهری

داغ از حرارت جگرم داد میزند آتش به سوز سینه من باد میزند
هر لاله ای که از جگر سنگ می دمد دامن به آتش دل فرهاد می زند
از دل نمی رسد نفس عاشقان به لب بلبل ز بیغمی است که فریاد می زند
در خانمان خرابی خود سعی می کند چون غنچه هرکه دم زدل شاد می زند
آینه خانه دل من از خیال او چون کوه قاف موج پریراد می زند
از ترکناز عشق کسی جان نمی برد این سیل بر خرابه و آباد می زند
صائب به پای خویش زند تیشه بیخبر آن بی ادب که خنده به استاد می زند

۴- تصنیف حال خونین دلان، آهنگساز محمد آذری ۰۶:۱۴

حال خونین دلان که گوید باز
و از فلک خون خم که جوید باز
هر که چون لاله کاسه گردان شد
زین جفا رخ به خون بشوید باز
شرمش از چشم می پرستان باد
نرگس مست اگر بروید باز
نگشاید دلم چو غنچه اگر
ساغری از لیش نبوید باز

۵- تصنیف باما منشین، آهنگساز مجتبی میرزاده ۰۹:۵۵

گر همچو من افتاده‌ی این دام شوی
ای بس که خرابِ باده و جام شوی
ما عاشق و رند و مست و عالم‌سوزیم
با ما منشین، اگر نه بدنام شوی

پرو فایل:

نام آلبوم: شب عاشقان

سال انتشار: ۱۳۸۱

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۷۴۶۱۸- مرجع صادرکننده وزارت فرهنگ و ارشاد

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: هم آواز آهنگ- ایران گام

مدّت زمان:

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

۱- ای عاشقان ۲- نو بهار خندان ۳- یا رب ۴- معشوقه به سامان شد ۵- پنهان مشو ۶- همه را بیازمودم
۷- شب عاشقان ۸- آن نه عشق است ۹- گل خندان ۱۰- چون غلام آفتابم

آهنگساز: جلال ذوالفنون

نوازندگان:

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- ای عاشقان ۸:۰۸

عیشهاتان نوش بادا هر زمان ای عاشقان
شما کان شکر باد این جهان ای عاشقان
نوش و جوش عاشقان تا عرش و تا بالا رسید
برگذشت از عرش و فرش این کاروان ای عاشقان
از لب دریا چه گویم لب ندارد بحر جان
بر فزودهست از مکان و لامکان ای عاشقان
ما مثال موجها اندر قیام و در سجود تا پدید آید
نشان از بینشان ای عاشقان
طرفه دریایی معلق آمد این دریای عشق
نی به زیر و نی به بالا نی میان ای عاشقان
نوش و جوش عاشقان تا عرش و تا بالا رسید
برگذشت از عرش و فرش این کاروان ای عاشقان
ما مثال موجها اندر قیام و در سجود تا پدید آید
نشان از بینشان ای عاشقان
طرفه دریایی معلق آمد این دریای عشق
نی به زیر و نی به بالا نی میان ای عاشقان
گر کسی پرسد کیانید ای سرافرازان شما
هان بگویندش که جان جان جان ای عاشقان

۲- نوبهار خندان ۰۶:۵۲

ای نوبهار خندان از لامکان رسیدیگویی زیار داری از یار ما چه دیدی
خندان و تازه رویی سرسبز و مشک بویبهمرنگ یار مایی یا رنگ از او خریدی
ای فضل خوش چو جانی وز دیده‌ها نهانیاندر اثر پدیدگی در ذات ناپدیدگی
ای گل چرا نخندی کز هجر بازرستی ای ابر چون نگریی کز یار خود بریدی
ای باغ خوش بپرور این نورسیدگان راکاحوال آمدنشان از رعد می‌شنیدی
ای باد شاخه‌ها را در رقص اندرآوربر یاد آن که روزی بر وصل می‌وزیدی

۳- یا رب ۵۱:۵۰

یا رب این بوی خوش از روضه جان می آید یا نسیمیست کز آن سوی جهان می آید
یا رب این آب حیات از چه وطن می جوشد یا رب این نور صفات از چه مکان می آید
چه سماعست که جان رقص کنان می گردد چه صغیرست که دل بال زنان می آید
چه شکارست که این تیر قضا پرانست و ر چنین نیست چرا بانگ کمان می آید
مژده مژده همه عشاق بکوید دو دستکانک از دست بشد دست زنان می آید
بس کنم گر چه که رمزست بیانش نکنم خود بیان را چه کنیم جان بیان می آید

۴- معشوقه به سامان شد ۵:۴۹

معشوقه به سامان شد معشوقه به سامان شد
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
کفرش همه ایمان شد کفرش همه ایمان شد
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
یاری که دلم می خست در بر رخ ما می بست
غمخواره یاران شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
زان خشم دروغینش زان شیوه شیرینش
عالم شکرستان شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
قهرش همه رحمت شد زهرش همه شربت شد
ابرش شکر افشان شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
شب رفت صبح آمد غم رفت فتوح آمد
خورشید درخشان شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
عید آمد و عید آمد یاری که رمید آمد
عیدانه فراوان شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
معشوقه به سامان شد معشوقه به سامان شد
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
کفرش همه ایمان شد کفرش همه ایمان شد
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا
خاموش که سرمستم بربست کسی دستم
اندیشه پریشان شد تا باد چنین بادا
تا باد چنین بادا تا باد چنین بادا

۵- پنهان مشو ۴۸:۰۴

پنهان مشو که روی تو بر ما مبارکست
نظاره تو بر همه جان ها مبارکست
پنهان مشو که روی تو بر ما مبارکست
نظاره تو بر همه جان ها مبارکست
پنهان مشو که روی تو بر ما مبارکست
نظاره تو بر همه جان ها مبارکست
پنهان مشو که روی تو بر ما مبارکست
نظاره تو بر همه جان ها مبارکست
ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش
بر باغ و راغ و گلشن و صحرا مبارکست
ای بستگان تن به تماشای جان روید
کآخر رسول گفت
کآخر رسول گفت تماشا مبارکست
تماشا مبارکست
نقشی که رنگ بست از این خاک بیوفاست
نقشی که رنگ بست از این خاک بیوفاست
نقشی که رنگ بست ز بالا مبارکست
نقشی که رنگ بست ز بالا مبارکست
بر خاکیان جمال بهاران خجسته باد
بر ماهیان طپیدن دریا مبارکست
دل را مجال نیست که از ذوق دم زند
جان سجده می کند که خدایا،خدایا،خدایا مبارکست
جان سجده می کند که خدایا،خدایا،خدایا
جان سجده می کند که خدایا مبارکست
جان سجده می کند
جان سجده می کند که خدایا مبارکست
خدایا مبارکست
خدایا مبارکست
خدایا مبارکست
جان سجده می کند که خدایا مبارکست
خدایا مبارکست

۶- همه را بیازمودم ۰۷:۱۱

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد
چو فروشدم به دریا چو تو گوهرم نیامد
ز پیت مراد خود را دو سه روز ترک کردم
چه مراد ماند زان پس که میسرم نیامد
خردم گفت برپر ز مسافران گردون
چه شکسته پا نشستی که مسافرم نیامد
چو پرید سوی بامت ز تنم کبوتر دل
به فغان شدم چو بلبل که کبوترم نیامد
چو پی کبوتر دل به هوا شدم چو بازان
چه همای ماند و عنقا که برابرم نیامد
برو ای تن پریشان تو وان دل پشیمان
که ز هر دو تا نرستم دل دیگرم نیامد

۷- آن نه عشق است ۰۶:۲۲

آن نه عشق است که از دل به زبان میاید
وان نه عاشق که ز معشوق به جان میاید
گو برو در پس زانوی سلامت بنشین
آنکه از دست ملامت به فغان میاید
عاشق آن است که بی خویشتن از ذوق سماع
پیش شمشیر بلا رقص کنان میاید
حاش لله که من از تیر بگردانم روی
گر بدانم که از ان دست و کمان میاید
سعدیا این همه فریاد تو بیدردی نیست
آتشی هست که دود از سر ان میاید

۸- گل خندان ۷:۴۲

گل خندان که نخندد چه کند
علم از مشک نبندد چه کند
نار خندان که دهان بگشادست
چونک در پوست نگنجد چه کند
مه تابان به جز از خوبی و ناز
چه نماید چه پسندد چه کند
آفتاب ار ندهد تابش و نور
پس بدین نادره گنبد چه کند
سایه چون طلعت خورشید بدید
نکند سجده نخنبد چه کند
عاشق از بوی خوش پیرهننت
پیرهن را ندراند چه کند
تن مرده که بر او برگذری
نشود زنده نجنبد چه کند
دلم از چنگ غمت گشت چو چنگ
نخروشد نترنگد چه کند
شیر حق شاه صلاح الدینست
نکند صید و نغرد چه کند

۹- چون غلام آفتابم ۰۳:۳۵

چون غلام آفتابم
هم از آفتاب گویم
نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم
نه شبم نه شب پرستم که حدیث خواب گویم
که حدیث خواب گویم
چو رسول آفتابم به طریق ترجمانی
به نهان از او بپرسم به شما جواب گویم
به شما جواب گویم
چو رسول آفتابم به طریق ترجمانی
به نهان از او بپرسم به شما جواب گویم
به شما جواب گویم
به قدم چو آفتابم
به خرابه ها بتابم
بگریزم از عمارت
سخن خراب گویم
سخن خراب گویم
به قدم چو آفتابم
به خرابه ها بتابم
بگریزم از عمارت
سخن خراب گویم ووووووووو
چو دلم ز خاک کویش بکشیده است بویش
چو دلم ز خاک کویش بکشیده است بویش
خجلم ز خاک کویش که حدیث آب گویم
بگشا نقاب از رخ
که رخ تو است فرخ
تو روا مبین که با تو ز پس نقاب گویم ووووووو
تو روا مبین که با تو ز پس نقاب گویم
یا!!!!!!!!!!!!!!!!

پروفایل:

نام آلبوم: غربستان

سال انتشار: ۱۳۷۰

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: آوای دل

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۱۰ قطعه

۱- قطعاتی ساخته شده در دستگاه نوا ۲- تصنیف بیا بیا دلدار من ۳- درآمد و چهار مضارب نوا ۴- ساز و آواز (درآمد نیشابورک و نهفت) ۵- تصنیف صدای عشق ۶- قطعه ی ارکستری نو نوا، ۷- درآمد و ضربی نهفت ۸- آواز نهفت و کرد بیات و فرود ۹- تصنیف ساقیا ۱۰- آواز دو بیتی (شعر باباطاهر)

آهنگساز: جلیل عندلیبی

نوازندگان:

تک نوازی: هوشنگ ظریف

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- متن تصنیف بیا بیا دلدار من -شعر مولانا،

بیا بیا دلدار من دلدار من
درآ درآ در کار من در کار من
تویی تویی گلزار من
بگو بگو اسرار من
ای فخر من سلطان من
فرمان ده و خاقان من
چون سوی من میلی کنی میلی کنی
روشن شود چشمان من چشمان من
هر جا روم با من روی با من روی
هر منزلی محرم شوی محرم شوی
روز و شبم مونس تویی مونس تویی
دام مرا خوش آهویی
[بیا بیا دلدار من دلدار من
درآ درآ در کار من در کار من] ۲
ای فخر من سلطان من
فرمان ده و خاقان من
چون سوی من میلی کنی میلی کنی
روشن شود چشمان من چشمان من
صبر مرا برهم زدی برهم زدی
عقل مرا رهن شدی رهن شدی
[دل را کجا پنهان کنم]
در دلبری تو بی حدی تو بی حدی
چون می روی بی من مرو ای جان جان بی تن مرو
وز چشم من بیرون مشو ای شعله تابان من
[بی پا و سر کردی مرا بی خواب و خور کردی مرا
سرمست و خندان از درآ ای یوسف کنعان من]
[بیا بیا دلدار من دلدار من
درآ درآ در کار من در کار من]
ای فخر من سلطان من
فرمان ده و خاقان من
چون سوی من میلی کنی میلی کنی
روشن شود چشمان من چشمان من

۲- متن آواز، مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ی ۱۷۷۱

شد ز غمت خانه سودا دلم
در طلبت رفت به هر جا دلم
در طلب زهره رخ ماه رو
می نگرد جانب بالا دلم
آه که امروز دلم را چه شد
دوش چه گفته است کسی با دلم
از دل تو در دل من نکته‌هاست
وہ چه رہ است از دل تو تا دلم
در طلب گوهر گویای عشق
موج زند موج چو دریا دلم

۳- متن تصنیف صدای عشق (شعر مولانا)، حافظ ، غزل شماره ی ۴۴۴

شهریست پریظیفان وز هر طرف نگاری
یاران صلاى عشق است گر می‌کنید کاری
چشم فلک نبیند زین طرفه‌تر جوانی
در دست کس نیفتد زین خوبتر نگاری
چون من شکسته‌ای را از پیش خود چه رانی
کم غایت توقع بوسیست یا کناری
می‌بی‌غش است دریاب وقتی خوش است بشتاب
سال دگر که دارد امید نوبهاری
در بوستان حریفان مانند لاله و گل
هر یک گرفته جامی بر یاد روی یاری
چون این گره گشایم وین راز چون نمایم
دردی و سخت دردی کاری و صعب کاری
هر تار موی حافظ در دست زلف شوخی
مشکل توان نشستن در این چنین دیاری
شهریست پریظیفان وز هر طرف نگاری
یاران صلاى عشق است گر می‌کنید کاری

۴- متن آواز غریبستان، مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ی ۲۵۷۲

جانا به غریبستان چندین به چه می‌مانی
باز آ تو از این غربت تا چند پریشانی
صد نامه فرستادم صد راه نشان دادم
یا راه نمی‌دانی یا نامه نمی‌خوانی
باز آ که در آن محبس قدر تو نداند کس
با سنگ دلان منشین چون گوهر این کانی

۵- متن تصنیف ساقیا ، شیخ بهایی ، دیوان اشعار ، غزل شماره ی ۲۵

ساقیا! بده جامی، زان شراب روحانی
تا دمی بیآسایم زین حجاب ظلمانی
طره ی پریشانش دیدم و به دل گفتم
این همه پریشانی بر سر پریشانی
بی وفا نگار من می کند به کار من
خنده های زیر لب عشوه های پنهانی
دین و دل به یک دیدن، باختیم و خرسندیم
در قمار عشق ای دل، کی بود پشیمانی؟

ما سیه گلیمان را جز بلا نمی شاید
بر دل بهائی نه هر بلا که بتوانی
ساقیا! بده جامی، زان شراب روحانی
تا دمی بیآسایم زین حجاب ظلمانی
طره ی پریشانش دیدم و به دل گفتم
این همه پریشانی بر سر پریشانی
بی وفا نگار من می کند به کار من
خنده های زیر لب عشوه های پنهانی
دین و دل به یک دیدن، باختیم و خرسندیم
در قمار عشق ای دل، کی بود پشیمانی؟

ما سیه گلیمان را جز بلا نمی شاید
بر دل بهائی نه هر بلا که بتوانی
ساقیا! بده جامی، زان شراب روحانی
تا دمی بیآسایم زین حجاب ظلمانی

۶- متن آواز دو بیتی (شعر باباطاهر) [دوبیتی های شماره ی ۱۶۳ - ۲۶۴ - ۱۶۱ - ۱۶۸]

خوش آن ساعت که دیدار ته وینم
کمند عنبرین تار ته وینم
نوپنه خرمی هرگز دل مو
مگر آن دم که رخسار ته وینم
فلک در قصد آزارم چرائی
گلم گر نیستی خارم چرائی
ته که باری ز دوشم بر نداری
میان بار سربارم چرایی
گلستان جای تو ای نازنینم
مو در گلخن به خاکستر نشینم
چه در گلشن چه در گلخن چه صحرا
چو دیده واکرم جز ته نوینم
ز حال خویشتن مو بی خبر بیم
ندونم در سفر یا در حضر بیم
فغان از دست تو ای بی مروت
همی دونم که عمری در بدر بیم

پروفايل:

نام آلبوم: زيباترين

سال انتشار: ۱۳۷۵

نوع: استودیویی

سبک: کلاسیک ایرانی

شماره مجوز:

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: سار بانگ

مدت زمان: ۵۹ دقیقه و ۳۰ ثانيه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- زيباترين ۲- گروه نوازی ۳- کعبه مهر ۴- چهار مضرب ۵- گيل بهاری ۶- عطر سوسن یک ۷- عطر

سوسن دو ۸- تصنيف امان امان

آهنگساز: محمد جواد ضرابيان

نوازندگان: گروه سماع

سنتور: محمدجواد ضرابيان

تار و سه تار: عرفان گنجهای

کمانچه: سینا جهان آبادی

دف و دهل: مسعود حبیبی

نی: بهروز الوندی پور

بربط: فرامرز گرمارودی

تار: شهرام میرجلالی

تنبک: کامبیز گنجهای

تنظیم:

ضبط: استودیو پژواک

گاه نگاری: نیلوفرانه... امان از جدایی

۱- تصنیف زیباترین- م. آزاد

به سر شد جوانی
دریغا از تو هر گز ندیدم مهربانی
گل من در فراغت تبه شد زندگانی
چه شبها که تنها به یادت گریه کردم چو ابر نو بهاری
چه کنم بی قرارم فغان از بی قراری
که هستم چه هستم اسیری دلشکسته
ز هستی گریزان غریبی زار و خسته
ربودی دلم را به یغما تو ای رنگ هستی
گناهی نکردم که از من تو پیمان گسستی
دل عاشق غمی داره
با غمش عالمی داره
چه کند بی قراره
ای سرو روان ای آرام جان نگارم دلستان
دمی با من بمان
میفزا غمم را فغان از غم فغان
آه ای نازنین ای زیباترین
میفزا آه از این ز هجرت این چنین
مرنجان دلم را سرشکم را ببین
غم هجرت روز و شب بر جان زند تازیانه
آتش عشقت کشد از تار و پودم زبانه
من بی تو ای نگارم
چون شمع شام تارم
دل عاشق غمی داره
با غمش عالمی داره
چه کند بی قراره

۲- گروه نوازی همراه با آواز - ه.ا. سایه

با من بی کس تنها شده یارا تو بمان
همه رفتند از این خانه خدارا تو بمان
من بی برگ خزان دیده دگر رفتنی ام
تو همه بار و بری تازه بهارا تو بمان
داغ و درد است همه نقش و نگار دل من
بنگر این نقش به خون شسته نگارا تو بمان
زین بیابان گذری نیست سواران را لیک
دل ما خوش به فریبی است، غبارا تو بمان
هردم از حلقه ی عشاق پریشانی رفت
به سر زلف بتان سلسله دارا تو بمان
شهریارا تو بمان بر سر این خیل یتیم
پدارا، یارا، اندوه گسارا تو بمان
"سایه" در پای تو چون موج دمی زار گریست
که سر سبز تو خوش باد کنارا تو بمان

تصنیف کعبه ی مهر - قیصر امین پور

سوی تو باز است خدا دست نیازم
بوی تو دارد سوز و گدازم
شور تو دارد نای نوایم
سوز تو دارد ناله سازم
از تو گزیری جز تو ندارم
گر تو برانی چاره چه سازم
کعبه ی مهتر قبله ی دلها
خاک ره تو مهر نمازم
نام تو آتش زد به زبانم
بی تو چو شمع ی سوزم و سازم

۴- ساز و آواز - قیصر امین پور

دل ما هر چه کشید از تو کشید
هر چه از هر که شنید از تو شنید
گر سیاه است شب و روزِ دلم
باید از چشم تو، از چشم تو دید
غنچه از راز تو بو برد، شکفت
گل گریبان به هوای تو درید
موج اگر دعوی دریا دارد
گردن ناز به نام تو کشید
خواب سنگین ز سر صخره و کوه
رنگ از روی شب تیره پرید
روشن از روی تو چشم و دل روز
صبح از نام تو دم زد که دمید

۵- ساز و آواز - فریدون مشیری

دل من جام لبریز از صفا بود از این دلها جدا بود
شکستندش به خود خواهی شکستند خطا بود آن محبتها خطا بود
خدا را بلبلان تنها مخوانید مرا هم یک نفس از خود بدانید
هزاران قصه ناگفته دارم غمم را بشنوید از خود مرانید
اگر من لاله‌ای بودم به باغی نسیمی میگرفت از من سراغی
دریغا لاله‌ی این شوره زارم ندارم همدمی جز درد و داغی

۶- تصنیف گل بهاری - فریدون مشیری

صفای جان و دل من بنفشه‌زاری
نازنینم چونان گل بهاری
صفای جان و دل من بنفشه‌زاری
چه کرده‌ای با دل من خبر نداری
لحظه لحظه می‌دود دلم به سوی تو
ذره ذره می‌شود در آرزوی تو
به هر دو عالم ندهم نگاه دلجوی تو
زیبا، شیرین، آرام جانی
خندان، خندان دل می‌ستانی
غزل خوان گل افشان چو باز آیی
جهان را چه زیبا بیار آیی
روشن‌تر از صبح سپیدی
در جان من نور امیدی
تو همچون ستاره درخشانی
فروزان چو خورشید تابانی
دلم را نگارا نمانده یارا
به مهربانی بخوان ما را
لحظه لحظه می‌دود دلم به سوی
تو ذره ذره می‌شود در آرزوی تو
به هر دو عالم ندهم نگاه دلجوی تو
می‌نشینم سر راحت که نگاهت به چشمان من افتد
تا ببینی چرا هر دم سرشک غم به دامن من افتد
ای نسیم پرنیان پوش
در دل نگردد آتش عشق تو خاموش
لحظه لحظه می‌دود دلم به سوی تو
ذره ذره می‌شود در آرزوی تو
به هر دو عالم ندهم نگاه دلجوی تو
بیا تو ای زیبا که من در سر شوری دارم از اشتیاق
ببین که جان بر لب رسیده استام
چو شمع می‌سوزم از فراغت
تا نغمه ای سر می‌کند مرغی خوش آواز / دل چون کبوتر می‌کند سوی تو پرواز

پروفايل:

نام آلبوم: راز و نیاز

سال انتشار: ۷ تیر ۱۳۶۷

نوع: استودیویی

سبک: سنتی (در دستگاه راست پنجگاه)

شماره مجوز: ۷۴۰۶

کد کتابخانه ملی: ۱۵۱۷ و

حق کپی رایت: موسسه فرهنگی-هنری ماهور

مدت زمان: ۵۷ دقیقه و ۴۷ ثانیه

تعداد قطعات: ۱۳ قطعه

۱- چهارمضرب راست پنجگاه ۲- درآمد ۳ سماع آسمان ۴ عشاق ۵ فرود ۶ تصنیف آهوی وحشی ۷ راز و نیاز ۸ شوشتری ۹ بختیاری ۱۰ مثنوی ۱۱ بیات راجه ۱۲ چهارمضرب، فرود ۱۳ تصنیف بیا تا گل برافشانیم

آهنگساز: حسین علیزاده

نوازندگان: گروه عارف و شیدا

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری: همتای آفتاب... دریغا

۱- درآمد ۵:۴۶

سمن بویان غبار غم چو بنشینند بنشانند
پری رویان قرار از دل چو بستیزند بستانند
به فتراک جفا دلها چو بر بندند بر بندند
ز زلف عنبرین جانها چو بگشایند بفشانند
ز چشم لعل رمانی چو می خندند می بارند
ز رویم راز پنهانی چو می بیند می خوانند
چو منصور از مراد آنان که بردارند
بدین درگاه حافظ را چو می خوانند می رانند

۲- سماع آسمان ۰۷:۲۰

آمد بهار ای دوستان منزل سوی بستان کنیم
گرد غریبان چمن خیزید تا جولان کنیم
امروز چون زنبورها پران شویم از گل به گل
تا در عسل خانه جهان شش گوشه آبادان کنیم
آمد رسولی از چمن کاین طبل را پنهان مزن
ما طبل خانه عشق را از نعره‌ها ویران کنیم
بشنو سماع آسمان خیزید ای دیوانگان
جانم فدای عاشقان امروز جان افشان کنیم
زنجیرها را بردریم ما هر یکی آهنگریم
آهن گزان چون کلبتین آهنگ آتش‌دان کنیم
چون کوره آهنگران در آتش دل می دمیم
کهن دلان را زین نفس مستعمل فرمان کنیم
آتش در این عالم زنیم وین چرخ را برهم زنیم
وین عقل پابرجای را چون خویش سرگردان کنیم
کوبیم ما بی‌پا و سر گه پای میدان گاه سر
ما کی به فرمان خودیم تا این کنیم و آن کنیم
نی نی چو چوگانیم ما در دست شه گردان شده
تا صد هزاران گوی را در پای شه غلطان کنیم
خامش کنیم و خامشی هم مایه دیوانگیست
این عقل باشد کتشی در پنبه پنهان کنیم

۳- عشاق ۵۹:۲۰

ز چشمم لعل رمانی چون میبارد می خندم
ز رویم راز پنهانی چون میبینم می خواند
دل ای جانا دل ای جانا
ز چشمم لعل رمانی چون میبارد می خندم
ز رویم راز پنهانی چون میبینم می خواند
دل ای جانا دل ای جانا

۴- کرشمه فرود ۰۲:۲۳

چون منصور از مراد آنان بردارند بر دارند
بدین درگاه حافظ را چو می خوانند می رانند
ای های ای داد ای های ای داد
چون منصور از مراد آنان بردارند بر دارند
بدین درگاه حافظ را چو می خوانند می رانند
ای های ای داد ای های ای داد

۵- تصنیف آهوی وحشی ۰۶:۳۷

الا ای آهوی وحشی کجایی
مرا با توست چندین آشنایی
الا ای آهوی وحشی کجایی
مرا با توست چندین آشنایی
دو تنها و دو سرگردان دو بی کس
دد و دامت کمین از پیش و از پس
بیا تا حال یکدیگر بدانیم
مراد هم بجویم ار توانیم
که می بینم که این دشت مشوش
چراگاهی ندارد خرم و خوش
که خواهد شد بگویند ای رفیقان
رفیق بیکسان یار غریبان
مگر خضر مبارک پی درآید
ز یمن همتش کاری گشاید
به یاد رفتگان و دوستداران
موافق گرد با ابر بهاران
چنان بیرحم زد تیغ جدایی
که گویی خود نبوده ست آشنایی
بیا وز نکهت این طیب امید
مشام جان معطر ساز جاوید

۶- راز و نیاز ۵:۳۰

الا ای آهوی وحشی کجایی
مرا با توسست چندین آشنایی
الا ای آهوی وحشی کجایی
مرا با توسست چندین آشنایی
دو تنها و دو سرگردان دو بی کس
دد و دامت کمین از پیش و از پس
بیا تا حال یکدیگر بدانیم
مراد هم بجوئیم ار توانیم
که می بینم که این دشت مشوش
چراگاهی ندارد خرم و خوش
که خواهد شد بگوئید ای رفیقان
رفیق بیکسان یار غریبان
مگر خضر مبارک پی درآید
ز یمن همتش کاری گشاید
به یاد رفتگان و دوستداران
موافق گرد با ابر بهاران
چنان بیرحم زد تیغ جدایی
که گویی خود نبوده است آشنایی
بیا وز نکهت این طیب امید
مشام جان معطر ساز جاوید

۷- شوشتری ۵۰:۲۰

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز ماهرویان این کار کمتر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم
گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد
گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید
گفتم که بوی لعلت ما را به آرزو کشت
گفتا تو بندگی کن کو بنده پرور آید
گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد
گفتا خموش حافظ کین غصه هم سرآید
شعر : حافظ

دگر شو شد که تا جونم بسوزه
گریبان تا به دامونم بسوزه
برای کفر زلفت ای پری رخ
همی ترسم که ایمونم بسوزه

الهی آتش عشقم به جان زن
شرر زان شعله ام بر استخوان زن
چو شمعم برفروز از آتش عشق
بر آن آتش دلم پروانه سان زن

۸- نیاز بختیاری ۰۴:۳۹

اگر دردم یکی بودی چه بودی
وگر غم اندکی بودی چه بودی
به بالینم طبیبی یا حبیبی
ازین هر دو یکی بودی چه بودی
تو دوری از برم دلبر برم نیست
روای دیگری اندر صرا نیست
تو دوری از برم دل در برم نیست
هوای دیگری اندر سرم نیست
بجان دلبرم کز هر دو عالم
تمنای دگر جز دلبرم نیست
غم عشق تو مادرزاد دیرم
نه از آموزش استاد دیرم
بدان شادم که از یمن غم تو
خراب آباد دل آباد دیرم

۹- تصنیف بیا تا گل برافشانیم ۵:۴۷۰

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم
فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم
اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم
شراب ارغوانی را گلاب اندر قدح ریزیم
نسیم عطرگردان را شکر در مجمر اندازیم
چو در دست است رودی خوش بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سر اندازیم
صبا خاک وجود ما بدان عالی جناب انداز
بود کن شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم
یکی از عقل می لافد یکی طامات می بافد
بیا کاین داوری ها را به پیش داور اندازیم
بهشت عدن اگر خواهی بیا با ما به میخانه
که از پای خمت روزی به حوض کوثر اندازیم
سخندانی و خوشخوانی نمی ورزند در شیراز
بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

پروفايل:

نام آلبوم: رازگشا

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: سنتی - تصنیف هایی در دستگاههای شور، چهارگاه، سه گاه، دشتی، نوا

شماره مجوز:

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: فروش

مدت زمان: ۵۷ دقیقه و ۳ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- در حرم قدس ۲- یار دردمندان ۳- دل شکسته ۴- سوگند ۵- شب نیلوفری ۶- خورشید سبز ۷- قسم ۸- سکوت

آهنگساز: عباس خوشدل

نوازندگان:

کامبیز گنجه ای

آزاد میرزاپور

مسعود حبیبی

پاشا هنجنی

علی تحریری

عماد نکویی

میثم مروستی

ناصر رحیمی

پدرام فریوسفی

کریم قربانی

مجید اسماعیلی

علی پژوهشگر
ایمان جعفری پویان
علی جعفری پویان
علیرضا خورشید فر
پویا خوش آهنگ

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- در حرم قدس- رهی معیری ۰۷:۲۱

دیده فروبسته ام از خاکیان
تا نگرم جلوه افلاکیان
شاید از این پرده ندایی دهند
یک نفسم را بجایی دهند
آن که در این پرده گذر یافته است
چون سحر از فیض نظر یافته است
خوی سحر گیر و نظر پاک باش
راز گشاینده افلاک باش
خانه تن جایگه زیست، نیست
در خور جان فلکی نیست، نیست
آن که تو داری سر سودای او
برتر از این پایه بود جای او
پرتو این کوکب رخشان نگر
کوکبه ی شاه خراسان نگر
آینه غیب نما را ببین
ترک خودی گوی و خدا را ببین
هر که بر او نور "رضا" تافته است
در دل خود گنج رضا یافته است
سایه شه مایه خرسندی است
ملک "رضا" ملک رضامندی است
کعبه کجا؟ طوف حریمش کجا؟
نافه کجا، بوی نسیمش کجا؟

۲- یار دردمندان- عباس شهری ۰۶:۵۷

به جز از علی نباشد به جهان گشایی
طلب مدد از او کن چو رسد غم و بلایی
چو به کار خویش مانی در رحمت علی زن
به جز او به زخم دل ها ننهد کسی دوايي
ز ولای او بزن دم که رها شوی ز هر غم
سر کوی او مکان کن بنگر که در کجایی
بشناختم خدا را چو شناختم علی را
به خدا نبرده ای پی اگر از علی جدایی
علی ای حقیقت حق علی ای ولی مطلق
تو جمال کبریایی تو حقیقت خدایی
نظری ز لطف و رحمت به من شکسته دل کن
تو که یار دردمندی تو که یار بینوایی
همه عمر همچو “شهری” طلب مدد از او کن
که به جز علی نباشد به جهان گشایی

۳- شکسته دل - مهدی سهیلی ۰۷:۱۵

چرا تو ای شکسته دل خدا خدا نمی کنی
خدای چاره ساز را چرا صدا نمی کنی
به هر لب دعای تو فرشته بوسه می زند
برای درد بی امان چرا دعا نمی کنی
به قطره قطره اشک تو خدا نظاره می کند
به وقت گریه ها چرا خدا خدا نمی کنی
سحر زباغ ناله ها گل مراد می دمد
به نیمه شب چرا لبی به ناله وا نمی کنی
دل تو مانده در قفس جدا ز آشیان خود
پرنده اسیر را چرا رها نمی کنی
ز اشک نقره فام خود به کیمیای نیمه شب
مس سیاه قلب را چرا طلا نمی کنی

۴- سوگند- علی اطهری کرمانی ۰۷:۳۷

به تماشا سوگند / و به آغاز کلام
و به پرواز کبوتر از ذهن / واژه ای در قفس است.
حرف هایم ، مثل یک تکه چمن روشن بود.
من به آنان گفتم:
آفتابی لب درگاه شماست / که اگر در بگشایید به رفتار شما می تابد.
و به آنان گفتم : سنگ آرایش کوهستان نیست / همچنانی که فلز ، زیوری نیست به اندام کلنگ.
در کف دست زمین گوهر ناپیدایی است / که رسولان همه از تابش آن خیره شدند.
پی گوهر باشید. / لحظه ها را به چراگاه رسالت ببرید.
و من آنان را ، به صدای قدم پیک بشارت دادم / و به نزدیکی روز ، و به افزایش رنگ.
به طنین گل سرخ ، پشت پرچین سخن های درشت. / و به آنان گفتم:
هر که در حافظه چوب ببیند باغی / صورتش در وزش بیشه شور ابدی خواهد ماند.
هر که با مرغ هوا دوست شود / خوابش آرام ترین خواب جهان خواهد بود.
آنکه نور از سر انگشت زمان برچیند / می گشاید گره پنجره ها را با آه.
زیر بیدی بودیم. / برگی از شاخه بالای سرم چیدم ، گفتم:
چشم را باز کنید ، آیتی بهتر از این می خواهید؟
می شنیدیم که بهم می گفتند:
سحر میدانند، سحر!
سر هر کوه رسولی دیدند
ابر انکار به دوش آوردند.
باد را نازل کردیم
تا کلاه از سرشان بردارد.
خانه هاشان پر داوودی بود،
چشمشان را بستیم.
دستشان را نرساندیم به سر شاخه هوش.
جیبشان را پر عادت کردیم.
خوابشان را به صدای سفر آینه ها آشفتم

۵- شب نیلوفری- فرید اصفهانی ۰۶:۳۶

غنچه خورشید حسنت تا شکفت
گشت حیران تو ماه و مشتری
ای نگین آخرین انگشتی
جان عالم این نگین را مشتری
باغ سیبی در گذر گاه زمان
ای نگین خاتم پیغمبری
هم بر این انگشتی هستی نگین
این نگین را هم تویی انگشتی
مدعی از ناامیدی گریه کرد
تا نشستی بر سریر سروری
در تو قرآن یک گلستان غنچه بود
تا شکفتی در شبی نیلوفری

۶- خورشید سبز^{۵۰} - فرید اصفهانی ۷۰۶:

در این خاک عاشق، تویی آن شقایق
که برگ‌ی از آن، ندارد خزان
تو آنی که نامت، غروبی ندارد
به مُلک جهان، تویی جاودان
تو خون‌خدایی، گل‌نینوایی
تو دارالشفایی، طبیب‌منی
در این شهر غربت، حبیب‌منی
ستمیدگان را، تو پشت و پناهی
که دریای غم را، کرانه‌تویی
به راه‌رهایی، نشانه‌تویی
کویر زمین را، تو باران‌نوری
بلوغ‌عطش را، تو آب‌حیاتی
قسم به خدا، تو آب‌حیاتی
قسم به خدا

در این خاک عاشق، تویی آن شقایق
که برگ‌ی از آن، ندارد خزان
تو آغاز سبزی، تو پایان سرخی، تو صبح سپیدی
به قولی حُسینی، به قولی شُبیری
به قولی شهیدی
تو خورشید سبزی، تو پرواز سرخی، تو صبح سپیدی
به قولی حسینی، به قولی شُبیری
به قولی شهیدی
به مُلک جهان، تویی جاودان

^{۵۰}. در وصف حسین بن علی.

۷- قسم- لعبت والا ۵۱:۶۰

الهی قسم بر شکوه جهانت
الهی قسم بر مه و کهکشانانت
جانم رها کن، دردم دوا کن
خدایا، خدایا!

بی همزیانم، سیر از جهانم
این جسم سوزان، سوزد روانم
بر من چه دادی، جز بی نوایی؟
در دل نهادی، داغ جدایی
گذشته عمرم با خیال تو
آشنای من کو؟ خدایا کو؟
پُر شد جهانت، از درد و ماتم
هفت آسمانت، شد تیره از غم
چو مرغی تنها رو کنم هر سو
همنوای من کو؟ خدایا کو؟
بی همزیانم، سیر از جهانم
این جسم سوزان، سوزد روانم
تب غم گرفته، زمین و زمان را
از این بی صفایی، رها کن جهان را
غبار جدایی، نشست به دلها
سبوی محبت شکسته،
خدایا!

الهی قسم بر شکوه جهانت
الهی قسم بر مه و کهکشانانت
جانم رها کن، دردم دوا کن
خدایا، خدایا!

بی همزیانم، سیر از جهانم
این جسم سوزان، سوزد روانم
خدایا!...

۸- سکوت^{۵۱} - علیرضا داوری ۰۷:۲۰

گفتند، سرودند، نوشتند و گذشتند
این نغزترین شعر خدا را ننوشتند
دردا و دریغا که قلم‌ها و زبان‌ها
نجوای شب و سوز دعا را ننوشتند
از خلوت آغوش شبانگاه سرودند
آغوش وداع شهداء را ننوشتند
گفتند و نوشتند زمستان و خزان را
سرسبزترین فصل شما را ننوشتند
دیدند فُرّاتی شده است از هر مژه جاری
حتی نمی از اشک صفا را ننوشتند
خون گریه کن ای دوست، بر این نکته که آنها
آمیزه‌ی لبخند و بُکاء را ننوشتند
گفتند، سرودند، نوشتند و گذشتند
این نغزترین شعر خدا را

^{۵۱}. در وصف شهیدان.

پروفايل:

نام آلبوم: همتای آفتاب (آواز مثنوی با همسرایی ، نگرشی به اندیشه و شعر مولوی)

سال انتشار:

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۷۴۲۳

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت:

مدت زمان: همسرایی علیرضا افتخاری ۰۰:۲۷:۳۸ - قطعه بی کلام ۰۰:۲۸:۵۲

تعداد قطعات: ۲ قطعه

آهنگساز: عماد رام

نوازندگان:

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

پروفایل:

نام آلبوم: گل هزار بهار (تقدیم به علی شریعتی به مناسبت بیست و سومین سال درگذشت ایشان).^{۵۲}

سال انتشار: ضبط ۱۳۶۷ - انتشار پاییز ۱۳۷۹

نوع:

سبک:

شماره مجوز:

شماره ثبت در کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: موسسه مشکات

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۶ قطعه به هم پیوسته

۱- کویر ۲- باد صبا ۳- فردا ۴- شمع ۵- نور ازلی ۶- عروج

اشعار: علی شریعتی - مولانا

دکلمه: بهروز رضوی

گروه کر: سودابه شمس، فهیمه اسماعیلی، محمد رضا اخوان، مهدی نیک نام، سیامک علی قلی، جهانگیر

زمانی

آهنگساز: کامبیز روشن روان

نوازندگان:

ویلن: منوچهر انصاری، همایون رحیمیان، خاچیک بابائیان، ارسلان کامکار، رضا عالمی، مهدی جوانفرد

ویولا: سیاوش ظهیرالدینی، نوروز یزدانی، رضا کافی

^{۵۲}. نخستین تجربه جناب افتخاری در خواندن آثار ارکسترال.

ویلن سل:عباس ظهیرالدینی، کریم قربانی، محسن تویسرکانی

کنترباس: علیرضا خورشیدفر، رضا بیات

فلوت: ناصر رحیمی

ایوا:فرشید حفظی فر

کلایرینت: اکبر محمدی

فاگوت: محمدرضا احمدیان

هورن: جاوید مجلسی، مسعود قریب نواز

تیمپا: علیرضا قوامی

تار: حمید متبسم

سه تار: حمید متبسم

کمانچه: اردشیر کامکار

سنتور: بهنام مناهجی

عود: محمد فیروزی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- کویر - قیصر امین پور

خسته ام از این کویر این کویر کور و پیر
این هبوط بی دلیل این سقوط ناگزیر
خسته ام از این کویر این کویر کور و پیر
این هبوط بی دلیل این سقوط ناگزیر
آسمان بی هدف بادهای بی طرف
ابره‌های سربه راه بیدهای سربه زیر
ای نظاره شگفت ای نگاه ناگهان
ای هماره در نظر ای هنوز بی نظیر
آیه آیه ات صریح سوره سوره ات فصیح
مثل خطی از هبوط مثل سطری از کویر
مثل شعر ناگهان مثل گریه بی امان
مثل لحظه‌های وحی، اجتناب ناپذیر
ای مسافر غریب در دیار خویشتن
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
با تو آشنا شدم با تو در همین مسیر
از کویر سوت و کور تا مرا صدا زدی
دیدمت ولی چه دور دیدمت ولی چه دیر
این تویی در آن طرف پشت میله‌ها رها
این منم در این طرف پشت میله‌ها اسیر
دست خسته مرا مثل کودکی بگیر
با خودت مرا ببر خسته ام از این کویر

۲- باد صبا مولانا

ای ساکن جان من آخر تو کجا رفتی
در خانه نهان گشتی یا سوی هوا رفتی
در روح نظر کردی چون رود سفر کردی
از خلق حذر کردی و ز خلق جدا رفتی
رفتی تو بدین زودی تو باد صبابودی
مانند بوی گل با باد صبا رفتی
ای ساکن جان من آخر تو کجا رفتی
در خانه نهان گشتی یا سوی خدا رفتی

۳- فردا علی شریعتی

فردا که روز از نو روزی از نو من نیستم اما
کلام دام تنم مرغی خواهد شد
و از محاصره ی دیوارها خواهم رفت
و شعر بودن چگونه بودن چگونه باید بودن را دوباره
باز دوباره خواهم خواند
فردا که روز از نو روزی از نو من نیستم اما
کلام دام تنم مرغی خواهد شد
من از محاصره دیوارها خواهم رفت

۴- شمع علی شریعتی

تا سحر ای شمع بر بالین من امشباز بهر خدا بیدار باش
سایه غم ناگهان بر دل نشست رحم کن رحم کن امشب مرا غمخوار باش
آه ای یاران به فریادم رسید و نه مرگ امشب به فریادم رسد
ترسم آن شیرینتر از جانم ز راه چون به دام من افتادم رسد
گریه فریاد بس کن شمع من بر دل ریشم نمک دیگر میپاش
قصه بی تابى دل پیش من بیش از این دیگر مگو خاموش باش
همدم من مونس من شمع منجز توام در این جهان غمخوار کو
وندر این صحرای وحشت زای مرگ وای من وای من یار کو
وای من وای من یار کو و اندر این زندان من امشب شمع من
دست خواهم شستن از این زندگی تا که فردا
همچون شیران بشکنند ملتّم زنجیرهای بندگی

۵- نور ازلی - مولانا

زان ازلی نور که پرورده اند در توزیادت نظری کرده اند
خوش بنگر در هممهخورشید وار تا بگدازم که افسرده ام
سوی درختان نگر ای نو بهار کز دی دیوانه بیژمرده اند
همچو سحر پرده شب را بدر کاین همه محجوب دو صد پرده اند

۶- عروج - مولانا

من اکنون در مقام ابراهیم ایستاده ام و دستهای ستم دیده و بی پناهم
همچون دو نیاز منتهی همچون دو فریاد مجسمی که از دور کسی را به یاری می خواند
به سوی این پهن دشت خفته تاریخ گشوده ام و انگشتانم را در فضای مهرگون اساطیر فرو برده ام
و با سر انگشتانم در آن سوی افق حریر پیراهن زر در رفته همه ی عصرهای طلایی را لمس می کنم
و در حالی که چشمهای مرطوبم بر سر این معبد باز مانده است در سکوت عظیم این تاریخ
که اکنون بر همه ی آفرینش خیمه زده است گوش به زمزمه اسرار آمیز همه رسولان دیگر بسته ام
زمزمه هایی که همچون جویبارهای باریک و زلال از غیب سر می زنند
و در نهر سرشار و نیرومند آوای این اذان که از سر این مناره فریاد می کشد به هم می پیوندند
و به نرمی طلوع سپیده صبح در جان تیره شب و به گرمای حلول عشق در یک روح عطش ناک و دردمند در من جریان می
یابد
و قلب تشنه ی من همچون کوزه ی گرم و غبار گرفته ای در زیر باران شسته و سرشار می کند

پروفایل:

نام آلبوم: عطر مهر^{۵۳}

سال انتشار: ۱۳۸۶

نوع: استودیویی

سبک: استودیویی

شماره مجوز:

کد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: مرکز موسیقی حوزه هنری^{۵۴} - با همکاری شرکت پنج برگ

مدت زمان: ۳۴ دقیقه و ۲۴ ثانیه

تعداد قطعات: ۶ قطعه

۱- این کیست ۲- خانه خراب ۳- گل محمدی ۴- ای ماه تو را چاکر ۵- سوز دل ۶- سعدی

آهنگساز: فریدون خشنود

نوازندگان:

پیانو/ کیبورد: پویا نیک پور - بهرام دهقانپار - امیر فتحی

ویلن: خاجیک بابائیان - همایون رحیمیان - میثم مروستی - علی پویان جعفری - ارسلان کامکار

باقلاما/تار: شهریار فریوسفی

صدابردار: رضا شاه بیگی - نوید شاه بیگی

آکاردئون: امیر فتحی

میکس و مستر: ناصر فرهودی - پویا نیک پور - میلاد فرهودی - ایمان حجت

^{۵۳}. این آلبوم در سال نام گذاری شده به نام محمد بن مصطفی و تقدیم به ایشان شده است.
^{۵۴}. پیشتر آلبوم های شکوه عشق و ماه پنهان حاصل همکاری مرکز موسیقی حوزه هنری بوده است.

تمبک: محمود فرهمند

دف: مسعود حبیبی

سنتور: ناز پری خواجه

عود: محمد حسن یوسف

فلوت: ابراهیم نظری

دودوک: آربی نظری

سه تار: علی رزمی

گیتار بیس: فرشاد خشنود

تنظیم: بهرام دهقانپار - پویا نیک پور

ضبط:

گاه نگاری: هوای تو ... راز گشا

اجرای نخست:

هم آوایان: محمد حشمتی - پویا نیک فر

طرح: مرجان کشائی

عکس: ورقا عامری

خوشنویس: علیرضا امین مقدم

مدیر تولید: رضا مهدوی

۱- این کیست- شعر مولانا- تنظیم امیر فتحی

این کیست؟ این کیست؟
این نور الهی
در خانه ما آمده
در خانه ما آمده
این کیست؟ این کیست؟
این از پیش الله الله آمده
در خانه ما آمده
شیرین و زیبا آمده
در خانه ما آمده
شیرین و زیبا آمده
ای معدن آتش بیا
آتش چه می جویی ز ما؟
تا خود که را سوزد خدا!!!
ناگاه اینجا آمده
ای معدن آتش بیا
ماه و زمین آینه‌ای
از عکس ماه روی تو
آن آینه زنده شده
بهر تماشا آمد
بهر تماشا آمده
این کیست؟ این کیست؟
این کیست؟ این کیست؟
لیلی زیبا رانگر
خوش طالب مجنون شده
با روی چون ماه آمده
آن یار تنها آمده
آن یار زیبا آمده
شاد آمدی شاد آمدی
دلخواه و دلدار آمدی
سلطان سلطنام شوی
سودای دلها آمده / آن یار تنها آمده

۲- خانه خراب- شعر اطهری کرمانی- تنظیم پویا نیک پور

بگذارید بگریم
به پریشانی خویش
که به جان آمدم از بی سرو سامانی خویش
غم بی هم نفسی کشت مرا در این شب
در میان با که گذارم
غم پنهانی خویش
در میان با که گذارم
غم پنهانی خویش
گفتم ای دل که چون من
خانه خرابی بینی
گفت ما خانه ندیدیم
به ویرانی خویش
در میان با که گذارم
غم پنهانی خویش
در میان با که گذارم
غم پنهانی خویش
زنده اند باز پس از این، همه ناکامی ها
به خدا کس نشناسم به گران جانی خویش
ماه پای تو سر صدق نهادی و زدی
گاه رسوایی عشق تو به پریشانی خویش
اندرین بحر بلا
ساحل امیدی نیست
تا بدان سو کشم
کشتی طوفانی خویش
بگذارید بگریم

۳- گل محمدی- شعر علیرضا قزوه- بهرام دهقانباژ

مثل خنده‌ی خدا / مثل خنده‌ی خدا
خنده‌ها تو / توی هر قطره‌ی بارون می‌بینم، می‌بینم
پای گیسوی بلندت / پای گیسوی بلندت
این شب / تا بخواهی بید مجنون می‌بینم، می‌بینم
شب و ماه آسمون زل می‌زنه
به نگاه گرم و دلپذیر تو
دور اون خونه‌ی سبز نمی‌گشت
اگه خورشید نمی‌شد اسیر تو
صلوات خنده‌ها تو دوست دارم
وقتی رو لبای غنچه‌ها همیشه
تو زمین وقتی که اسمت می‌پیچه
یه دفعه آسمون از جاش پا میشه
مثل خنده‌ی خدا / مثل خنده‌ی خدا
خنده‌ها تو

توی هر قطره‌ی بارون می‌بینم، می‌بینم
پای گیسوی بلندت / پای گیسوی بلندت
این شب

تا بخواهی بید مجنون می‌بینم، می‌بینم

تو کجا گل محمدی کجا
عطر خنده‌ها تو گل / محمدی
تو کجا گل محمدی کجا
عطر خنده‌ها تو گل / محمدی
بوی گل گرفته بود تن زمین
از همون شب که به دنیا اومدی
بوی گل گرفته بود تن زمین
از همون شب که به دنیا اومدی
تو کجا گل محمدی کجا
عطر خنده‌ها تو گل / محمدی
اسم تو اسم تموم خوبیاست
اسم تو معنیه اسم / اعظمه
تو اگه نباشی صد تا دنیا رو
جای تو اگه به ما بدن کمه

۴- ای ماه تو را چاکر- مولانا - پویا نیک پور

ی غایب از این محضر / و ای از همه حاضر تر
چون ماه تمام آیی / وانگاه ز بام آیی
ای ماه تو را چاکر / ای ماه تو را چاکر
از ما سلام الله / از ما سلام الله
از ما سلام الله / از ما سلام الله
چون ماه تمام آیی / وانگاه ز بام آیی
ای ماه تو را چاکر / ای ماه تو را چاکر
از ما سلام الله / از ما سلام الله
از ما سلام الله / از ما سلام الله
چون ماه تمام آیی / وانگاه ز بام آیی
ای ماه تو را چاکر / ای ماه تو را چاکر
ای شاهد بی نقصان / و ای روح ز تو رقصان
و ای مستی تو در سر / و ای مستی تو در سر
و ای رو ز تو رقصان / و ای مستی تو در سر
و ای مستی تو در سر / و ای مستی تو در سر
ای نور پسندیده / وی سرمه هر دیده
ای صورت رویایی / و ای رحمت ربانی
و ای روح ز تو رقصان / و ای مستی تو در سر
و ای مستی تو در سر / از ما سلام الله
از ما سلام الله / از ما سلام الله
از ما سلام الله / چون ماه تمام آیی
وانگاه ز بام آیی / ای ماه تو را چاکر
ای ماه تو را چاکر / ای جوشش می از تو
و ای شکر می از تو / ای جوشش می از تو
و ای شکر می از تو / و زهر دو طریق خوش تر
و ای شکر می از تو / ای جوشش می از تو
و ای شکر می از تو / از ما سلام الله
از ما سلام الله / از ما سلام الله
از ما سلام الله / چون ماه تمام آیی
وانگاه ز بام آیی / ای ماه تو را چاکر
ای ماه تو را چاکر / از ما سلام الله
از ما سلام الله

۵- سوز دل - لیلا کسری - بهرام دهقانپار

از خیالت پر شده / لحظه های سرد من
مهربون باش ای رفیق / درد عشق درد من
درد عشق درد من / درد عشق درد من
گریه دامن دامن / غصه خرمن خرمنه
گریه دامن دامن / غصه خرمن خرمنه
بی توتنها نیستم یار
انتظارت با من با من با من دوست
اشک گرم و سوز دل بی تو غوغا می کنه
این دل بی طاقت گریه رسوا می کنه
شب به این دیوونه دل
شب به این دیوونه دل
گفتم اون فردا میاد
گفتم از دریا میاد
گفتم از صحرا میاد
گفتم اون فردا میاد
میاد / میاد
شب رسید و شب رسید و شب گذشت
آسمون آبی نشد
این شبای این شبای مه زده
بی تو مهتابی نشد
بی تو بارون اومد و حرفی از دریا نزد
بی تو حتی اون نسیم حرفی از صحرا نزد
شب رسید و شب رسید و شب گذشت
آسمون آبی نشد
این شبای، این شبای مه زده
بی تو مهتابی نشد
بی تو بارون اومد و حرفی از دریا نزد
بی تو حتی اون نسیم حرفی از صحرا نزد
اشک گرم و سوز دل بی تو غوغا می کنه
این دل بی طاقت گریه رسوا می کنه
این دل بی طاقت گریه رسوا می کنه

۶- جام محبت- سعدی- پویا نیک پور

عشق بازی
عشق بازی نه من آخر به جهان آوردم
یا گناهی است
یا گناهی است که اول من مسکین کردم
ای که پندم
ای که پندم دهی از عشق و ملامت گویی
تونبودی
تو نبودی که من این جام محبت خوردم
عهد کردیم
عهد کردیم که جان در سر کار تو کنیم
وگر این عهد
وگر این عهد به پایان نبرم نا مردم
عهد کردیم
عهد کردیم که جان در سر کار تو کنیم
وگر این عهد
وگر این عهد به پایان نبرم نا مردم
راست گویند
راست گویند تو مرا شیفته می گردانی
گرد عالم
گرد عالم به چنین عشق نه من می بندم
تو که از صورت حال دل ما بی خبری
غم دل
غم دل با تو نگویم که ندانی دردم
عشق بازی نه من آخر به جهان آوردم
یا گناهی است
یا گناهی است که اول من مسکین کردم
خدای خدای دل ها
روز دیوانه
روز دیوانه جزا دست من و دامن تو
تا بگویی
تا بگویی دل سعدی به چه جرم آردم
عشق بازی / نه من آخر / به جهان آوردم

پروفایل:

نام آلبوم: ماه خراسان

سال انتشار: ۱۳۸۵

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۳/۵۲۲۷ ت

کد کتابخانه ملی: ۹۶۶۶ و

حق کپی رایت: آواز بیستون

مدت زمان: ۳۷ دقیقه و ۴۵ ثانیه

تعداد قطعات: ۸ قطعه

۱- در شگفتم ۲- گلنار ۳- اشک چشمت ۴- عید آمده ۵- بلبل شیدا ۶- عطر گلدان ۷- چلچله ۸- گله بس کن

آهنگساز و تنظیم: حسن میرزاخانی

نوازندگان:

ویلن: ارسلان کامکار- همایون رحیمیان- رضا عالمی

آلتو: ارسلان کامکار

سنتور: حسن میرزاخانی

تار و تارباس: آیدین علیا نسب

کمانچه: شهریار منظمی

تنبک و دهل: رضا میرزاخانی

دف: افشین خلج

ضبط: استودیو پژواک

صدابرداران: حسن عسگری - مهدی اردستانی

پالایش صوت: حمید عسگری

گاه نگاری:

مدیر تولید: سبز علی عزیزی

تهیه و تدوین: محمد علی عزیزی

۱- در شگفتم- مرضیه حشمتی ۵:۱۱۰

از چه در این گلخانه ها یک شاخه گل حتی نروئید ،

در شگفتم در شگفتم

بر تن کسی شولای رندی را نپوشید

دیگر کسی می از لب یاری ننوشید

از سنگ دل ها قطره ای مهر و وفا حتی نجوشید

در شگفتم در شگفتم

بنیاد ما از یاد ما دیگر جدا شد

عشق و وفا در پهنه عالم فنا شد

در دل ما جایی برای عاشقی باقی نمانده

ای فراقا ای فراقا

اما اثر از مطرب و ساقی نمانده

در چنین حال و هوا

دل شده عاشق چرا

مهربانا این چرایی

مردی نمی خواند غزل در کوچه های شهر ما

ای دریغا

دل ها همه در حسرت آسودگی

خورشید از این سرگشتگی گشته بی تاب

بیگانه شد چشم زمین با رنگ مهتاب

دریا خموش شد گشته شد هم رنگ مرداب

در چنین حال و هوا

دل شده عاشق چرا

مهربانا این چه رازیست

آسمان گر شود دوباره آبی

هر قطره باران شود شراب نابی

چه می شود ای خدای مستان

که این نمی بود فقط سرابی

از نوبهار احوال بلبل را بجوئید

از زبان لاله ها شعری بگوئید

۲- گلنار- مرضیه حشمتی ۰۴:۴۷

قصه گوی شبهای من ای نازنین ای یار
ترک این دل آزرده مکن بی وفا گلنار
شیشه ی دل نازک من میشکند با نگاهی
با نگهت طعنه مزین به دلم ای یار
با نگهت طعنه مزین به دلم ای یار
سر نهاده بر پایت دل و واله و حیرانم
گر نکه کنی عاشق ترین عاشق دورانم
بنگر که خزان غارت کرده چنین عمر و جوانی را
ای دریغا که چون آب روان می گذرد دنیا
آی

بعد از بی سبب دل ندهم به دل آرای
برکنم ریشه عاشقی و شور و شیدایی
وای از تو و وای از دلو وای از این دنیا
با این همه حسرت خدا مانده ام تنها
از شتاب این چرخ روان قصه ها دارم
با چه کس من این قصه ی خود بر زبان آرم
قصه گوی شبهای من ای نازنین ای یار
ترک این دل آزرده مکن بی وفا گلنار
شیشه ی دل نازک من میشکند با نگاهی
با نگهت طعنه مزین به دلم ای یار
با نگهت طعنه مزین به دلم ای یار

۳- اشک چشمت ۵:۱۹

خوش به حال خالی که بنشسته به کنج لبهای تو
خوش به حال اون کفتری که می پره در هوای تو
که در هوایت کشیده پر تا به آسمون
برای اون طاق و اون کمون والا جونشو کرده قربون
کاش مرغی بودم تو هوات یا به جای اشک چشمت
خوش به حال آهو که می گرده دوان در دل کویر
اما صد افسوس که پاهای عاشق آهو جان
که پاهای عاشق آهو جان گشته بهزلف یارش زنجیر
رحمی کن ای آرام جان بر این دل بی آشیان
که بی قراره بیا بنشین در کنار من
که درمون حال زار من والا حلش به دست یاره
کاش مرغی بودم تو هوات یا به جای اشک چشمت
دل برده ای از دست من ای مهربان قدرش بدان
آه ای سیه چشم بی عشق رویت
به چشم من هر گلی خاره زمین تاره آسمون تاره
دل خیال شکستن داره کاش مرغی بودم تو هوات
یا به جای اشک چشمت

۴- عید آمده ۰۴:۰۳

امشب از راه دور با دلی پر سرور
آمده یار از سفر پر شده عالم ز نور
صحن دل گلشن چشم ما روشن
هلله کن عاشقا وقت نشاط است و شور
چه شبی یاران شده گلباران
بدهید ای جانمژده که عید آمده
همه دست افشان چمن و بستان
ساقیا مستان مژده که عید آمده
قطره های بارون نشوندم تو گلدون گل بهاری را
همه جای خونم هم آوا گل من سرود ه یاری را
آبی آسمان جامه ارغوان
می دهد ای جان جانمژده که عید آمده
شب من امشب شده نور افشان
زان که دل آرام مناز ره دور آمده
آسمون امشب ستاره بارونه
خونه لبریز از عطر گل پونه
قاصد خوش خبر خنده به لب آمد
همره شادی و شور و طرب آمد
شب شب عشقه ای خدائگار آمده
خزان رمیده عاشقان بهار آمده
غم چرا آه چرا ناله جانکاه چرا
شادمان باش دلامژده که عید آمده
چشمه گردید روان می زدگان رقص کنان
عاشقان عاشقان مژده که عید آمده
چشمه گردید روان می زدگان رقص کنان
عاشقان عاشقان مژده که عید آمده

۵- بلبل شیدا- ساعد باقری ۰۵:۰۲

چه شد ای بلبل شیدا سر خواندن نداری
چه شد آن شور شیرینت چه شد آن بیقراری
نه حال نوگلان پرسی ز نسیم بهاری
نه آوای دل انگیزی دگر از دل برآری
مگر داری به دل چون من ز خزان بس شکایت
ندارد رنگ و بو دیگر چمن و گل برایت
به دنبال بهار بی خزانی
هواخواه نشاط جاودانی
ای بیدل جز آن دلبر کسی این میندard
بهار عاشقان هرگز خزان در پی ندارد
بهار عاشقان هرگز خزان در پی ندارد
الا ای گل منم مجروح خارستان که از مرحم گذشتم
به هر نقش قلم حرفی به خون دل زهجرات نوشتم
آن بلبل خود من بودم
که در زندان تن بودم
به سویت پر گشودم
به سویت پر گشودم
چه شد ای بلبل شیدا سر خواندن نداری
چه شد آن شور شیرینت چه شد آن بیقراری
نه حال نوگلان پرسی ز نسیم بهاری
نه آوای دل انگیزی دگر از دل برآری
مگر داری به دل چون من ز خزان بس شکایت
ندارد رنگ و بو دیگر چمن و گل برایت
به دنبال بهار بی خزانی
هواخواه نشاط جاودانی
ای بیدل جز آن دلبر کسی این میندard
بهار عاشقان هرگز خزان در پی ندارد
بهار عاشقان هرگز خزان در پی ندارد
ارسال از حسن پورپروانه

۶- عطر گلدان - مشفق کاشانی ۰۴:۱۳

تو بهار منی ، سرو روان منی ، گل بستان منی ، باغ گل افشان من
آسمانم تویی، پرتو جانم تویی، که فروغ تو شد ماه زرافشان من

تو مکردی نهان چهره تابنده ز ما
می دهم سر به رخت ، شادی شبهای صفا
تو که آینه شدی ، این دل حیران چه کند
دل به دریا زده با دامن طوفان چه کند
تو بمان ای گل من که گلشن جان منی
من اگر گل نفسم تو عطر گلدان منی
من که با شادی چشمان تو حیران شده ام
ز چه روی این دل جادو شده خندان نکنی
تو که مستانه زدی باده ز پیمانه من
چشم افسون تو شد شهرت افسانه من
تو ماه تابان منی، که شب در آید
ببین فریبایی ستاره بارد
اگر به باغ من چو گل برآیی
شب از کنار من سحر برآید
بیا بیا در چمن بمان بمان با من
که در کنار گلی گشوده ای دامن
با دف و نی گر بنوازی
از دو جهان دل بریبایی
ساز همآواز منی تو
عاشقی و نغمه سرآیی
ذره ذره چون دل تو شده ام چراغان
در کمند ساز تو تا شده ام غزل خوان
به چنین گل باور من نکنی تو حکایت من
پر از باده مهر تو شد همه شور و طراوت من
تو ماه محفل مایی
امید جان دل آرایی
خدا داند که زیبایی
خدا داند که زیبایی

۷- چله چله- پرویز بیگی ۰۴:۵۳

چله چله مستم از شما چه پنهان
با خودم نشستم از شما چه پنهان
گفتگوی بی می مایه ای ندارد
توبه را شکستم از شما چه پنهان
هر چه بی بهانه است، هر چه جز ترانه ست
مانده روی دستم از شما چه پنهان
جز ترانه هایم، عاشقانه هایم
دل به کس نبستم از شما چه پنهان
ترس محتسب نیست در دلم
که دیشب با خودش نشستم، از شما چه پنهان
این ردیف نابم، حسن انتخابم
کار داده دستم از شما چه پنهان

۸- گله بس کن- ساعد باقر ۴:۱۷۰

گله بس کن ای دل

پیغام یار امد

به مشام جانم

بوی نگار امد

بوی بهار امد

دیگر نکن جر

دل در بر من

میاید از در

ان دلبر من

دل و جانم پر زد

دست که به در زد

که دل و جان من

از شادی میلرزد

مهر از افق سر زد

ان شام هجران

دیگر سر امد

صبح وصالش

دیدنی بر امد؟

خوابم یا بیدارم؟

دیگر چه غم دارم؟

شب تا سحر باران شوق از دیده میبارم

بر پای دلبر سر میگذارم

بر پای دلبر سر میگذارم

گله بس کن ای دل

پیغام یار امد

به مشام جانم

بوی نگار امد

باد بهار لمد

دیگر نکن جر

دل در بر من

میاید از در

پروفایل:

نام آلبوم: عاشقا سلام، عاشقا درود

سال انتشار: اسفند ۱۳۸۷

نوع: استودیو

سبک: پاپ

شماره مجوز: ۶۰۶۴

کد کتابخانه ملی: ۱۱۹۰۷ و

حق کپی رایت: ایران گام - شرکت فرهنگی هنری پنج برگ هنر

مدت زمان: ۳۷ دقیقه و ۲۶ ثانیه

تعداد قطعات: ۷ قطعه

۱- عاشقا سلام عاشقا درود ۲- شب عاشقان بیدل ۳- شور مستی ۴- دل اگه دل باشه ۵- اگه بودی ۶- دل سرمست ۷- یه چکه ماه

آهنگساز: فریدون خشنود (تقدیم به علیرضا افتخاری)

اشعار: محمد صالح علاء - مولوی - سعدی - اهورا ایمان - علیرضا غزوه - لیلا کسری

کلام: محمد صالح علاء

نوازندگان:

تنظیم: امیر فتحی - بهرام دهقانپار - فریدون خشنود - میثم مروستی

ضبط: استودیو پاپ

معاونت هنری و مدیر تولید: رضا مهدوی

گاه نگاری:

۱- عاشقا سلام عاشقا درود - ۰۶:۵۹

عاشقا سلام ، عاشقا درود
عاشقا درود ، عاشقا سلام
آدما آسمونو می خواین چی کار
کاش می شد سهم پرنده ها بشه
کاش می شد تو هیچ دلی غم نباشه
دل مردم ، خونه ی خدا باشه
آدما آسمونو می خواین چی کار
کاش می شد سهم پرنده ها بشه
کاش می شد تو هیچ دلی غم نباشه
دل مردم ، خونه ی خدا باشه
خونه ی خدا همین جاست تو دلا
اگه با هم دیگه مهربون باشیم
خونه ی خدا همین جاست تو دلا
اگه با هم دیگه مهربون باشیم
کاش می شد پرنده شد ، پر زد و رفت
کاشکی ما از خاک آسمون باشیم
این شبا بارون تنهایی میاد
شادیا به دیدن غم نمی رن
چرا مثل اون قدیما آدما
به زیارت دل هم نمی رن
منم عاشقم ، منم از عاشقام
خاطر عاشقا رو خیلی می خوام
عاشقا سلام ، عاشقا درود
عاشقا درود ، عاشقا سلام
آدما آسمونو می خواین چی کار
کاش می شد سهم پرنده ها بشه
کاش می شد تو هیچ دلی غم نباشه
دل مردم ، خونه ی خدا باشه
منم عاشقم ، عاشقم من ، منم از عاشقام
خاطر عاشقا رو خیلی می خوام

۲- شب عاشقان بیدل ۵:۳۰

شب عاشقان بی دل ، چه شبی دراز باشد
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد
شب عاشقان بی دل ، چه شبی دراز باشد
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد
عجب است اگر توانم که سفر کنم ز دستت
به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد
به کرشمه ی عنایت نگهی به سوی ما کن
که دعای دردمندان ز سر نیاز باشد ، ز سر نیاز باشد
همه شب در این خیالم که حدیث وصل جانان
به کدام دوست گویم که محل راز باشد
به کدام دوست گویم که محل راز باشد
چه نماز باشد و دعا که تو در خیال باشی
تو صنم نمی گذاری که مرا نماز باشد
تو صنم نمی گذاری که مرا نماز باشد
شب عاشقان بی دل ، چه شبی دراز باشد
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد
شب عاشقان بی دل ، چه شبی دراز باشد
تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد

۳- شور مستی ۰۴:۱۸

ای که افسون نگاهت ، چشم دریا را گرفته
بی تو در تنهایی دل ، کار غم بالا گرفته
بی تو جان خسته ام را شور مشتاقی نمانده
مستی عزم رخ گرفته ، ساغرو ساقی نمانده
از می و مینا و مستی جز غمت باقی نمانده ، جز غمت باقی نمونده
ای که بی تو شور مستی رفته از می خانه ی دل
خسته از غم می گریزم در شب ویرانه ی دل
بی تو جان خسته ام را شور مشتاقی نمانده
مستی عزم رخ گرفته ، ساغرو ساقی نمانده
از می و مینا و مستی جز غمت باقی نمانده ، جز غمت باقی نمونده
ای که بی تو شور مستی رفته از می خانه ی دل
خسته از غم می گریزم در شب ویرانه ی دل

۴- دل اگه دل باشه ۰۴:۳۰

دل اگه دل باشه ، یه قرص ماهه ، دل اگه دل باشه ، یه سینه نوره
عشق اگه عشق باشه ، گل بهشته ، شعر دل و عشقو ، خدا نوشته
شعر دل و عشقو ، خدا نوشته

دلمو خونه تکونی می کنم ، با ستاره همزبونی می کنم
دل اگه عاشق باشه پیر نمی شه ، مثل عاشقا جوونی می کنم
حالا دیگه ای عشق منو نگاه کن ، دل منو نشکن ، برام دعا کن
دل رو می گن تموم سرنوشته ، عشق رو می گن یه نیمه ی بهشته
عشق رو می گن یه نیمه ی بهشته

عشق اگه عشقه به دادت می رسه ، دل اگه دل باشه دلگیر نمی شه
مثل ماهی ، مثل دریا ، مثل رود دیگه از خوردن آب سیر نمی شه
دل اگه دل باشه ، یه قرص ماهه ، دل اگه دل باشه ، یه سینه نوره
عشق اگه عشق باشه ، گل بهشته ، شعر دل و عشقو ، خدا نوشته
شعر دل و عشقو ، خدا نوشته

۵- اگه بودی ۱۳:۰۶

نه از بارون یه پیغام و نه از دریا خبر دارم
فقط چشمای تر دارم ، فقط چشمای تر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم
تو از حالم نپرسیدی ، تو می دیدی ، نمی دیدی ، نمی دیدی
به جرم عاشقت بودن ، شبای بی سحر دارم ، شبای بی سحر دارم
دلم خون شد ، دلم خون شد ، دلم از سینه بیرون شد
نمی دیدی من از مجنون ، دلی دیوونه تر دارم ، دلی دیوونه تر دارم
تو از حالم نپرسیدی ، تو می دیدی ، نمی دیدی
که خاک غربت عشقو ، همین روزا به سر دارم ، همین روزا به سر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم
خودت گفתי دم رفتن ، همه درد هامو بر دارم
هنوزم بی تو آواره ، هنوزم بی تو آواره ، یه روح در به در دارم
نه از بارون یه پیغام و نه از دریا خبر دارم
فقط چشمای تر دارم ، فقط چشمای تر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم
اگه بودی نمی مردم ، من از حالم خبر دارم

۶- دل سرمست ۵:۲۴

ای دل سر مست کجا می پری
بزم تو کو ، باده کجا می خوری
چون به سر کوچه ی عشق آمدم
دل بشد و من بشدم آن سری
مست و خوشی ، باده کجا خورده ای
این مه نو چیست که آورده ای
در دل من پرده ی نو می زنی
ای دل و ای دیده و ای روشنی
پرده تویی وز پس پرده تویی
هر نفسی شکل دگر می زنی
شب منم و خلوت قندیل جان
خیز که تو آتش با روغنی
بی من و تو ، هر دو تویی یا تو من
جان منی ، آن منی یا منی
ای دل سر مست کجا می پری
بزم تو کو ، باده کجا می خوری
چون به سر کوچه ی عشق آمدم
دل بشد و من بشدم آن سری
مست و خوشی ، باده کجا خورده ای
این مه نو چیست که آورده ای
نکته ی چون جان شنوم من ز چنگ
تن تن و تن تن که تو یعنی تنی
گر تنم و گر دلم و گر روان
شاد بر آنم که تو ام می تنی
از تو چرا زور نیابم که تو
قوت هر صخره و هر آهنی
از تو چرا نور نگیرم که تو
تابش هر خانه و هر روزنی
تابش هر خانه و هر روزنی

۷- یه چکه ماه ۴:۳۳

امشب تمام عاشقان
امشب تمام عاشقان را دست به سر کن
دست به سر کن ، دست به سر کن
یک امشب با من بمان
یک امشب با من بمان ، با من سحر کن
با من سحر کن ، با من سحر کن
بشکن سر من کاسه ها و کوزه ها را
کچ کن کلاه ، دستی بزن ، مطرب خبر کن
بشکن سر من کاسه ها و کوزه ها را
کچ کن کلاه ، دستی بزن ، مطرب خبر کن
مطرب خبر کن
گل های شمعدانی همه شکل تو هستند
رنگین کمان را بر سر زلف تو بستند
تا طاق ابروی بت من تا به تا شد
دردی کشان پیمانه هاشان را شکستند
امشب تمام عاشقان
امشب تمام عاشقان را دست به سر کن
دست به سر کن ، دست به سر کن
یک امشب با من بمان
یک امشب با من بمان ، با من سحر کن
با من سحر کن ، با من سحر کن
یک چکه ماه افتاده بر یاد تو و وقت سحر
این خانه لبریز تو شد ، شیرین گلم ، حلوی تر
یک چکه ماه افتاده بر یاد تو و وقت سحر
این خانه لبریز تو شد ، شیرین گلم ، حلوی تر
شیرین گلم ، حلوی تر ، شیرین گلم ، حلوی تر
امشب تمام عاشقان
امشب تمام عاشقان را دست به سر کن
دست به سر کن ، دست به سر کن
یک امشب با من بمان
یک امشب با من بمان ، با من سحر کن
با من سحر کن ، با من سحر کن

پروفايل:

نام آلبوم: دريغا (در رثای درگذشت روح الله خميني)

صدای: عليرضا افتخاری - مهرداد کاظمی - محمد گلریز - جهانگیر زمانی

سال انتشار: ۱۳۶۸

نوع: استودیویی

سبک: سنتی

شماره مجوز: ۶۷۹-۲ ت

کُد کتابخانه ملی:

حق کپی رایت: انجمن حفظ و اشاعه سرود آهنگ های انقلاب

مدت زمان:

تعداد قطعات: ۳ قطعه

۱- غم نامه ۲- بوی گل ۳- شوستری

آهنگساز:

نوازندگان: تک نوازی محمد موسوی

تنظیم:

ضبط:

گاه نگاری:

۱- غم نامه

به سر شوق سر کوی تو دیوم ای دل

به دل مهر مه روی تو دیوم ای دل

کعبه ی من قبله ی من

تویی هر سو نظر سوی تو دیوم

ای داد ای داد

کسی که ره به بیدادوم برانگیخت خبر بر سر به آزادوم برانگیخت

تموم خوب رویان جمع گردند کسی که یادت از یادوم بره نیست

ای داد بیداد ای داد بیداد

نمی دونم دلوم دیوانه ی کیست کجا می گردد و در خونه ی کیست

نمی دونم دل سرگشته ی موو اسیر نرگس مستونه ی کیست

۲- بوی گل-

وقتی دل سودائی می رفت به بستانها
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها
بوی گل و ریحانها
وقتی دل سودائی می رفت به بستانها
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحانها
بوی گل و ریحانها
گه نهره زدی بلبل گه جامه دریدی گل
تا یاد تو افتادم از یاد برفت آنها
از یاد برفت آنها
ای مهر تو در دلها وی مهر تو بر لبها
وی شور تو در سرها وی سر تو در جانها
وی سر تو در جانها
تا عهد تو بربستم عهد همه بشکستم
بعد از تو روا باشد نقض همه پیمانها
نقض همه پیمانها
تا خار غم عشقت آویخته در دامن
کوته نظری باشد رفتن به گلستانها
رفتن به گلستانها
آنها که چنین دردی از پای دراندازد
باید که فرو شوید دست از همه درمانها
باید که فرو شوید دست از همه درمانها
گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش
میگویم و بعد از من
میگویم و بعد از من
گویند به دورانها
گویند به دورانها
گویند به دورانها

۳- آواز شوشتری

گفتم غم تو دارم گفتا غمت سرآید
گفتم که ماه من شو گفتا اگر برآید
گفتم ز مهرورزان رسم وفا بیاموز
گفتا ز ماهرویان این کار کمتر آید
گفتم که بر خیالت راه نظر ببندم
گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید
گفتم خوشا هوایی کز باد صبح خیزد
گفتا خنک نسیمی کز کوی دلبر آید
گفتم که بوی لعلت ما را به آرزو کشت
گفتا تو بندگی کن کو بنده پرور آید
گفتم زمان عشرت دیدی که چون سر آمد
گفتا خموش حافظ کین غصه هم سرآید

شعر : حافظ

دگر شو شد که تا جونم بسوزه
گریبان تا به دامونم بسوزه
برای کفر زلفت ای پری رخ
همی ترسم که ایمنم بسوزه
الهی آتش عشقم به جان زن
شرر زان شعله ام بر استخوان زن
چو شمعم برفروز از آتش عشق
بر آن آتش دلم پروانه سان زن

تک آهنگ ها

۱- دیده نهان^{۵۵} - فریدون شهبازیان

دوستت می دارم و بیهوده پنهان می کنم
خلق می دانند و من انکار ایشان می کنم
دوستت می دارم و بیهوده پنهان می کنم
خلق می دانند و من انکار ایشان می کنم
عشق بی هنگام من تا از گریبان سر کشید
عشق بی هنگام من تا از گریبان سر کشید
از غم رسوا شدن سر در گریبان می کنم
از غم رسوا شدن سر در گریبان می کنم
دیده بر هم می نهم تا بسته ماند سر عشق
این حباب ساده را سر پوش طوفان می کنم
این حباب ساده را سر پوش طوفان می کنم
ای شگرف ، ای ژرف ، ای پر شور ، ای دریای عشق
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم
ای شگرف ، ای ژرف ، ای پر شور ، ای دریای عشق
در وجودت خویش را چون قطره ویران می کنم

^{۵۵}. از آلبوم ماه پنهان که به حضرت مهدی تقدیم شده است. به باور من این آلبوم آقای افتخاری نیست.

۲- به رقص آ-شعر مولانا- آهنگساز محمد جلیل عندلیبی ۱۳۶۶

آمد بهار جانها؛ ای شاخ تر، به رقص آ
چون یوسف از در آمد، مصر و شکر، به رقص آ
تیغی به دست خونی، آمد مرا که: چونی؟
گفتم: بیا که خیر است؛ گفتا: نه شر؛ به رقص آ
چوگان زلف دیدی؛ چون گوی در رسیدی
از پا و سر بریدی؛ بی-پا-و-سر به رقص آ
تا چند وعده باشد؟ وین سر به سجده باشد؟
هجرم ببرده باشد؟ رنگ و اثر، به رقص آ
کی باشد آن زمانی، گوید مرا فلانی
کای بی-خبر، فنا شو؛ ای باخبر، به رقص آ
طاووس ما در آید؛ و آن رنگها بر آید
با مرغ جان سراید: بی-بال-و-پر به رقص آ

۳- سلسله موی دوست- حافظ - محمدجلیل عندلیبی ۱۳۶۶

سلسله ی موی دوست حلقه دام بلاست
هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست
گر بزنندم به تیغ در نظرش بی دریغ
دیدن او یک نظر صد چو منش خونبهاست
مالک ملک وجود حاکم رد و قبول
هر چه کند جور نیست ور تو بنالی جفاست
گر برود جان ما در طلب وصل دوست
حیف نباشد که دوست دوست تر از جان ماست
تیغ برآر از نیام زهر برافکن به جام
کز قبل ما قبول وز طرف ما رضاست
گر بنوازی به لطف ور بگدازی به قهر
حکم تو بر من روان زجر تو بر من رواست
هر که به جور رقیب یا به جفای حبیب
عهد فرامش کند مدعی بی وفاست
سعدی از اخلاق دوست هر چه برآید نکوست
گو همه دشنام گو کز لب شیرین دعاست

۴- شور عشق^{۵۶} - فخرالدین عراقی - فریدون شهبازیان ۱۳۷۲

عشق، شوری در نهاد ما نهاد / جان ما در بوته ی سودا نهاد
گفتگویی در زبان ما فکند / جستجویی در درون ما نهاد
داستان دلبران آغاز کرد / آرزویی در دل شیدا نهاد
رمزی از اسرار باده کشف کرد / راز مستان جمله بر صحرا نهاد
قصه ی خوبان به نوعی باز گفت / کاتشی در پیر و در برنا نهاد
از خمستان جرعه‌ای بر خاک ریخت / جنبشی در آدم و حوا نهاد
عقل مجنون در کف لیلی سپرد / جان وامق در لب عذرا نهاد
دم به دم در هر لباسی رخ نمود / لحظه لحظه جای دیگر پا نهاد
چون نبود او را معین خانه‌ای / هر کجا جا دید، رخت آنجا نهاد
بر مثال خویشتن حرفی نوشت / نام آن حرف آدم و حوا نهاد
حسن را بر دیده ی خود جلوه داد / منتی بر عاشق شیدا نهاد
هم به چشم خود جمال خود بدید / تهمتی بر چشم نابینا نهاد
یک کرشمه کرد با خود، آنچنانک: / فتنه‌ای در پیر و در برنا نهاد
کام فرهاد و مراد ما همه / در لب شیرین شکرخا نهاد
بهر آشوب دل سوداییان / خال فتنه بر رخ زیبا نهاد
وز پی برک و نوای بلبلان / رنگ و بویی در گل رعنا نهاد
تا تماشای وصال خود کند / نور خود در دیده ی بینا نهاد
تا کمال علم او ظاهر شود / این همه اسرار بر صحرا نهاد
شور و غوغایی برآمد از جهان / حسن او چون دست در یغما نهاد
چون در آن غوغا عراقی را بدید / نام او سر دفتر غوغا نهاد

^{۵۶}. این اثر ابتدا به صورت تک آهنگی در بیات اصفهان، متشکل از سه بخش تک خوانی، کرخوانی و قطعه رهایی اجرا و ضبط شد و پس از چند سال آلبوم آن با اجرا و تنظیمی کاملاً متفاوت، همراه با چند تصنیف دیگر منتشر شد.

۵- باغ ارغوان ساعد باقری حسین یوسف زمانی- دهه ۸۰

ساقیا جرعه ای می به جان ما کن
با شکر خنده ای کام ما روا کن
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
ای دریغ از این عمر که بی روی تو بگذشت
ای دریغ از این دم که بیهوده هدر گشت
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
میزند راه من چشم دل‌سیاهت
جان و دل میدهم ناز یک نگاهت
بیا تا دمی بشنوی شور و حال ما را
مگریک نظر بنگری سوی ما خدا را
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را
جان ما به پای جانانه بیانداز
راه ما به کوی میخانه بیانداز
از عشقش سرمستم
سرشادم من تاهستم
میزند راه من چشم دل‌سیاهت
جان و دل میدهم ناز یک نگاهت
بیاتادمی بشنوی شور و حال ما را
مگریک نظر بنگری سوی ما خدا را
چهره تو یاد آرد از باغ ارغوان را
باده تو باز آردم راحت روان را
شادی تو می نوشم کیمیای جان را

۶- گنبد‌های سبز و آبی^{۵۷} - ساعد باقری - حسین یوسف زمانی - دهه هشتاد

^{۵۷} . اشاره به گنبد‌های فیروزه ای شهر اصفهان دارد.

۷- رندانه -ساعدا باقرا- بهزاد آدارآما -۱۳۸۴ در سال ۱۳۹۹

برآمد آا نسااما آا گل داده آزان هم
به رفا آمده با گل آس و آار آهان هم
در انا آمشااا ها آا شادام و آا شادا
آا ما آمشااان را آنا عشق آو اااا
نه بهارام نه آزانام
نه آنانام نه آاننام
آا ااان آال اااااااااااااااااا به اا آا نااننام
صفاآانه ا اا را به آما نااارام
آا آمااا آهان را به ااآا نااارام
نااااا و ناااااااااااااااااااااا و آا هستام
آا اا نام و نااننام ز آااا همه رستم

۸- کاروان عشق^{۵۸} -عباس شهریاری سنگسری- آریا حسن‌زاده - ۱۰ شهریور ۱۳۹۹ تنظیم کننده : محسن حسینی

همره شوم با ساریان
در نیمه شب با کاروان
ای ساریان ای ساریان
ازکوی و برزن می روم
در وقت موت و رفتنم
لحظه به لحظه دم به دم
ای ساریان ای ساریان
باجسم و هم جان می روم
خالی شود نفس زبان
سوزم چو شمعی در نهان
ای ساریان ای ساریان
من سوی خوبان می روم
جان را برد گیسوی او
منزل به منزل سوی او
ای ساریان ای ساریان
با نور ایمان می روم
با او بگویم عرض حال
امشب بود وقت وصال
ای ساریان ای ساریان
با جمع مستان می روم
از بهر عزّت بهر دین
بعد از عقوبت در زمین
ای ساریان ای ساریان
شاد و خرامان می روم
با کاروان عشق و جان
من می روم با کاروان
ای ساریان ای ساریان
لبیک گوین می روم

^{۵۸}. این اثر جهت تجلیل از عباس شهریاری سنگسری با تلاش جمعی از شاگردان او، با بهره‌گیری از یکی از اشعار کتاب تجلی عشق نوشته ایشان و به مناسبت ۱۱ تیرماه، آماده گردیده‌است.

۹- سفر دوست- ارشاد رازانی -عباس محمدی -مهر ۱۳۹۹

خیره شد سمت افق تکیه به شمشیرش داد
بغض اشکی شد از گوشه چشمش افتاد
شب شد و شب به تماشاگاه ماهش آمد
شب دل کندن شاهی ز سپاهش آمد
رفت در حلقه هم صحبتی یارانش
شمع را کشت به بیداری بی پایانش
گفت یاران بروید امشب اما هرگز
گفتش عباس جهان بی تو مبادا هرگز
مرگمان بادا مبادا از تو جدا افتادن
یک قدم در سفر دوست ز پا افتادن
گشت گرد حرم و هر دو قدم آه کشید
از غم تشنگی اهل حرم آه کشید
گشت گرد حرم و هر دو قدم آه کشید
از غم تشنگی اهل حرم آه کشید
عصر فردا فقط او بود و نگاهی نگران
خیمه ها خیمه دلتنگی بی همسفران
رفت در معرکه لب تشنه و یاری طلبید
پاسخش بود سکوتی که به صحرا پیچید
مرگمان باد و مبادا از تو جدا افتادن
یک قدم در سفر دوست ز پا افتادن

۱۰- شکوه پرواز^{۵۹} - اهورا ایمان - فریدون شهبازیان ۱۳۸۵

صدا می زنم عشق را نامتان را
که بر خاک لب تشنه باران بیارد
که جاری شود رود و در دامن دشت
گل از سینه ی سنگ بیجان بر آرد
شما را که تا بوده مردان مردید
بر اوج زمان و زمین می سرایم
چنان پاکباز و چنین مرد میدان
دلیرانه و آتشین می سرایم
زمین زیر گام شما می خرامد
هوا بال در بالتان پر گرفته
چنان موج سوزید و سرکش که دریا
به نام شما جان دیگر گرفته
به تکرار صبح و سرود سپیده
صدا می زنم نام سرخ شما را
به نام بلند شما شب ستیزان
به عرش خدا میرسانم صدا را
قرین است با بحرتان سرفرازی
زبون است با رسمتان دشمن ما
ز نام بلند شما سربلند است
بهشت زمین عشق ما میهن ما

^{۵۹}. این اثر با نام دیگر: عشق بازی در آسمان توسط فریدون شهبازیان و علیرضا افتخاری آن را به مردان نیروی هوایی ارتش تقدیم کرده‌اند.

۱۱- خورشیدهای روشن^{۶۰} - سعید بیابانکی - فریدون خشنود آبان ۱۳۸۶

دست خدا همراهِتان باد
مردان مرد میهن من
ای زردپوشان سپاهان
خورشیدهای روشن من
ای زرد پوشان سپاهان
ایران ما هم‌رنگ خورشید
روییده چون گل بر تن ما
مثل غزالان باهم دویدید
باهم پریدید با هم رسیدید
ایران من ای در تو جاری
زاینده رود هم صدایی
ای مهد البرز و دماوند
مهد شهیدان خدایی
ای زرد پوشان سپاهان
پیراهنی هم‌رنگ خورشید
روییده چون گل بر تن ما

^{۶۰} این ترانه برای صعود تیم فوتبال سپاهان به دیدار پایانی رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا خوانده شده‌است.

۱۲- زاینده رود من کو^{۶۱} - سعید بیابانکی - محمدرضا چراغعلی ۱ شهریور ۱۳۹۲

آن رود زندگی ساز دارو ندار ما بود
در شهر روشنایی آینه دار ما بود
ای دوستان بگویید زاینده رود من کو؟
دنیای خاطراتم بود و نبود من کو؟
یادش بخیر خواجه با آن همه ترانه
امشب گلوی من را بغضی به هم فشرده
از دوری تو ای رود در من ترانه مرده
باید تو را دوباره از جان و دل صدا کرد
مواج و عاشقانه ای زنده رود برگرد
خواندم برایت امشب از دل دعای باران
برگرد تا بمانی آینه ی صفاهان

^{۶۱}. این ترانه برای بیان نگرانی درباره ی خشک شدن زاینده رود خوانده شده است. به گفته سعید بیابانکی پخش این ترانه از سیما ممنوع شده است.

۱۳- جانماز - سعید بیابانکی - علیرضا افتخاری تصنیف در دستگاه نوا

خوشا به نیمه شبها سراغ او گرفتن
کنار چشمه می خوشا وضو گرفتن
میان خلوت دل خوشا سحر نشستن
شبیه بغض باران شکستن و شکستن
تو بی نیازی و من لبالب از نیازم
شکفته عطر نامت میان جانمازم
پر از طنین یاهوست نماز مستی من
دمی نظر کن ای جان به می پرستی من
نشان داغ دوری شکفته بر جبینم
چگونه ات نخوانم منی که این چنینم
نثار ناز چشمت ترانه ام سرودم
فدای طاق ابروت رکوع من سجودم
اگر رسد به گوشت صدای من خدایا
شوم لبالب از تو خدا خدا خدایا

۱۴- کبوتر خسته^{۶۲} - ساعد باقری- بهزاد خدارحمی ۵ تیر ۱۳۸۹

خدای من منم که در می زنم
دور در و بوم تو پر می زنم
منم کبوتری غریب و خسته
که حالا روی بوم تو نشسته
می خوام که از پیشست منو نرونی
منو غریبه با خودت ندونی
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم
اگرچه من بنده رو سیاهم
ولی بازم به دستته نگاهم
می خوام برام دون بریزی دوباره
دلهم خوشه یکی هوامو داره
یکی که بی منته مهربونیش
تو قلبمه صدای آسمونیش
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم
خدای من منم که در می زنم
دور در و بوم تو پر می زنم
منم کبوتری غریب و خسته
که حالا روی بوم تو نشسته
می خوام که از پیشست منو نرونی
منو غریبه با خودت ندونی
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم
خدا خدا به تو پناه آوردم
موی سفید روی سیاه آوردم

^{۶۲}. به مناسبت ماه رمضان منتشر شده است.

۱۵- صاعقه ی سبز^{۶۳} - محمدعلی معلم- دامغانی علیرضا افتخاری ۱۹ مهر ۱۳۸۹

راز ستاره از من شب زنده دار پرس / کز گردش سپهر نیاسوده ام دمی
افراسیاب خون سیاووش می خورد / ما بی خبر
ما بی خبر نشسته، به امید رستمیم / خون تاجیک دگر جوش جنون خواهد زد
از یک از آمویه پاپوش به خون خواهد زد / باشه در صخره ی کشمیر فزون خواهد شد
ببری از بیشه ی بنگال برون خواهد شد / شرق از مرمره تا سند به پا می خیزد
خلق از افریقیه تا هند به پا می خیزد / خون تاجیک دگر جوش جنون خواهد زد
از یک از آمویه پاپوش به خون خواهد زد / باشه در صخره ی کشمیر فزون خواهد شد
ببری از بیشه ی بنگال، / ببری، از بیشه ی بنگال برون خواهد شد
ترکمن بر زبر باد سفر خواهد کرد / باز افغان به جهان عربده سر خواهد کرد
روم عثمانی از آینه برون خواهد تاخت / ترک شروانی از ارمن به لیون خواهد تاخت
اور و اربیل مپندار که بی آیین است / کرد سالار
کرد سالار امین است / امین است، صلاح الدین است
دوش نقشی به زمین آمد و نقشی برخاست / آذرخشی بدرخشید و درفشی برخاست
صبح امکان محال است / صبح امکان محال است در عالم امروز
حشر رایات جلال است در عالم امروز / گیتی از اشتلم شیعه دژم خواهد شد
جند سنی و اباضیه به هم خواهد شد / زیدی و مالکی افسانه دگر خواهد کرد
شافعی و حنفی ترک سمر خواهد کرد / هله رعد است
هله رعد است / هله رعد است، هلا برق به پا خواهد خاست
امت واحده از شرق به پا خواهد خاست

^{۶۳}. آلبوم «صاعقه ی سبز» به خوانندگی علیرضا افتخاری و آهنگسازی پدram درخشانی است. از این آلبوم یک قطعه با نام «صاعقه ی سبز» (به آهنگسازی علیرضا افتخاری و تنظیم پدram درخشانی) تاکنون در فضای مجازی منتشر شده است.

۱۶- در اصفهان بمانید- علیرضا افتخاری- ۵ اردیبهشت ۱۳۹۳

ای موطن هنر خیز ای زادگان فرهنگ
مهد ستاره و گل شهر ترانه و رنگ
شهر ترانه و رنگ
ای آن که اشک و لبخند پیوند خورده با هم
با دست مهربانت در قاب های خاتم
ای شهر روشنایی ای خاک آفتابی
ای شهر روشنایی ای خاک آفتابی
می خواهمت سراپا ای اصفهان آبی
می خواهمت سراپا ای اصفهان آبی
وقتی دلم هوای شبهای صحن می کرد
نقش جهان برایم سجاده پهن می کرد
وقتی دلم هوای شبهای صحن می کرد
نقش جهان برایم سجاده پهن می کرد
هفت آسمان ندارد رنگ خداییت را
رنگ خداییت را
عالم ندیده دیگر شیخ بهایت را
عالم ندیده دیگر شیخ بهایت را
پل های پیر و سر خوش باید جوان بمانید
باید جوان بمانید
مرغان آسمانی ، مرغان آسمانی در اصفهان بمانید
در اصفهان بمانید
در فصل فصل تقویم در شهر آب و کاشی
حیف است ای مسافر مهمان ما نباشی
حیف است ای مسافر مهمان ما نباشی

۱۷- دیار ماندگار^{۶۴} - صالحه زهره‌وند علیرضا افتخاری ۱۳۹۶

چون ماه در هفت آسمان، شهری همیشه جاودان / روح مسیحایی دمت، شوری به دل‌ها می‌نهد
گویم سخن از اصفهان، این نیمه‌ی خوب جهان / از مهد فرهنگ و هنر، روح تمدن در بشر
صد شهر در این کهکشان، تابد همی چون اختران / آواز دیگر سر دهم، بر خون عاشق سر نهم
خوانم نجف آباد را، خویان مادرزاد را / کاشان تجلی زمان، باغ و گلاب و عاشقان
شهر خمینی شهر را، شهر کلام و دهر را / گلپایگان و عالمان، تاریخ و فرهنگ عیان
گویم سخن از خوانسار، از شهد و شادی و بهار / از لاله‌های واژگون، از چشمه‌ی آینه‌گون
نابین و فرش دست‌باف، با مردمی یک رنگ و صاف / از شهرضا شهر زمان، از همت مردان آن
از قلب اردستان گذر، باغ و انارستان نگر / کز دارالعرفان شد عیان، اسرار خلقت در نهان
لنجان ببین و چادگان، خاکش چو یاقوت روان / مبارکه در صنع و کار، ماند همیشه ماندگار
برخوار را با چشم دل، بنگر چه می‌روید ز گل / از میمه چون کردی گذر، گل‌های گندم همچو زر
خوش می‌نوازد چشم جان، چون جلوه‌ای از لامکان / شاهین‌شهر با صفا، با مردمانی بی‌ریا
گو از نطنز و هستی‌اش، از قدرت و سرمستی‌اش / همچون زلال چشمه‌سار، اهل دهقان نامدار
عطر خوش سیب آمده، بر قلب عاشق سر زده / خواهیم سمیرم را ز جان، با آبشاری جاودان
استا فریدون‌شهر را، اقوام و مهر و نهر را / دشت فریدن را نگر، از لاله‌ها حظی ببر
آران و در بر بیدگل، از فرش تا عرش است گل / آن مردم خوب کویر، ایثارشان شعر شهیر
خور و بیابانک نشان، دارد ز پاکی روان / از سرزمین آفتاب، از شعر و فرهنگ و کتاب
صبح فلاورجان همی، از دل زداید هر غمی / تیران و کرون چون تنی، گردش ز ایمان جوشنی
در این سرای ماندگار، درهای سنگی یادگار / بوئین دیار نامدار، عطر میاندشت بوی یار
بر باغ‌کار زنده رود، مهر از ازل تابیده بود / گویم سخن از اصفهان، این نیمه‌ی خوب جهان

^{۶۴}. این ترانه در وصف اصفهان خوانده شده‌است. در ترانه این اثر نام تمام شهرهای اصفهان آورده شده‌است.

۱۸- مدافعان حرم -احمد بابایی علیرضا سپهوند ۱۱ خرداد ۱۳۹۵

خبرآمیخته با بغض گلو گیر شده است سر دین طعمه سر نیزه تکفیر شده است
ما قسم خورده عشقیم به زینب سوگند پاسبانان دمشقیم به زینب سوگند
بذر غیرت سر خاک شهدا می کاریم پاسخ شیعه همین است که صاحب داریم
بیشتر زن که از این قوم بدی می جوشد از زمین غیرت هجرین علی می جوشد
شرق در فته از آب به شمال افتاده است بر رخ غرب از این حادثه خال افتاده است
جبهه در شام و عراق از سه طرف باز کنند وای اگر دست کجی پا به نجف باز کند
ما قسم خورده عشقیم به زینب سوگند پاسبانان دمشقیم به زینب سوگند
بذر غیرت سر خاک شهدا می کاریم پاسخ شیعه همین است که صاحب داریم

۱۹- غرق باران^{۶۵} - حامد حسین خانی - عماد توحیدی مرداد ۱۳۹۵

^{۶۵}. موضوع این اثر درباره ی ۲۳ نفر از رزمندگان نوجوان ایرانی است که در جریان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۱ به اسارت نیروهای عراقی درآمدند.

۲۰- دلتنگ باران^{۶۶} - اسماعیل فرزانه - مهرداد دلنوازی بهمن ۱۳۹۵

بخوان عاشقانه بخوان عاشقانه
بخوان تا دوباره بجوشد ترانه
بخوان عاشقانه بخوان عاشقانه
بخوان عاشقانه به آهنگ باران
که هم بغض ابرم که دلتنگ باران
بخوان که تا جاری شود عطر آواز
که هم بغض ابرم که دلتنگ باران
بخوان تا که جاری شود عطر آواز
بخوان ای غزاله نگاهت غزل ساز
تو لبخند ماهی به شبهای تارم
اگر لحظه لحظه تو را بیقرارم
تو را مینویسم تو را میسرایم
تویی در تمام غزل، گریه هایم
بخوان بی تو بیتات و توفانی ام من
همین شعر هایی که میخوانی ام من

^{۶۶}. افتخاری و دلنوازی این ترانه را به پاس زحمات محمدرضا شجریان در موسیقی و بهبودی سلامتی ایشان به او تقدیم کردند.

۲۱- شهر تازه^{۶۷} - عبدالجبار کاکایی - عباس آزاد ۱۹ فروردین ۱۳۹۶

ما ساکن سیاره ی عشقیم
آرامش ما وقت سرسختی ست
همسایگی با خاک و باد و آب
زیباترین رویای خوشبختی ست
پروانه های باغ آوازیم
نیلوفران آبی خاموش
ما جنگلی سرزنده و سبزیم
واکرده سمت آسمان آغوش
دنیای ما اندازه ی ما نیست
دنیای جنگ و عاری از شادی
ما شهرهای تازه می سازیم
سرشار صلح و عشق و آبادی
یک آسمان آبی زمین پاک و بهاری
آغوش پرواز پرستو با قناری
شهری که پاکی هاش بی اندازه باشه
شهری که تا جون داره شهر تازه باشه
همسایه ی دیوارهای سرد
در شهر غوغا و صدا و شور
گاهی به عشق و دوستی محتاج
گاهی به رنج زندگی مجبور
دست من و تو از شب تیره
بی معجزه خورشید می سازه
یک آسمان آبی زمین پاک و بهاری
آغوش پرواز پرستو با قناری
شهری که پاکی هاش بی اندازه باشه
شهری که تا جون داره شهر تازه باشه

^{۶۷}. این ترانه برای محافظت و توجه به محیط زیست خوانده شده است.

۲۲- گل باران^{۶۸} - بیژن ارژن - امیر محمد رضایی ۱۳۹۷/۴/۱۷

بیا بخوان ترانه ی باران به چشمه ساران
بمان چنان غزال غزلخوان در این بهاران
به پاکی گل به شرم شبنم بیا که باشیم من و تو همیشه باهم
بیا که باشیم به روزگاران به فکر گلها به یاد یاران
زندگی قصه ی ما قصه ی رود
سبزی جنگل و گنبد کبود
زندگی را عاشقانه را بید مجنون را میتوان سرود
که تویی اصل هر بود و نبود
با تو بیرون شد غم از سینه ی گل
شبنم رویت آئینه ی گل
توشدی یار دیرینه ی گل
امشب این ماه با تو دارد حرفی روشن
چشمه چشمه تازه تر شو بنشین با من
کوچه را سرو و صنوبر میکشیم
در هوای پاک تو پر میکشیم
بیا بیا تو ای بهار گل نشان
بمان بمان میان شهر عاشقان
در این هوای تازه ی شکفتنی
بخوان بخوان به کوچه باغ آسمان
آمد از برکه ی نیلوفری ات
در شب مهتاب یک قوی سفید
آمدی دشت غزالستان شد
گل باران هم از شاخه چکید
نشکنیم آینه ی برکه ی پیر
مهربان باشیم با شاخه ی بید
با تو ای بهار من شنیدنی ست
شادی شکوفه ها خنده ی عید
مثل گل باشیم در این باغ امید

^{۶۸}. این ترانه در احترام به محیط بانان خوانده شده است.

۲۳- رهایی^{۶۹} - سعید بیابانکی - علیرضا افتخاری خرداد ۱۳۹۶

از اوج رهایی صدا کن مرا
صدا کن مرا از این بند و زندان رها کن مرا
رهایم کن از غم که زندانی ام
که من خانه ای رو به ویرانی ام
گرفتار بندم قفس در قفس
رهایم کن از غم نفس در نفس
صدا کن مرا ماه مهمانی است
که چشمان من خیس و بارانی است
مرا غرق پرواز و لبخند
بیا و رهایم از این بند کن
تو که دستهایت پر از زندگی ست
پر از لذت ناب بخشنده ست
بزرگان کریمند و بخشنده اند
کریمان بزرگان آینده اند

^{۶۹}. این ترانه به مناسبت ایام ماه رمضان خوانده شده است.

۲۴- به یاد مریم^{۷۰} - ندا شاه‌محمدی - حسن میرزاخانی ۲۸ تیر ۱۳۹۶

رفت از بر ما آنکه دل آرای جهان بود دیگر به چه حالی به جهان شاد توان بود
از دیده ی ما قرصه قمر فخر زمان رفت ای سینه بنالان مه دردانه جوان رفت
افسوس که این باد خزان زود بر او تافت گل را ز کجا طاقته این باد خزان بود
صد جور از این دور فلک بر دله ما رفت افسوس که مریم نه گلی چون دگران بود
صد کوه بلرزد ز غم دوست خدایا خدایا آن سرو روان مایه ی آرامشه جان بود
صبری به دل از داغه غم یار عطا کن او یار که نه جان جهان فخر زمان بود
ای اشک ندیدی که چه نامی ز جهان رفت نامی که به هر کوی چو مهتاب روان بود

^{۷۰}. این ترانه را به سبب درگذشت مریم میرزاخانی منتشر کرد.

۲۵- کولبر^{۷۱} - بیژن ارژن صادق نوری بهمن ۱۳۹۷

سکوت سنگی شب شبانه های بیمار
حکایت غریبست در آن سیاهی راه
چه راه دور و دیرست در این هوای غمناک
زدن به سینه کوه میان برف و کولاک
آه ای رفیق دیرین آه ای سکوت شیرین
بیا بیا ببین برایت چه میکشم به روی شانه
چه میکشم از این زمان و چه میکشم از این زمانه
ای بی خبر از این سفر از قصه های کولبر
بخوان با من ای رفیق این روزگار هجران
که میریزد از صدای من داغ روزگاران
سکوت من صدای من بمان امشب برای من
ای بی خبر از این سفر از قصه های کولبر
ای بی خبر از این سفر از قصه های کولبر

^{۷۱}. علیرضا افتخاری آن را به کولبران تقدیم کرده است.

۲۶- سلام- عالیہ رجبی امیرحسین اسکندری ۲۱ تیر ۱۳۹۸

مناجات با امام رضا (ع)
سلام ای امیرم علی بن موسی
سلام ای انیس و نفوس
سلام ای پناهم همه سوز و آهم
تو معنای شمس الشموس
هوای تو کرده دل بی قرارم
رضا جان پناهم بده
دل آشفته از راه دور آمدم من
در این خانه را هم بده
هردم پریده در هوای حرم
احساس من کبوترانه شده
اشکی که می چکد به صورت من
زیباترین غم و بهانه شده
ای منتهای وابستگی ها
آرام بخش دلخستگی ها
به دستت رقم می خورد
خدایی ترین سرنوشت
من از صحن تو می رسم
به دروازه های بهشت
دلم را گره می زنم
شبانه به کنج ضریح
بیا مرده را زنده کن
تو با یک نفس ای مسیح

۲۷- حریم- محمود حبیبی کسبی امیر حسین اسکندری ۱۷ تیر ۱۳۹۸

رسیدم دوباره به درگاه شادی
چه شاهی که دارد ز شاهان سپاهی
سلام ای غریبی که در صبح محشر
ندارم به جز مهر مهرت گواهی
تو آیینه آیینه نوری نوری
تو مهری چه مهری تو ماهی چه ماهی
چو آیینه از بس که دل نازکی
توان تا حریمت رسیدن به آهی
دل پر از شوق است در لقای تو
هر غریبی شد آشنای تو
دل شد از تو مبتلای تو
قلبم جانم در هوای تو

۲۸- همت آهو- محمد علی بهمنی ابوالفضل صادقی نژاد ۱۷ تیر ۱۳۹۸

شرمنده‌ام که همت آهو نداشتم
شصت و سه سال راه به این سو نداشتم
اقرار می‌کنم که من این‌های و هوی گنگ
ها داشتم همیشه ولی هو نداشتم
جسمی معطر از نفسی گاه داشتم
روحي به هیچ رایحه خوشبو نداشتم
فانوس بخت گم‌شدگان همیشه‌ام
حتی برای دیدن خود سو نداشتم
وایا به من که با همه‌ی هم زبانی‌ام
در خانواده نیز دعاگو نداشتم
شعرم صراحتی‌ست دل‌آزار، راستش
راهی به این زمانه‌ی نه تو نداشتم
نیشم همیشه بیشتر از نوش بوده است
باور نمی‌کنید که کندو نداشتم!
می‌شد که بندگی کنم و زندگی کنم
اما من اعتقاد به تابو نداشتم
آقا شما که از همه‌کس باخبر‌ترید
من جز سری نهاده به زانو نداشتم
خوانده و یا نخوانده به پابوس آدم؟
دیگر سوال دیگری از او نداشتم

۲۹- پابوس^{۷۲} - جواد گنجعلی امیر حسین اسکندری ۲۲ تیر ۱۳۹۸

پیاده میام لایق تو بشم شکسته میام تا تو راهم بدی
گرفتارم و خسته و بی پناه میام تا خودت نگاهم تا پناهیم بدی
پیشون و غمگین غریبانه تنها همه جارو گشتم رسیدم به اینجا
نگام کن که بیتو چقدر بی پناهیم گرفتار دنیا مسیر گناهیم
در محضر شاهم لبریز گناهیم مشتاق نگاهم لطفی کن و سلطان خراسان به بزرگی بده راهم
بی نام و نشانم ابری شده جانم با بار گرانم آماده فرمان تو ای عشق به دنیا که بخوانم
گریه باران شد آهو گریزان شد شکوه عاشقی جان را پریشان کرده امشب
باران گرفت و اشکم دریا شد در صحن چشمم دنیا زیبا شد
ای صبح روشن سویت دویدم روحم رها شد هر بغضم صدا شد
در محضر شاهم لبریز گناهیم مشتاق نگاهم لطفی کن و سلطان خراسان به بزرگی بده راهم
بی نام و نشانم ابری شده جانم با بار گرانم آماده فرمان تو ای عشق به دنیا که بخوانم

^{۷۲}. این اثر همزمان با سالروز ولادت علی بن موسی الرضا منتشر شد.

۳۰- مرد میدان^{۷۳} - مولوی محمدرضا چراغعلی ۱۷ دی ۱۳۹۸

تو مکن تهدیدم از کشتن که من
تشنه ی زارم به خون خویشتن
تشنه ی زارم به خون خویشتن
گر بریزد خون من آن دوست رو
پای کوبان جان برافشانم بر او
پای کوبان جان برافشانم بر او
رقص و جولان بر سر میدان کنند
رقص اندر خون خود مردان کنند
چون جهند از دست خود دستی زنند
چون رهند از نفس خود رقصی کنند
میرسد آواز عشق
میرسد آواز عشق از چپ و راست
منطق الطیر سلیمانی کجاست
منطق الطیر سلیمانی کجاست کجاست
مطربانشان از درون دف میزنند
بحرها در شورشان کف میزنند
تو نبینی لیک بهر گوششان
برگ ها بر شاخه ها هم کف زنان
رقص و جولان بر سر میدان کنند
رقص اندر خون خود مردان کنند
چون جهند از دست خود دستی زنند
چون رهند از نفس خود رقصی کنند

^{۷۳}. این قطعه پس از کشته شدن قاسم سلیمانی خوانده شد.

۳۱- چشم و چراغ مولوی محمدجلیل عندلیبی تصنیف افشاری

آمد بهار خرم و آمد رسول یار
مستیم و عاشقیم و خماریم و بی قرار
ای چشم و ای چراغ روان شو به سوی باغ
مگذار شاهدان چمن را در انتظار
گل از پی قدوم تو در گلشن آمدست
خار از پی لقای تو گشتست خوش عذار
ای سرو گوش دار که سوسن به شرح تو
سر تا به سر زبان شد بر طرف جویبار
غنچه گره گره شد و لطف گره گشاست
از تو شکفته گردد و بر تو کند نثار
آخر چنین شوند درختان روح نیز
پیدا شود درخت نکوشاخ بختیار

۳۲- مهربانی مولوی -رضا شفیعیان تصنیفی در آواز بیات ترک بر اساس گوشه مهربانی ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی

ای یوسف خوش نام ما خوش می روی بر بام ما
ای درشکسته جام ما ای بردریده دام ما
ای نور ما ای سور ما ای دولت منصور ما
جوشی بنه در شور ما تا می شود انگور ما
ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما
آتش زدی در عود ما نظاره کن در دود ما
در گل بمانده پای دل جان می دهم چه جای دل
وز آتش سودای دل ای وای دل ای وای ما

۳۳- زیارت- سعید بیابانکی حمید اکبرزاده ۱۳۹۳ تصنیف ابوعطا

آمدم زیارت سربزیر و خسته
با دو چشم بی سو با دلی شکسته
سالهای سال است دورم از نگاهت
جان من فدای صحن و بارگاهت
نغمه های پرشور گرم و عاشقانه
می رسد به گوشم از نفاخه خانه
هر کجا که بودم غرقه در تلاطم
عاشقانه گفتم یا امام هشتم (ع)
ای که با تو دارم خلوتی خدایی
از تو شد دو چشمم غرق روشنایی
هم طراوت از تو هم جلا گرفتم
حاجتم روا شد من شفا گرفتم

۳۴- هفت گنبد- سعید بیابانکی علی زارع

خانه ای با هفت گنبد ساختم
چامه با نام محمد ساختم
چامه تا در خانه من پا گرفت
رنگ سرخ مسجدالاقصی گرفت
نرم نرمک آمد از دارالاسلام
رفت و قامت بست در بیت الحرام
باز هم با خانه ای مینو سرشت
مصرعی از گنبد خضرا نوشت
چرخ زد در مسجد یا صوفیا
در صدای دلنواز ربنا
آمد و جانم پر از آیینه شد
خانه من مسجد آدینه شد
همصدا شد آسمان با ماه من
چنگ زد در شیخ لطف الله من
خیز و چین اخم از ابرو بچین
سفره از آدینه تا خاجو بچین
هفت گنبد هاست در نقش جهان
گوشه ای پر شور شد در اصفهان
هفت گنبد هفت مست هفت ملت هفت دست
هفت ساقی هفت مست هفت ساغر هفت مست

ای ربیع و الحق
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ از چهار سو
می شکافد شانه ات را مو به مو
باز شد با برگ گل تقویم من
پاگذار ای یار در اقلیم من
سال با همراهی سینا شده
سال پیوستن به هم دریا شده
تا ابد ایران من پاینده باد
زنده رو همصدایی زنده باد

۳۵- روح جوانمردی^{۷۴} - پرویز بیگی حبیب آبادی - سینا جهان آبادی - الهام افتخاری

توی این عمر دو روزه سر راهت دو تا راهه
آخر یه راه سپیده ، آخر یه راه سیاهه
اگه راه روشنت عشق و جوون مردی نباشه
دنیا مون از هم می پاشه
با جوون مردیه که مردونگی ها پا می گیره
دشنه و کینه می میره
می تونی پرنده باشی
با سپیده هم صدا شی
توی آسمون رها شی
توی این عمر دو روزه
پوریا باش و ولی باش
با علی باش ، با علی باش
خدا عشقو آفرید
تا با شقایق آشنا شی
کمی از زمین جدا شی
ما باید قدر شقایقو بدونیم
قدر اون قلبای عاشقو بدونیم
اونا که پر کشیدن از این زمونه
آشیون شون همیشه آسمونه
خوش به حال و روزتون
سروای جوون مردی و ایثار
آینه های روز دیدار
توی این عمر دو روزه
سر راهت دو تا راهه
آخر یه راه سپیده
آخر یه راه سیاهه

^{۷۴}. در ستایش ایثار و فداکاری.